


انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی

۲۸

# سیر ارتباطات اجتماعی در ایران

دکتر حمید مولانا




۲۸

# سیر ارتباطات اجتماعی در ایران

تألیف

دکتر حمید مولانا

با یادداشت‌های

رضا مرزبان

۱۳۵۸




# سیر ارتباطات اجتماعی در ایران

تألیف دکتر حمید مولانا

با یادداشت‌های رضا مرزبان

۱۳۵۸ شمسی

ـ ۳۰۴ صفحه

ـ حروفچینی و چاپ : چاپخانه گیلان ـ تهران

ـ طرح روی جلد : مهندس بهروز موسوی

# فصلها و مطالب


فصل اول :

تحقیق درتاریخ روزنامه نگاری ایران ۹ تا۱۷

فصل دوم :

بنیاد ارتباطات اجتماعی درایران ۱۸ تا۲۶

فصل سوم :

پیدایش وتوسعهٔ فن وصنعت چاپ ۲۷ تا۴۰

فصل چهارم:

طلیعه مطبوعات فارسی درآسیا
وآغاز اولین روزنامه درایران ۴۱ تا۷۰

فصل پنجم :

رشد مطبوعات و توسعهٔ ارتباطات اجتماعی
در زمان ناصرالدین شاه ۷۱ تا ۹۳

فصل ششم :

روزنامه نگاری و هسته‌های انقلاب مشروطه ۹۳ تا ۱۱۰

فصل هفتم :

ارتباطات اجتماعی در دورهٔ اول انقلاب مشروطه ۱۱۱ تا ۱۳۴

فصل هشتم :

ارتباطات اجتماعی ، در دورهٔ دوم انقلاب مشروطه ۱۳۵ تا ۱۷۵

فصل نهم :

مطبوعات بسیج گروپیدایش احزاب سیاسی ۱۷۶ تا ۲۱۶

یادداشتها ۲۱۷ تا ۲۸۰

فهرست نام‌ها ۲۸۳ تا ۳۰۵

گراورها ۳۰۶ به بعد

# پیش گفتار

چاپ کتاب حاضر، تفصیلی پیدا کرده است . کتاب باید یکسال‌پیش منتشر می‌شد ، اما مشکلات چاپ ، انتشارآنرا به‌تأخیر انداخت . با این وصف می‌توان گفت تـأخیر انتشار ، از اعتبارآن ، چیزی نکاسته است ، زیرا ، زمینهٔ بحث ، همچنان بـکر ودست نخورده مانده .

با دیدصیرفی وار ، « سیرارتباطات اجتماعی درایران » مدخلی است برای مروری انتقادی بر تاریخ ارتباطات‌اجتماعی‌بطورعام وتاریخ مطبوعات، بطورخاص. مؤلف محترم کتاب ، که سالهاپیش کار روزنامه نگاری را در ایران ، به عنوان حرفه انتخاب کرد ، ودرایالات متحدامریکا به‌صورت دانش ، ادامه داد وتادرجهٔ تخصص رساند ، سالهاست دردانشگاه‌های امریکا ، تدریس می کند ، وهم‌اکنون ، استاد کرسی ارتباطات بین‌المللی دردانشگاه آمریکن واشنگتن است .

این اندازه‌آشنایی بامؤلف ، ازآن روضرورت دارد که خواننده موقع‌علمی صاحب تألیف رابشناسد، وازسوی دیگر، توجه داشته‌باشد که آبشخور آگاهیها برسلیقهٔ تألیف ، و مشرب نویسنده اثر می گذارد ؛ و درهرحال روی حاصل‌کار و تحقیق وی ، و وسعت وتنگنای افق دیداو ، مؤثرخواهد بود . خاصه که موضوع تحقیق ، به‌مبحث جامعه‌شناسی وریشه یابی‌جریانها ووقایع اجتماعی ، فرهنگی و

سیاسی مربوط باشد.

می‌توان گفت، درواقع نقطه آغاز این تحقیق، بازمان نگارش رسالهٔ دکتری آقای حمید مولانا مصادف می‌شود، که به‌نام:

**Journalism in Iran: A History and Interpretation**

درسال ۱۹۶۳ طی دوجلد ازجانب دانشگاه «نورث‌وسترن» ـ ایالت ایلینیویز ـ انتشاریافته است. وسالها بعد، ضمن سفرهای مکرر به‌تهران ولندن، تألیف خود را به‌صورتی مدون ساخته‌اند که اکنون شما باقسمت اول آن رویارو هستید.

آنچه در کتاب حاضر، جالب‌توجه است، دقت ومراجعهٔ مؤلف، به‌منابع متنوع خارجی است که درزمینهٔ بحث، به‌اندازهٔ کافی دراختیار داشته‌اند، و با وجود دوری از ایران، با همان وسعت، به‌منابع فارسی، اعم از ایرانی، وغیر ایرانی نظر کرده‌اند. بااین وصف لازم به‌یادآوری است که براساس منابعی که در دسترس داشته‌اند، گاه در برآورد عوامل ورویدادهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، سلیقه یا نظری ابرازشده که جای تأمل دارد.

درغیاب مؤلف محترم، کار ویرا ستاری و نظارت برچاپ کتاب، از طرف دانشکدهٔ علوم ارتباطات اجتماعی به‌اینجانب سپرده شد. ویادداشتهایی که درپایان کتاب آمده است، حاصل مقایسهٔ مجدد متن درزمینهٔ پاره‌یی وقایع، اطلاعات و شناسایی شخصیت‌ها، بامنابع فارسی است که به‌علت‌بعد مکان، ازدسترس مؤلف دور مانده است وگنجاندن آنها درمتن میسر نبود.

همچنین، چند توضیح درخوریادآوری است:

۱ـ آنجا که از سفرنامهٔ «پیترودلاواله» نام‌می‌آید ـ یادداشتها، صفحه ۲۳۳ ـ نوشته‌شده: (در کتابخانه‌هایی که می‌شدمراجعه کرد، نیزسفرنامهٔ «دلاواله» نبود.) باید گفت از سفرنامهٔ مفصل «دلاواله» جهانگرد ایتالیایی آنچه مربوط به‌ایرانست طی دوجلد، به‌ترجمه «شجاع‌الدین شفا» ـ درسال ۱۳۴۷ از طرف کتابخانه‌بنیاد

پهلوی ـ انتشاریافته است ، و جلد اول این کتاب که دردسترس بود ، اشاره‌یی از نوع مورد بحث نداشت وراه مراجعه به‌جلد دوم، برای خواننده صاحبنظر بازاست.

۲ـ کتاب باهمه کوشش ، ازخطاهای چاپی مصون نمانده است ، که‌بیشتر آنها قابل درك است ـ جز درمورد نامها نظیر «سهیل‌آذری» ـ صفحه ۲۲۹ـ که «سهل» چاپ شده است .

۳ـ فهرست نامها ، محصول زحمت‌آقای علیرضا فرضی فارغ‌التحصیل دانشکده است .

جزاین برای گفتن نمی‌ماند که آرزو کنیم مؤلف محترم ، برای تدوین دوره‌های دیگروبعدتر«سیر ارتباطات اجتماعی» به‌فراغتی دست یابد .

**رضامرزبان**

# فصل اول

## تحقیق در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران

تاریخ تمدن به تعبیری تاریخ سیر افکار وعقاید بشراست. ازیك جنبه‌اصلی تاریخ روزنامه‌نگاری، تاریخ انتشار ونفوذ آگاهی‌های فکریست . درمدت بیش ازپانصد سال، بشرمتمدن بااستفاده ازوسایل واختراعات علمی، مثل چاپ، تلفن، رادیووتلویزیون، سعی کرده است باهمنوع خودارتباط پیدا کند. بابه‌کاربردن‌وسایل ارتباطی اعضای مختلف جامعه انسانی کوشش کرده‌اند ازوقایع‌روزباخبرشوند، عقایدخودرا به‌همدیگرابراز کنند، اندیشه‌های محیط خودرا تفسیر وتعبیرنمایند وبالاخره با تسلط بروسایل ارتباطی به پیشرفتهای فکری ، اجتماعی ، اقتصادی وسیاسی‌دست یابند .

نقش روزنامه‌نگاری وارتباطات اجتماعی دردوران انقلاب فرانسه ، نهضت مشروطهٔ ایران ، تسلط هیتلر براروپا، حکمرانی موسولینی درایتالیا ، و بسیاری ازوقایع وحوادث تاریخی غیرقابل تردید است. درتحول وانقلاب سی‌سال گذشته نقاط مختلف دنیاوازجمله خاورمیانه، انقلاب وپیشرفتهای‌ارتباطی، تأثیرمستقیم داشته‌است. این‌پیشرفتهاموانع جغرافیایی رادردنیای امروزتاحدی برطرف کرده

وفاصله‌های دور وغیرقابل تصوررا به‌دقیقه وثانیه مبدل ساخته است. مسافرت بشر به کره‌ماه مظهرونمودار این‌تحول است.

امروز تئوریهای ارتباطی و فنون روزنامه نگاری یکی ازرشته‌هـای علوم اجتماعی عصرما به‌شمارمی‌رود وهزاران دانشمند ودانشجوی جامعه شناسی، علوم سیاسی واقتصادی دراین رشته تحقیق وبررسی می کنند. مطالعات وتحقیقات چند سال گذشته نشان می‌دهد بسیاری ازبرنامه‌های‌عمرانی وتوسعه درآسیا وآمریکای جنوبی وحتی دراروپا وآمریکا که همراه‌بـاارتباطات اجتماعی وفنون تبلیغات‌و روزنامه‌نگاری نبوده بی‌نتیجه مانده است و فایدهٔ مطلوب ازآنها حاصل نشده . تجربیات‌تلخ و ناگوار تبلیغاتی وروزنامه‌نگاری در قسمتهای بهداشت و فرهنگ هـم چنین ثابت کرده است کـه اگر آگاهیهای تبلیغاتی و روزنامه نگاری بـافرهنگ ورسـوم کشور مورد ملاحظه‌تطبیق نکند، محکوم‌بـه شکست است وفایده‌یی ازآنها حاصل‌نخواهد شد. بدین جهت‌است که کشورهای مترقی‌امروز ومخصوصاً ممالك درحال توسعه که برنامه‌های طولانی ووسیعی درپیش دارندسعی می کنند نه تنها ازفنون وآگاهیهای علمی وفنی وارتباطی دنیای متمدن با خبر شوند، بلکه‌این وسایل‌رابامطالعه تمدن ورسوم خودطوری بکاربرند که‌حداکثر استفاده درپیشرفتهای ملی‌ازآن بدست‌آید .

مطالعه تاریخ ارتباطات وروزنامه‌نگاری هر کشوری اولین‌قدم درراه‌توسعه و گسترش بیشترداتش وعلوم‌ارتباطات اجتماعی آن کشوراست. تنها پس‌ازبررسی عمیق درسیر افکار وعقاید عمومی و چگونگی پیدایش وتکامل روزنامه‌نگاری یك ملت است که می‌توانیم بطـور عاقلانـه از دانستنیهای ارتباطی دنیای صنعتی برای‌آن ملت استفاده کنیم . تقلید چشم‌بسته ازسیستم ارتباطی وروزنامه‌نگاری‌و تلویزیونی‌ملل دیگر بی‌مطالعه امکان هماهنگی آنها بافرهنگ وتاریخ‌ارتباطات خودمان نتایج ناگوار وزیان‌بار خواهد داشت.

هدف کتاب حاضر اینست که مارا به تاریخ روزنامه‌نگاری وسیر تکامل ارتباطات اجتماعی ایران،ازآغاز تاعصر کنونی آشنا کند.امیداست که این کتاب بتوانداولین تحقیق‌وتدوین جامع وعلمی درتاریخ روزنامه‌نگاری ایران باشد.

درنیم قرن گذشته تحولات روزنامه‌نگاری وفنون‌چاپ وغیره درایران‌مورد بحث و گفتگوی نویسندگان مختلف خارجی و ایرانی بوده‌است وجزوه‌ها و مقالات متعددی درباره بازیگران عرصهٔ روزنامه‌نگاری ایران نوشته شده، ولی‌تا به امروز کتابی که تاریخ روزنامه‌نگاری ایران را به‌صورت جامع وکامل بررسی کندبه رشته تحریر درنیامده است. ازاین جهت مآخذ ومنابع مؤلفان این رشته درایران فقیر ونسبت به‌سایر رشته‌های تاریخ تمدن ایران، عقب مانده است. بااین وصف درپنجاه سال‌اخیر، تحقیقات پراکنده باارزشی‌انجام شده که بی‌آنها امروز مطالعهٔ تاریخ روزنامه‌نگاری ایران مشکل‌بود.

اولین جزوه که‌درایران راجع به روزنامه‌نگاری‌ومطبوعات منتشر شدبه‌قلم اچ. ل. رابینو[1] دررشت بود. این جزوه در۲۹ صفحه تحت عنوان «صورت جرائد ایران وجرائدی که درخارج ایران به زبان‌فارسی طبع شده است » در چاپخانه عروةالوثقی درسال ۱۹۱۱ میلادی چاپ شد . (۱)

مقدمه این جزوه راکه ازچندصفحه تجاوزنمی کند محمدرضاپسر اسماعیل رشتی نوشته است و رابینو درصفحه‌های بعداسم وشرح خیلی مختصری از ۲۴۳ روزنامه فارسی که تاآنروز درایران وخارج چاپ‌شده‌بود به‌ترتیب الفبا ذکر کرده است .

ترجمه جزوهٔ رابینو دوسال بعددر۱۹۱۳ میلادی درمجله (جهان مسلمان[2]

---

1. H. L. Rabino

2. Revue du Monde Musulman

- ص۳۱۵ـ۲۸۷) درپاریس منتشر شد.

در۲۳ مه۱۹۱۳ میلادی پروفسورادواردبرون[1] دردانشگاه کمبریج انگلیس نطقی راجع به تاریخ روزنامه نگاری ایران ایراد کرد که بعدها به‌صورت جزوه‌یی کوچك درلندن به چاپ رسید. (۲) سخنرانی پروفسوربرون وجزوهٔ ابتدایی او مرهون جزوه ومطالعات رابینو در ایران بود ودانشمند انگلیسی در نوشته‌های بعدی‌خود به این‌مطلب اعتراف می کند. درهمین سالها پروفسوربرون که‌مشغول مطالعه وتحقیق درادبیات وتاریخ ایران بوده، علاقهٔ فوق‌العاده به تاریخ‌روزنامه‌نگاری‌ایران ومخصوصاً تأثیر آن درادبیات‌وشعر فارسی‌پیدا می کندودرسال۱۹۱۴ میلادی کتاب «مطبوعات وشعر درایران‌نو» رامنتشرمی‌سازد. (۳) این کتاب به‌دو قسمت اصلی تقسیم شده است:

۱ـ تاریخ‌چاپ‌وروزنامه نگاری‌درایران‌مخصوصاًروزنامه‌های‌انقلاب‌مشروطه.

۲ ـ شعرای‌معاصر نهضت آزادیخواهی.

پروفسور برون دراین کتاب پس ازچند صفحه مقدمهٔ مختصر که راجع به فن‌چاپ‌وشروع‌روزنامه نگاری‌درایران نوشته،قسمت‌اعظم‌مطالعات‌خودرا به‌ذکر نام نشریه، نام مدیر وسردبیر ونویسندگان ومحل چاپ ۳۷۱ روزنامه‌ومجلهٔ‌فارسی اختصاص‌داده‌است.قسمت‌مهمی‌ازمطالعات‌پروفسوربرون راجع به‌مطبوعات‌ایران در حقیقت‌ترجمه ونتیجه‌تحقیقات دانشمند ایرانی‌میرزا محمدعلی‌خان‌تربیت‌تبریزی است. محمدعلی‌خان تربیت تحقیقات بسیار جالبی دربارهٔ فن‌چاپ وروزنامه‌های دورهٔ مشروطه انجام داده بود ولی موفق به‌چاپ نوشته‌های‌خودنشد وفقط به‌اهتمام پروفسوربرون بود که مطالعات او به صورت مرتبی در کتاب «مطبوعات وشعر در ایران‌نو» منتشر گردید.

---

1. Edward Browne

پروفسور برون درسایر نوشته‌های خود از جمله «انقلاب ایران» (۴) و «تاریخ ادبیات ایران» (۵) گاهگاهی به مطالعهٔ توسعه و نقش مطبوعات درایران پرداخته است و مخصوصاً در نوشته‌های دورهٔ نهضت مشروطه، اهمیت روزنامه نگاری و روزنامه نگاران رادرپیشرفتهای اجتماعی وسیاسی ایران معاصر بررسی می کند. نوشته‌های پرارزش پروفسور برون مأخذی قابل اعتنا درتحقیقات مطبوعات ایران ومخصوصاً دوره‌های اواخر قرن نوزدهم واوایل قرن بیستم است. ولی نوشته‌های «برون» وتحقیقات اودرباره معرفی فن چاپ درایران وانتشار روزنامه‌های ابتدایی وبطور کلی وضع ارتباطات وروزنامه‌نگاری ایران در نیمهٔ اول قرن نوزده، چندان عمیق نیست.

مثلا تاریخچهٔ روزنامه‌نگاری ایران درنوشته‌های پروفسور برون از زمان صدارت امیر کبیر شروع می‌شود وهیچگونه اشاره‌یی به نویسندگان وروزنامه‌نگاران وروزنامه‌های پیش از ناصرالدین شاه، مخصوصاً دوره محمدشاه و فتحعلی شاه نکرده است. بااینکه اولین روزنامهٔ ایران توسط میرزا صالح شیرازی (که مدتها درانگلستان اقامت داشته) درزمان محمدشاه درتهران منتشر شده و نسخه‌های آن به لندن فرستاده شده‌است وحتی نسخه‌شمارهٔ اول آن بطور کامل درمجلهٔ سلطنتی آسیایی انگلستان به‌سال ۱۸۳۹ درلندن به‌چاپ رسیده بود، نوشته‌های پروفسور برون نشان می‌دهد که اواز وجود چنین روزنامه‌یی باخبر نبوده است وتحقیقات وی دراین مورد ناقص است. (۶)

تاپایان جنگ دوم بین‌المللی نوشته‌های پروفسور برون تنها تاریخچهٔ قابل توجهی بود که‌دربارهٔ روزنامه‌نگاری ایران به چاپ رسیده بود. بااینکه‌درسالهای بین‌جنگ اول ودوم بین‌المللی مقالات متعددی درباره مطبوعات ایران درتهران واروپا منتشر شد، این نوشته‌ها اطلاعات مهمی بر آگاهیهای روزنامه نگاری و

مطبوعات ایران اضافه نکرده است وغیرازچند مقاله جالب توجه درمجله کاوه چاپ برلین که توسط سیدحسن تقی‌زاده وهمکاران‌اومنتشر می‌شد، تاریخچهٔ جدیدی دراین مورد نوشته نشد . چند مقاله‌یی که درمجله کاوه درباره روزنامه نگاری ایران منتشرشد، ازاین جهت مهم است که این مجله برای اولین باراحتمال‌وجود روزنامه را قبل از سلطنت ناصرالدین شاه متذکر شده است و اطلاعات جدیدی راجع به معرفی چاپخانه درجلفای اصفهان وفعالیت گروه ارامنه در ایران بدست داده . (۷)

کامل‌ترین لیست روزنامه‌ها ومجلات‌ایران (ازعصرامیر کبیرتا آغازجنگ بین‌المللی‌دوم) توسط محمدصدرهاشمی بین‌سالهای ۱۳۲۷ تا۱۳۳۳ شمسی(۱۹۴۸ تا۱۹۵۳ میلادی) دراصفهان منتشرشد (۸) . صدرهاشمی نیزمثل رابینو، تربیت، پروفسوربرون، فصل‌اول«تاریخ جرایدومجلات‌ایران»خودرا به‌تاریخچه روزنامه‌نگاری و فن چاپ درایران و باقی فصول چهار جلدکتاب رابه معرفی ۱۱۸۶ روزنامه ومجلهٔ چاپ شده در ایران اختصاص داده است . کتاب صدرهاشمی در حقیقت دائرة المعارف وراهنمای خوبی‌برای‌مطبوعات ایران است که به‌صورت الفبایی تنظیم شده .

چنانکه پیداست جزوات و کتابهای منتشره درباره مطبوعات وروزنامه‌نگاری ایران تااین تاریخ بطور عام‌به ذکرنام ونشان وشرح مختصرروزنامه‌ها اختصاص داده شده است وهیچگونه کوشش واهتمامی که تاریخ روزنامه‌نگاری‌را بطورکامل وعلمی مطالعه وبررسی کند بعمل نیامده .

باوجود اهمیتی که روزنامه‌نگار وروزنامه‌نگاری درانتشارعقاید جدید در تاریخ معاصرایران وبه‌ویژه درانقلاب مشروطه ایران وآگاهیهای‌فکری سالهای بعددرایران داشته، قبل‌از کتاب حاضرتاریخچهٔ جدید و کاملی که‌نقش ارتباطات

وروزنامه‌نگاری رادرامور اجتماعی واقتصادی وسیاسی ایران بررسی کند، نوشته نشده‌است. علاوه براین آنچه راجع به‌روزنامه‌نگاری، دردسترس علاقه‌مندان تاریخ ایران هست ناقص وناصحیح است. مثلا توسط پروفسوربرون وسایر نویسندگان خارجی و ایرانی ، «وقایع‌اتفاقیه» اولین روزنامه ایران ذکر شده است و آغاز روزنامه‌نگاری‌ایران در کتب درسی‌وتاریخی از زمان صدارت امیر کبیر وسلطنت ناصرالدین شاه شروع می‌شود.

آن‌عده ازنویسندگان هم که سالهای بعدبطورپراکنده به وجود روزنامه و انتشارات قبل از وقایع اتفاقیه اشاره کرده‌اند ، تیربه تاریکی انداخته‌اند واز نشریه‌یی نام‌نبرده‌اند و فقط متذکر شده‌اند که نسخه‌یی از این روزنامه‌ها باقی نیست .

درسال ۱۳۴۲ شمسی مطابق با۱۹۶۳ میلادی مطالعات وتحقیقات نگارنده راجع به‌تاریخ روزنامه‌نگاری ایران دردوجلد درآمریکا منتشرشد. (۹) قسمتی ازجلداول این کتاب به پیدایش فن‌چاپ وروزنامه‌نگاری درایران اختصاص داده شده است که درآن به‌تفصیل تاریخ پیدایش ومتن کامل روزنامه‌های قبل‌ازوقایع اتفاقیه را تدوین ووجود وانتشار روزنامه‌یی را که توسط میرزا صالح‌شیرازی در زمان محمد شاه منتشرمی‌شد ذکر کرده‌ام .

دراواخرهمین‌سال‌بود که تحقیق‌ومطالعه‌درروزنگاری‌ایران مرابه‌انگلستان کشید وموفق شدم‌دونسخه اصلی روزنامه‌یی را که میرزا صالح شیرازی منتشر کرده‌بود درموزهٔ‌بریتانیا درلندن کشف کنم. درآبانماه ۱۳۴۲مقامات‌موزه‌بریتانیا اجازه‌عکس‌برداری وانتشاراین دونسخه‌اصلی رابرای من‌صادر کردندوعکس متن کامل دوشماره رابرای اولین باربه تهران آوردم .

سردبیری‌نگارنده‌درروزنامهٔ کیهان‌وسالهای‌بعد، اشتغال‌به‌تدریس دردانشگاههای

آمریکا، فرصت نداد کتاب تاریخ روزنامه‌نگاری ایران را که به انگلیسی نوشته شده‌بود به فارسی تحریر کنم. خوشبختانه آگاهیهای جدید از تاریخ روزنامه‌نگاری ایران، چندتن از نویسندگان ایران را به‌اکتشاف آثار تازه علاقه‌مند کرد ودوسال بعدمقاله‌یی راجع به‌اولین روزنامهٔ ایران به قلم علی مشیری درشماره ۲۴سال ۱۳۴۵مجله خواندنیها منتشر شد. درسالهای اخیرمطالعات نویسندگانی مثل‌دکترمحمد اسماعیل رضوانی، مسعود برزین واسماعیل رائین نکات بسیار جالب توجهی به تاریخ روزنامه‌نگاری ایران اضافه کرده است. کتاب «سفرنامه میرزا صالح شیرازی» (۱۰) که درسال ۱۳۴۷ درتهران منتشر شد، نمونه خوبی‌در این‌رشته بشمار می‌رود.

می‌توان گفت امروز راه تحقیق برای پژوهندگان، هموارشده است.

# منابع و مآخذ فصل اول

(۱)ـ «صورت جرائد ایران وجرائدی که درخارج ایران به‌زبان فارسی طبع شده است» بقلم اچ . ل . رابینو، چاپخانه عروةالوثقی ، رشت ، ۱۹۱۱ میلادی .

(2) . Edward G . Browne, The Persian Press and Persian Journalism, Persian Society,Published by John Hogg, 13 Paternoster Row, London, 1913 .

(3) . Edward G. Browne , The press and poetry in Modern Persien, Cambridge University press, 1914.

(4) . Edward G. Browne, The persian Revolution, Cambridge University press, 1910.

(5) . Edward G. Browne, A Literary History Of persia, 4 Volumes, Cambridpe University press, 1924.

(6) . the Journal of the Royal Asiatic Society of Great Brotain and Ireland, Article xx Iv, Volume V, London 1839, pp. 355-364.

(۷) – مجلهٔ کاوه (چاپ برلین ، آلمان)، سال ۱۹۲۱، شماره‌های ۴، ۵و۶.

(۸) ـ «تاریخ جرآید ومجلات ایران» به قلم محمد صدرهاشمی، چهارجلد ، چاپ اصفهان ، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۲.

(9). Hamid Mowlana, Journalism in Iran : A History and Interpretation, 2 Volumes,Northwestern University : Evanston, Illinois, 1963.

(۱۰) ــ «سفرنامه میرزا صالح شیرازی» به اهتمام ومقدمه اسماعیل رایین ، تهران ۱۳۴۷ .

# فصل دوم

## بنیاد ارتباطات اجتماعی در ایران

تاریخ روزنامه نگاری و ارتباطات اجتماعی در ایران نه‌فقط باید ازجنبهٔ تاریخ اجتماعی موردمطالعه قرار گیرد، بلکه‌ازجنبه طبیعت‌تاریخی نیز بایدملاحظه وبررسی شود.

تاریخ روزنامه‌نگاری هر کشورتنها نتیجهٔ اقدام و کوشش دستهٔ برجسته و اشخاص معین ومشخص نیست، بلکه‌حاصل جریان تاریخی است که‌اعضای‌مختلف جامعه درآن شرکت دارند واغلب بی‌آنکه اثرمداوم آنها در ظاهر به‌چشم آید به‌توسعه‌وتکامل‌وسایل اجتماعی‌وارتباطی‌وازجمله روزنامه‌نگاری‌نو کمك‌می کنند.

تاریخ روزنامه‌نگاری و ارتباطات اجتماعی ایران از تاریخ تمدن کشور ما جدا نیست. درعصری که انقلاب ارتباطات، ممالك مختلف دنیا را درچند ثانیه به‌هم متصل می کند، ودرقرنی که مسافرت بشربه کره ماه عادی ومعمولی‌به‌نظر می‌رسد، دانشجویان علاقه‌مند به‌تاریخ ارتباطات وتمدن ایران باید بیش از همه گذشتهٔ کشورخودرا مطالعه‌وبررسی کنندومخصوصاً پیشرفتها ونقش رهبری‌ایران را دراختراع وتوسعهٔ شاهراههای تجارتی، سیستم حمل ونقل وپست، دریانوردی‌و

# منابع و مآخذ فصل اول

(۱)ـ «صورت جرائد ایران وجرائدی که درخارج ایران بزبان فارسی طبع شده است» بقلم اچ . ل . راببنو، چاپخانه عروة‌الوثقی ، رشت ، ۱۹۱۱ میلادی .

(2) . Edward G . Browne, The Persian Press and Persian Journalism, Persian Society,Published by John Hogg, 13 Paternoster Row, London, 1913 .

(3) . Edward G. Browne , The press and poetry in Modern Persien, Cambridge University press, 1914.

(4) . Edward G. Browne, The persian Revolution, Cambridge University press, 1910.

(5) . Edward G. Browne, A Literary History Of persia, 4 Volumes, Cambridpe University press, 1924.

(6) . the Journal of the Royal Asiatic Society of Great Brotain and Ireland, Article xx Iv, Volume V, London 1839, pp. 355-364.

(۷) – مجلهٔ کاوه (چاپ برلین ، آلمان)، سال ۱۹۲۱، شماره‌های ۴،۵و۶.

(۸) ـ «تاریخ جراید ومجلات ایران» به قلم محمد صدرهاشمی، چهارجلد ، چاپ اصفهان ، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۲.

(9). Hamid Mowlana, Journalism in Iran : A History and Interpretation, 2 Volumes,Northwestern University : Evanston, Illinois, 1963.

(۱۰) ـ «سفرنامه میرزا صالح شیرازی» بـه اهتمام ومقدمـه اسماعیل رایین ، تهـران ۱۳۴۷ .

# فصل دوم

## بنیاد ارتباطات اجتماعی در ایران

تاریخ روزنامه نگاری و ارتباطات اجتماعی در ایران نه‌فقط باید ازجنبهٔ تاریخ اجتماعی موردمطالعه قرار گیرد، بلکه‌ازجنبه طبیعت‌تاریخی نیز بایدملاحظه وبررسی شود.

تاریخ روزنامه‌نگاری هر کشورتنها نتیجهٔ اقدام و کوشش دستهٔ برجسته و اشخاص معین ومشخص نیست، بلکه‌حاصل جریان تاریخی است که‌اعضای‌مختلف جامعه درآن شرکت دارند واغلب بی‌آنکه اثرمداوم آنها در ظاهر به‌چشم آید به‌توسعه‌وتکامل‌وسایل اجتماعی‌وارتباطی‌وازجمله روزنامه‌نگاری‌نو کمک‌می کنند.

تاریخ روزنامه‌نگاری و ارتباطات اجتماعی ایران از تاریخ تمدن کشور ما جدا نیست. درعصری که انقلاب ارتباطات، ممالك مختلف دنیا را درچند ثانیه به‌هم متصل می کند، ودرقرنی که مسافرت بشربه کره ماه عادی ومعمولی‌به‌نظر می‌رسد، دانشجویان علاقه‌مند به‌تاریخ ارتباطات وتمدن ایران باید بیش از همه گذشتهٔ کشورخودرا مطالعه‌وبررسی کنندومخصوصاً پیشرفتها ونقش رهبری‌ایران را دراختراع وتوسعهٔ شاهراههای تجارتی، سیستم حمل ونقل وپست، دریانوردی‌و

مخابرات، کتاب نویسی ونقشه کشی، مأخذ مطالعات تطبیقی قرار دهند و به‌طبع تاریخ ارتباطات اجتماعی خود پی ببرند.

در این فصل فرصت بیان و تشریح پیشرفتهای محصول تمدن سلسله‌های پادشاهی ایلام وهخامنشی وساسانی و غیره نیست و پیشرفت ارتباطات اجتماعی در ایران باستان درحقیقت تاریخ مخصوص به‌خود دارد که توسط دانشمندان داخلی وایران‌شناسان خارجی به‌تفصیل بیان شده است. ولی قبل ازتاریخ آغاز روزنامه‌نگاری‌وارتباطات‌اجتماعی کنونی‌ایران،بررسی‌تحول‌وتوسعهٔ دوعامل‌مهم‌ـ«پیدایش صنعت‌کاغذ» و«بنیاد خبرنویسی درایران»ـ ضروری بنظر می‌رسد.

## پیدایش کاغذ درایران

پیدایش کاغذ، سرفصل فن چاپ وانتشار کتاب‌وروزنامه‌نگاری است. درست است که‌پیش‌ازآن‌آثارمهم‌بزرگان‌ودانشمندان‌وشعرای‌دنیا ونیزمکاتبات‌ومحاسبات وقراردادها،روی‌پوست‌حیوانات ونباتات‌نوشته وپخش می‌شد،ولی اختراع‌وپیدایش کاغذ بود که وسیلهٔ جدید وبزرگی درتوسعه دانش و اطلاعات و اخبار درآسیا و اروپا بوجود آورد و کشورهایی که به‌این صنعت فرهنگی دست پیدا کردند، توانستند آثار علمی و ادبی و اجتماعی خود را بطور منظم وآسان بین جامعه و همسایگان خویش پخش کنند ورونق دهند.

مورخان عقیده دارند درسال۱۰۵ میلادی صنعت تولیدکاغذ درچین‌اختراع شد ودرقرون بعد به‌سایرنقاط آسیا وسرانجام به‌اروپا راه پیدا کرد.*

سمرقند اولین شهرایران بود که‌درسال ۷۵۱ میلادی صنعت کاغذسازی‌در آن رواج یافت و بعد از آنکه اعراب نقاط مختلف آسیای جنوبی و ترکستان کنونی را تسخیر کردند، صنعت کاغذ به‌سایر نقاط امپراتوری اسلام توسعه پیدا

کرد. درحقیقت دراواسط قرن هشتم میلادی درجریان هجوم اعراب به ماوراءالنهر واستانهای شمالی ایران، عده‌یی اززندانیان چینی که اسیراعراب شدند، به تولید کاغذ درسمرقند پرداختند.وازآن به بعد کاغذسازی درشهرهای دیگر ایران دایر شد واین صنعت ازطریق ایرانیها به‌سایرنواحی دنیای اسلام وازاین رهگذر به‌قاره اروپا انتقال پیدا کرد:

تاریخ پیدایش صنعت کاغذ درنقاط ذیل خط سیر توسعه این وسیله مهم ارتباطی را ونیز نقشی را که ایران وآسیا درآن داشته‌اند به‌خوبی روشن می‌سازد:

چین ــ ۱۰۵ میلادی

ترکستان ــ ۱۵۰ میلادی

تورفان ــ ۳۹۹ میلادی

کشمیر ــ ۶۰۰ میلادی

سمرقند ۷۵۱ میلادی

بغداد ــ ۷۹۳ میلادی

مصر ــ ۹۰۰ میلادی

مراکش ــ ۱۱۰۰ میلادی

اسپانیا ــ ۱۱۵۰ میلادی

ایتالیا ــ ۱۲۷۰ میلادی

آلمان ــ ۱۳۹۰ میلادی

انگلستان ــ ۱۳۹۴ میلادی

آمریکا ــ ۱۶۹۰ میلادی

جالب توجه اینجاست که صنعت کاغذسازی موقعی در سمرقند رواج پیدا

کرد که ایرانیها به کمك خاندان عباسی، حکومت بنی‌امیه راسرنگون ساختند ونفوذ سیاسی واقتصادی واجتماعی خودرا درتمدن اسلام توسعه دادند. درحقیقت نفوذ ادبی وسیاسی ایرانیها از آغاز خلافت عباسی ( در۷۵۰ میلادی ) با توسعه صنعت کاغذسازی، انقلاب فرهنگی بزرگی در خاورمیانه بوجود آورد و توسعه تمدن ایران واسلام درقرون بعدی مرهون این آمیزش تاریخی است . سمرقندبا امکانات وسیع‌وقدرت تولیدش شهربزرگ بازرگانی‌بود وماوراءالنهر که‌سمرقند یکی ازشهرهایش‌بود،مرکزپرورش شعرای بزرگ ایران گردید و کتابخانه‌های متعددی در آنجا دایر شد . صنعت کاغذ سازی که در این دوره منحصر به‌ایران و اعراب بود باعث شدآثارعلمی وفلسفی وادبی ایرانیها و دنیای اسلام از سمرقند گرفته تا بغداد ومصرتوسعه پیدا کند وبالاخره راه خودرا به‌اروپا و کشورهایی مثل‌اسپانیا وایتالیابگشاید .

سمرقندونواحی‌این‌شهر به‌علت‌آب وهوای‌ملایم‌ورواج کشت کتان‌وشاهدانه که لازمه صنعت‌کاغذ بود، مدتی طولانی‌مرکزپخش این وسیله ارتباطی‌وفرهنگی باقی ماند . دردوران خلافت هارون‌الرشید عدهٔ زیادی از متخصصان کاغذ سازی این شهربه‌بغداد منتقل شدند وازآن پس بغداد ودمشق مرکزتولید وتقسیم‌صنعت کاغذ سازی قلمروخلفا شد .

باتولید کاغذ، صنعت کتاب‌سازی درایران رواج پیدا کرد . تاریخ نویسان تکامل خط « کوفی » را توسط ایرانیان مرهون توسعه صنعت کاغذ می‌دانند . درقرن یازده میلادی صنعت کتاب‌سازی‌ایران،نه‌تنها درسایر نقاط اسلامی بلکه‌در دنیای‌آن‌روزبی‌نظیربود . توسعهٔ این هنروصنعت سبب شد که قسمت مهمی‌ازآثار ادبی وهنری ایران درخاورمیانه وافریقا واروپا پخش شود، و صنعت کاغذ و فن کتاب‌سازی، تغییرات مهمی درگسترش عقاید سیاسی واجتماعی طبقات مختلف

آن زمان بوجود آورد * . نسخه‌های گرانقیمت کتاب « قابوسنامه » و شاهنامه فردوسی ، و دیگر متن‌های معتبر فارسی در موزه‌های مختلف دنیا نشانی از اثرات فوق‌العادهٔ این رشته ازوسایل ارتباطی است که توسط ایرانیها تأسیس و تکمیل شده است .

## وقایع‌نویسی وخبرنویسی

پیشرفت وسایل ارتباطی وتوسعهٔ صنعت کاغذ و کتاب‌سازی در ایران سبب شد دردورهٔ حکومت خلفای عباسی وبعدها دردورهٔفرمانروایی سامانیهاوتیموریها؛ شغل وقایع‌نویسی وخبرنویسی درددرباروادارات دولتی و همچنین بین استانها و فرمانداریها رواج پیدا کند** . مثلا دراواخر حکومت خلفای عباسی خبرنویسان آن‌زمان که به« صاحب‌البرید » معروف بودند، اخباروو‌قایع مهم مملکتی را در روزنامه‌های خصوصی که درچندین نسخه محدود تهیه‌می‌شد، نوشته برای حکمرانان مختلف می‌فرستادند .

ازجنبهٔ توسعه ورواج شغل وقایع‌نویسی، سلسله تیموری دورهٔ بسیار مهمی بشمارمی‌رود. حکمرانان تیموری برای اولین باردرتاریخ ایران، سمت وقایع‌نویسی را درادارات و استانهای مختلف به‌رسمیت شناختند وشاهان این دوره اشخاص بسیارمطلع ونویسندگان برجسته دولتی را به‌این سمت منصوب کردند. وظیفهٔ وقایع‌نویسان دورهٔ تیموری این بود که مرتب خبروتفسیرامورشهری ومملکتی را به‌فرمانداریها ومرکزخبردربار تیموری گزارش می‌دادندوبطوری که مورخان ایرانی وخارجی ذکر کرده‌اند،تصمیمات بزرگ مملکتی وسیاست کشوری‌مبتنی ومتکی براخبارو‌گزارشهایی بود که وقایع‌نویسان وخبرنویسان تیموری به‌پایتخت می‌فرستادند *** .

دراوایل قرن چهاردهم میلادی، حکمران معروف،غازان‌خان، فرمانروای مغول گاهگاهی روزنامه‌های دیواری منتشر ودرشهرهـای مختلف پخش و نصب می کرد . این گونه روزنامه‌های دیواری معمولاً فرمانهای‌غازان‌خان و دستورهای دولتی را بین مردم‌ورعایای کشورمی‌برد ومخصوصاً درجاهایی که مالیات ازطرف مأموران دولت دریافت می‌شد، اخبارومقدارمالیات سالانه در روزنامه‌های دولتی منتشرمی گردیدتااهالی‌هرشهروده‌ازمقررات‌آگاهي یابندوصاحب‌منصبان کشوری نتوانند مالیات اضافی وغیرقانونی‌به‌مردم تحمیل کنند * .(۱)

مقام « وقایع نویسی » که اززمان تیموریان در ایران رونق یافت به ـ مدت چندین قرن ودرواقع تا پیدایش صنعت چاپ در ایران ، ادامه پیدا کرد . این شغل مخصوصاً درقرون شانزدهم وهفدهم میلادی درحکومت صفویه در امور دولتی نقش‌بسیارمهمی‌داشت. جهانگرد معروف‌پی‌یترو دلاواله[1] که درزمان‌سلطنت شاه عباس‌به‌ایران‌مسافرت کرده‌است‌درسفرنامهٔ‌خودذکر می کند وقتی‌شاه عباس‌در میدان عمومی اصفهان نطق می کرد، گزارش سخنرانی او توسط وقایع نویسـان نوشته شده درکاغذهای منظم در نقاط مختلف شهر به‌دیوار نصب می‌شد تا مردم‌از آن‌آگاهی‌یابند (۲) **.

عنوان وقایع‌نویس وسمت اودردورهٔ حکومت صفویها ( ۱۵۰۲ تـا ۱۷۳۶ میلادی ) چنان رونق یافت که دردوره‌های مختلف حکمرانی شاهان این سلسله، وقایع‌نویس درتمام‌جلسات دولتی که‌تصمیمات مهم سیاست داخلی وخارجی گرفته می‌شد،شرکت نموده گزارش جامع آن‌را برای پخش واطلاع اشخاص و گروه‌ـ های مختلف ثبت می کرده است (۳) ***.

---

1- Pietro Delle Valle

بدین ترتیب عنوان وقایع نویسی درممالکی که زبان فارسی زبان رسمی ودولتی بشمارمی رفت رواج پیدا کرد وسمت خبرنگاری حوادث و تصمیمات مهم مملکتی مورد حمایت وتشویق حکمرانان مختلف قرار گرفت. مثلا در هند که زبان فارسی تا قرن هیجدهم میلادی زبان رسمی ودولتی بشمار می رفت، وقایع ـ نویسان به صورت خبرنگاران کنونی، تصمیمات وحوادث مملکتی را برای اعضای دولت وطبقهٔ مهم مملکتی جمع آوری کرده درکاغذهای مختلف که به روزنامه ـ های کوچك امروزی شباهت داشت ثبت می کردند. ابوالفضل دکنی تاریخ نویس معروف دوره حکمرانی اکبرشاه درهند، در کتاب «آیین اکبری» به تفصیل راجع به نقش وقایع نویس دورهٔ سلطنت اکبر شاه در هند صحبت کرده وظایف خبرنگاری اورا شرح می دهد.

تاریخ نویس دیگری به نام خافی خان در کتاب خود به نام «منتخب اللباب» گزارش می دهد روزنامه های کوچك فارسی که توسط وقایع نویسان درهند منتشر می شد، اخبارمملکتی را به مردم اطلاع می داد و در مواقعی که نسخه های اینگونه روزنامه ها به همه مردم نمی رسید، وقایع نویسان دیگر نسخه آنرا هر هفته در مسجد جامع برای مردم می خواندند.

درسال ۱۸۲۸ میلادی جیمز تاد[1] سرهنگ انگلیسی در حدود صد نسخه ازروزنامه های کوچك فارسی را که توسط وقایع نویسان هند منتشر شده بودوبه ـ دوران حکومت مغولها در هند تعلق داشت به انجمن سلطنتی آسیایی در لندن فرستاد. شرح ومحتویات این خبرنامه ها در مجله انجمن سلطنتی آسیایی به ـ سال ۱۹۰۸ میلادی مفصل چاپ شده است.

سمت وعنوان وقایع نویسی تا اواسط حکومت قاجاریه در جلسات مختلف

1- James Tod

درباری ودولتی و عمومی رواج داشته است وبه‌رسمیت شناخته می‌شده . مثلا در دورهٔ سلطنت فتحعلی‌شاه ( ۱۷۹۷ تا ۱۸۳۴ میلادی ) درمیان وزرا، علما، ورؤسای مختلف‌مملکتی که‌در« مجلس شاه » همیشه حضورداشتند، شاعردرباروو‌قایع‌نویس روزازجمله حاضران بودند . تاریخ‌نویسان ایرانی وخارجی درنوشته‌های خوداز اهمیت این دوپست مهم، شاعر دربار ووقایع‌نویس روز ، درحکومت فتحعلی شاه صحبت کرده‌اند (۴) .

# منابع ومآخذ فصل دوم

(1) Percy Sykes, A History of Persia, volume 11, Macmillan Company, London, 1930, p.113.

(2) John pinkerton, A General Collection of the Best and Most Interesting voyages and travels, volume lx, The Travels of pietro de lle Valle in persia, Letter V from Isphahan, 22th April and 8th May 1619; printed for Langman, London, 1811, p.74.

(3) Hamid Mowlana, Journalism in Iran : A History and Interpretation, vol. 1, Northwestern University, Evanston, Illinois, 1963, pp. 161 - 163.

(4) Sir Harford Jones Brydges, part., An Account of the Transactions of His Majesty's Mission to the Court of persia in the years of 1807 - 11. volume 1, Jones Bohn, London, p. 123.

وهم چنین John kitto, The Court and people of persia, the Religious Tract Society, London, 1799, p.97.

# فصل سوم

## پیدایش و توسعه فن وصنعت چاپ

درحالی که شناخت وتوسعهٔ فن وصنعت کاغذ سازی در ایران بـه سرعت انجام شد ورونق یافت، فن‌وصنعت چاپ درایران به کندی راه پیدا کرد. فن کاغذ سازی‌ازطرف شرق آسیا به‌ایران آمد ولی معرفی‌فن چاپ درایران محصـول ومیوهٔ تمدن غرب واروپا بود . مطابق مدارکی که به‌جا مانده ، درسال ۱۶۳۹میلادی ، درست ۱۹۰ سال بعد ازآنکه گوتنبرگ درآلمان ماشین چاپ حروف متحرك‌را اختراع کرد، اولین ماشین چاپ وارد ایران شد ودرجلفای اصفهان نصب گردید. برقراری ماشین چاپ که یکی ازکارهای درخشان دورهٔ سلطنت شـاه عباس کبیر بشمار می‌رود به دست ارامنهٔ جلفای اصفهان صورت گـرفت . یکی از کشیشان کلیسای «اپوستولیك» ارامنه به نام «خاچاطور» متصدی این ماشین چاپ بود و چندین کتاب به زبان ارمنی در جلفا منتشر کرد. (۱)

درحقیقت روش اداری‌وسیاسی شاه‌عباس کبیر بود که‌محیط مناسبی‌دراصفهان ومخصوصاً جلفا ایجاد کرد وارامنه آن ناحیه راتشویق کرد که به هنر واقتصاد و

شهرنشینی پایتخت ونواحی آن کمك کنند.

باید یادآوری کرد در اوایل قرن هفدهم میلادی بود که مهاجرت چندین هزار ارامنه ازشمال ایران ومخصوصاً جلفای آذربایجان به اصفهان، به دستور شاه عباس انجام شد. بطوری که در سال ۱۶۰۴ میلادی شماره مهاجران ارامنه که در دامنه کوه معروف نور، در خارج اصفهان، سکونت داشتند، به پنج هزارتن رسید. این ناحیه که به زودی به جلفای اصفهان معروف شد روبه توسعه‌وآبادی گذاشت و «ژان شاردن» سیاح معروف فرانسوی که درسال ۱۶۲۷ میلادی ازاین نقطه بازدید کرده است، جمعیت آنرادرحدود سی‌هزار نفر تخمین‌زده (۲)

(۱) دوعامل مهم درپیدایش‌فن چاپ درجلفای اصفهان موثربود: عامل‌اول‌محیط آزاد وتشویق آمیزی که ازطرف شاه عباس کبیر برای ارامنه جلفا ایجاد شده بود. این گروه که سالها درارمنستان درشمال ایران، زیرحمله وهجوم ترکها و تحت تسلط خارجیان بودند، درسایهٔ حکومت صفویه ونفوذ شاه عباس توانستنددر صلح وآسایش،فرهنگ خودرا توسعه دهند. بطوری که کلیسای ارامنه جلفای اصفهان برای مدت طولانی مرکز مذهبی واداری ارامنه «اپوستولیك» آسیای غربی بشمارمی‌رفت. (۳)

(۲) عامل‌دوم‌این بود که گروه ارامنه‌با انتشار کتب‌مذهبی وبی‌دخالت‌خارجیان ومخصوصاً ترکها می‌توانستند روش ومذهب خودرا درآسیای غربی توسعه دهندو درحقیقت کتب چاپ شده وسیلهٔ ارتباط وتشکیلات بین گروه‌های مختلف ارامنه درایران باشد.

اولین کتاب مذهبی گروه ارامنه اصفهان‌به نام «سرگذشت پدران‌روحانی» که نویسنده آن «هارانس وارك» نام داشت، درسال ۱۶۴۰ میلادی به زبان‌ارمنی درجلفا چاپ ومنتشرشد.

درسال ۱۶۷۰ دومین ماشین چاپ توسط گروه ارامنه واردجلفا شد وشروع به کار کرد . آثار این ماشین چاپ که ازاروپا به جلفای اصفهان حمل گردید و توسط کشیشی به نام «ژاکوب ژان» در جلفا نصب شد ، تا مدتها در موزه ارامنه جلفای اصفهان محفوظ بود ونگاهداری می‌شد. (۴)

دراواخر سلطنت صفویه وسالهای بعد درزمان سلطنت نادرشاه افشارتاآغاز سلسله قاجاریه ، چندین ماشین چاپ کوچك دیگر توسط میسیونهای مـذهبی و اروپاییها درنقاط مختلف ایران ومخصوصاً سواحل جنوب و نزدیك خلیج فـارس دایرشد. ولی‌عمر این گونه ماشین‌های چاپ کوتاه بود و به علت اختلالات داخلی وجریانات سیاسی ومذهبی که اغلب با اغتشاشها وتشنجات موجود در استانهـای مختلف همراه بود ، فن چاپ درایران بطورمرتب ومداوم توسعه پیدا نکرد.

مثلا بانفوذ اقتصادی وسیاسی پرتغالیها وبعدها انگلیسی‌ها درخلیج فـارس وهندوستان، نمایندگان دولت‌انگلستان وتجارخارجی ازطریق بوشهروسایربنادر خلیج فارس چندین ماشین چاپ وارد ایران کردند که توسط میسیونهای مذهبی وتجار مورد استفاده قرارگرفت .

جان‌پینکرتون[1] وجوناس‌هانوی[2]* که دراواخرقرن هیجدهم به ایران‌سفر کرده‌بودند ، دریادداشتهای خود ذکر کرده‌اند که دراواسط‌قرن هیجدهم‌میلادی درزمان سلطنت نادرشاه، چندین ماشین چاپ درایران موجود بوده که جزوه‌های مختلف به‌زبان لاتین وعربی درایران‌منتشروپخش می کرده است . (۵)

درسال ۱۷۴۰ میلادی به دستور نادر شاه چندین کشیش اروپایی **وارمنی تحت نظارت یکی ازمنشیان نادرشاه به‌نام «میرزا مهدی» ودوسه نفر ازهمکارانش

1. John pinkerton
2. Jonas hanway

چندین جزوهٔ مذهب مسیحی را به فارسی و عربی ترجمه کردند. تصور می‌رود ترجمهٔ این جزوه‌های کوچك که به علاقه نادرشاه وبنابر درخواست بعضی از علمای آن زمان انجام شده بود*، توسط ماشینهای چاپ کوچکی که در دسترس بود به چاپ رسیده باشد. یك کشیش فرانسوی ازشهر تولوز، به نام ژوزف[1] که ازاولین فرهنگ نویسان فارسی وفرانسه است درصفحه ۴۱۵ کتاب خود به وجود ماشین چاپ در ایران اشاره می کند.

**صنعت چاپ در زمان قاجاریه**

رنسانس سیاسی واقتصادی که باتشکیل حکومت صفوی به مدت دویست سال درایران رواج پیدا کرده بود نتوانست بطور کامل ادامه پیدا کند. با خاتمه حکومت صفوی رابطهٔ ایران با غرب توسعه نیافت وظهور نادرشاه دولتی مستعجل بود که مشی سیاسی واداری قرن هیجدهم ایران را متوجه امور داخلی وجنگ‌های مداوم باهمسایگان شرقی وغربی ساخت ونوآوریهای نادر بازوال او از میان رفت. وتوجه ایرانیها به صنعت وعلوم اروپا دراین مدت رونق فوق العاده‌یی نداشت.

ولی باآغاز سلسله قاجاریه ومخصوصاً سلطنت فتحعلی شاه در نیمه‌اول قرن نوزدهم میلادی، نه تنها روابط ایران باکشورهای اروپایی روبه توسعه گذاشت بلکه علاقه دولت ایران ودربار قاجار وخاصه شاهزاده عباس میرزا به آشنایی و اقتباس فنون وعلوم نظامی واداری اروپا باعث شد توسعه فن چاپ باردیگر مورد عنایت جدی ودقیق قرار گیرد وبه امورارتباطی جدید توجه شود.

1. Ange de saint Joseph

شاهزاده عباس میرزا که دراوایل قرن نوزدهم فرماندار آذربایجان بود، درتدارك مقابله با قشون روسیه، عده‌یی از ایرانیها را برای تعلیم فنون نظامی و سایر فنون وصنایع غربی ازجمله چاپ، به اروپا فرستاد، همچنین تجاروهنرمندان آذربایجانی را تشویق کرد تامی‌توانند وسایل جدیدی که در روسیه مورد استفاده قراردارد به ایران وارد کنند ورواج دهند. درسال ۱۸۱۶ میلادی یکی ازتجار وهنرمندان آذربایجانی به نام میرزا زین‌العابدین تبریزی به کمك شاهزاده‌عباس میرزا اولین ماشین چاپ را از روسیه به ایران آورد ودر تبریز به کار انداخت برای چند سالی تبریز تنها شهری بود که ماشین وفن چاپ درآن رواج داشت و به همین جهت تا مدتی چاپخانه در ایران به نام «باسمه خانه» مشهور بود. بعدها عنوان باسمه خانه به چاپخانه مبدل شد. پروفسور ادوارد برون لغت چاپ را از کلمه «چاو» که به زبان چینی معنی پول و اسکناس می‌دهد، مشتق‌می‌داند. «چاو» در زمان مغولها درایران به عنوان پول کاغذی بکار می‌رفته است، و با پیدایش‌ماشین‌چاپ‌درایران «چاپخانه»جای‌نام‌ترکی «باسمه‌خانه» رامی گیرد.(۶)

رفت وآمد اروپاییها به ایران واشتیاق ایرانیها به خصوص عباس میرزابه اخذ تمدن جدید اروپا باعث شد فصل جدیدی در رابطه فرهنگی ایران و اروپا شروع شود.

دوره اول جنگهای ایران وروسیه که به مدت ده سال، از۱۸۰۳ تا ۱۸۱۳ میلادی، طول کشید وباعث شد استانهای گرجستان و قفقاز ضمیمه روسیه شود، ضرورت فراگرفتن فنون نظامی و صنعتی را درفکر شاهزاده عباس میرزا بیشتر جا داد.ازطرف دیگررفت وآمد هیأت نظامی فرانسوی که به نمایندگی ناپلئون به‌ایران آمده‌بود وگروه متخصصان انگلیسی که بادربار فتحعلی شاه درمذاکره بود، محیطی ایجادکرد که عده‌یی محصل ایرانی که تاحدی به زبان وفرهنگ

خارجی آشنایی وعلاقه داشتند عازم اروپا شوند. مثلا رشته تحصیلی پنج نفر از محصلان ایرانی که به‌دستور عباس میرزا درحدود سال ۱۸۱۵ میلادی به لندن رفتند ازوسعت احتیاج ایرانیها به کسب علوم وصنعت اروپا حکایت می کند و نشانه اشتیاق وعلاقه محصلان آن زمان نیزهست :

میرزا جعفر برای تحصیل شیمی یاطب

میرزا رضا صوبه‌دار (فرمانده) توپخانه برای تحصیل توپخانه

میرزا جعفر مهندس برای مهندسی (مشیرالدوله اول)

محمد علی چخماق ساز برای یاد گرفتن قفل و کلید سازی.

میرزا صالح برای آموختن زبان انگلیسی که مترجم دولت باشد.

مثلا درمیان این‌دانشجویان، میرزاصالح، که بعدها به میرزا صالح‌شیرازی معروف ودر دربار فتحعلی شاه مشغول کارشد، نه تنها زبان انگلیسی را آموخت بلکه ازفن چاپ وروزنامه‌نگاری هم بهره گرفت.

چاپخانه زین‌العابدین‌تبریزی چندین‌سال به‌چاپ جزوه‌هاو کتابهای مختلف وازجمله قرآن مشغول بود. درسال ۱۸۲۴ میلادی میرزا جعفر تبریزی که‌توسط شاهزاده عباس میرزا به روسیه سفر کرده بود پس از تحصیل فن چاپ به ایران مراجعت کرد ودومین چاپخانه را درتبریز دایرساخت. مدتی بعد یکی دیگر از هنرمندان ایرانی به نام میرزااسدالله ازنواحی فارس که در «سن‌پطرزبورگ» در روسیه تحصیل می کرد به ایران بازگشت وبه کمك میرزا صالح شیرازی که در این موقع ازلندن مراجعت کرده بود ودردستگاه‌عباس‌میرزامشغول‌منشیگری بود چاپخانهٔ دیگری درتبریزافتتاح کرد. دراین کار تشویق آقا رضا باسمه‌چی‌تبریزی بسیار موثر بود.

درواقع درحدود ۱۸۲۴ میلادی چندین چاپخانه درتبریز وتهران مشغول

کار بود .

تهران دومین شهری بود که ماشین چاپ درآن بکار افتاد . در سال ۱۸۲۴ میلادی میرزا زین‌العابدین تبریزی به دستور فتحعلی‌شاه یکی ازماشین‌های‌چاپ خودرا ازتبریز به تهران منتقل کرد ودرتکیه منوچهرخان که امروز به خیابان بوذرجمهری معروف است کارگاهی برپا ساخت . تصدی این چاپخانه بعدها به میرزاعبدالوهاب معتمدالدوله نشاط‌اصفهانی ، سرپرست‌دیوان‌رسایل دربارفتحعلی شاه واگذار شد .

اولین کتابهایی که درتبریزبه چاپ رسید عبارت بود از :

۱ـ «قرآن» به‌خط میرزا حسین خوش نویس .

۲ـ «فتح نامه» تألیف میرزا ابوالقاسم قائم مقام که به شرح جنگهای‌دورهٔ اول ایران وروسیه اختصاص داده شده بود .

۳ـ «گلستان سعدی»

۴ـ «مآثرسلطانیه» تألیف عبدالرزاق مفتون دنبلی منشی دیوان شاهزاده عباس میرزا . این کتاب تاریخ جنگهای ایران وروس است .

۵ـ «رساله‌آبله کوبی» که ازاولین جزوه‌های بهداشتی زمان قاجاریه بشمار می‌رود .

دربین اولین کتابهایی که درتهران به چاپ رسید «گنجینه معتمدالدوله نشاط» وهم چنین قرآن قابل ذکراست .

دومین چاپخانه که ازتبریز منتقل شد ، چاپخانه میرزا اسداله بود که باز از روسیه وارد شده بود . این چاپخانه درتهران تحت نظر میرزا صالح شیرازی اداره می‌شد و بعدها مرکز چاپ اولین روزنامهٔ ایران گردید . یکی از اعضای

میسیونهای مذهبی آمریکا به نام جاستین پرکینز [1] که درحدود سال ۱۸۳۰ میلادی در تهران اقامت داشت در کتاب خاطرات خود ازآشنایی ایرانیان به‌فن چاپ وآموزش آن درتهران یاد کرده است و می‌نویسد مخصوصاً میرزا صالح شیرازی درتوسعهٔ این فن بسیارفعال است وبدین ترتیب بسیاری از افکار وعقاید اروپایی توسط این گونه وسایل دربین امرای دولتی ودرباری نفوذ می کند.(۷)

مدت زیادی نینجامید که فن چاپ وبهره برداری ازآن به سایر استانها و شهرهای ایران توسعه پیدا کرد وبعد ازتبریز وتهران درشیراز، اصفهان،رضائیه، مشهد، بندرپهلوی، رشت، اردبیل، همدان، خوی، یزد، قزوین، کرمانشاه، کرمان و کاشان چاپخانه دایر شد.

**میسیونهای مسیحی وفن چاپ**

تمدن غرب واروپا وظواهرآن درقرن نوزدهم از دوجبهٔ مختلف درایران راه پیدا کرد: درمرحلهٔ اول اروپاییهاوغربیها به ایران سفر کردند و به‌سرزمین وادبیات وسیاست و هنرایران علاقه مند شدند وتمدن غرب را با خود به ایران آوردند. در مرحله دوم ایرانیها به صنعت و علم اروپا اشتیاق و آشنایی پیدا کردند، ونفوذآن دربرنامه‌هایی‌مثل‌اعزام محصل به خارج ومسافرت امرای‌دولتی به اروپا و روسیه جلوه گر شد. پیدایش فن چاپ در ایران بطوری که دیدیم در هردوجهت توسعه پیدا کرد واین دوعامل دست به هم داده اولین نمونه صنعت و ماشین اروپارا که ازپایه‌های رشدفرهنگ وتمدن فرنگی بشمارمی‌آمد، درایران بنیاد گذاشت.

1. Justin perkins

دراین سیر تاریخی ، میسیونهای مسیحی که ازاروپا وآمریکا بـرای پخش عقاید مذهبی به ایران آمده بودند ، نقش مهمی بازی کردند . فعالیت این عده در اواسط قرن نوزدهم افزایش یافت ودر نقاط مختلف‌ایران برای تبلیغ نظریات خود چاپخانه‌های متعدد دایر کردند .

فعالیت میسیونهای مذهبی درایران تاریخ‌مخصوص‌به خود دارد. ولی‌برای روشن شدن تاریخ صنعت چاپ در ایران لازم است درایـن فصل بـه فعالیت آنها در ایران دورهٔ قاجار اشاره شود . اولین میسیونر پروتستان هنری مارتین[1] معروف بود که درسال ۱۸۱۱ میلادی به ایران آمد وپس ازمدت کوتاهی موفق شد به کمك ایرانیها ومخصوصا شخصی به نام «صوفی شیرازی» کتاب مذهبی‌خود را به فارسی ترجمه کند . * به دنبال هنری مارتین میسیونهای مذهبی دیگر از انگلستان وفرانسه وآلمان و روسیه وارد ایران شدند وبه ترویج وتبلیغ مذهب خود پرداختند. اغلب این میسیونها درشمال غربی آذربایجان وهم چنین‌درتهران که عدهٔ مسیحیان وارمنی‌ها وآسوریان زیاد بود اقامت کردند. فعالیت میسیونها درسه رشته اصلی قابل توجه بود :

۱ـ تأسیس مدرسه

۲ـ تأسیس بیمارستان ومرکز بهداشت .

۳ـ تأسیس چاپخانه وقرائت خانه .

مثلا اولین میسیونر مهم‌آمریکایی جاستین پرکینز که از بوستون درایالت ماساچوست به سال ۱۸۳۳ میلادی به ایران آمد یکسردر رضائیه سکونت کرد. در آن زمـان درحدود سی‌هزار ارمنی و کلدانی ومسیحی نستـوری در رضـائیه و نواحـی آذربـایجان غربی زندگی می کردند . پرکینز علاوه بـر

1. Henry martyn

احداث بیمارستان ومدرسه در رضائیه اولین چاپخانه را نیز درسال ۱۸۴۰ میلادی درآن شهر تأسیس کرد .

در رضائیه ازاقدام پرکینز درتاسیس چاپخانه ومدرسه وبیمارستان استقبال شد وپس ازمدتی چندتن ازمنشی‌ها وطلاب اهل رضائیه درچاپخانه کار کردند و فن چاپ را آموختند. نظریات وخاطرات پرکینز دراین مورد ازتأثیر میسیونها دررضائیه ومحیط آنجا حکایت می کند وهم‌چنین عکس‌العمل میسیونهای مذهبی را نسبت به زندگی وعادات اهالی رضائیه نشان می‌دهد . پرکینز دراولین سال سکونت خود دررضائیه درخاطرات خویش می‌نویسد :

«میسیون ما به چاپخانه احتیاج دارد وبهترین محل برای این کار ارومیه (رضائیه) است . ایرانیها به ماشین چاپ آشنا هستند ومی‌دانند چگونه از آن استفاده کنند . بنابراین ترسی وجود ندارد که روزی اهالی مسلمان این شهر با تأسیس چنین چاپخانه‌یی مخالفت کنند .»

هفت سال بعد ، در نوامبر ۱۸۴۰ میلادی، اولین چاپخانهٔ میسیون پرکینز وارد رضائیه شد وسالنامه یکی ازمنجمان رضائیه ازنخستین کارهای این چاپخانه بود. پرکینز در یادداشتهای خود ازکار چاپخانه ووضع رضائیه اینطور یاد می کند :

« چاپخانه‌یی که تازه وارد شده کوچك است ومخصوص کار میسیون ما ساخته شده است تابتوانیم به آسانی آنرا به نقاط کوهستانی این نواحی حمل کنیم . چاپخانه ما باید طوری باشد که حمل آن برپشت اسب وقاطر میسر باشد...

چاپخانه دراینجا مثل شیر است . اهالی هرروزبه دیدن آن می‌آیند .

مسیحی‌های نستوری خیلی خوشحال هستند ومسلمانان رضائیه هم خیلی از آن استقبال می کنند. اهالی مسلمان اینجا ازما سؤال می کنند آیا ما کتابهای

فارسی هم چاپ خواهیم کرد یا نه؟ البته درحال حاضر حروف فارسی دردسترس ما نیست . . . .

محمد میرزا یکی ازمنشی‌های محلی اینجا بابرادرش درچاپخانه ما کار می کنند . این دونفر خیلی علاقه دارند فن چاپ را یادبگیرند و باعث خیلی مسرت است که اهالی مسلمان اینجا همدوش مسیحیان و بی‌مخالفت ومقاومت با هم کار می کنند .

درسال ۱۸۴۲ میلادی دوسال پس از تاسیس اولین چاپخانه در رضائیه نسخه های قابل توجهی از کتابهای مذهبی میسیون پرکینز درنواحی آذربایجان پخش شد . *

## توسعهٔ چاپ کتاب

با توسعهٔ فن چاپ در ایران و تأسیس چاپخانه و کارگاههای انتشار در نقاط مختلف کشور، درآغاز نیمه دوم قرن نوزدهم صنعت چاپ وسیله بسیارمهم ارتباطات اجتماعی درایران بشمار می‌رفت . درحقیقت می توان گفت نقشی که صنعت چاپ در نیمه اول قرن نوزدهم در ایران بازی کرد شبیه نقشی است که تلویزیون و اقمار مصنوعی وفضایی در دنیای امروز بازی می کنند. وسیله چاپ تا آن زمان در ایران مهم‌ترین نمونهٔ رسوخ تمدن غرب بشمار می‌رفت و نتایج اجتماعی حاصل از آن در افکار و عقاید ایرانیها ومخصوصاً طبقات دولتی و روحانیان بی نظیر بود .

توسعهٔ صنعت چاپ در تهران و شهرستانها که با تأسیس مدارس جدید واز جمله مدرسهٔ دارالفنون درتهران همراه بود، سیستم آموزش وپرورش وپخش آثار

علمی و هنری غرب را درایران بطور قابل توجهی دگرگون ساخت. کتابهای مختلف در رشته‌های طب، تاریخ، فلسفه و علوم توسط ایرانیها و خارجیان منتشر گردیدوبنیاد کتب درسی وسیستم جدید آموزشی به این ترتیب محکم‌شد. مثلا معلمان اروپایی ازجمله نیکولاس لماری[1] آندرینی[2] دکتر پولاک[3] وعده‌یی دیگر کتب گوناگونی از زبانهای اروپایی به فارسی ترجمه کردند که درمدرسه دارالفنون مورد استفاده قرار گرفت.

درسالهای‌بعد شرکت طبع کتاب که‌ازجانب انجمن معارف درتهران‌تأسیس شده بود اغلب کتب درسی‌وترجمه شده را چاپ‌می‌کرد. یکی ازاعضای فعال‌وموثر این شرکت حاجی میرزا یحیی دولت آبادی معروف بود. در بین نویسندگان ومولفان قدیمی این دوره که آثارآنها چاپ ومنتشرشده حاجی نجم‌الدوله، میرزا زکی مازندرانی، میرزا قاسم، میرزا علی محمد اصفهانی، محمد حسن‌خان اعتمادالسلطنه. رضا قلی‌خان هدایت تبرستانی معروف به للەباشی و میرزایوسف خان مستشارالدوله نامهای بسیار مشهورند. درنیمه دوم قرن‌نوزدهم درحدود۱۶۲ کتاب مختلف درتهران دررشته‌های علمی، تاریخی وریاضی به چاپ‌رسید. دربین این کتابهامی‌توان «تاریخ پطر کبیر»، «شارل دوازدهم»، «اسکندر کبیر» راکه بەدستور شاهزاده عباس میرزا چاپ شده است وهمچنین کتاب «جهان نما» تألیف میرزا را فائل، فرهنگ «برهان جامع» تألیف محمد کریم‌بن مهدیقلی تبریزی «کلیات سعدی» و «دیوان ناصرخسرو» راذکر کرد.

یکی ازنکات جالب توجه تاریخ چاپ درایران توسعهٔ بی‌نظیر چاپ سنگی است. با اینکه چاپ حروفی وسربی درزمان سلطنت فتحعلی شاه در ایران رواج

1. Nicolas M. Lemarie
2. M. Anderini
3. Dr. Polak

داشت ولی به علت وجود خوشنویسان معروف وعلاقهٔ نویسندگان به خط نویسی، اغلب کتابهای منتشره تااواخر قرن نوزدهم به طریق چاپ سنگی طبع می‌شد. از زمان مظفرالدین شاه باردیگر چاپ سربی متداول گردید وخط نویسی وچاپ سنگی به دیوانهای شعر و کتابهای مذهبی اختصاص یافت.

باتوسعهٔ چاپ درایران آموزش‌وفرهنگ جدید روبه‌ترقی گذاشت وآمیزش این فن بسیارمهم بارسوخ عقاید وآگاهی جدید درطبقات تحصیل کرده و متوسط ایران هستهٔ اولی‌روزنامه‌نگاری را پدیدآورد وانقلاب بزرگی درطرزفکر وروش طبقات مختلف ایران ایجاد کرد.

# منابع و مآخذ فصل سوم

(1) . H. Kurdien,‹A History of Armenian Printing,› The Armenian Review, Boston, mass ., Summer 1955 . P . 115 .

(2) . Jean Chardin (Later sir John), Voyages, lo Vols, paris, 1811, Vol. VII, pp. 280–290 .

(3) . Fred Richards, A persian Journay, New york, Jonathan Cape and Harrison smith, 1932. pp . 80–89

(4) .Sion Manoogian, ‹ First Armenian Printing Presses,› the Armenian Church Monthly, New york, Augst 1959, P. 1.

(5) . John Pinkerton, A General Collection of the Best and most Interesting voyages and Travels' vol. Ix, London, printed for Longman, 1811, pp. 226–227.ونیز John Hanway, the Revolution of persia, Containing the History of the Celebratad Usrper Nadir kouli from His Birthin 1687 till his Death in 1747, London, vol IV published in 1753, pp. 217–218. Edward, G. Browne, the press and poetry of Modern persia, Cambridge University press, 1914, p. 7.

(7) . Rev. Justin perkins , Residence of Eight Years in persia, Allen morrill and Wardwell, New york, 1843, p. 205.

# فصل چهارم

## طلیعه مطبوعات فارسی در آسیا
## و آغاز اولین روزنامه در ایران

زادگاه وسرزمین اصلی زبان فارسی البته ایران است. ولی برخلاف انتظار اولین مطبوعات وروزنامه‌های فارسی درهندوستان منتشرشد. این امرخیلی تعجب آور به نظر می‌رسد ولی حداقل سه دلیل اصلی باعث شد که روزنامه فارسی در هندوستان به سرعت رشد ونمو کند. دلیل اول این بود که صنعت چاپ درقرون هفدهم وهیجدهم میلادی درهندوستان بهتراز ایران پیشرفت کرده بود. مثلا در سال ۱۶۷۴ میلادی شخصی به نام «هنری میلز» ازطرف کمپانی انگلیسی «هند شرقی» بایك ماشین چاپ ولوازم وکاغذ وغیره عازم بمبئی شد. درحدود سالهای ۱۷۲۲ و۱۷۷۹ میلادی چاپخانه‌های متعددی درشهرهای معروف هند ازجمله مدرس و کلکته دایر بود. باتوسعهٔ نفوذ انگلیسیها درهندوستان روزنامه‌هایی به انگلیسی و زبانهای محلی درشهرهای اصلی هندتأسیس گردید ودرحقیقت پس ازسال ۱۷۸۰ میلادی که اولین روزنامه هندی به نام « بنگال گازت » در کلکته منتشر شد روزنامه‌نگاری درهندوستان روبه رونق گذاشت. درحالی که دراین سالهادرایران

هنوز فن چاپ بطور رسمی توسعه نیافته بود.

دلیل دوم، رواج زبان فارسی درهندوستان بود؛ فارسی زبان رسمی دربار و دولت بشمار می‌رفت وحتی بانفوذ انگلیسیها درهندوستان که زبان انگلیسی به تدریج جایگزین فارسی و زبانهای محلی دیگرشد، تا اواخر قرن نوزدهم زبان فارسی درهند رونق خود راازدست نداده‌بودویکی اززبانهای مهم محلی به‌حساب می آمد. بدین ترتیب وقتی چاپ‌روزنامه و کتاب درهندوستان آغاز گردید، بطور طبیعی زبان فارسی ازاین جریان بی‌نصیب نماند.

دلیل سوم را باید درطرزحکومت وادارهٔ هندقرن‌هیجدهم جست. بااینکه هندوستان یکی ازمستعمرات انگلستان بشمار می‌رفت ولی اموردولتی وحکومتی آن ازخیلی جهات ازحکومت استبدادی وقدیمی سلسلهٔ قاجارجلوتر واروپایی‌تر بود. ازطرف‌دیگر توجه انگلیس‌به نفوذ درفرهنگ وآموزش وپرورش هندمحیط مناسبی ایجاد کرده‌بود ودراین‌شرایط امکان توسعهٔ روزنامه‌نگاری وچاپ کتاب روز به روز بیشترمی‌شد.

مسلم بود که انگلیسیهاباچاپ روزنامه وتوسعهٔ‌مطبوعات درهندوستان‌سعی داشتند ارتباط بین حکام دولتی‌وطبقهٔ‌بانفوذهند را زیاد کنند وازاین‌طریق افکار ونقشه‌های سیاسی وبازرگانی خودرا به سهولت به مرحلهٔ عمل درآورند. یکی‌از سیاحان انگلیسی به‌نام رابرت بینینگ[1] که درنیمهٔ اول‌قرن نوزدهم به‌هندوستان وایران مسافرت کرد درسفرنامهٔ خودوضع دو کشور را مقایسه می کندومی‌نویسد چاپ کتاب درایران به‌صورت مناسب وخوب رواج دارد ولی به خوبی هندوبمبئی

1. Robert Binning

نمی رسد .... سواد و آموزش و پرورش نسبت به هندوستان کمتر درمیان ایرانیها توسعه یافته است و اکثر طبقات پایین نوشتن و خواندن نمی‌دانند. (۱) *

شرایط مذکور در هندوستان باعث شد در اواخر قرن هیجدهم روزنامه‌های محلی دراین کشور انتشار یابد. درمیان اولین روزنامه‌های محلی هندوستان روزنامه‌یی بود به نام «اخبار» که در ۱۷۹۸ میلادی به زبان فارسی دردهلی منتشر شد. ولی روزنامه مهم فارسی که اول بار درهندوستان شهرت پیدا کرد «مرآت الاخبار» بود که توسط « راموهان روی » از روشنفکران اصلاح طلب اهل بنگال به تاریخ ۲۰ آوریل ۱۸۲۲ در کلکته انتشاریافت . وی که به کمك یك ساعت ساز انگلیسی در کلکته مدرسه‌یی با شیوهٔ اروپایی تاسیس کرده بود، در روزنامه خود به توسعه و بسط امور مذهبی و اصلاحات عمومی پرداخت و عقاید غربی را بین خوانندگان خویش پخش می کرد.

درحدود یکماه بعد، (۱۶مه ۱۸۲۲) روزنامه هفتگی فارسی «جام جهان نما» به مدیریت یك هندی به نام «هوری هوردات» منتشرشد. این روزنامه خبرنگاران مختلفی دراستانهای هندوستان داشت واخبار خارجی را از روزنامه‌های انگلیسی ترجمه می کرد . «جام جهان نما» همچنین شماره مخصوصی به زبان اردو داشت. چاپ فارسی این روزنامه به مدت پنجاه وچهارسال درهندوستان ادامه یافت و بالاخره درماه اوت ۱۸۷۶ متوقف شد.

روزنامه‌های معروف دیگر فارسی اوایل قرن نوزدهم درهندوستان عبارت بودند از « شمس الاخبار» ، «آئینه سکندری» ، «سلطان الاخبار» ، «مهر منیر» و «جام جمشید» (۲)

روزنامه‌های فارسی هندوستان البته توسط هندیها و برای استفاده ساکنان شهرهای بزرگ آن کشور تهیه می‌شد ولی چون دراین موقع روزنامه‌یی درایران

وجود نداشت، شماره‌هایی از این گونه نشریات توسط مسافران وسیاحان ومأموران دولتی ازطریق بنادرجنوبی ومرزهای شرقی به‌ایران راه پیدا می کرد.

دراینجا باید متذکر شد در اوایل قرن نوزدهم ، اخبار خارجه از چندین راه ، ازجمله توسط روزنامه‌های خارجی، درمحافـل دولتی وبین طبقهٔ روشنفکر ایران پخش می‌شد . ولی نفوذ خبرها در داخل ایران بسیار محدودبود.

مسافران وسیاحان ومأموران دولتی کـه بین استانها ودرخارج از کـشور سفر می کردند، دهان به دهان وبطورشفاهی آنچه را که شنیده و دیده بودند ودر روزنامه‌ها ومجلات خارجی خوانده بودند برای دوستان ودرمحافل خصوصی نقل می کردند، ودرحقیقت گزارشهای شفاهی تنها وسیلهٔ اصلی نشروتوزیع خبروتفسیر آن زمان بشمار می‌رفت .

**تاسیس اولین روزنامه درایران**

سلطنت فتحعلیشاه، حکمران دوم سلسلهٔ قاجاریه، که سی وهفت سال طول کشید شاهد تحولات مهم بین‌المللی درخاورمیانه و تغییرات قابل توجه اجتماعی درداخل ایران بود که ازنظر رشد وتوسعهٔ وسایل ارتباط اجتماعی بسیار قـابل توجه است. این تحولات را که با پیشرفتهای بعدی قرن نوزدهم درایران بستگی کامل‌دارد ، می‌توان‌به طریق‌ذیل خلاصه کرد :

۱ـ جنگهای ایران وروسیه وقراردادهای گلستان وترکمن‌چای.

۲ـ توسعهٔ روابط خارجی با کشورهای اروپایی مخصوصاً فرانسه،انگلستان و روسیه .

۳ـ اصلاحات اداری وفرهنگی شاهزاده عباس میرزا .

۴ـ اعزام دانشجو به اروپا.

۵ـ پیدایش وتوسعه فن وصنعت چاپ.

۶ـ ترجمه ونشر کتب علمی وتاریخی.

این عوامل محیط جدیدی در ایران بوجود آورد که شیوه‌های کهنهٔ ارتباطات اجتماعی را به تدریج عوض کرد، نه تنها عدهٔ آگاهان و کسانی که به امور کشوری وبین‌المللی علاقه‌داشتند روبه‌فزونی گذاشت، بلکه بین طبقه‌متوسط که ازروحانیان وتجار ومغازه داران تشکیل می‌شد، نوعی تنبه پدید آمد. واین طبقه رفته رفته تشنهٔ اطلاعات واخباروحوادث داخلی وخارجی شدند واین‌عوامل هستهٔ اولیهٔ روزنامه نگاری را درایران تشکیل داد.

فتحعلی‌شاه‌درسال ۱۸۳۴ میلادی درگذشت وبلافاصله محمد شاه، فرزند عباس میرزا، به سلطنت رسید. سلطنت محمد شاه که چهارده سال طول کشید و سیزده سال آن با نخست وزیری حاجی میرزا آقاسی معروف همراه بود برای ایران سودی نداشت. از جنگهای هرات در زمان محمد شاه نتیجه‌یی حاصل نشد، وصدارت‌حاجی میرزا آقاسی، معلم‌دوران کودکی محمدشاه‌وسلطنت محمد شاه بارقابت‌های‌روزافزون روسیه و انگلستان در ایران همراه بود و وضع‌داخلی و خارجی کشور را تقریباً به‌آشفتگی کشاند. ولی در تاریخ ارتباطات اجتماعی، سومین سال سلطنت محمد شاه شاهد تأسیس و انتشار اولین روزنامه فارسی در ایران بود که‌تنها واقعه درخشان‌این‌دوره ازجنبهٔ روزنامه‌نگاری وتوسعهٔارتباطات اجتماعی به‌شمار می‌رود.

اولین روزنامه فارسی در ایران، که عنوان و اسم رسمی نداشت ولی‌به‌نام «اخبار» یا «کاغذ اخبار»معروف بود، درسال۱۲۵۳ هجری‌قمری‌مطابق با ۱۸۳۷ میلادی به مدیریت و سردبیری میرزا صالح شیرازی درتهران منتشر شد*. این

روزنامه که به‌خط نستعلیق نوشته و با چاپ سنگی طبع می‌شد ـ در دو صفحه روی کاغذی باقطع بزرگ که پشت آن سفید بود ـ ماهانه انتشار می‌یافت. شمارهٔ اول روزنامه که به‌تاریخ محرم ۱۲۵۳ (آوریل-مه ۱۸۳۷) در تهران به‌چاپ رسیده، هر صفحه آن در حدود ۲۴ سانتیمتر عرض و ۴۰ سانتی‌متر طول دارد. در بالا و وسط صفحه اول آن علامت شیر و خورشید نقش شده است و در زیر علامت به‌خط درشت نوشته شده: «اخبار وقایع شهر محرم‌الحرام ۱۲۵۳ که بدارالخلافه تهران انطباع یافته» بلافاصله زیر این جمله: درصفحه اول تیتر وعنوان «اخبار ممالك شرقیه» و در بالای صفحه دوم تیتر وعنوان «اخبار ممالك غربیه» به‌خط درشت دیده می‌شود.

قبل از شرح و تجزیهٔ این روزنامه و شماره‌های دیگر آن، بیان چندین نکته تاریخی ضروری به‌نظر می‌رسد. در مقدمه باید ذکر کرد تا امروز تحقیقی مبنی بر روش معین وبطور منظم درباره اولین روزنامهٔ ایران انجام نگرفته‌است و تا سالهای اخیر مقاله‌یی در بارهٔ روزنامه «اخبار» یا «کاغذ اخبار» دیده نشده، همچنین در باره تاریخ انتشار چنین روزنامه و اینکه شماره‌یی از آن اصلا وجود دارد یا نه اختلاف نظر بوده و شایعات و نوشته‌های تاریخ نویسان وروزنامه‌نگاران اغلب با یکدیگر فرق دارد و این امر از جنبهٔ تاریخی، وضع انتشار اولین روزنامه را در ایران به گمراهی کشانده است*.

مثلا در اغلب کتب دبیرستانی و دانشگاهی ایران، روزنامه «وقایع اتفاقیه» که درزمان ناصرالدین‌شاه ودر دورهٔ وزارت امیرکبیر منتشر شده به عنوان اولین روزنامه ایران معرفی شده است. بطوری که درآغاز این کتاب ذکر شد تاریخ‌نویسانی چون پروفسور ادوارد براون (۳) و صدر هاشمی (۴) یا از انتشار چنین روزنامه‌یی در زمان محمد شاه اظهار بی اطلاعی کرده‌اند و یا از وجود آن در شك و تردید بوده‌اند. تاریخ‌نویسان دیگر از جمله الول‌ساتن(۵)، دانلد ویلبر(۶)،

احمد کسروی (۷) ، وامین بنانی (۸) از این روزنامه اسمی نبرده‌اند و به استناد نوشته‌های قبلی،اولین روزنامهٔ ایران را «وقایع اتفاقیه» دانسته‌انـد . سید حسن تقی‌زاده ازوجود اصلی این روزنامه در تردید بوده است و نـوشته «شایـد ابتدای تأسیس آن به عهد فتحعلی‌شاه می‌افتد...»(۹) *این‌شك وتردید و عدم تحقیق‌عمیق همچنان ادامه داشت . عباس مسعودی مدیر روزنامه اطلاعات در نطقی کـه در سال ۱۳۳۷ در انجمن ایران و آمریکا ایراد کرد ، به‌وجوداولین روزنامه ایران اشاره کرد و گفت «و اما روزنامه به اصطلاح معمولی ممالك فرنگ ابتدای آن به احتمال قریب به‌یقین در اواخر سلطنت فتحعلی شاه بوده است و مدرك ایـن گفته مندرجات مجلهٔ انجمن پادشاهی‌آسیایـی چاپ لندن مـورخ اکتبر ۱۸۳۹ می‌باشد .» (۱۰)

در حقیقت تا سال ۱۳۴۱ شمسی ، مندرجات مجلهٔ انجمن پادشاهی‌آسیایی تنها منبع و مأخذ وجود روزنامهٔ «کاغذ اخبار» شمرده می‌شد و این عقیده کـه نسخهٔ اصلی چنین روزنامه‌یی در ایران و خارج وجود نـدارد ، سبب شده بـود نویسندگان ایرانی به اهمیت انتشار چنین روزنامه‌یی پی نبرند وراه تحقیق در این مورد بسته بماند.

در سال ۱۳۴۱ نگارنده در آمریکا به تحقیق در تاریخ روزنامـه نگاری و ارتباطات اجتماعی ایران مشغول‌بودو دنبالهٔ تحقیقات درسال ۱۳۴۲ مرا به لندن‌و کتابخانهٔ مـوزه بریتانیا [1] کشید و موفق شدم در بایگانی راکد این مـوزه دو نسخهٔ اصلی روزنامهٔ «کاغذ اخبار» راکه میرزا صالح شیرازی در تهران منتشـر کرده بود ، پیدا کنم . این دو شماره تاریخ چاپ ربیع الثانی ۱۲۵۳ هـجری و جمادی‌الاول ۱۲۵۳ هجری را دارد و در کتابخانه موزه بریتانیا در لندن محفوظ

1. British Museum

است. در همین سال ، یعنی ۱۳۴۲ شمسی، مقامات موزه بریتانیا درجواب تقاضای نگارنده ضمن دستورشماره ۳/۱۱۳۹۵ـ اس.پی اجازه‌عکسبرداری واستفاده آن‌را به‌من دادند . بدین ترتیب وجود اولین روزنامـهٔ ایـران و شماره‌های متعدد آن امری واضح و مسلم شد. در همان سال عکسهای روزنامه میرزا صالح را به‌ایران آوردم و در ضمن نوشته‌ها و سخنرانیهای خـود سعی کردم وضع مبهم انتشار این روزنامه را روشن کنم ودر اختیار علاقه‌مندان و تاریخ‌نویسان بگذارم .

به دنبال‌این سر آغاز، علاقه واشتیاق ایرانشناسان ودانشمندان تاریخ‌معاصر به جریان انتشار نخستین روزنامهٔ ایران افزایش پیدا کرد ودرمجله خواندنیها ونشریه‌های دیگر مقالاتی دراین مورد به چاپ رسید وبالاخره درسال ۱۳۴۷ به همت اسماعیل رایین « سفرنامهٔ میرزا صالح شیرازی » که درحقیقت باید اولین روزنامه‌نگار ایران نامیده‌شود انتشار یافت. متأسفانه هنوز هم جریان کامل‌چاپ وانتشار روزنامه « کاغذاخبار» نوشته‌نشده است وآنچه‌درمطبوعات و کتب‌تاریخی اخیرآمده‌ناقص است.مثلا اسماعیل‌رایین درمقدمه«سفرنامه میرزاصالح‌شیرازی» نوشته است «تنها در موزهٔ بریتانیا یك نسخه ازاولین شماره این روزنامه ضبط و نگهداری می‌شود» . (۱۱) وبه شماره دیگر روزنامه اشاره نکرده .

درمرداد ۱۳۴۷ نسخه‌های متعددی ازعکسهای اولین روزنامه که دراختیار نگارنده بود باهمکاری دانشکده‌علوم ارتباطات اجتماعی برای اولین بار درایران درچاپخانه روزنامه کیهان چاپ شد ودر روزنامـه کیهان (۱۰ مـرداد ۱۳۴۷) و کیهان انگلیسی (اول اوت ۱۹۶۸) انتشاریافت . (۱۲) بنابراین امروز چاپ و انتشار روزنامه « کاغذ اخبار» حقیقت‌مسلم تاریخی بشمار می‌رودوتاحال متن‌کامل سه شمارهٔ این روزنامه ـ دو شماره اصلی ( ربیع الثانی و جمادی الاول ۱۲۵۳ هجری ) درموزهٔ بریتانیاویك‌شماره رونوشت(شماره‌محرم۱۲۵۳هجری) در مجله

انجمن پادشاهی آسیایی لندن ـ برای‌مطالعه دراختیاراهل تحقیق است .

**اولین ناشر روزنامه : میرزا صالح شیرازی**

میرزا صالح شیرازی ازشمار دانشجویانی بود که توسط شاهـزاده عباس میرزا برای تحصیل به لندن اعزام شدند، وی پسرحاج باقرخان کازرونی بود و دردربارفتحعلی‌شاه مدتهاسمت منشیگری داشت ومدتی نیزدرتبریزمنشی ومترجم یکی از افسران انگلیسی بود که به دستور عباس میرزا در آذربایجان خدمت می کرد .

دربارۀ شیرازی یاکازرونی بودن میرزا صالح اختلاف نظراست واززندگی خانواده وبازماندگان اوهم‌مدارك تاریخی دردست نیست. آنچه معلوم است هوش وذکاوت وعلاقۀ بی‌حد میرزا صالح به‌علم وهنر وامور دولتی وسیاست است. اودر میان پنج دانشجوی اعزامی بیش از همه نظر عباس میرزا راجلب کرده بود و فعالیت وشوق وعلاقۀ او به تحصیل‌درلندن ازتوانایی وبینش این روشنفکرایرانی حکایت داشت.رشته تحصیلی‌میرزاصالح‌شیرازی درلندن زبان‌انگلیسی‌وفن ترجمه بود ولی بطوری که درسفرنامه‌اش شرح‌می‌دهد ازفرصت استفاده کردو فن چاپ‌و روزنامه‌نگاری رانیزآموخت .

میرزا صالح شیرازی دراین مورد می‌نویسد : «باخود اندیشه نمودم که‌به جز تحصیل اگر توانم چیزی ازاین ولا به ایران برم که بکار دولت علیه آید ، شاید خوب باشد. ومدتها بود که خیال بردن چاپ وصنعت باسمه درسرمن افتاده بود . چند روزبعد ازآن بلندن رفته قولونل‌خان را دیده کیفیت را بـاوحالـی کردم . این‌مطلب را پسندیده‌وبعد ازآن مستردانس نامی که اوستادچاپ سازاست

یعنی مختص بآنست که انجیل را در زبان فارسی وهندی وسریانی وعربی وسایر زبانهای غریبه چاپ میزنندیده هرروز دوساعت بنده درکارخانه اورفته من اوله الی آخره چاپ راآموزده . » (۱۳)

میرزا صالح شیرازی درمدت اقامت خود درلندن بااینکه با مشکلات گوناگون وازجمله مضیقه مالی روبه روبود از کسب دانش غفلت نکردودرتاریخ انگلستان واروپا مطالعه داشت وهروقت که فرصت می کرد به بازدید واستفاده از دانشگاههای آکسفورد و کمبریج می‌رفت.

دراین سفرنامه میرزا صالح ازحکومت وپارلمان وقوهٔ قضائی انگلستان صحبت می کند وبطورغیرمستقیم دیده‌های خودرا باوضع ایران می‌سنجد. درباره امنیت وآزادی می نویسد: «ولایتی به این امنیت وآزادی که اورا ولایت آزادی می‌نامند درعین آزادی نوعی انتظام پذیرفته که ازپادشاه الی گدای کوچه کاملا موافق نظام ولایتی مقیدهستندوهر کدام اندک اختلاف وانحراف ازطریقه و نظام ولایتی نمود موردتنبیه واقع می‌شوند. نه احدی رایارای انحراف است ودرعین آزادی به نوعی مردم صغیراً و کبیراً مقید به نظام ولایتی هستند که احدی رایارای مخالفت نیست مگر اینکه مورد تنبیه واقع شود .. »

آزادی انتخابات ومطبوعات، آزادی افکار وعقاید وترویج علم و صنعت ، میرزا صالح شیرازی را تحت تأثیر قرارمی‌دهد وبه تفاوت طرز زندگی وفکر مردم اروپا وایران پی‌می‌برد. مدتی نمی گذرد که میرزا صالح کاملا به وضع زندگی انگلیسی‌ها خومی گیرد ودر دوران زندگی لندن برنامهٔ روزانه خودرا چنان ترتیب می‌دهد که ساعتی ازوقتش تلف نشودواین نظم ازسفرنامه‌اش پیداست: «روزیکشنبه‌ها که روزتعطیل است درس نخوانده ویك شب درهفته به‌مهمانی یا

بتماشاخانه رفته ، هر کس درمیان هفته بنده را وعده می‌خواست عذر مـی‌آوردم بالجمله همه روزه مستمراً درس می خواندم و به چاپخانه می‌رفتم.»

افکار وآداب اروپایی نه تنها مغز وفکر میرزا صالح را پرمی کند بلکه ازجنبهٔ ظاهری ولباس نیز دراین جوان ایرانی اثرمی گذارد . علـی‌رغـم دستور شاهزاده عباس میرزا، میرزا صالح شیرازی ریش خود را می‌تراشد ولباس ایرانی رابه لباس انگلیسی تبدیل می‌سازد. خود او درسفرنامه چنین مـی‌نویسد: «و نیز نواب والاروحی فداه‌بلفظ مبارك فرموده بودند که تغییرلباس مکن. چون‌قولونل خان سعی بلیغی درتغییرلباس بنده داشت درکرایدن محاسبات مردم را طی کرده وریش را تراشیده لباس انگریزی در بر کرده و ملاحظهٔ عادت وقاعده را نکرده اگر ریش است قطع نظر از قاعده وعادت مشتی پشم است ، چهارماه نتراشی باز بلند خواهد شد. وبمضمون شعرشیخ سعدی عمل نموده :

میفراز گردن بدستار و ریش / که دستار پنبه است‌وسبلت حشیش

وهم چنین مقید بلباس ایران بودن را نیز ازعقل دور دانستم. اگرقولونل خان را سعی اینست که بنده بلباس انگریز شوم. این هم آسانست. ودرمتن‌واقع گرفتار این وآن بودن وترجیح کلاه پوست رابه‌برنس (کلاه) فرنگی دادن‌ایضا خوش آیند است.باز بمضمون شعر شیخ سعدی :

تفـاوت کند هرگزآب زلال / گرش کوزه زرین بود یاسفال»*

میرزاصالح شیرازی پس‌ازسه سال‌واندی تحصیل دراروپابه ایران‌مراجعت کرد ودردربار فتحعلیشاه ونزد شاهزاده عباس‌میرزا عهده‌دار پست‌های مهم‌سیاسی داخلی وخارجی شد . ازجمله مدتی به‌عنوان نماینده و سفیر ایران درانگلستان خدمت کرد ودرمحافل ادبی وعلمی لندن رسوخ یافت. درسال ۱۸۳۲ میرزاصالح

به دستور شاهزاده عباس میرزا به انگلستان رفت وازآن دولت عزل هنری‌ویلك وزیر مختارانگلستان را خواستار شد که حرکات او باعث خشم وآزردگی‌دولت ایران شده‌بود.سفر میرزا صالح وملاقاتش با وزیرخارجه انگلستان‌باموفقیت‌کامل همراه‌شد و دولت انگلستان ویلك را به لندن احضار کرد .

میرزا صالح درسال ۱۸۳۹ میلادی به عضویت انجمن پادشاهی آسیایی در لندن پذیرفته شد ومطابق مدارکی که نگارنده از آرشیو ایـن انجمن درلندن بدست‌آورده ، وی تا سال ۱۸۵۲ عضوانجمن بوده است وجالب‌توجه اینجاست که عنوان اودرلیست اعضای انجمن به نام «سردبیر گازت ( یا روزنامـه ) تهـران» ضبط شده .

درسال ۱۸۳۷ موقعی که میرزا صالح اولین شماره روزنامه «کاغذ اخبار» را منتشر کرد ، نسخه‌یی ازآن را به‌انجمن پادشاهی آسیایی درلندن فرستادو به گمان قریب به یقین نسخه‌های دیگرنیز به‌کتابخانه‌موزه بریتانیا در لندن‌ارسال کرده‌است .ارسال نسخه اول‌روزنامه‌به‌انجمن‌پادشاهی‌سبب شد که دوسال بعد متن کامل آن به عنوان «نمونه رشد سیاسی»ایرانیها درمجله انجمن چاپ شود وبعید نیست که نسخه‌های‌اصلی روزنامه که امروزه‌درموزه بریتانیامحفوظ است‌مرهون دوراندیشی وبینش خود میرزا صالح بوده است .

به هرصورت‌میرزاصالح شیرازی پس ازمراجعت ازلندن به‌تشویق وتوسعه صنعت چاپ پرداخت وبه‌کمك اوشخصی به‌نام اسداله باسمه‌چی روانه روسیه‌شد وفن چاپ‌را یادگرفت ودرمراجعت‌چاپخانه‌یی درتبریز تأسیس نمود. پس ازوفات فتحعلیشاه وآغازسلطنت محمد شاه، میرزا صالح همچنان درتهران به اموراداری ودولتی اشتغال داشت وباصوابدید محمد شاه‌وموافقت‌دولت تصمیم‌به‌انتشارروزنامه گرفت .طلیعه واعلامیهٔ انتشار این روزنامه دریك صفحه به تاریخ رمضان ۱۲۵۳

درتهران منتشر شد ونسخه‌آن به‌تمام استانهای‌ایران وبرای‌مقامات دولتی ورسمی ارسال گردید. درآغاز این اعلامیه دلیل ومنظور انتشار روزنامه «کاغذ اخبار» وحدود مندرجات آن به شرح ذیل ذکر شده است:

«اعلام نامه‌ایست که به‌جهت استحضار ساکنین ممالك محروسه ایران‌قلمی وتذکرمینماید. برای صوابنمای ساکنین ممالك محروسه مخفی نماناد که‌همت ملوکانه اولیای دولت‌علیه مصروف براین گشته است که ساکنین ممالك محروسه تربیت‌شوند وازآنجا که اعظم تربیت آگاه ساختن ازکارجهان است‌لهذا بحسب حکم شاهنشاهی‌کاغذ اخباری مشتمل براخبار شرقیه وغربیه در دارالطباعه ثبت و باطراف واکناف فرستاده‌خواهدشد اما اخبارشرقیه عبارتست ازعربستان‌واناتولی وارمن‌زمین وایران وخوارزم وتوران و سیبر ومغولستان وتبت وچین وماچین و هندوستان وسند وکابل‌وقندهاروکیچ* ومکران‌واخبار غربیه عبارتست ازاخبار یروپ یافرنگستان وافریقا وآمریکا یاینگی دنیا و جزایر متعلقه به‌آنها مختصراً هرآنچه طرفه بوده وتازگی داشته واستماع آنها مورث آگاهی ودانش و عبرت اهالی این مملکت‌خواهد بود ماهی‌یکمرتبه دردارالطباعه ثبت‌وبهمه ممالك‌انتشار خواهد شد ...»

بااینکه اولین روزنامه ایران که‌به سردبیری ومدیریت میرزاصالح‌منتشر شد اسم و عنوان خاصی نداشت که بالای روزنامه درج شود، از اعلامیه مذکـور روشن است که به نام«کاغذ اخبار» معروف بوده است. درحقیقت باید متوجه‌بود که «کاغذ اخبار» ترجمه تحت‌اللفظی لغت انگلیسی **(Newspaper)** است کـه بعدها درایران به روزنامه معروف شد . دراوایل سلسله قـاجاریه وقبل ازانتشار روزنـامه درایران لغت روزنامه به‌یاد داشتهای روزانه دولتي واتفاقات‌روزانه‌امرا اطلاق مي‌شد .

روزنامه ماهانه «کاغذ اخبار» چندین سال درتهران منتشر می‌شده است و چون امروز بیش ازسه نسخه مختلف ازآن دردسترس نیست بطور یقین نمی‌توان گفت تا چه سالی این روزنامه به انتشار خود ادامه می‌داده ، ولی این اندازه روشن است که روزنامه «کاغذ اخبار» حداقل مدت سه سال یعنی تاسال ۱۸۴۰ در تهران چاپ می‌شده .

«هورا تیوساتیت»، یکی ازاعضای گروه مذهبی «اپیسکوپول» پروتستان آمریکا که به سال ۱۸۴۰ درایران بوده درسفرنامه خود به انتشار «کاغذ اخبار» اشاره کرده می‌نویسد :

«... تنها امری که حکایت‌ازپیشرفت‌درایران می کند تأسیس‌روزنامه‌ایست که به سال ۱۸۳۷ درتهران تحت نظرشاه شروع به چاپ شده . این روزنامه به چاپ سنگی منتشر می‌شود ومقصود ومنظور اصلی آن تبلیغ شاه وکارهای اوست با این وصف تأسیس این روزنامه یکی از قدمهای مهم درپیشرفت ایران است و نتایج مهمی دربرخواهد داشت.» (۱۴)

بی‌شك میرزا صالح شیرازی را باید یکی از روشنفکران نیمه اول قرن نوزدهم ایران‌دانست. نفوذ اودرترویج رسوم جدیدواصلاحات اداری دورهٔسلطنت فتحعلیشاه ومحمدشاه بسیار پرارزش بود ومی‌توان گفت روزنامه اوهسته خیلی از تحولات وتغییراتی راکاشت که سالهای بعد درایران به وجود آمد. اودر بسط و توسعه اندیشه‌های جدید در ایران جای پرارزشی برای خود باقی گذاشت . متأسفانه در باره زندگی و فعالیت‌های سیاسی میرزا صالح کمتر تحقیق شده است وبه دقت معلوم‌نیست که سالهای آخرعمرخودرا چگونه گذرانده است.سال وفات‌اونیز دقیق معلوم‌نیست ولی‌ازمدارکی که وجود دارد بنظرمی‌رسد که‌میرزا صالح دراواخر سلطنت‌محمد شاه‌وآغازحکومت ناصرالدین‌شاه درگذشت.آرشیو

انجمن پادشاهی آسیایی انگلستان اسم او را به‌سال ۱۸۵۲ ازعضویت خود قلم زده است.*

سفرنامهٔ میرزا صالح درزمینهٔ جامعه شناسی‌ایران قرن نوزده مدرك بسیار مهمی است ورسوخ افکار وعقاید غربی را درایران وعکس‌العمل ایرانیها رانسبت به زندگی وروش اروپایی درآغاز آن قرن نشان می‌دهد.

میرزا صالح را می‌توان تقریباً مردی ازدورهٔ رنسانس بشمارآورد. اونه‌تنها تاریخ وجغرافیا وفلسفه اروپا را یادگرفت بلکه دوسه زبان خارجی از جمله انگلیسی وفرانسه راآموخت وباتحصیلات اروپایی‌وایرانی خود وبارفت‌وآمدهای متعدد درداخل وخارج کشور نمونه کامل روزنامه نگاران نخستین ایران بود و خیلی ازخصایص اورا روزنامه‌نگاران سالهای‌بعد به میراث‌بردند. روزنامه‌نگاران و«آژیتاتور» های قرن‌نوزدهم واوایل قرن‌بیستم ایران مخلوطی ازآزادیخواهان تحصیل کرده خارج وایرانیهای فرنگی مآب‌واروپا دوست آن زمان بودند که سیاست واصلاحات مملکتی را باحرفه روزنامه‌نگاری وتدریس به‌هم می‌آمیختند واغلب اهل علم وادب بودند.

وضع آشفتهٔ سلطنت محمد شاه قاجار علت اصلی پانگرفتن روزنامه «کاغذ اخبار» وپژمردن فکر اساسی میرزا صالح شیرازی بشمارمی‌رود. باید به خاطر داشت درمدت سیزده‌سالی که محمدشاه فرمانروای ایران‌بود، اموردولتی وسیاسی اغلب به اراده وهوسهای صدراعظم وقت «میرزا آقاسی» بسته بود. محمد شاه در تمام این مدت به اصلاحات عمیق واساسی درایران بی اعتنامانده. اعزام دانشجو به اروپا درزمان سلطنت اوبا موانع بزرگ مواجه شد. دراوایل سلطنتش وقتی طرح‌اعزام دانشجو به اروپارابرای تصویب‌پیش اوبردند،اولین سئوالش این‌بود که دانشجویان درچه رشته تحصیل خواهند کرد. جواب داده‌شد دونفر ازدانشجویان

در رشته چراغسازی وشمعسازی درس خواهند خواند. چون محمد شاه‌شمعسازی را دوست می‌داشت این‌رشته باعث خشنودی اوشد ولی وقتی که بـر آورد مخارج اعزام دانشجویان را به اواطلاع دادند سخت تعجب کرد ودستورداد اعزام‌دانشجو را موقوف کنند وتاچندین سال کسی به‌اروپا فرستاده نشد.

وضع داخلی وخارجی ایران خوب نبود . رقابت روسیه وانگلستان برای توسعهٔ نفوذشان درایران‌شدت‌یافته‌بودواختلافات دولت ایران باعثمانی‌ودرگیری نظامی درهرات‌به‌زیان‌ایران پایان گرفته‌بود وسرکشیها ونارضاییهایی‌دراستانهای شرقی وجنوبی پدیدآمده بود وصدارت میرزا آقاسی وکارایی درباریان محمدشاه برای‌حل وفصل اغتشاشها کفایت نمی کرد. وضع‌اقتصادی کشورآشفته بودوشیرازه امورمالی‌دولت روزبه روزبیشتر گسیخته می‌شد . وسایل‌ارتباطی وپست‌بین تهران وشهرستانها همچنان کند وقدیمی‌بود. تعداد باسوادان‌دانش اندوخته وآگاه‌ایران بسیار اندك بود واغلب در تهران‌وتبریزوچند شهردیگرتمرکزداشتند. اکثرقریب به‌اتفاق مردم ازسوادخواندن‌ونوشتن بی‌بهره بودند. واین‌تعداد اندك به‌اندازه‌یی ازسایر مردم جدا بودند که‌دلیلی‌برای ایجاد وتأسیس روزنامه‌دیگر که‌سخنگوی دولت ودربار باشد باقی‌نمی‌ماند. عنوان روزنامه هنوز دربین‌مردم‌رواج‌پیدانکرده بودواین کارنزدطبقهٔ‌متوسطایران کاری فرنگی وخارجی شمرده می‌شد ومقاومت دسته‌های متعصب و قدیمی را بر می‌انگیخت . اینها دلایلی بود که هنگام نشر روزنامه «کاغذ اخبار» وجود داشت ومانع رشد و نمو روزنامه‌نگاری در ایران بود، وسرانجام‌به‌سقوط روزنامهٔ«کاغذ اخبار» انجامید.

یکی ازپیش آمدهای مهم زمان محمد شاه پیدایش سیدعلیمحمد باب بود که تبلیغات واختلافات مذهبی را دامن زد. * ولی تلاش در راه‌توسعهٔ مذهب‌باب که‌پیروان‌سیدعلیمحمد درایران‌شروع کردندبه‌وسیله سخنرانی‌وانتشارجزوه‌های

تبلیغاتی صورت‌می گرفت وتا مدتها هیچ روزنامه ونشریه‌یی که عهده‌دار پخش‌خبر وتبلیغ مذهبی باشد، درایران وجود نداشت.

**مندرجات روزنامهٔ «کاغذ اخبار»**

مندرجات مطبوعات هرزمان تاحدی آئینه فکر ونمونهٔ محیط اجتماعی آن زمان است. روزنامه «کاغذ اخبار» ومندرجات آن نیز ازشیوهٔ بیان وطرز اندیشه دربار ودولت محمد شاه قاجارحکایت می کند. اولین روزنامه ایران در حقیقت‌جریده دولتی وسخنگو ومداح حکومت وقت بوده است. نوشته‌ها واخبار آن بسیاررسمی وخشك است ومقاله وتفسیرهای اجتماعی وادبی ندارد. ازجهتی روزنامه «کاغذ اخبار» به روزنامه دیواری مدارس امروز شبیه است. مندرجات آن کوتاه است واخبار خارجی آن اغلب جز اطلاعات تاریخی وجغرافیایی چیز دیگری دربرندارد. اخبار داخله روزنامه اغلب شامل اخبار تهران است واخبار خارجهٔ آن یا ترجمه اخبار روزنامه‌های اروپایی ویا اخباریست که توسط نامه‌به تهران رسیده. بطوری که جدول ذیل نشان می‌دهد درسه شماره‌موجود، هرشماره معمولا بین شش تا دوازده خبر مختلف داخلی وخارجی دارد وبیشتراخبارخارجی ازانگلستان است.

## تجزیهٔ مندرجات روزنامه «کاغذ اخبار»
## (۱۸۳۷ میلادی - ۱۲۵۳ هجری)

| شماره وتاریخ | تعداد اخبارداخلی ومنبع آن | تعداد اخبارخارجی ومنبع آن |
|---|---|---|
| (۱) محرم | ۴ (تهران) | ۸(ایتالیا-امریکا- انگلستان-ترکیه) |
| (۴) ربیع‌الثانی | ۲ (تهران) | ۴ (ترکیه- انگلستان- آلمان-مصر) |
| (۵)جمادی‌الاول | ۵ (تهران - خراسان) | ۵ (انگلستان - فرانسه - روسیه - ایتالیا - اسپانیا) |

مثلا در شماره جمادی‌الاول تحت عنوان فرانسه نوشته شده: «رودخانه عظیمی در آن ملك واقع است که عرضش سیصد ذرع می‌باشد و از زنجیرهای قویه محکمه متصلهٔ بر پهلوی هم پلی بر آن اختراع کرده‌اند که عرض آن که از اتصال زنجیرات کشیده بر روی رود حاصل و معبر عابرین گردیده هشت ذرع و طولش به عرض رود سیصد ذرع است بدان ارتفاع که جهازات از تحت آن پل گذرند به سهولت تاهم خلایق بری را به رویش محل عبور باشد و هم سفاین بحری را به زیرش ممر مرور و هذا من ابدع بدایع الامور.»

در همین شماره تحت عنوان روسیه این خبر نوشته شده است: «در روزنامه پتربورغ آمده است که درلندن ازطپانچه بزرگتری چون پیشتاب بزرگ اختراعی کرده وساخته است که چون پروخالی شود بهردفعه ده گلوله از آن بـه در رود ودریك دقیقه ده مرتبه پروخالی کنند ویکصدوبیست گلوله ازآن اندازند پس هرگاه درلشکری صدمرد، آموخته به صد قبضه چنین درده دقیقه به جنگ پردازند یکصد وبیست‌هزار گلوله بردشمن اندازند.»

بطوری که ازمندرجات شماره‌های ربیع‌الثانی وجمادی‌الاول معلوم می‌شود، قسمتی ازاین اخبار از روزنامه پتر بورغ ترجمه شده است ومنبع اخبار خارجی معمولا روزنامه‌های خارجی یا گزارشهای دولتی است. موضوع جالب توجه دیگر اینست که کلمه «روزنامه» دراولین روزنامه ایـران بکار برده شده است و ایـن می‌رساند گرچه نخستین روزنامه ایـران نام مخصوص نداشته است وبـه صـورت تاریخی به «کاغذ اخبار» معروف شده، عنوان و لغت روزنامه به‌طرزی که امروز بکار می‌رود در آن موقع نیز متداول بوده است. *

ازآنجا که نسخه اصلی شمارهٔ محرم ۱۲۵۳ این روزنامه در دست نیست و فقط متن کامل آن درمجلهٔ انجمن پادشاهی آسیایی انگلستان به سال ۱۸۳۹ چاپ شده، مندرجـات کامل این شماره‌را نقل می کند تاخوانندگان آن رابامندرجات گراورشده نسخه‌های اصلی ربیع‌الثانی وجمادی‌الاول ۱۲۵۳ مقایسه وتطبیق کنند.

# متن اولین شماره «کاغذ اخبار»

## اخبار وقایع شهر محرم‌الحرام ۱۲۵۳ که دردارالخلافه تهران انطباع‌یافته‌ـاخبار ممالك شرقیه

در دارالخلافه طهران : عالیجاه‌مقرب الخاقان خدادادخان از سفارت اسلامبول معاودت نمود نامه از اعلیحضرت سلطان محمودبحضور اعلیحضرت شاهنشاهی آوردازآنجا که سفارت مشارالیه مستحسن رأی جهان آرای شهریاری افتاد بعد از تبلیغ نامه وعرض مراتب مأموریت خود خاطر مبارك ازاو خرسندگردید وپایه اعتبار عالیجاه مشارالیه به اعلی مدارج رسید واورا بوزارت خوی مفتخروسرافرازفرمودند بنهجی که شاید وباید باولایات سرحدیه دولتین علیتین سعی وجدوجهد بلیغ نماید که روزبروز این دوستی و یك جهتی تزاید پذیرد و رشته اتحاد محکم گردد وامریکه‌مورث‌نقار خاطروغبار کدورت ضمیراولیای دولتین است‌رفع سازد●

ایضاً●جناب جلالت مآب شریعت آداب آقامیرمحمد مهدی امام جمعه و جماعت دارالسلطنه اصفهان بدارالخلافه آمدند وبا جمعی کثیر ازعلماء که درخدمتش بودند بحضورباهرالنور شاهنشاه عدالت‌سیر مشرف گشتند والحق شخص وجودش ازجمیع نقایض وذمایم پیراسته و بمحاسن‌اخلاق‌آراسته‌وبه‌سبب عدم ریاوتزویروبیساختگی(کذا)ونجابت ذاتی‌ومتانت‌فطری‌وکمال‌انسانیت‌معزی‌الیه‌خاطرمبارك‌شاهنشاهی‌خرسند

گردید امرا و بزرگان درگاه و سران و پیشکاران بارگاه با سایر چاکران حضرت دولت علیه و تمامی اهل دارالخلافه به جنابش دست ارادت دادند دولتخواه و خیر اندیش پادشاه اسلام پناه و کافهٔ بندگان خدا از روز ورود آناًفآناً مراحم و مکارم شاهانه دربارهٔ آنجناب و همراهانش در تزاید بود هر روزی التفاتی جداگانه و رأفتی تازه می‌دیدند تا روزیکه به‌جهة استرخاص با علماء و فضلا به انجمن حضور خسرو عادل دریادل شرفیاب آمدند پس از تکریم و اظهار التفات بلا نهایات فرمودند که آنجناب و سایر فضلا متمنیات و مقاصد و مستدعیات خود را به معرض شهود درآورند شریعت نصاب عرض کرد که چون شاهنشاه دین پناه به تقویت شرع محمدی جاهدند بر هریك از پاسداران شریعت غرا واجبست که در راه دین از جان و مال بگذرند استدعای دولتخواه این است که تمامی املاك و اموال خودرا صرف لشکر اسلام نمایم سایهٔ خدا قبله عالم خلدالله ملکه وابدایام دولته که معمورهٔ جهان در نظر همت آفتاب آثارشان بهای رباطی مخروبه ندارد و مرکز خاك بکفی خاکستر نیرزد زیاده از حد و حصر بر اکرام و احترام آن جناب افزودند بعلاوه انعامات وافره و تشریفات فاخره مبلغ سه هزار تومان به‌رسم وظایف و مستمری به او و متعلقانش زیاده بر مرسومات سابقه مرحمت فرمودند و مبلغ شصت هزار تومان نیز از اصل مالیات دیوانی به رعایای اصفهان تخفیف عنایت رفت و اینگونه رأفت و تخفیف نه تخصیص به اصفهان دارد بلکه به همه ممالك ایران خاصه آذربایجان و خراسان و عراق و فارس و سایر ولایات تخفیفات بیکران مکرمت شد این صفحهٔ روزنامه گنجایش بیان تفصیل عطیهٔ ملوکانه و گذشت شاهانه آن آسمان مکارم را ندارد اگر خواهند

مقدار عفو واحسان شاهنشاه معدلت بنیانرا بدانند که‌نسبت به تمامی اهالی ممالك محروسه چه‌مرحمتها مبذول‌افتاده رجوع بکتابچه‌هرولایت نموده تاحقیقت تخفیفات ظاهر وهویدا گردد.

ایضا ● چون به هریك از عظماء و امرا و فدویان دولتخواه و حکام ولایات که ازشرف حضور خاقانی دور بودند خلعتی مرحمت شد ازآنجمله یك دست خلعت‌ازجامه خانهٔ خاص خسروی به افتخارجناب مجدت‌ونجدت‌نصاب معتمدالدولةالعلیةالعالیه مبذول افتادوبسبب‌خدمات معظمه‌وجان نثاریها که ازمعظم‌الیه‌بظهوررسید خاطرحق‌شناس سلطانی هرروزی به التفاتی جدید پایه اعتماد ومایه اعتبارش را برتری دادند برهمگی دولتخواهان شوکت قاهره‌آشکار است که بعد ازقضیهٔ‌خاقان مغفور اول کسی که‌ازچاکران قدیم بقدم‌جان‌نثاری پیش‌آمد وبمعسکر انجم حشرخسروآسمان سریرملحق گردیدآنجناب بود که جان‌ومالرا دررکاب ظفرانتساب شاهنشاهی ازخاره وخاك خوارتر گرفت ودردعوت چاکری‌برفدوی بندگان پیشینه سبقت جست‌ویکقسط مالیات گیلانرا بانضمام پیشکشهای لایق بخاکپای شاهنشاهی حاضرآورد پس از نزول موکب اجلال بدارالخلافه مأمور بمملکت‌فارس وتنبیه سرکشان‌عرض راه‌آمد جمعی از سواره و پیاده اهل نظام را بهمراهی معزی‌الیه روانه فرمودند هرجا قلعه‌دید بآسانی بگشاد واگرسرکشی بودبسختی‌بربست دریکی ازمنازل حسنعلی میرزا را باگروهی متفرقه پراکنده و منهزم ساخت وتاقلعه شیراز قومی ازاشرار نگذاشت ودرحین ورودبدون‌مکث ودرنگ به‌نیروی طالع بیزوال شاهنشاهی داخل‌قلعه شیراز شده بحکم مأموریت که نه خارج ازرسوم ادب باشد حسینعلی میرزا و حسنعلی

میرزا را بی‌مجادله و گیرودار گرفتار باقراول بدارالخلافه فرستاد و بعد بنظم مهمات ملکی پرداخت وهر کجا قلعه صعبی بود مانند قلعه سفید وقلعه سرآسیا وقلعه کل وقلعه کلاب قلعه ده مروه‌بتدابیرصایبه تسخیر وطاغیان دور و نزدیکرا دستگیر ولیخان ممسنی و باقرخان پسرش را مخذولاومنکوباً باغل‌وزنجیر بدارالخلافه روانه نمود وازمحاسن‌خدمت وصدق‌ارادت معزی‌الیه‌خاطرمبارك سلطانی‌خرسند گشت والحق‌بجاست ایضا ● نوزدهم شهر محرم روز تولد پادشاه انگلیس بوده جناب وزیر مختار دولت علیه انگلیس جشن ملوکانه ترتیب داده وزیرمختاردولت علیه روسیه وامرا وسرکردگان وصاحب منصبان روسیه و جناب وزیر دول خارجه میرزا مسعود و جمعی کثیر از اعزه واشراف و بزرگان و چاکران درگاه‌شاهنشاهی را دعوت نموده‌خانهٔ‌بزرگ سفارت شوکت انگلیس را چراغان نمودند باغچهٔ این خانه بغایت باصفا مشحون‌بگلها ولاله‌های الوان‌واشجار دلکش‌است هزاران فانوس‌وقنادیل بلورومشاعل وشمعدان نقره وطلا باطراف ایوان ورواق وطاقها وباغچه‌ها و دیوارها آویخته و افروخته که شب رشك روزآمد شبیه مبارك شاهنشاهی اسلام پناه را درپرده نقش نموده در بالای طاق اوطاق وچندین قندیل و شمع باطراف تصویرهمایون ترتیب داده وشبیه پادشاه انگلیس را نیزدرپرده دیگرمقابل شبیه مبارك نصب نموده وقندیلها آویخته وآتشبازی‌عظیمی برپا ساخته که دیده روشنان خیره‌آمد و چهرهٔ مهر تفته و تیره الحق مجلسی ملوکانه و میزمیزمجلس بزرگانه بود که قریب چهل نفر در بالای میزشام‌خوردند وانواع سازهاواسباب طرب‌بعلاوه یك بندموسیقی متعلق بفوج بهادران بنواختن سازهای غریبه مشغول بودند که نعمتی

غیرمترقبه اتفاق افتاده‌عالیحضرت‌میرزا لطفعلی پیشخدمت خاصه‌سلطانی بتهنیة وارد وبوزیرمختاراعلام نمود که اعلیحضرت‌ظل‌اللهی بجهت‌عزو سرافرازی وزیرمختار یك قطعه‌تصویر خود شبیه نظر که باچندین‌قطعه الماس وجواهر گرانبها مرصع ومکلل شده بود آویزان گردن اعتبار مرحمت فرمودندمعزی‌الیه از استماع اینگونه التفات ومرحمت‌شاهانه باستقبال تصویرمبارك تابیرون عمارت شتافته حضار مجلس کلا ووطراً با معزی‌الیه همراهی‌نمودند ومبارکباد وتهنیه گفتند واین‌موهبت‌عظمی مزید برعشرت وشادیها آمد وتاهشت ساعت ازشب گذشته چنانکه از بیان آن عاجزاست مشغول عیش وعشرت بودند.

## اخبار ممالك غربیه

مملکت‌ایتالیا● ازشهر ناپل شخصی مراسلهٔ بدوستی نوشته‌بود ترجمه‌اش‌این است که پنجساعت ازشب گذشته درشهرشوال سقف‌بارگاه مشتعل گردید که باندك وقت کتابخانه سلطنت که سالها ازهرنسخه و بهترین کتابها بهرزبان و انواع لغات جمع کرده بودند و تصویر خانهٔ بزرگ‌سلطنت نیز که بهترین تصاویر استادان‌هرمملکت درآنجا فراهم آمده باسایر اشیاء نفیسه که قدیماً درین دوخانهٔ بزرگ بمرور دهور جمع شده بود درنیمساعت هردوتل خاکسترشد وبسمت خوابگاه رسید مادر پادشاه بقدری فرصت نمود که جانی بسلامت بدربرد ولیکن‌نواب شاهزاده‌سیراکوس‌درخواب بود منازل‌خوابگاه‌اوراچندان دودپراکنده کرده‌بود که شاهزاده را باجامهٔ خواب بیخود و بیهوش بیرون کشیدند

و نایرهٔ شعله بحدی در التهاب آمد که بیم سوختن تماشاخانه بود برای دفع این بلا دیواری ده زرع طول و دو زرع و نیم عرض و دوازده زرع ارتفاع بفاصلهٔ سه ساعت ساختند ونگذاشتند بتماشاخانه آتش رسد در این یك روز ودوشب که خلق مشغول انتفای آتش مزبور بودند جمعی ازدزدان کیسه‌بر دراوطاقها وسایراماکن بسرقت اموال مردمان فرصت نمودندوجمعی نیزدراینخانه‌آمده گرم‌دزدی اموال نفیسه‌شدند چندنفر ازآنها راگرفته روانه‌محبس نمودند وهنوز معلوم نشده که‌آتش افروز که‌بوده و ازچه افروخته

ینگی‌دنیا ● درشهر نیویارك باین‌مضمون مراسله نوشته‌اند که دراینسال کشتی بخار تازه اختراع کرده‌اند که درچرخ ( ظ : کشتی ) مزبور دوچرخ بخاربکار انداخته که هرچرخی در یکدقیقه سی و پنج مرتبه بدور محورخود میگردد که مدت یکساعت بیست میل که قریب شش فرسخ باشد سفر میکند و در نوروز گذشته کشتی مزبور را بآب انداخته‌اندتجار و ارباب معامله بواسطه اینگونه طی مسافت و سرعت حمل ونقل بغایت‌مشعوف وممنونند قبل ازین‌یکماه ازنیویارك الی‌لندن کشتی میرفت وحال مدت دوازده روز بدون اختلاف همان قدر راه‌طی میکند ونیزبهرطرف این کشتی بکاربرده‌اند .

انگلند ● کشتی جنگی بزرگی راکه شصت‌وهشت توپ‌داشته چرخ بخاری را هم باو ضم کرده‌اند واسم آن کشتی را آتلنتا نهاده‌اند دراین اوقات کشتی مزبوربه بنبایی (بمبئی) رسیده ازانگلند الی‌بنبایی شصت‌وچهار روز راه‌بوده‌چه عموماً کمتراز ششماه‌هیچ کشتی این‌مسافت راطی نکرده ازانگلند الی‌برن‌امیدی (دماغهٔ امید) که‌آخرملك‌مغرب‌و

سالهاست برای راحت نمودن و آب دادن کشتیهائیکه بهند میروند و مراجعت میکنند در آنجا جمعی کثیر از انگلیسیان توطن مینمایند و این کشتی جنگی بخار دربرن امیدی هم یکروز توقف کرده و آب وسوخت برای کشتی برداشته عازم هندوستان گردید چندین کشتی دیگرهم باین بزرگی و پرمصرفی خواهند ساخت .

چون بیست و پنجسال است میرزا سیدعلی شیرازی کتاب انجیل را باهنری مارتن ترجمه کرده بود وچیزی هم نخواسته اجزاء مجلس انجیل که جمعی کثیرند و همیشه در انتشار دین مسیحی میباشند ومبالغ کلی در این راه صرف می کنند عالیجاه سرجان کمیل ایلیچی سابق انگلیس بعد ازمراجعت ازایران مراتب را باجزاء مجلس انجیل اظهار نموده بود و علی العجاله دویست تومان برسم تعارف بجهت میرزا سید علی فرستاده‌اند و خواهشمند شده‌اند که خود ایشان شرحی نویسند که در ازاء این زحمت چه بایشان رسیده یحتمل چیزی دیگر هم بفرستند .

اسلامبول ●عالیجاه اسعد افندی که مدتهاست مباشر کاغذ اخبار است باسم سفیرشوکت عثمانیه باجمعی از صاحب منصبان محض برای تهنیت جلوس اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه ممالك ایران رفته بود درشهر رمضان وارد اسلامبول شده اگرچه رشته دوستی و یکجهتی میانه دولتین علیتین سالهاست کمال استحکام رادارد ولی بسبب قابلیت واستعداد مشارالیه و کثرت فهم و کیاست وطریقه ورویه سفارت وآداب دانی او مزید استحکام دوستی ویکجهتی میانه این دودولت شده چراکه این دودولت درملاحظه منافع دولتی ورموز نکات دولتداری بیك رأی

واراده میباشند ودرمذهب وملت نیز بیکطریقه وآیین مستقیم‌اند بعد از آنکه اسعد افندی ابلاغ سفارت خودرا بوجهی احسن ازعهده برآمد و پایه اعتبارش بلندی یافت مجدداً بخدمت سابقه خویش مأمور ومشغول گشت .

ایضا ● اعلیحضرت سلطان حکم‌صریح‌فرموده‌بودند که روزیکه پل بسته شد وراه عبور خلق گشوده از مترددین ومسافرین مطلقاً چیزی مطالبه نکنند واین معنی برهمه مردم ظاهراست که سابق برآن چندین هزار مردوزن ودواب بزحمت وخوف خسارت و بیم هلاکت از رود بواسطهٔ لتکه عبور میکردند ومبلغی خطیرخرج مینمودندبا وجود این‌سختیها عبور ازآب خالی از گزند نبود اعلیحضرت سلطان محمود محض ترحم ورأفت ورفاه تجار ورعیت ومنافع مسافرین عالم وبقای نام نیک‌وشهرت بعمل خیرمبلغی خطیربمصرف ساختن پل رسانیدند پس از چندی رشید نامی‌ببهانه اینکه پول‌چراغ وروشنائی‌پل را ازمترددین ودواب بارکش بگیرندجمعی نیز دراین تعدی بااوهم دستان آمدند خیراندیشان خلق ودولتخواهان سلطنت سلطانرا آگاهی دادند نایرهٔ غضب سلطان ملتهب گردید رشیدرا (ظ : نفی) بلد نموددرقریه استنکوی‌فرستاد واشخاصی که با او یار و ممد بودند بجم عام بکار بیگار گل بداشتند تا تنبیه شوند .

ایضا ● روزی اعلیحضرت‌سلطان محمودسواره‌ازین پل‌میگذشت درویش‌هرزه گردبیهوده گوی‌ژولیده موی‌بیسروپای‌سروپابرهنه کثیف‌الجلدمسی‌الخلق‌موذی‌اللسان بی‌ادب‌زندقه‌مذهب که درهرصورت‌وسیرت مانند دیو ومشابه مسوخات بود بررهگذار سلطان ایستاد نظرسلطان‌بر

هیکلی غریب وصورتی‌عجیب‌افتاد قدمی چندپیش‌رفت ودرنهایت‌خشونت وبی‌ادبی‌نسبت بسلطان‌ناسزا گفته که‌دین‌اسلام رابرباد دادی اعلیحضرت سلطان ازعظمت‌شان جوابی نداده گذشتند ساعتی نگذشته‌بود که سرپر موی درویش دیوانه مانند خارپشت مختلف‌اللون ازبدن جدا افتاده و بدن خبیثش چون مردار مردادی مغزرا پراکنده نموده جمعی ازیاران اوشهرت دادند که بدن درویش را نوری احاطه کرده وبه تلاوت قرآن ودعا مشغول بوده با اینکه درویش مزبور در حیاط بسلك بهایم بوده چگونه میشود که درممات مظهر کرامات گردد وادراك تکلم با سلطان اولوالعزم‌رانداشته‌باشدولی‌خلق‌درآشکارونهان‌کلمات‌شکایت‌آمیزمیگفتند که‌سلطان‌ملاحظهٔ‌مذهب‌ودین‌رانمی‌نمایندچون‌سلطان‌از این معنی‌آگاه شد حکم فرمودند که بعدازین هرمسلمانی که بوقت معین بنماز ظهرو عصر به مسجد حاضرنشود ویادقیقهٔ ازدقایق شریعت را ترك کند به‌تنبیه وتأدیب وسیاست رسد بنابر آن الحال درکوچه وبرزن مردمرا جبراً به مسجد میفرستند و هر که تهاون ورزد بحد شرعی گرفتار آید و باینواسطه همهٔ خلق پرهیزگار ومومن شده وبعبادت عادت کرده‌اند .

ایضاً ● تولد سلطان محمود درروزچهاردهم شهررمضان‌المبارك ۱۱۹۹ بوده‌عیدی بزرگ وجشنی عظیم‌دراسلامبول چیدند واسباب‌عیش وعشرت بجهت سپاهی ورعیت‌آماده کردند وکمال شادی وشعف‌ازناصیهٔ احوال هرذی حیاتی ظاهروهویدا بوده‌چراکه سلطانی‌رؤف وخیرخواه وعادل ودوربین وباشعوراست خدا را باین عطیهٔ عظمی بجاآوردندوآنی رفاه خلایق‌را ازنظرمحونکرده چه بناها که برای‌استراحت رعایاازین

وجود بزرگ به بنیان آمد وچه منافع وفیوضات بدولت و اجزاء دولت رسیده واهل شهررا ازغریب وبومی درین عید وجشن شکرگزار بوده همگی شادان ودل خوش درعیش وطرب شریك بودند چراغان شب‌طرفه چراغانی بوده در سرای همایون وتاب قاپو و جای بیگلربیگی و خانه شیخ‌الاسلام وخانه‌سر عسکر پاشا وخانه سایر نوکران چراغان کردند.

# منابع و ماخذ فصل چهارم

(1)Robert B. Binning, A Journal of TWo Years, Travel in Persia, Ceylon, Vol. 11, Wm. H . Allen and Co., London, 1857, P. 217.

(2) Margarita Barns, The Indian Press, George Allen & Unwind Ltd., London, 1940.

(3) Edward G. Browne, The Press and Poetry of Modern Persia, Cambridge University Press, 1914

(۴) محمد صدرهاشمی، تاریخ جرائد ومجلات ایران، جلد اول، چاپ اصفهان

(5) L.P. Elwell - Sutton , Modern Iran , George Routledge and Sons, London, 1941. And, L. P. Elwell-Sutton, (The Press of Iran Today) Journal of The Royal Central Asian Society, Vol. xxxv, 1948 .

(6) Donald N. Wilber, Iran: Past and Present, Prinecton University Prees, 1958.

۷ـ احمد کسروی ، تاریخ هیجده سالهٔ آذربایجان، یا داستان مشروطه ایـران ، تهران، ۲۲-۱۳۲۳

(8) AMin Banani, The Modernization of Iran : 1921 - 41 , Stanford University Press , 1961 . And,Amin

Banani, (The Role of Mass Media in Iran,) Conference on Iran in The 1960' S, Columbia University Press, Novemder 6-9, 1968.

۹ـ مجله کاوه، دورهٔ جدید، شماره ۵ .

۱۰ـ روزنامه اطلاعات ، یازدهم مرداد ۱۳۳۸ .

۱۱ـ سفرنامه میرزا صالح شیرازی، ص . ۲۶

۱۲ـ در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۴۷ در دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی در تهران ، نگارنده راجع به روزنامه «کاغذ اخبار» سخنرانی داشت و نخستین عکس چاپی آنرا به دانشکده هدیه کرد .

۱۳ـ سفرنامه میرزا صالح شیرازی ، ص . ۱۸۱ و۲۷۵ .

(14) Rev. Horatio Sauthate, Narrative of a Tour Through Armenia, Kurdistan, Persia, Mesopotamia, Two Vols., London, 1860, Vol. II, PP. 83-84.

# فصل پنجم

## رشد مطبوعات و توسعه ارتباطات

## اجتماعی درزمان ناصرالدین شاه

باآغازنیمه دوم قرن نوزدهم، روزنامه‌نگاری ومطبوعات‌رشد ونموابتدایی خود را درایران شروع کرد ودرمدت نیم قرنی که بالاخره به انقلاب مشروطه خاتمه یافت، تغییرات قابل توجهی درتوسعه و بسط ارتباطات اجتماعی در کشور حاصل شد. سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار باتوسعه وافزایش مطبوعات دولتی‌همراه بود ولی حکومت استبدادی این پادشاه نتوانست از گسترش افکارآزادیخواهان برای همیشه جلوگیری کند ودر اواسط نیمه دوم قرن نوزدهم مطبوعات ملی و روزنامه‌نگاران ترقیخواه‌درایران وخارج از کشورهسته‌های اولیه نهضت‌مشروطه را می‌کاشتند. سلطنت ناصرالدین‌شاه شاهدآغاز صفحات‌جدیدی درتاریخ ارتباطات داخلی وخارجی‌ایران‌بود. تأسیس‌روزنامه وقایع‌اتفاقیه، افتتاح ارتباطات‌تلگرافی، وتشکیل وزارت مطبوعات نمونه‌هایی ازتحولات این‌دوره بشمار می‌رود.

درسال ۱۸۴۸ میلادی که ناصرالدین شاه پس ازدرگذشت پدرش محمدشاه

عهده‌دار سلطنت شد وضع داخلی ایران چندان آشوب زده ودرهم بود که تنها یك ارادهٔ قوی وآزموده و کاردان می‌توانست به کمك شاه‌جوان بشتابد وسروصورتی به امور دولتی‌و کشوری بدهد. ناصرالدین‌شاه، میرزا تقی‌خان امیرنظام را که‌به امیرکبیر معروف‌وازدرباریان وسیاستمداران زبده عصرقاجار بودبه صدارت‌عظمی منصوب کرد . امیرکبیر در خانواده‌یی متوسط به دنیا آمده بود ، پدرش شغل آشپزی داشت . اودرسی سالگی وارد خدمت دولتی شد وسفری به روسیه رفت و بعدها رئیس امورنظامی استان‌آذربایجان گردید. درچندین مأموریت سیاسی در روسیه وترکیه، امیرکبیر سمت نمایندگی ایران را داشت ودر زمان محمد شاه پیشکار ورئیس دفترمخصوص شاهزاده‌ناصرالدین بود. امیرکبیر درمدت کوتاهی به وضع آشفته اداری و دولتی ایران سروصورت داد وخزانهٔ دولت را به وضع آبرومندی اداره کرد. درزمان صدارت او مرکزیت تهران در اداره امور دولتی و کشوری برقرارشد ورشوه خواری وتلف کردن منابع ملی که‌به صورت غیرقابل تصوری در ادارات مختلف گسترش یافته بود ، تحت نظر وبا کاردانی وی تقلیل پیدا کرد .

ازجمله اصلاحات امیرکبیر، پایه‌گذاری‌آموزش وپرورش جدید درسطح عالی‌ودانشگاهی وتشویق وبسط امورفرهنگی بود. ازآثارمهم این نهضت فرهنگی تأسیس مدرسه دارالفنون تهران را باید نام برد که بسال ۱۸۵۰ میلادی رسماً افتتاح شد .

امیرکبیر معلمان اروپایی وخارجی را برای تدریس به دارالفنون دعوت کرد وعلاوه‌برچهار رشته علوم نظامی، رشته‌های عالی طب،شیمی، زمین شناسی ، زبانهای خارجی، وبعدهانقاشی وموزیك دراین مدرسه دایرگردید. طولی نکشید که دارالفنون مرکز تحصیلات عالی دانشجویان ایرانی شد و فارغ التحصیلانش

برای ادامه تحصیلات عالی به اروپا اعزام گردیدند. علاوه براین، دارالفنون کتابخانه و چاپخانه مخصوص داشت. نخستین کتابهای دانشگاهی وترجمه آثار نویسندگان معروف‌ازجمله مولیر،ولتر،الکساندردوما، ودیگران دراین‌چاپخانه طبع ونشر می‌شد.

همراه بااین تحولات، امیر کبیر سرویس پست را بین تهران وشهرستانها تعمیم داد ودائمی کرد که کمك بسیار مهمی برای پخش افکار و عقاید در داخل ایران‌بود. ازجنبه ارتباطات خارجی،یکی ازاصلاحات‌نخستین امیر کبیربرقراری وانتشار پاسپورت وقوانین مربوط به‌آن بود که مسافرت بین ایران و کشورهای همسایه ونیز اروپا راتاحدی آسان کرد.

## دومین وسومین روزنامه درایران

صدارت امیر کبیر ازجهت مطبوعات وروزنامه نگاری نیزسرفصل تاریخی مهمی بشمارمی‌رود. اصلاحات امیر کبیر دردوسال اول زمامداری اواثری عمیق‌در ایران‌به‌جا گذاشت‌ومحیط‌جدیدی برای‌پخش وترویج‌نظریات‌واخبار دولتی وملی درتهران پدید آورد. درسال۱۸۵۱میلادی دوروزنامه درایران‌تأسیس شد.روزنامهٔ اولی به‌نام «زاراریت باهرا» (یا شعاع روشنایی) به زبان کلدانی (آسوری)توسط میسیون مسیحیان به تاریخ اول ژانویه ۱۸۵۱ (۲۷ صفر ۱۲۶۷) در رضائیه انتشار یافت. روزنامهٔ دوم به زبان فارسی وبطور رسمی به نام «وقایع اتفاقیه» به‌دستور امیر کبیر وتحت نظردولت درتهران منتشر گردید. تأسیس‌این دوروزنامه درست چهارده سال بعدازانتشار اولین روزنامهٔ ایران به‌نام «کاغذ اخبار» بود.

«زاراریت باهرا» که ماهانه منتشر می‌شد وبه آسوریان نواحی رضائیه و

آذربایجان محدود بود تحت نظارت مبشران مسیحی آمریکا در رضائیه اداره می گردید ومندرجات آن مذهبی بود ومسائل سیاسی وانتقادی درآن وجودنداشت ومدیران اولیه روزنامه دونفر ازجانشینان پرکینز میسیونر آمریکایی بودند. پرکینز به مدت هشت سال در رضائیه زندگی کرد و چاپخانه‌یی راکه روزنامه منتشرمی کرد ، اوبه ایران آورد . انتشار «زاراریت باهرا »به مدت شصت و سه سال (تاسال ۱۹۱۴ میلادی ) دررضائیه ادامه داشت .

سی وهفت روزبعد ازانتشار «زاراریت‌باهرا» در رضائیه * ، به تاریخ۵ربیع‌الثانی ۱۲۶۷ هجری مطابق با ۷ فوریه ۱۸۵۱ میلادی ، روزنامه «وقایع اتفاقیه» به دستور و تحت نظر امیر کبیر درتهران منتشرشد. این روزنامه باچاپ سنگی ودرچهارصفحه‌بطور هفتگی‌ازطرف دولت درتهران‌طبع‌ودرتمام استانها وشهرهای بزرگ ایران منتشرمی‌شد. درشمارهٔ اول روزنامه هدف انتشار «وقایع اتفاقیه»به تفصیل ذکرشده است وخاطر نشان‌شده منظوراصلی روزنامه اینست که اهالی‌ایران را به اخبار داخلی وخارجی آشنا کند ومردم را ازانتصابات وامور دولتی‌با خبر سازد. همچنین ذکرشده است یکی ازهدفهای روزنامه این خواهد بود که اهالی ایران‌رابه اخبار صحیح مملکتی‌آشنا وازگمراهی وتردید ملت‌جلوگیری کند.

شمارهٔ اول‌این روزنامه عنوان «یا اسدالله‌الغالب» را داشت ولی ازشماره‌دوم «وقایع‌اتفاقیه» جای آنرا گرفت وبه‌این‌اسم معروف شد.دربالای‌صفحهٔ‌اول،علامت شیروخورشید ایران قراردارد وازاین جهت «وقایع اتفاقیه» شبیه روزنامهٔ « کاغذ اخبار» است. وعلامت شیروخورشید درهردو روزنامه ازدولتی ورسمی بودن آنها حکایت می کند. «وقایع اتفاقیه» تاشماره ۱۶بطور هفتگی هرجمعه منتشرمی‌شد ولی ازشماره ۱۷ روزانتشارهفتگی آن‌به پنجشنبه تبدیل گردید .

«وقایع اتفاقیه» اولین روزنامهٔ هفتگی درایران بود که بطورمنظم درچهار

صفحه و گاهی درشش یاهشت صفحه منتشر می‌شد. صفحهٔ اول آن اغلب به اخبار داخلی ودربار اختصاص داشت وصفحات داخلی حاوی اخبارخارجی و شهرستانها و انتصابات بود. حق اشتراك یا آبونه سالانه آن ۲۴ قران و قیمت تکفروشی دهشاهی بود.حداقل پنج نفردرنویسندگی ومدیریت این‌روزنامه نقش بسیارمهمی داشتند که عبارت بودند از:

۱ـ میرزا تقی‌خان امیرکبیر، صدراعظم وموسس روزنامه

۲ـ حاجی میرزا جبارتذکره‌چی، مدیر وسردبیر .

۳ـ ادوارد برجیس، نویسنده ومترجم ومسئول مالی .

۴ـ میرزا عبدالله ، خبرنگار ونویسنده .

۵ـ حاجی عبدالمحمد ، مسئول چاپ .

حاجی‌میرزاجبارتذکره‌چی‌مدتی سرکنسول‌ایران‌دربغداد بودودربازگشت ازطرف امیرکبیر به سردبیری ومدیریت « وقایع اتفاقیه » منصوب شد . ادوارد برجیس‌یکنفرانگلیسی‌بود که‌درزمان شاهزاده عباس‌میرزا به ایران آورده شد و مدتها باسمت مترجم وبعدها به عنوان متخصص‌چاپ درتبریز وتهران کارمی کرد. برجیس به علت اقامت‌دائمی درایران زبان‌فارسی را به‌خوبی‌فراگرفته بودومدتها نیزمغازه‌یی‌درتهران‌داشت که‌اجناس‌اروپایی‌می‌فروخت. دراوایل‌سلطنت ناصرالدین شاه برجیس به سمت منشی ومترجم درددربار استخدام شد وبه علت آشنایی‌کاملی که به آداب و عادات ایران داشت و تسلطی که به زبان فارسی پیدا کرده بود ، امیرکبیر اورا متصدی ترجمهٔ اخبارخارجی روزنامه «وقایع‌اتفاقیه» کرد و امور مالی روزنامه را به اوسپرد. این امرمخصوصاً درشماره۱۵ روزنامه تشریح ونوشته شده است که مشترکان روزنامه برای امورمالی‌واداری درخواستهای خودرامستقیم به برجیس بفرستند. میرزا عبدالله خبرنگاراصلی این روزنامه بود ودرتمام‌مراسم

درباری‌ودولتی‌حاضر شده اخبار داخلی را تنظیم‌می کرد. روزنامه «وقایع اتفاقیه» درچاپخانه حاج عبدالمحمد واقع دردروازه دولاب چاپ می‌شد واوخود امورفنی وکارگاهی روزنامه رابه‌عهده داشت. خدمات برجیس‌ومیرزا عبدالله درتهیه‌وتحریر مندرجات روزنامه به قدری مورد رضایت دولت وشاه بود که به منظور پاداش، ناصر الدین شاه خلعت به‌این دونفرارزانی داشت.

تا آنجا که معلوم است «وقایع‌اتفاقیه» تیراژ چندانی نداشته است واغلب بین کارمندان وروسای دولت پخش می‌شده، تعدادی هم‌به شهرستانها وایالات‌مختلف ارسال می گردیده است. تکفروشی روزنامه دربازار تهران به عهده سیدکاظم بلور فروش بود ودرمغازه اوبین تجار وعلاقه‌مندان توزیع میشد.

«وقایع اتفاقیه» همچنین اولین روزنامه‌یی‌بود که آگهی واعلان بازرگانی درآن منتشر شد. درشمارهٔ چهارم مورخ ۷رجب ۱۲۶۷ هجری اولین آگهی به‌این ترتیب درج شده است: «یکباب خانه واقع در محله دروازه شاهزاده عبدالعظیم پهلوی گودزنبورکخانه مال‌موسیورفائل مسیحی‌است ومی‌خواهدبفروشد. هرکس طالب خریداری خانه مزبورباشد ازمسیو رفائل یاهرکس که درخانه مزبورباشد قیمت اورا جویا بشود.» در همین شماره تحت عنوان اعلانات این اعلامیه بنظر می‌رسد: «بعضی ازاشخاص که باید روزنامه دولتی هفته به هفته به آنها برسد شکایت کرده‌اند که گاهی موافق قاعده‌نمی‌رسد. لهذا مباشرین روزنامه خواهش می کنند که هرکس سفرمی کند یا از جائی به جائی مأمور می‌شوند بمباشرین اخبار واعلام نمایند که درهرکجا باشند روزنامه آنها را هفته به هفته برسانند».

با انتشار مرتب این روزنامه توجه مردم به‌آگهی جلب شد واز شماره ۲۲ روزنامه (پنجشنبه‌سوم رمضان ۱۲۶۷) آگهی تقریباً رسمیت یافت وبرای‌آن قیمت تعیین گردید. درسمت چپ بالای صفحه اول هرشماره این‌جملات نقش بسته‌است:

«قیمت اعلانات بیشتر از چهار سطر نباشد یکهزار دینار، کمتر هم باشد یکهزار دینار وبیشتر باشد ازقرارسطری پنجشاهی». ولی با این وجود نیز تاشماره ۳۲ یعنی نزدیك سه ماه پس ازتعیین قیمت اعلانات ، آگهی به ندرت دیده می‌شود وازاین به بعد تقریباً درهر شماره اعلانی به‌چشم می‌خورد که اکثر مربوط به قیمت کتابهای طبع شده درایران است و گاهگاهی آگهی‌های مربوط به فروش سایراجناس یا تغییر مکان‌شخصی ملاحظه می گردد. نحوهٔ نگارش وجمله‌بندی و کلمات این آگهی‌ها کاملا شبیه سایر اخبار ومقالات روزنامه است.

تأثیر اصلاحات امیر کبیر وتغییرات دولتی واجتماعی که بوجودآورده بود ازنظردشمنان او و کسانی که سالها ازخزانهٔ مملکت بی‌چون وچرا بهره‌مندبودند پنهان نماند . مبارزه شدید امیر کبیر علیه رشوه خواری وعزل مأموران نالایق و بی کفایت، جبههٔ جدیدی ازدرباریان ودولتی‌ها را علیه اوبسیج کرد. رهبری‌این عده را مادرناصرالدین شاه بعهده‌داشت. اختلاف بین‌امیر کبیر ودرباریان چندان شدت یافت وحسودی دشمنان امیر کبیر به قدری فزونی گرفت که بالاخره در سال چهارم زمامداری او، ناصرالدین‌شاه به تشویق ملکهٔ مادر وعدهٔ دیگرفرمان عزل امیر کبیررا صادر کرد وصدراعظم کاردان واصلاح طلب قرن‌نوزدهم‌ایران‌را چند روزبعد به کاشان تبعید نمود ودستور داد اورا درحمام فین‌به قتل رساندند. مرگ امیر کبیر ضایعهٔ بزرگی بود وپیشرفت اجتماعی وسیاسی ایران را سالها به‌عقب انداخت. سرپرسی سایکس تاریخ‌نویس انگلیسی، عزل ومرگ امیر کبیر را یك «مصیبت‌برای ایران» شناخته است وحادثه را اینطور خلاصه کرده :« گفته شده است که هرمردم وملتی سزاوارحکومتی است که دارد. اگراین گفته‌صحت داشته باشد، به وضع ایران باید غصه خورد برای اینکه حکومت این کشور به دوران قرون وسطای اروپا شباهت دارد وهدف اصلی مأموران وحکمرانان، جمع

آوری وافزایش ثروت‌شخصی است. هرمسافری که این روزهاازباغها وباغچه‌های باشکوه فین در کاشان دیدارمی کند چیزی جز تأسف وحسرت ندارد ، اگراین مرد(امیر کبیر)توفیق می‌یافت بیست‌سال زمامدار ایران‌باشد دراین‌مدت‌ایرانیان موفق می‌شدند برای جانشینی وی به قدر کافی رهبران جوان ودرستکار تربیت کنند . » (۱)داوری سایکس و سایر ناظران اوضاع ایران درحقیقت صحیح بود ازجنبهٔ ارتباطات اجتماعی وروزنامه‌نگاری پس ازمرگ امیر کبیر تاچندین‌سال روزنامهٔ «وقایع اتفاقیه» جریدهٔ منحصربه فرد ایران ماندوقدم جدیدی درتوسعه مطبوعات وروزنامه‌نگاری برداشته نشد.

روزنامه«وقایع اتفاقیه» که تحت‌نظروزارت علوم * اداره‌می‌شدبه‌سردبیری حاجی میرزا جبارتذکره‌چی به انتشارخود ادامه داد . این روزنامه تاشماره۴۵۶ (مورخ ۱۴ دسامبر ۱۸۵۹) مرتب وبطور هفتگی درتهران طبع وتوزیع شد و تا شماره ۴۷۱ ( مورخ اوت ۱۸۶۰) گاهگاهی درانتشار و توزیع آن بی نظمی دیده می‌شد. ازشماره ۴۷۲ اسم روزنامه «وقایع اتفاقیه» به «روزنامه دولت علیه‌ایران» تبدیل شد** وبه‌صورت‌مصور درتهران‌انتشار یافت وپس ازنه سال که روزنامه‌به سردبیری تذکره‌چی اداره‌می‌شد. مدیریت‌آن به ابوالحسن خان نقاشباشی‌غفاری واگذار شد ودرحقیقت اوبود که اسم روزنامه راعوض کرد وآنرابه جریده‌مصور تبدیل نمود .

ابوالحسن‌خان نقاشباشی که بعد لقب صنیع‌الملك گرفت یکی‌ازهنرمندان معروف دوره قاجار است. وی درسال ۱۸۴۳ میلادی درسی سالگی به ایتالیا رفت ودر رم وفلورانس به مطالعه نقاشی غرب مشغول شد.یکی ازآثار او که کپیهٔ کار هنرمند معروف ایتالیا را فائل است امروز درموزهٔ واتیکان نگاهداری می‌شود. صنیع‌الملك درباز گشت به ایران مدرسه‌یی برای تعلیم هنرهای زیبا دایر کرد

وسالها به‌تدریس و نقاشی مشغول بود. سردبیری صنیع‌الملك مندرجات رسمی و دولتی «روزنامه دولت علیه ایران» راچندان عوض نکرد و برای ده سال یعنی تا ۱۸۷۰ این روزنامه که درحقیقت ادامهٔ «وقایع اتفاقیه» بود انتشار یافت ودر این سال آخرین شمارهٔ آن به نمره ۶۶۸ منتشر شد * .

## تأثیرچاپ و گسترش مطبوعات دولتی

دهساله دوم سلطنت ناصرالدین شاه مخصوصاً سالهای بین ۱۸۶۰ تا ۱۸۷۰ شاهد تحولات اجتماعی‌وفکری بین طبقات مختلف ایران وشاهد گسترش سازمان اداری ومطبوعات دولتی بود . ازنظرجامعه شناسی، تأثیرفن چاپ ونشر کتاب و روزنامه‌نگاری‌درایران‌ازاوایل‌سال ۱۸۶۰ ظاهرشد وبطورمرتب‌ادامه یافت.وسایل چاپی‌از کتاب گرفته تاروزنامه، درحقیقت نیروی اجتماعی جدیدی- که به‌تدریج احساس‌می‌شد-بوجودآورده بود.مطبوعات،همراه‌با پیدایش‌مدارس ورسوخ افکار اروپایی، بازار مناسبی برای خواندن ونوشتن‌در کشور ایجاد کرده بود ونخستین رشته‌های ارتباط فرهنگی را بین روشنفکران وتحصیل کرده‌ها ومأموران دولتی پدیدمی‌آورد. رسالات‌و کتابهای‌متعددی که‌دربیست‌سالهٔ‌اول‌سلطنت‌ناصرالدین‌شاه درتهران وشهرستانها منتشرشد وترویج وتبلیغ‌روشهای جدید فکری ومذهبی‌پایهٔ ارتباطی واجتماعی این تحول بشمارمی‌رود .

دولت استبدادی وانفرادی ناصرالدین شاه دروضعی‌قرار گرفته بود که‌اگر اقدامی‌درجهت گسترش و کنترل‌چاپخانه‌هاو کتابها ومطبوعات‌نمی کردوتمرکزی به آنهانمی‌داد، احتمال می‌رفت عوامل ملی وغیردولتی‌ازاین شرایط‌استفاده کنند وقدرت ونفوذی‌درمقابل دولت پدیدآورند . ازطرفی گسترش مطبوعات، ضرورت

تأسیس ادارات جدید ورسمی کردن امورمطبوعاتی وارتباطی را مطرح می‌ساخت. بطورخلاصه برای اولین بار درایران نشر وتوزیع افکار وعقاید ازدو طریق بین طبقات مختلف انجام می‌گرفت: یکی طریقه قدیمی ارتباطات شفاهی که شامل ارتباطهای فردی و گروهی و سخنرانی وانجمنها ودوره‌ها می‌شد و دیگری که برای محیط ایران تازگی داشت نشر کتاب وجزوه واعلامیه وروزنامه بود. این دوطریقه به‌هم کمك کرده روش ارتباطی ایرانیها را باخود ودنیای خارج دگرگون ساختند. شرکت درسخنرانی‌ها وانجمنها به مطالعهٔ بیشتر کتاب وروزنامه کشیده‌می‌شد و همین‌طوردسترسی به‌چاپ کتاب باعث توسعه ارتباطات فردی‌و گروهی می گردید.

این تحولات، ناصرالدین‌شاه‌را تاحدی نگران کردودرسال ۱۸۶۳ صنیع‌الملك موظف شدریاست اداره‌مطبوعات‌دولتی رادرتهران به‌عهده بگیردوتمام‌چاپخانه‌های ایران تحت نظارت این اداره درآمد. در فرمانی که از طرف ناصرالدین شاه صادرشد یادآوری شده بود اداره مطبوعات دولتی درتهران دستورهای لازم را به همه چاپخانه‌ها بدهد و آنها را راهنمایی کند واز انتشار جزوات و کتابهایی که برخلاف آداب‌ملی وعلیه دولت باشد جلوگیری نماید. درهمین سال ناصرالدین شاه دستور انتشار روزنامه‌های دولتی تازه را صادر کرد و علیقلی میرزا اعتضاد-السلطنه وزیر علوم مأمور تأسیس وانتشار این روزنامه‌ها شد. به دستور اعتضاد-السلطنه، روزنامهٔ «دولت علیه‌ایران» وادارهٔ مطبوعات دولتی به ساختمان مدرسه دارالفنون انتقال یافت واین مدرسه‌مرکز انتشار وپخش روزنامه‌های دولتی‌شد.

سه روزنامه جدید باید ماهانه منتشرمی‌شد ولی جای بحث ازامور سیاسی ودولتی درآنها فقط امور تاریخی و فرهنگی وعلمی مطرح بود. اولین روزنامهٔ ماهانه جدید به نام «روزنامهٔ علمیه» در۱۱ ژانویه ۱۸۶۴ منتشرشد. این‌روزنامه که اغلب به زبانهای عربی وفرانسه نیز چاپ‌می‌شدبه‌مقالات علمی اختصاص‌داشت.

دو سال بعد به تاریخ ۲۷ ژوئیه ۱۸۶۶ روزنامه ماهانه دوم به نام «روزنامهٔ ملتی» (۲) که مندرجات آن تمام مقالات تاریخی بود انتشاریافت وچند ماه بعداز آن درسپتامبر ۱۸۶۶ روزنامهٔ سوم به‌نام «روزنامه دولتی» که‌درواقع نشریه‌هفتگی «روزنامه دولت علیه‌ایران» بود ازطبع بیرون‌آمد. مندرجات این روزنامه اغلب ترجمه اخبارخارجی بود و گاهگاهی اموردولت ودربارهم درآن ذکرمی‌شد.

باآنکه طبق دستور ناصرالدین شاه مأموران دولتی و ادارات به اشتراك روزنامه‌های دولتی مجبوربودند، تیراژآنها خیلی محدود بود و در واقع فقط بین رؤسای ادارات و کتابخانه‌ها وعده‌یی از تحصیلکرده‌ها پخش می‌شد. باید دانست که روزنامه در بین روحانیان و طبقات تجار و پیشه‌ور وسیلهٔ فرنگی محسوب می‌شد واین برداشت عاملی درمنع پخش و افزایش تیراژ روزنامه درایران بشمار می‌رفت . تیراژ روزنامه از۱۱۱۵ نسخه تجاوزنمی کرد. درسال ۱۸۶۷ مستوفی‌ـ الممالك خزانه‌دار کشور عده مشترکان هریك ازروزنامه‌های دولتی را درتهران و شهرستانهای مختلف به‌شرح‌جدولی که‌می‌آیداعلام کرد :

**تیراژ روزنامه‌های دولتی درتهران وشهرستانها در سال ۱۸۶۷ میلادی**

| | | | |
|---|---|---|---|
| تهران | ۲۷۰ شماره | گیلان | ۳۵ شماره |
| آذربایجان | ۱۶۶ » | استرآباد | ۳۴ » |
| وزارت خارجه | ۸۷ » | اصفهان | ۳۰ » |
| خراسان | ۸۰ » | مازندران | ۳۰ » |
| کرمانشاه | ۷۵ » | اسدآباد و گنج آور | ۳۱ » |
| فارس | ۶۶ » | خوزستان | ۲۶ » |

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| قزوین | ۲۲ | « | ملایر وتوسرکان | ۱۰ | « |
| یزد | ۲۶ | « | کرمان | ۸ | « |
| کردستان | ۲۱ | « | قم ونطنز | ۷ | « |
| قمشه | ۱۶ | « | نهاوند | ۵ | « |
| بروجرد | ۱۴ | « | گلپایگان وخوانسار | ۵ | « |
| اراك | ۱۲ | « | شاهرود | ۵ | « |
| گنبدقابوس | ۱۲ | « | سمنان ودامغان | ۲ | « |
| کاشان | ۱۲ | « | ساوه | ۲ | « |
| همدان | ۱۲ | « | محلات | ۱ | « |

**جمع کل ۱۱۱۵ شماره**

تهران با ۲۷۰ مشترك در درجه اول قرار داشت وتقریباً یك چهارم تیراژ روزنامه را تامین می کرد. آذربایجان دردرجه دوم بود و۱۶۶ مشترك داشت. با توجه به اینکه دراین‌سال سه روزنامه ماهانه منتشرمی‌شد، می‌توان گفت مجموع تیراژآنها به ۳۵۰۰ نسخه نمی‌رسید.

یکی ازمشکلات مهم توزیع، بدی راههای ارتباط تهران وشهرستانها بود. بعد از دورهٔ صفوی، به توسعه ارتباطات و آبادی راههای اصلی بین شهرستانها اعتنا نمی‌شد ودراین‌مدت راههای ارتباطی روبه ویرانی و کهنگی گذاشت. اسب وقاطر وسیلهٔ اصلی مسافرت بشمار می‌رفت و با وضع بد ارتباطی، ماهها طول می کشید تا روزنامه یا کتاب ونشریه دیگرازتهران به نقاط دور افتاده برسد.

## تأسیس ارتباطات تلگرافی درایران

دهساله ۱۸۷۰ـ۱۸۶۰ شاهد تحولات جدیدی درامر ارتباطات ایران بود و تأثیرمهمی‌دراستقرارحکومت‌مرکزی‌تهران گذاشت‌وباعث گسترش‌تبلیغ‌مطبوعات دولتی درپایتخت و شهرستانها شد. برقراری خطوط ارتباط تلگرافی درایران و ارتباط ایران با خارج ازکشور جریان پخش اخبار خارجی و داخلی را تسهیل کرد. ازجنبه جغرافیایی موقعیت ایران درخاورمیانه طوری بود که آسیا واروپا رابه‌هم وصل می‌کرد.وقتی که انگلیسیها تصمیم گرفتند باهندوستان ومستعمرات خود درآسیا ارتباط تلگرافی برقرار کنند، ایران را تنهاراه مناسب‌تشخیص‌دادند وبه این‌جهت ایران یکی ازاولین کشورهای‌آسیا بود که وسیلهٔ ارتباط تلگرافی درآن دایر شد ومورد بهره برداری قرار گرفت.

درسال ۱۸۵۹ اقدام انگلیسیها برای استقرارخطوط‌تلگرافی بین‌انگلستان واسکندریه ازطریق‌دریای سرخ ومارسی‌باشکست مواجه شده‌بود. ازطرفی‌دولت عثمانی تصمیم داشت با احداث وتوسعهٔ خطوط تلگرافی بین آسیای صغیر وبغداد ارتباطات دولتی‌را در امپراتوری خود تقویت کند. موقعی که دولت عثمانی‌تصمیم به تأسیس خط تلگرافی بین استانبول وبغداد گرفت، انگلیسیها پیشنهاد کردند خط تلگرافی بغداد ازطریق ایران به هند اتصال یابد. پیشنهاد انگلیسیها قبول شد وخط تلگرافی استانبول ـ بغداد ازراه ایران و خلیج فارس و بخصوص بندر بوشهر به‌هند متصل شد وبدین ترتیب اولین خط تلگرافی درایران دایر گردید. قرارداد این خط ارتباطی در۱۸۶۳ بین نمایندگان دولتهای ذی‌نفع به‌امضارسید. درسال ۱۸۶۴ درست بیست‌سال بعد ازاختراع ارتباطات‌تلگرافی «ساموئل‌مورس»

شهرهای بغداد ـ تهران ـ کرمانشاه ـ همدان و بوشهر توسط تلگراف سیمی به‌هم متصل شد و ایران وارد دورهٔ جدیدی از تاریخ ارتباطات گردید.

درسال ۱۸۷۰ برادران «زیمنس» خطوط ارتباطی بین لندن ـ الکساندروسك را درمرز روسیه ازدولتهای آلمان وانگلستان اجاره و ازطریق روسیه خط ارتباط تلگرافی بین اودسا، تفلیس، تبریز وتهران دایر کردند. این خط بعدها وسیلهٔ کمپانی هند شرقی به خلیج فارس وازآنجا ازطریق کراچی به هندوستان ادامه یافت. بدین ترتیب در اواخر قرن نوزدهم خطوط ارتباط تلگرافی در ایران گسترده شد وشهرهای مهم کشور را به هم اتصال داد وتوسعهٔ خطوط تلگرافی در ایران سبب شد اخبارخارجه درروزنامه‌های ایران رونق بیشترپیدا کند. ازسال ۱۸۷۵ روزنامه‌های داخلی درایران اخبار شهرستانها را ازطریق تلگراف دریافت می‌کردند ویکسال بعد روزنامه دولتی درتهران یك صفحهٔ کامل به اخبارتلگرافی شهرستانها اختصاص داد.

یکی ازنتایج سیاسی واجتماعی توسعهٔ ارتباطات تلگرافی درایران «تحصن درتلگرافخانه» بود. باافتتاح خطوط ارتباطی، مردم ازوجود تلگرافخانه به‌منظور ارتباط بامقامات دولتی وطرح اعتراضات خود استفاده کرده «تحصن» و «بست نشینی» درتلگرافخانه راکه دراوایل تنها وسیله ارتباط حضوری و سریع بادربار ودولت بود، رواج دادند. تحصن در تلگرافخانه درسالهای بعد بخصوص در زمان انقلاب مشروطه درایران متداول شد وبه عنوان یك وسیله ارتباط سیاسی نقش موثری در تاریخ ایران به‌جا گذاشت. روزنامه‌نگاران، سیاستمداران، وبالاخره مردم معمولی کشور اسلحه تحصن درتلگرافخانه را وسیله بیان اعتراضات خود قراردادند وبه این طریق عقاید وافکارخودرابین مردم ودولتی‌ها تبلیغ وپراکنده کردند. درحقیقت می‌توان گفت تحصن در تلگرافخانه یکی از شیوه‌های سیاسی خاص ایرانیها بشمار می‌رود.

## روابط عمومی و تبلیغات ناصرالدین شاه

با تأسیس خطوط ارتباطات تلگرافی در ایران، دو وسیلهٔ مهم ارتباطات اجتماعی یعنی مطبوعات و تلگراف کاملا تحت نظر و کنترل دولت و شخص ناصرالدین شاه قرار گرفت و درباریان و شاه تا آنجا که می‌توانستند از این دو عامل برای تبلیغ به نفع خود و روابط عمومی شخصی و دولتی استفاده کردند. مثلا در یکی از سفرهای داخلی، ناصرالدین شاه پزشك مخصوص خود میرزا علینقی حکیم‌الممالك را مأمور کرد که از مسافرت او و درباریان یادداشت بردارد و یك روزنامه موقتی و خصوصی جهت تبلیغ و انتشار فعالیتهای شخصی شاه منتشر کند. بدین ترتیب در مسافرت ناصرالدین شاه به خراسان که به سال ۱۸۶۹ انجام گرفت «روزنامهٔ حکیم‌الممالك» برای مدت چند ماه منتشر شد. طبق نوشته پروفسور برون قسمت عمده مندرجات این روزنامه توسط شخص ناصرالدین شاه نوشته شده و با امضاء حکیم‌الممالك به چاپ می‌رسیده است. حکیم‌الممالك که در فرانسه تحصیل طب کرده بود در سال ۱۸۶۱ میلادی به تهران بازگشت و به سمت پزشك مخصوص شاه منصوب شد. حکیم‌الممالك به ادبیات و شعر علاقه فراوانی داشت و بعدها در سلطنت ناصرالدین شاه به فرمانداری بروجرد تعیین شد.

انتشار این گونه روزنامه‌های کوچك و فصلی بعدها در دربار ناصرالدین شاه مرسوم شده و هرموقع که شخص شاه تصمیم به مسافرت به ایالات مختلف می‌گرفت چنین روزنامه‌یی منتشر می‌شد و امور روابط عمومی آن زمان را برای شاه و درباریان آسان می‌نمود. بطوری که در سال ۱۸۷۱ در موقع مسافرت ناصرالدین شاه به مازندران روزنامه «مرآت السفر و مشکوة الحضر» به مدیریت محمد حسن خان

صنیع‌الدوله که بعد به اعتمادالسلطنه معروف شده بود منتشر شد. *

## تأسیس وزارت مطبوعات

استفاده از وسایل ارتباطی برای اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های مختلف حکومت ناصرالدین شاه روزبه‌روز بیشترمورد توجه قرار می‌گرفت. این گونه وسایل ارتباطی نه‌تنها برای هماهنگی و موافقت برنامه‌های مختلف دولتی بین درباریان ونزدیکان وامرای کشور لازم‌بنظر می‌رسید بلکه برای اولین‌بارحکومت ناصرالدین‌شاه تشخیص داده بودباید قسمت قابل‌توجهی ازاهالی‌روشنفکروباسواد کشور راکه کم‌کم به امور خارجی وداخلی آشنایی پیدا کرده بودند به دنبال برنامه‌های دولتی بسیج کرد. باید توجه داشت که درنیمهٔ دوم قرن نوزدهم با رقابتهای‌اقتصادی وسیاسی‌بین روسیه وانگلستان درایران وبافعالیتهای‌قابل‌توجهی که ازطرف دول اروپایی‌برای‌جلب امتیازات بازرگانی و اقتصادی درایران‌انجام می‌شد، حکومت ناصرالدین شاه لازم دیده بود باتبلیغات به طرز مناسبی تصمیمات جدید دولتی رابین طبقه روحانی وروشنفکر ببرد.

باتوسعهٔ صنایع دراروپا، دول اروپایی درپی میدانهای جدید تهیهٔموادِاولیه بودند ومی‌کوشیدند ازمنابع کشورهای آسیایی استفاده کنند. ناصرالدین شاه و بعدهاسلاطین‌دیگرسلسلهٔ قاجار درمسیراین تلاش قرارگرفتند وبا اعطای امتیاز اقتصادی به دول خارجی، خرج ودخل خزانهٔ حکومتی ودربارخود را هماهنگ می‌ساختند. این جریان تازه‌ایجاب می‌کرد که‌ناصرالدین‌شاه واطرافیانش‌تبلیغات خود را در کشور توسعه دهند. امورمطبوعاتی وتبلیغاتی که تا این زمان زیرنظر وزارت‌علوم بود توانایی این‌کار رانداشت. روزنامه‌های دولتی که سالها درتهران

## روابط عمومی و تبلیغات ناصرالدین شاه

باتأسیس خطوط ارتباطات تلگرافی درایران، دووسیلهٔ مهم ارتباطات اجتماعی یعنی مطبوعات وتلگراف کاملا تحت نظر و کنترل دولت و شخص ناصرالدین شاه قرار گرفت ودرباریان وشاه تا آنجا که می توانستند ازاین دوعامل برای تبلیغ به نفع خود وروابط عمومی شخصی ودولتی استفاده کردند. مثلادریکی ازسفرهای داخلی، ناصرالدین شاه پزشك مخصوص خود میرزا علینقی حکیم الممالك را مأمور کرد که ازمسافرت اوودرباریان یادداشت بردارد ویك روزنامه موقتی وخصوصی جهت تبلیغ وانتشارفعالیتهای شخصی شاه منتشر کند. بدین ترتیب در مسافرت ناصرالدین شاه به خراسان که به سال ۱۸۶۹ انجام گرفت «روزنامهٔ حکیم الممالك» برای مدت چند ماه منتشر شد. طبق نوشته پروفسور برون قسمت عمده مندرجات این روزنامه توسط شخص ناصرالدین شاه نوشته شده وباامضاء حکیم الممالك به چاپ می رسیده است. حکیم الممالك که درفرانسه تحصیل طب کرده بود درسال ۱۸۶۱ میلادی به تهران باز گشت وبه سمت پزشك مخصوص شاه منصوب شد. حکیم الممالك به ادبیات وشعرعلاقه فراوانی داشت وبعدها درسلطنت ناصرالدین شاه به فرمانداری بروجرد تعیین شد.

انتشار این گونه روزنامه‌های کوچك وفصلی بعدها دردربار ناصرالدین شاه مرسوم شده وهرموقع که شخص شاه تصمیم به مسافرت به ایالات مختلف می گرفت چنین روزنامه یی منتشر می شد وامور روابط عمومی آن زمان را برای شاه ودرباریان آسان می نمود. بطوری که در سال ۱۸۷۱ در موقع مسافرت ناصرالدین شاه به مازندران روزنامه «مرآت السفر ومشکوة الحضر» به مدیریت محمد حسن خان

صنیع‌الدوله که بعد به اعتمادالسلطنه معروف شده بود منتشر شد. *

## تأسیس وزارت مطبوعات

استفاده از وسایل ارتباطی برای اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های مختلف حکومت ناصرالدین شاه روزبه‌روز بیشترمورد توجه قرار می‌گرفت. این گونه وسایل ارتباطی نه‌تنها برای هماهنگی و موافقت برنامه‌های مختلف دولتی بین درباریان ونزدیکان وامرای کشور لازم‌بنظرمی‌رسید بلکه برای اولین‌بارحکومت ناصرالدین‌شاه تشخیص داده بودباید قسمت قابل‌توجهی ازاهالی‌روشنفکروباسواد کشور را که کم‌کم به امور خارجی وداخلی آشنایی پیدا کرده بودند به دنبال برنامه‌های دولتی بسیج کرد. باید توجه داشت که درنیمهٔ دوم قرن نوزدهم با رقابتهای‌اقتصادی وسیاسی‌بین روسیه وانگلستان درایران وبافعالیتهای‌قابل‌توجهی که ازطرف دول اروپایی‌برای‌جلب امتیازات بازرگانی و اقتصادی درایران‌انجام می‌شد، حکومت ناصرالدین شاه لازم دیده بود باتبلیغات به طرز مناسبی تصمیمات جدید دولتی رابین طبقه روحانی وروشنفکر ببرد.

باتوسعهٔ صنایع دراروپا، دول اروپایی درپی میدانهای جدید تهیهٔ‌مواداولیه بودند ومی‌کوشیدند ازمنابع کشورهای آسیایی استفاده کنند. ناصرالدین شاه و بعدهاسلاطین‌دیگرسلسلهٔ قاجار درمسیراین تلاش قرارگرفتند وبا اعطای امتیاز اقتصادی به دول خارجی، خرج ودخل خزانهٔ حکومتی ودربارخود را هماهنگ می‌ساختند. این جریان تازه‌ایجاب می‌کرد که‌ناصرالدین‌شاه واطرافیانش‌تبلیغات خود را در کشور توسعه دهند. امورمطبوعاتی وتبلیغاتی که تا این زمان زیرنظر وزارت‌علوم بود توانایی این‌کار رانداشت. روزنامه‌های دولتی که سالها درتهران

و شهرستانها منتشر می‌شد اعتبار نخستین خود را ازدست داد و بین کارمندان و روشنفکران کشور خواننده‌یی پیدا نمی‌کرد. برای رفع این نقص درسال ۱۸۷۱ میلادی امور مطبوعات و تبلیغات دولتی ازوزارت علوم به‌وزارت جدید مطبوعات که تحت نظر محمد حسن‌خان صنیع‌الدوله تأسیس شد، انتقال یافت.

با افتتاح وزارت مطبوعات، انتشارات وتبلیغات‌دولتی صورت تازه‌پیدا کرد وصنیع‌الدوله، که‌بعد ازمرگ‌پدربه اعتمادالسلطنه‌ملقب گردید، بیش‌ازبیست‌سال مسئول تبلیغات شاه و وزیر مطبوعات ایران بود وسالها به ترجمه و تألیف کتب مختلف اشتغال داشت . اوازشخصیت‌های فرهنگی‌فعال عصر ناصرالدین شاه‌بشمار می‌رود . قبل ازاینکه به پست وزارت برسد ، چندین داستان و کتاب اروپایی از جمله بیوگرافی کریستف کلمب را به فارسی ترجمه کرده بود. (۳)

موقعی که محمد حسنخان به وزارت مطبوعات منصوب گردید اولین اقدام وی این بود که انتشار سه روزنامه ماهانه دولتی را که مدتهابطور نامرتب منتشر شده بود وخوانندهٔ زیادی نداشت متوقف ساخت وجای آنها یك روزنامهٔ سه‌روز درهفته به نام «ایران» تأسیس کرد. این روزنامه که اولین شمارهٔ آن در سال ۱۸۷۱ میلادی درچهارصفحه منتشرشد، به‌صورت ارگان رسمی حکومت اخبار دولتی وخارجی رابین مردم می‌برد. مندرجات روزنامه اغلب تقدیر وتجلیل‌ازشاه ودرباریان بود وصفحه اول‌آن اغلب به‌شکارشاه ومراسم‌سلطنتی وامثال‌آن‌اختصاص داشت‌و اخبار دولتی‌درستونهای مخصوص وزارتخانه‌هاچاپ می‌شد.

طرزنگارش اخبار ومقالات در«ایران» بامقایسه با روزنامه‌های قبلی‌تاحدی ساده‌تر وخواناتر بود وازاین جهت طرزخبرنویسی‌ومقالات اندکی صریح‌تربنظر می‌آمد. ازتغییرات دیگردرزمینه تکامل روزنامه‌نگاری ایران که در روزنامه‌تازه می‌توان دید اخبارمربوط به‌حوادث واتفاقات شهری‌ومحلی‌وافزایش قابل‌ملاحظهٔ خبرهای تلگرافی وخارجی است. آگهی هنوز رشد وتوسعه نیافته است ودرهر

شماره فقط دوسه آگهی دولتی به چشم می‌خورد. چاپ سربی هنوز در ایران و بخصوص در روزنامه‌های ایران موردتوجه نیست وروزنامهٔ «ایران» باچاپ‌سنگی طبع می‌شود. تیتر نویسی ـ به‌صورت امروزـ نیزمتداول نیست وستونهای روزنامه اغلب باعنوان ساده «اخبار رسمی دربار همایون» یا «تاریخ دولت روس» ونظیر آن نوشته می‌شود.

باهمه رسمیت و مشکلاتی که در روزنامه نگاری این عصر وجود داشت، روزنامهٔ «ایران» نشریهٔ نسبتاً مهم این دوره بشمارمی‌رود. صنیع‌الدوله روزنامه‌را به‌یك نشریهٔ ادبی وتاریخی مبدل کردوازاین طریق آثارنویسندگان‌قدیم وجدید رابین طبقات مختلف روزنامه خوان برد. این اقدام بسیار مهم بود برای اینکه کتب علمی وادبی درآن زمان بسیار گران بود وپخش‌آنها بین طبقات مختلف به سهولت امکان نداشت. هیأت نویسندگان روزنامه «ایران» برای مدت طولانی‌از این‌عده تشکیل می‌شد: اعتمادالسلطنه وزیرمطبوعات وسردبیر میرزا علی خان نائینی و محمد حسین ادیب مشهور به‌ذکاءالملك، نویسندگان روزنامه، میرزا ابوتراب و میرزا سید احمد، خطاطان هنرمند، وغلامحسین‌مذهب واستادمحمد متخصصان چاپ.

یکی ازاقدامات اعتماد السلطنه، تأسیس ادارهٔ سانسور به سال ۱۸۷۰ در وزارت‌مطبوعات بود. این اداره‌به پیشنهاد وزیر وبه دستور ناصرالدین شاه‌تأسیس شد. دردورانی که انتقاد ازحکومت ناصرالدین شاه درخارج وداخل کشور ریشه پیدا می کرد هدف اصلی اداره جدید جلوگیری از انتشار و پخش جزوه‌ها و روزنامه‌های مخفی آزادیخواهان بود که کم کم در ایران رواج می‌یافت. اعتماد-السلطنه در کتاب «المآثروالآثار» می‌نویسد وقتی که جزوهٔ تقبیح سلالهٔ‌شیخ‌هاشم شیرازی‌در بمبئی چاپ وبه تهران ارسال شد، درباریان وشاه طوری از مندرجات

آن آتش گرفتند که شاه دستور داد تمام نسخه‌های رساله را معدوم سازند. اعتمادـ السلطنه در این موقع به ناصرالدین‌شاه یادآوری می کند در بعضی از ممالك اروپا، ادارهٔ سانسور وجود دارد که نشریات ضد دولتی را جمع آوری ومعدوم می کند و ناصرالدین شاه این نظر را می‌پسندد و فرمان تأسیس اداره سانسور را صادر می کند (۴).

## مطبوعات شهرستانها ونفوذ روزنامه‌نگاری اروپا درایران

یکسال پس ازانتشار روزنامهٔ «ایران» درتهران، روزنامه‌های رسمی ونیمه رسمی دیگری توسط فرمانداران واستانداران درشهرهای مختلف ایران شروع به انتشار کرد. ازنخستین روزنامه‌ها، روزنامه «تبریز» بود. روزنامه «تبریز» اول باردرسال ۱۸۵۸ تأسیس گردید ولی پس ازمدتی انتشارآن متوقف شد وباردیگر به‌سال ۱۸۷۲ به دستورمظفرالدین میرزا ولیعهد منتشر گردید. با انتصاب ظل‌ـ السلطان به‌حکومت فارس، میرزا تقی‌خان کاشانی، طبیب او که به افکار وعقاید اروپایی بسیار آشنا بود روزنامه‌یی به نام «فارس» در شیراز منتشر کرد. این روزنامه که درهشت صفحه بطور هفتگی منتشرمی‌شد به دوقسمت فارسی و عربی تقسیم‌شده بود ولی ازشمارهٔ چهارم تنها به زبان فارسی درآمد ومدت انتشار آن ازیکسال تجاوزنکرد.

پس ازاستقرار حکومت مسعود میرزا ظل‌السلطان دراصفهان، میرزا تقی خان‌کاشانی درسال ۱۷۸۹ میلادی (۱۲۹۶ هجری) اولین روزنامه این شهر را به نام «فرهنگ» منتشر کرد. روزنامه «فرهنگ» که‌تاسال ۱۳۰۸هجری بطورمرتب منتشر می‌شد یکی از روزنامه‌های خوب ادبی وعلمی آن دوره بشمارمی‌رود. به این ترتیب انتشار روزنامه علاوه برتهران درشهرستانها نیزازجانب حکومتهارونق

ورواج پیدا کرد. درمدت سی‌وپنج سالی که ازانتشار اولین روزنامه حکومتی در ایران می گذشت، درحدود ده روزنامه درتهران وشهرستانها منتشر شد.

## ده روزنامهٔ اولیه درایران

| اسم روزنامه | دورهٔ انتشار | تاریخ تأسیس | محل انتشار |
|---|---|---|---|
| ۱ـ کاغذ اخبار | ماهانه | ۱۸۳۷ | تهران |
| ۲ـ زاراریت باهرا | ماهانه | ۱۸۵۱ | رضائیه |
| ۳ـ وقایع اتفاقیه | هفتگی | ۱۸۵۱ | تهران |
| ۴ـ تبریز | ماهانه | ۱۸۵۸ | تبریز |
| ۵ـ روزنامه‌دولت‌علیه‌ایران | هفتگی | ۱۸۶۰ | تهران |
| ۶ـ روزنامه علمیه | ماهانه | ۱۸۶۴ | تهران |
| ۷ـ روزنامه ملتی | ماهانه | ۱۸۶۶ | تهران |
| ۸ـ روزنامه دولتی | ماهانه | ۱۸۶۶ | تهران |
| ۹ـ ایران | سه روز درهفته | ۱۸۷۱ | تهران |
| ۱۰ـ فارس | هفتگی | ۱۸۷۲ | شیراز |

سالی‌پس ازتأسیس وزارت مطبوعات‌بود که‌ناصرالدین شاه‌امتیازات‌اقتصادی قابل توجهی به انگلیسیها اعطا کرد. درسال ۱۸۷۲ یکی از بانکداران معروف انگلیس به نام بارون ژولیوس دورویتر [۱] که موسس خبرگزاری رویتر در انگلستان بود امتیاز ساختمان راه آهن و وسایل حمل و نقل شهری و استفاده و استخراج معادن ایران را ازناصرالدین شاه بدست‌آورد. همچنین طبق امتیازاتی

1 Baron Julius de Reuter

که رویتر ازناصرالدین شاه کسب کرد ، کمپانی وی ادارهٔ امور گمرکات ایران را بدست‌آورد وبرای‌استخراج نفت درایران اجازه یافت. قرارداد اعطای امتیاز به رویتردرمحیط خفقان‌آور وبی‌انتقادمطبوعات وافکارعمومی صورت گرفته‌بود. چندماه بعدازامضای قرارداد، ناصرالدین شاه به‌اروپا سفر کرد وازروسیه‌وآلمان وبلژیك وانگلستان دیدار نمود. ودراین سفرازمخالفت روسیه وآلمان در اعطای امتیازات به انگلستان آگاهی بیشتری پیدا کرد. و کوششهای رویتربرای جلب نظرروسیه وآلمان درمورد این امتیازها بی‌نتیجه ماند وبا تمام رشوه‌هایی که در تهران بین دولتیان تقسیم کرده بود ، فشار دول خارجی ومخالفت سخت افکار عمومی درداخل ایران، ناصرالدین شاه رامجبور کردامتیازات‌رویتررادربازگشت ازاروپا به ایران لغو کند .

مسافرت ناصرالدین شاه به اروپا گرچه تا حدی سیاسی وهمراه با رقابت دولتهای بزرگ اروپایی بود، فکرونظر شاه را تاحدی عوض کرد ومخصوصاً از جنبهٔ ارتباطات وروزنامه نگاری ناصرالدین شاه را تحت تأثیر قرارداد . شاه از آزادی وفلسفه‌حکومت مشروطه ممالك اروپایی، مخصوصاًازآزادی افکارعمومی درسویس وآزادی مطبوعات در بلژیك درسفر نامه خود صحبت کرده است * و کنجکاوی وحیرت خودرا درنوشته‌هایش نشان داده (۵) .

هنگام بازگشت، ناصرالدین شاه دراستانبول یك ماشین چاپ لاتین خرید وباخود به ایران آورد . این ماشین ، اولین ماشین چاپ لاتین در ایران بود و ناصرالدین شاه تصمیم‌داشت‌ازآن برای‌انتشار روزنامه و کتب‌انگلیسی وفرانسوی استفاده کند . ناصرالدین شاه دراروپا به نقش مطبوعات درامور سیاست خارجی پی‌برد وبه‌فکرافتاد روزنامه‌یی به‌زبان فرانسه درتهران منتشر کند وازاین‌طریق اخبار وعقاید دولتی را بین خارجیان و ایرانیهای روشنفکر ببرد. به دستور شاه

وزارت خارجه ایران روزنامه‌نگار وسردبیری به نام بارون لوئی دونورمان[1] را ازپاریس دعوت کردوتصمیم‌به انتشار روزنامه فارسی وفرانسه گرفت.مسیو نورمان درسال ۱۸۷۶ وارد تهران شد وروزنامه‌یی به‌نام لاپاتری[2] یا « وطن » در تهران منتشر کرد . اولین شماره این روزنامه به تاریخ ۵ فوریه ۱۸۷۶ منتشر شد و سرمقالهٔ روزنامه‌به‌اهمیت‌آزادی مطبوعات‌وتأثیر روزنامه نگاری درپیشرفت‌امور اقتصادی واجتماعی اختصاص یافت . مسیو نورمان بی‌اینکه وضع حقیقی داخلی ایران رادرنظربگیرد ، دعوت سلطان وقرار روزنامه نگاری در ایران را بسیار جدی گرفت وبه روش اروپایی مقاله مستقل وآزادیخواهانه‌یی نوشت که بامحیط استبدادآن زمان به هیچوجه سازش نداشت و نتیجه این بود که اولین شماره «لاپاتری» آخرین شمارهٔ این روزنامه شد وچند روزبعد به دستور شاه قرارداد این روزنامه‌نگار با دولت ایران خاتمه پیدا کرد واز انتشار شماره دوم روزنامه جلوگیری شد، دولت ایران حقوق سه‌سالهٔ مسیونورمان راطبق قرارداد پرداخت واجازه اقامت اورا لغو کرد واین شخص به اروپا بازگشت . *

تجربه انتشار «لاپاتری» خیلی تلخ‌بود. درحقیقت این اولین روزنامه‌یی‌بود که تا آن تاریخ بطورمستقل تحت نظر روزنامه نگاری حرفه‌یی درایران منتشر می‌شد وازافکار آزادیخواهانه بطور رسمی‌سخن می‌گفت.ولی حکومت‌استبدادی و محافظه کار ناصرالدین شاه با افکار متجدد وآزاد این روزنامه سازش نکرد . اختلاف بین این دواجتناب ناپذیر بود (۶) .

---

1- Baron Louis de Norman
2- La Patrie

# منابع وماخذ فصل پنجم

(1) - Sir Percy Sykes, A History of Persia, Vol , 11, Macmillan Co . , 1930 , London, P . 346 .

(۲)- میرزا فتح علی‌آخوند زاده جزوه‌یی راجع به روزنامه «ملتی» درسال ۱۸۶۶ نوشته است . این جزوه به شماره ۲۷۷۶ درکتابخانه دانشکده معقـول ومنقول تهـران محفوظ است .

(۳)ـ تألیفات اعتماد السلطنه عبارتست از : «حجةالسادات» درسال ۱۸۶۱ میلادی، « مرآت البلدان » چاپ ۱۸۷۶ ، « منتظم ناصری » در سه جلد چاپ ۱۸۸۲ ، « المآثر والآثـار » چاپ ۱۸۹۰ و بالاخره « خیرات الحسان » یا تاریخ پارت‌ها چاپ ۱۸۹۱ در تهـران .

(۴)ـ « المآثروالاثار » تالیف محمد حسن خان‌اعتماد السلطنه، تهران ۱۸۹۰، باب هشتم ـ ص ۱۱۷ .

(۵)ـ سفرنامه ناصرالدین شاه چاپ مهرماه ۱۳۴۳ شمسی .

(۶)ـ دومین روزنامه به زبان فرانسه به نام ( Echo de Perse ) تحت نظر دکترمورل معلم مدرسه دارالفنون به‌سال ۱۸۸۵ به چاپ رسید و به مدت سه‌سال انتشارآن ادامه داشت .

# فصل ششم

## روزنامه‌نگاری وهسته‌های انقلاب مشروطه

در آخرین ربع قرن نوزدهم روزنامه به‌عنوان یك وسیلهٔ ارتباط جمعی، باتغییرات اجتماعی وتحولاتی که درایران بوجود می‌آمد، همراه شد وبرای اولین بار قدرت روزنامه‌نگاری دست به دست گردید و به مردان جدید انتقال پیدا کرد. حربهٔ مطبوعات و قدرتی که درآن احساس می‌شد از مردان حکومت مطلقه به مردان انقلابی وآزادیخواه منتقل گشت. هسته‌های نارضایی وشورشی که حکومت کهنه و زنگ زدهٔ قاجار را تکان داده بودبالاخره به‌نهضت مشروطه‌مبدل شدونمویافت. وایران به‌چنان مطبوعات جدید وملی رسید که اغلب توسط روشنفکران مترقی وانقلابی اداره می‌شد. این‌مطبوعات نو به حکومت قاجار حمله وازوضع سیاسی واجتماعی واقتصادی ایران انتقاد کرد. هرچه مطبوعات بیشتر جرأت نشان داد و رهبری تحولات اجتماعی را بدست گرفت حکمرانان قاجار ودولتی‌ها بیشترعقب نشینی کردند وبالاخره‌باآغازقرن بیستم، جنگ وجدال‌مطبوعات وحکومت‌مستبد قاجار تاحدودی‌آرامش پیدا کرد وروزنامه‌نگاران‌به پیروزی رسیدند ودرایران

نظام پارلمانی پدید آمد و آزادی مطبوعات درشمار آزادیهای اساسی ، مسجل گردید .

ارمغانهای فکری که ناصرالدین شاه با خود از اروپا به ایران آورده بود تغییرات‌اساسی دروضع اجتماعی‌ایران بوجودنیاورد وروشنفکران وآزادیخواهان ایران را قانع نکرد .

ناصرالدین شاه‌روی هم‌سه سفربه اروپا کرد. بطوری که خودش‌بیان کرده، سفراول اودرسال ۱۸۷۳ برای این بود که حس کنجکاوی خویش‌را اقناع کند. سفردوم درسال ۱۸۷۸ برای‌آشنایی به وضع اروپا بودوسفرسوم که درسال ۱۸۸۹ صورت گرفت به گفته شاه برای آشنایی با افکار وفراگرفتن برنامه‌های جدید اروپایی بود. متأسفانه سه‌ره‌آورد ناصرالدین شاه که تاحدی می‌توانست به‌اصلاح وضع اجتماعی وسیاسی ایران‌آن زمان کمك کند ، عاطل ماند .

نخست فکر تشکیل مجلس شوراکه ازاروپا اخذ شده بود باروحیهٔ شاه و درباریان زیاد سازگار نبود واقدامی دراین مورد صورت نگرفت . اصلاح وضع دادگاهها ورسیدگی به شکایات مردم وتدوین قانون مدنی وقضائی نیز که یکی از ره‌آوردهای اوبودبه‌تأخیرافتاد. وسرانجام، نه‌تنها ازاعطای‌حق روزنامه‌نگاری به‌آزادیخواهان‌جلوگیری‌شدبلکه چنانکه دیدیم‌ناصرالدین‌شاه‌ازانتشار روزنامه «لاپاتری»هم به ترس افتاد وانتشار آنرا منع کرد .

درعوض،حکومت ناصرالدین شاه در ربع آخرقرن نوزدهم به‌معامله وبند وبست باخارجیان و کمپانیهای اروپا پرداخت وبارقابت شدیدی که دراین زمان دول اروپایی مخصوصاًانگلستان و روسیه وفرانسه درخاورمیانه باهم‌داشتند،تهران مرکز زدوبندها وگفتگوهای کسب امتیازات مالی‌وسیاسی شد ودرمدت سلطنت ناصرالدین شاه در حدود پانزده کشورخارجی امتیازات‌مختلفی برای‌اتباع‌خویش

درایران بدست آوردند .

قرن نوزدهم عصر رقابت درساختن خطوط راه‌آهن بود واین رقابت‌درایران نیز جریان یافت . روسها برای اولین بارسعی کردند امتیاز ساختمان راه آهن بین جلفا وتبریز را ازناصرالدین‌شاه بگیرند. چندسال بعد (۱۸۷۵میلادی) یك‌اتریشی به نام ویلهلم پروسل [۱] نقشه‌خودرا برای ساختمان خط آهن بین تفلیس وبندر- عباس از طریق تهران اعلام کرد . بعدها فرانسویها وارد این رقابت شدند . بنگاه بانکی آلئون [۲] امتیاز ساختمان راه بین بندرانزلی (پهلوی) و تهران‌را از شاه کسب کرد و همزمان ، مهندس فرانسوی به نام فابیوس بویتال [۳] امتیاز ادامه ساختمان این راه تاکشیده را تاخلیج فارس وبندربوشهر بدست آورد.

رقابت اقتصادی وسیاسی دول اروپایی درایران همچنان ادامه یافت. درسال ۱۸۷۹ ناصرالدین شاه تصمیم گرفت یك گروه‌نظامی شبیه‌قزاقهای روسیه‌درایران ایجاد کند وبدین ترتیب پایهٔ قزاقخانه ایران‌درشهرهای مختلف نهاده شد.درسال ۱۸۸۸ یکی ازاتباع تزار امتیازماهیگیری را در دریای خزربدست‌آورد وبه‌دنبال آن درهمین سال انگلیسیها امتیاز کشتیرانی واستفادهٔ بازرگانی ازرود کارون را درجنوب ایران کسب کردند . رویتر ، بانکدار معروف انگلیسی که سالها قبل پیشاهنگ کسب امتیازات اقتصادی درایران بودولی‌کاری ازپیش نبرده بود درسال ۱۸۸۹ به تأسیس بانك شاهنشاهی درتهران توفیق یافت و امتیاز انتشار اسکناس نصیب اوشد وامتیاز استخراج بعضی ازمنابع کانی ایران را تحصیل کرد . دوسال بعد در۱۸۹۱، ناصرالدین شاه درمقابل‌این امتیازها امتیاز تأسیس بانك استقراضی را به روسها داد .

---

1- Wilhelm Prussel

2- Alleon

3- Fabios Boital

درتمام این‌مدت وزارت مطبوعات تنها ناشرروزنامه درایران‌بود وحکومت ناصرالدین شاه به‌علت گرفتاریها و فشارهایی که ازداخل وخارج به ایران وارد می‌شد برای‌ارزیابی وتجدید نظردرتبلیغات دولتی‌فرصت‌پیدا نکرده بودومطبوعات دولتی سالها به حال خود باقی ماند. روزنامهٔ «ایران» تاسال ۱۸۶۷ تنها نشریهٔ مرتب‌درایران بودودراین سال‌وزارت مطبوعات روزنامه‌یی‌به‌نام«علمی» منتشر کرد که‌فقط شصت وچهارشماره‌چاپ شد، بین سالهای ۱۸۷۶ و۱۸۷۹ دوروزنامه‌دولتی دیگر به نام «اطلاع» و«نظامی» منتشر شد.

روزنامهٔ «نظامی» پس ازمدتی جای خودرا به روزنامه دیگری به نام «مریخ» داد که چون خواننده زیادی پیدا نکرد پس‌ازمدتی تعطیل گردید. * درمدت‌بیست سال آخرسلطنت ناصرالدین شاه (۱۸۹۶ ـ ۱۸۷۶) ازمیان قریب دوازده‌روزنامهٔ مختلف فقط یك روزنامه به‌نام «مدنیت» غیردولتی بود که ازطرف اقلیت ارامنه، هردوهفته یکباردرتبریز منتشرمی‌شد. بعضی ازروزنامه‌های دولتی این‌دوره‌عبارت بودند از جریده تجارت (۱۸۸۰)، «دانش» (۱۸۸۱)، «شرافت» (۱۸۸۲)، «شرف» (۱۸۸۱) و«ناصری» (۱۸۹۳).

بی‌اعتنایی ناصرالدین شاه به اصلاحات اساسی، و وضع راکد کشور، روشنفکران و آزادیخواهان ایران را ناراحت کرده بود. دراواخر سلطنت این پادشاه عدهٔ قابل توجهی ازنویسندگان وآزادیخواهان ایران به‌کشورهای اروپا ونیزبه هندوستان ومصر وعثمانی مهاجرت کردند.

زندگی‌داوطلبانهٔ تبعیدی این‌عده،درسالهای بعد هستهٔ‌اصلی روزنامه‌نگاری تبعیدی ایران را دراروپا وآسیا بوجود آورد وفصل جدیدی درمطبوعات قبل از مشروطه ایران گشود.

**مطبوعات در تبعید**

اولین روزنامه آزادیخواهان مهاجر توسط دو روزنامه‌نگار جوان به نام میرزا مهدی ومحمد طاهر در سال ۱۸۷۵ در قسطنطنیه (استانبول) به‌نام «اختر» منتشر شد ومخفیانه درایران توزیع گردید. میرزا مهدی سردبیراین روزنامه که به سال ۱۸۳۷ درتبریز متولد شده بود در۲۴ سالگی به عثمانی سفر کرد ودر آنجا باهمکار آیندهٔ خود محمد طاهر آشنا شد وباهم تصمیم‌به انتشار روزنامه گرفتند محتویات این‌روزنامه که ازطرف تاریخ نویسان واز جمله پروفسور ادوارد برون بسیارتقدیر شده عامل مهمی دربسط وتوسعه‌افکارجدید درایران بود. نفوذ«اختر» به‌علت مقالات‌پرمعنایی که توسطاین دوجوان وعدهٔدیگری ازنویسند گان‌ایرانی تهیه می‌شد، بقدری درایران بالا گرفت که در سالهای بعد توزیع وخواندن آن ازطرف حکومت ناصرالدین شاه ممنوع‌شد وبرای مقابله باآن وزارت مطبوعات تصمیم به‌انتشار روزنامه «ناصری» گرفت که تا مدتی به طورمرتب درآذربایجان منتشر می‌شد. انتشار «اختر» درعثمانی، سبب شدعدهٔ قابل توجهی‌ازآزادیخواهان ایران که درآن قلمرو زندگی می کردند به دورهم گرد آیند. دربین این عده میرزا آقاخان کرمانی وشیخ احمد روحی کرمانی که هردوازآزادیخواهان‌عصر ناصرالدین شاه بودند بانویسند گان اخترهمکاری می کردند. روزنامه «اختر»به مدت بیست سال، تا۱۸۹۶، درعثمانی انتشار می‌یافت ودراین سال ازطرف‌حکومت عثمانی توقیف گردید وازانتشارآن جلوگیری شد.

درمیان شخصیت‌هایی که درپی ریزی روزنامه نگاری تبعیدی ودربیداری ایرانیان نفوذ فوق‌العاده داشتند ونقش مهمی بازی کردند سید جمال‌الدین افغانی

(اسد آبادی) ومیرزا ملکم‌خان جای مخصوصی دارند .

در اواخرقرن نوزدهم در خاورمیانه سیدجمال‌الدین اسدآبادی‌معروفترین شخصیت‌اجتماعی بود که سالها دراین منطقه به‌توسعه وپخش افکارآزادیخواهانه واسلامی پرداخته بود واتحاد ممالك اسلامی را مطرح ساخت . اومردی مطبوع ودرعین حال خستگی ناپذیر وبسیارشجاع بود که هم درخطابه وهم درنویسندگی مهارت فوق‌العاده داشت،وفیلسوف، نویسنده و سیاستمداری مدبربود. طرفداران سید اورا مظهر وطن پرستی حقیقی می‌شناختند وتحسین می کردند و مخالفان و دشمنان وی اورا « خرابکار » ومغرض می‌نامیدند .

سید جمال‌الدین به سال ۱۸۳۸ دراسدآباد نزدیك همدان متولد شد و به علت مهاجرت خانواده‌اش به افغانستان ، دورهٔ جوانی خودرا درآن سرزمین بسر برد. تحصیلات جمال‌الدین درفلسفه‌وفقه اسلام درنجف‌به پایان رسید ولی‌تحصیلات بعدی او به رشته اسلامی محدود نشد و وی فلسفه و زبانهای اروپایی را نیز فرا گرفت ودرهیجده سالگی به هندوستان سفر کرد . مدتی وارد خدمت دولتی در افغانستان شد وتاسمت‌وزیری‌ارتقایافت. ولی‌درسالهای‌بعدوقتی که‌جنگهای‌داخلی در افغانستان شروع شد سید جمال‌الدین آن کشور را ترك کرد وبه سفر مصر و آسیای صغیر پرداخت . افکار آزادیخواهانه ، اورا تامدتی ازایران جدا ساخت ودورنگاه داشت .

درسال ۱۸۷۰ جمال‌الدین برای اولین باربه مصرسفر کرد ومدت چهل‌روز درنقاط مختلف این کشور ازجمله دانشگاه «الازهر» سخنرانی کرد. افکار وعقاید او راجع به اتحاد کشورهای اسلامی دراین مدت درنقاط مختلف خاورمیانه نفوذ پیدا کرده بود .

سید جمال‌الدین فکر « وحدت اسلامی » راکه شامل تمام کشورهای اسلامی از

جمله ممالك عرب هم بود توسعه و ترویج می‌داد. دریکی از سفرهایش به عثمانی وقتی که سید جمال‌الدین در آکادمی آن کشور ضمن سخنرانی عقاید خود را مطرح ساخت بلافاصله ازطرف شیخ‌الاسلام عثمانی تکفیر گردید ومجبوربه ترك آن کشورشد.

سیدجمال‌الدین درسال ۱۸۷۱به مصرمراجعت کرد وازطرف آزادیخواهان و دانشجویان مصری استقبال شد. طرفداران سید دور اوجمع شده از تدریس و خطابه او درمنطق و سیاست و سخنوری بهره‌مند گردیدند. درآن زمان تعداد نویسندگانی که قدرت بیان و قلم فوق‌العاده داشتند در مصرمحدود بود. درمیان سخنرانان ونویسندگان این دورهٔ مصرمی‌توان عبدالله‌پاشا فکری، خیری پاشا، محمدپاشا، مصطفی‌پاشاوهاب وچندنفردیگررا نام برد.دراثرتعلیم وتبلیغ سید عدهٔ نویسندگان جوان مصری درسالهای‌بعد روبه ازدیاد گذاشت ونهضت‌آزادیخواهی درمصرتوسعه یافت. توفیق پاشا، فرمانروای مصر، که ازاعمال سید جمال‌الدین ونفوذ اوناراحت بود به سال ۱۸۷۹ دستوراخراج اورا ازمصرصادر کرد و سید از آنجا روانه هندوستان شد ودرحیدرآبادسکونت کرد. درسالهای ۸۲ ـ ۱۸۸۱ که نهضت آزادیخواهی جوانان مصرشروع شده بود، سید درهندوستان‌به نویسندگی ادامه داد وسفری به ممالك متحد آمریکا کرد و ازراه لندن به پاریس روانه‌شد. دراروپا سید باروزنامه‌نگاران‌ونویسندگان خاورمیانه‌وازجمله ایران‌تماس‌برقرار کرد وبه‌گروه مهاجران آزادیخواه ایرانی پیوست.

از سال ۱۸۸۲ تا ۱۸۸۵ سید جمال‌الدین با همکاری یکی از نویسندگان مصری به نام شیخ محمدعبده ـ که بعدها ازدانشمندان بنام مصرشد ـ روزنامه‌یی به زبان عربی به نام «عروة الوثقی» در پاریس منتشر کرد و در آن حکومتهای استبدادی ایران و عثمانی و مصر را به باد انتقاد گرفت. این روزنامه دراکثر

ممالك عربی و خاورمیانه منتشر می شد و سخنگوی عقاید سید جمال الدین و طرفدارانش بود.

درایران‌پخش‌این روزنامه ازطرف ناصرالدین شاه‌ممنوع‌شد ودرهندوستان فرمانروای انگلیسی ازانتشارآن بین‌اهالی منطقه جلوگیری می کرد. چندسالی که سید جمال‌الدین به انتشار « عروة الوثقی » مشغول بود، شهرت اودرجراید و مطبوعات اروپایی افزایش یافت‌وبه عنوان رهبربزرگ «اتحاد اسلام» معروف‌شد. بااینکه ناصرالدین‌شاه‌ازپخش روزنامه اوجلوگیری می کرد ولی به گفتهٔ‌تاریخ‌نویس انگلیسی،سرسکای ، مندرجات روزنامه درناصرالدین شاه اثرشدیدی برجا گذاشت وبه سال ۱۸۸۶ به‌سید جمال‌الدین اجازهٔ ورود به ایران‌داد وسیدمدتی در دربار ناصرالدین شاه طرف مشورت بود ولی شاه به توصیه درباریان ، پس از مدت کوتاهی دستوراخراج اوراصادر کرد وسید عازم روسیه‌شد. درآخرین‌سفری که ناصرالدین شاه به اروپا داشت باز سید را ملاقات کرد وبار دیگروی را به ایران دعوت کرد. ولی بازگشت سید به ایران این بار نیزنتیجهٔ نامطلوب داد و به علت تبلیغی که برای مشارکت‌مردم درحکومت می کرد ناصرالدین شاه‌دستور دستگیری سید را صادر کرد. سید درشاه عبدالعظیم متحصن شد و مدت هفت ماه درآنجا ماند. ودراین مدت علیه حکومت استبدادی ناصرالدین شاه صحبت کردو گروهی دوراوجمع بودند وبه محل تحصن سیدهمچنان رفت وآمد می کردند. میرزا رضای کرمانی که سالها بعد ناصرالدین شاه راکشت ازجمله مریدان سید بود. سرانجام درسال ۱۸۹۰ سید به دستور دولت ازایران اخراج شد وشش‌سال آخرعمرخودرا دراروپا بسربرد ودر۱۸۹۶ درعثمانی درگذشت . درسالهای آخر عمر، سیدباروزنامه « قانون» که توسط یکی ازایرانیان مهاجربه‌نام «ملکم‌خان» درلندن منتشرمی‌شد همکاری داشت .

در تاریخ ارتباطات اجتماعی ایران سید جمال‌الدین اسد آبادی یکی از شخصیت‌های مهم و بانفوذ بشمار می‌آید . او نه فقط از علوم اروپایی واسلامی بهره‌مند بود وعقاید آزادیخواهانه و جهانی داشت بلکه تنها شخصی بود که هم از طریق مقالات وهم با استفاده از گفتار وسخنوری خود درمیان جوانان وروزنامه‌نگاران زمان خویش نفوذ وتأثیر بسیار گذاشت . دانش وتوانایی اودرمبارزات و روشهای مطبوعاتی بی‌نظیر بود. پروفسور برون که باسید درسال ۱۸۹۱ ملاقات کرده است می‌نویسد : «اوازجنبه سخنوری درخاورمیانه نظیر نداشت. قدرت مغزی وبصیرت درونی اوهم چنین بی نظیر بود بطوری که قبل ازاینکه دیگران صحبت کنند او ازفکر وهدف آنها باخبر می‌شد.»

یکی دیگر از روزنامه نگاران و نویسندگان این دوره میرزا ملکم خان سردبیر وناشر روزنامهٔ «قانون» چاپ لندن است.ملکم خان وسیددر ۱۸۹۰ درلندن ملاقات کردند ودرآنجا بود که سیدمقالات چندی برای «قانون» نوشت وباملکم خان شروع به همکاری کرد . * ملکم خان که باید ازنویسندگان انقلابی‌قبل ازمشروطه بشمار رود ، مردی بافرهنگ وبه قول تاریخ نویس اروپایی ویلفرید بلانت «باآن‌چشمان بزرگ‌سیاه وبینی‌درازومغز وذکاوت‌شرقی»یکی‌ازروشنفکران معتبرقرن نوزدهم ایران بود . زندگی ملکم‌خان باحوادث مختلف همراه است . اودرخانواده‌یی ارمنی درجلفای اصفهان به سال ۱۸۳۳ متولد شد. پدرش یعقوب خان دراصل ارمنی بود که بعدها اسلام آورد ودرمیان مسلمانان شهرت یافت . ملکم خان تحصیلاتش را درپاریس تمام کرد و مدتی دردربار شاه سمت مترجمی داشت . در سال ۱۸۷۲ به سمت سفیر ایران به لندن رفت و بعدها افکار «فراماسونری» رادرایران رواج داد. ملکم خان درمدت مأموریت خود در لندن بایکی از اتباع انگلیس برای برقراری کازینو ولاتاری درایران وارد مذاکره

شد. این امر موجب خشم ناصرالدین شاه شد وبا اختلافی که بین امین السلطان صدراعظم وملکم خان بوجودآمد «ملکم» ازکاربر کنار گردید وازآن به بعد در انگلستان ساکن شد.

در۲۰ فوریه ۱۸۹۰ ملکم‌خان درلندن دست به انتشار روزنامهٔ «قانون» زد ودراولین شمارهٔ آن به دربارایران حمله برد وازرشوه خواری دولتیها واستبداد ناصرالدین شاه انتقاد کرد. مدتی نگذشت که «قانون» دراروپا وایران به عنوان یك ارکان آزادیخواه ومشروطه طلب مشهورشد. ملکم‌خان اغلب‌مطالب روزنامهٔ خودرا به لزوم ایجاد حکومت پارلمانی درایران اختصاص می‌داد و از آزادی و انتخابات آزاد انگلستان که اورا بسیار تحت تأثیرقرارداده بود سخن می گفت. درضمن روزنامه‌نگاری خود درانگلستان، ملکم‌خان‌به انتشار چند رساله‌و کتاب اجتماعی وسیاسی دست زد.

«رفیق ووزیر»، «اصول تمدن» و «اداره» ازجمله رسالات منتشره او بشمار می‌آید. * علاقه ملکم‌خان به توسعهٔ فن چاپ به قدری بود که درمدت اقامتش درانگلستان به همت اوحروف‌جدید چاپی‌به زبانهای فارسی وترکی‌وعربی‌ریخته وتهیه شد وچاپخانه جدیدی زیرنظراودرلندن دایر گردید. برعکس سید، ملکم خان سخنور توانایی نبود. قدرت او در نوشتن و روزنامه‌نگاری بود واز زمان و موقعیت برای ترویج افکار خود به نحومطلوبی استفاده می کرد.

روزنامهٔ «قانون» درتهران‌بین روشنفکران وآزادیخواهان پخش‌می گردید مدتی‌هم توسط یکی‌ازهمکاران‌اوبه نام‌هاشم‌آقاربیع‌زاده، چاپ‌مخصوصی‌ازآن در تهران منتشر می‌شد. ** ملکم‌خان‌به‌سال ۱۹۰۸ درگذشت وروزنامه او که‌تاسال ۱۸۹۶ بطور مرتب منتشرمی‌شد، در مبارزه علیه امتیاز تنباکو وتوتون در زمان ناصرالدین‌شاه نقش مهمی داشت وتأثیرفراوان گذاشت. ***

## مطبوعات و انحصار تنباکو و توتون

بی‌تردید اولین مبارزهٔ دسته‌جمعی مطبوعات ایرانی، موقع واگذاری انحصار تنباکو و توتون به یك شرکت انگلیسی آشکار شد. ازجمله کارهایی که ناصرالدین شاه به صوابدید وزیران خود دراروپا انجام داد این بود که درسال ۱۸۹۰ انحصار تنباکو و توتون ایران را به قیمت خیلی نازل به یك شرکت انگلیسی فروخت. طبق این قرارداد کمپانی انگلیسی عمل کاشت و بهره برداری وفروش تنباکو را در ایران بدست می‌گرفت وبابت حق امتیاز سالانه پانزده هزار لیره انگلیسی به ناصرالدین شاه می‌پرداخت. هم‌چنین مطابق این قرارداد پس از کسر پنج درصد درآمد قرار بود یك چهارم درآمد به خزانه ایران پرداخت شود. ناصرالدین شاه این قرارداد را بی‌توجه به افکار عمومی و نظر روحانیان، در محیطی که مطبوعات در کنترل حکومت بود، عملی کرد. موقعی که دولت قرارداد را امضا کرد مطبوعات ملی که درخارج ازایران منتشرمی‌شدند متن مذاکرات و اصول وشرایط آنرا به تفصیل چاپ کردند وبه سختی به دولت حمله بردند. روزنامهٔ اختر چاپ استانبول، مذاکرات ومتن قرارداد را قبل از آنکه بطور رسمی از طرف دولت ایران اعلام شود چاپ کرد، وازاینکه دولت ایران امتیاز این رشته تولید را درمقابل سود مختصری به خارجیان داده است اظهار نگرانی نمود و آزادیخواهان وروحانیان ایران را به مبارزه باآن دعوت کرد. سید جمال‌الدین اسدآبادی درهمین موقع نامهٔ مفصلی به ناصرالدین شاه نوشت وددرروزنامه‌های خارج، ازمردم وافکار عمومی ایران دعوت کرد که درلغو این انحصار کوشش و

همت کنند. نامهٔ سید جمال‌الدین به مجتهدان بانفوذ ازجمله آیت‌الله حاج‌میرزا حسن شیرازی‌در‌آن روزنامه‌ها چاپ‌شد وروزنامه نویسان ایرانی که ازحکومت ناصرالدین شاه ناراضی بودند مسألهٔ انحصار تنباکورا دستاویز قرارداده مردم را علیه دربارو‌شاه بسیج کردند.

درمبارزه علیه انحصارتنباکو وتوتون، تبریز وشهرهای دیگر ایران نقش مهمی بازی کردند. علما وآزادیخواهان تلگرافهای متعدد به‌تهران فرستادند و درخواست کردند قرارداد لغو شود. در تبریز بخصوص این امر باعث شد که آزادیخواهان ازانقلاب ونهضت‌آزادیخواهی صحبت کنندومدتی نگذشت که‌برای اولین بار روزنامه‌های مخفی یاشبنامه درآذربایجان ظاهرشد و مردم‌را به‌شورش وانقلاب دعوت کرد.یکی‌ازین شبنامه‌ها که به زبان ترکی‌درتبریز منتشروبسیار معروف شد توسط شخصی به‌نام علی قلیخان چاپ می‌شد*. بی‌شك مطبوعات ملی ایران، این امر تجارتی واعتراض مذهبی را بامبارزهٔ دامنه‌دار و خستگی ناپذیر خود به جنبش ملی مبدل ساختند. مورخان و نویسندگان تاریخ معاصر ایران معتقدند‌که تحریم دخانیات طلیعه انقلاب مشروطه وبزرگترین‌عامل پیدایش‌آن تحول عظیم بوده است. مطبوعات در بسیج و مبارزه به قدری موفق شدند که آیت‌الله‌میرزا حسن شیرازی پیشوای شیعیان فتوای تحریم دخانیات راصادرکرد وعلمای تهران و تبریز و اصفهان از مردم خواستند از استعمال تنباکو و توتون خودداری کنند. مغازه‌های تنباکو فروشی بسته شد ومردم چپق وقلیان خود را برای مدتی کنار گذاشتند. درنتیجهٔ اعتصاباتی که درتهران وتبریز واصفهان‌روی دادناصرالدین شاه‌مجبورشد درعرض‌چهل وهشت‌ساعت قرارداد رالغو کندوامضای خودرا پس بگیرد. *

مبارزه لغو واگذاری امتیاز تنباکو وتوتون باپیروزی ملت به پایان رسید

و در تاریخ تحولات سالهای بعد اثر بسیار مهمی به‌جا گذاشت. برای اولین بار مطبوعات خارج از کشور و هم چنین چندین روزنامه ملی داخلی خود را وارث این مبارزه‌شمردند واین موفقیت، اعتماد قابل‌ملاحظه‌یی به‌آنهاداد. یکی ازنتایج مبارزه این بود که پس ازخاتمهٔ‌مسأله تنباکو، تعداد روزنامه‌های ملی درخارج‌از کشور روبه فزونی گذاشت.

## تعداد روزنامه‌های فارسی زبان که قبل از انقلاب مشروطه درخارج از ایران به چاپ می‌رسیده است

| محل انتشار | تعداد روزنامه‌ها |
|---|---|
| کلکته ( هندوستان ) | ۷ |
| بمبئی ( هندوستان ) | ۴ |
| قاهره ( مصر ) | ۳ |
| قسطنطنیه ( استانبول ـ عثمانی ) | ۲ |
| دهلی ( هندوستان ) | ۱ |
| پاریس ( فرانسه ) | ۱ |
| حیدرآباد ( هندوستان ) | ۱ |
| لندن ( انگلستان ) | ۱ |
| علیگر ( هندوستان ) | ۱ |
| کراچی ( هندوستان ) | ۱ |
| جمع | ۲۲ |

## روزنامه‌های مهم تبعیدی خارج از ایران
## ( ۱۸۷۵ - ۱۹۰۰ )

| اسم روزنامه | سردبیر و ناشر | دورهٔ انتشار | تاریخ تأسیس | محل انتشار |
|---|---|---|---|---|
| اختر | میرزا مهدی و محمد طاهر تبریزی | هفتگی | ۱۸۷۵ | قسطنطنیه |
| عروة الوثقی | سید جمال‌الدین اسد آبادی | هفتگی | ۱۸۸۲ | پاریس |
| | ( به زبان عربی و با محتوای اتحاد اسلام و جهان اسلام ) | | | |
| قانون | میرزا ملکم خان | ماهانه | ۱۸۹۰ | لندن |
| شاهسون | میرزا عبدالرحمن طالب اف | ماهانه | ۱۸۸۹ | قسطنطنیه |
| حکمت | میرزا مهدی تبریزی | ماهانه | ۱۸۹۲ | قاهره |
| حبل‌المتین | سید جلال الدین کاشانی | هفتگی | ۱۸۹۳ | کلکته |
| ثریا | میرزا علی‌محمدخان وسید فرج‌اله کاشانی | هفتگی | ۱۸۹۸ | قاهره |
| پرورش | میرزا علی‌محمدخان کاشانی | هفتگی | ۱۹۰۰ | قاهره |

دربین روزنامه‌های فارسی که درخارج و داخل کشور چاپ می‌شدند، «شاهسون» به مدیریت میرزا عبدالرحمن طالب اف چاپ استانبول، «حکمت» به مدیریت میرزامهدی تبریزی‌چاپ‌قاهره،«حبل‌المتین»به‌مدیریت‌سیدجلال‌الدین کاشانی چاپ کلکته. و «ثریا» به مدیریت میرزا علی محمدخان و سید فرج‌الله کاشانی چاپ قاهره که‌بعدها اسم خودرابه روزنامه «پرورش»عوض کرد نقش‌مهمی داشتند.

در ربع آخرقرن نوزدهم مجموعاً درحدود بیست ودوروزنامه فارسی توسط آزادیخواهان وروشنفکران ایران در کشورهای مختلف ازلندن گرفته تا قاهره به چاپ می‌رسید. هندوستان مرکز مهم چاپ این گونه جراید بود و روزنامه «حبل‌المتین» از جراید دیگر درداخل ایران نفوذ بیشتری داشت. این روزنامه هر هفته در بیست صفحه در کلکته‌منتشرمی‌شد و هر شمارهٔ‌آن حاوی چندین مقاله سیاسی واجتماعی‌بود واغلب ازاوضاع‌دلخراش‌ایران صحبت می‌کرد. نویسندگان ایرانی مخصوصاً مؤیدالاسلام «حبل‌المتین» از شرایط‌موجود درهندوستان‌استفاده کرده‌مدتهابی‌هیچگونه دخالت‌روزنامه‌های خودرا منتشرمی‌ساختند. وازحکومت ایران انتقاد می‌کردند * .

مطبوعات خارج از کشور دراین دوره‌چندین خصوصیت عمومی داشتند:اول اینکه مندرجات آنها بیشتر جنبهٔ اجتماعی و سیاسی و تفسیری داشت و کمتر به اخبار داخلی وخارجی ودولتی می‌پرداختند. دوم اینکه نویسندگان وناشران همه آزادیخواه ومشروطه طلب وخواستارالغای حکومت استبدادی‌درایران‌بودند درمرحله سوم، هم جراید این دوره و هم نویسندگان آنها بی‌نهایت تحت تأثیر سیستم اجتماعی‌وسیاسی اروپا قرار داشتند و نمونه اداری و مملکتی و حکومتی کشورهای اروپایی مخصوصاً انگلستان وبلژیك وفرانسه وسویس را برای ایران

تشویق می کردند . مهم‌تر از همه، مطبوعات این دوره با مطالب خود توانستند بین روحانیان ایران و روشنفکران ایرانی در اروپا و تحصیل کرده‌های خارجی در ایران پلی ایجاد کنند و گروه مذهبی و روحانی را تا حدودی به طرف خود جلب نمایند. و میدان را برای مبارزات آینده آماده کنند . مطالب و مقالات مطبوعات این دوره منبع بسیار با ارزشی برای مطالعهٔ رسوخ افکار و عقاید اروپایی در ایران و پیوستگی طبقات روحانی و تحصیل کرده و جوان کشور است. باید متذکر شد که نویسندگان و روزنامه نگاران این دوره با اینکه همه در بسط و انتشار آثار و افکار اروپایی در ایران هم آهنگ بودند ولی در اینکه ایران چگونه و تحت چه شرایطی از افکار و عقاید اروپایی استفاده کند اختلاف نظر داشتند. مثلا روزنامهٔ «عروة الوثقی» به مدیریت سید جمال‌الدین اسدآبادی طرفدار «اتحاد اسلام» بود و این امر را لازمه ترقی دول خاورمیانه می‌شمرد، درحالیکه روزنامه‌های دیگر مثل «اختر» چاپ ترکیه به اروپایی شدن حکومت ایران و تأثیر حکومت مشروطه در ایران علاقه فراوان داشتند .*

با کشته شدن ناصرالدین شاه در اول ماه مه ۱۸۹۶ ، حکومت پنجاه‌ساله این پادشاه خاتمه یافت و با تحولاتی که در این مدت در داخل و خارج ایران حاصل شد مطبوعات ایران فصل تازه‌یی آغاز کردند که با انقلاب مشروطه همراه بود .

# فصل هفتم

## ارتباطات اجتماعی در دورهٔ اول انقلاب مشروطه

انقلاب مشروطه ایران نتیجهٔ دو جنبش مهم ملی بود که در یك زمان و به‌موازات هم درایران رسوخ پیدا کرد و به نهضت‌عظیم اوایل قرن بیستم و سقوط سلسلهٔ قاجار خاتمه یافت.[1] جنبش اول روح استقلال طلبی‌وملیت بود که دراواخر قرن‌نوزدهم بیدارشدوریشه پیدا کرد. جنبش‌دوم‌مطالبهٔ استقرار حکومت‌پارلمانی ومشروطی بود که تا حد قابل توجهی ازعقاید وافکار اروپایی سرچشمه گرفت و بالاخره به تغییر رژیم ایران منتهی‌شد. درپیوند این دوجنبش ملی که به پیروزی انقلابیون انجامید، مطبوعات مهمترین رکن‌تشکیلاتی وتبلیغاتی راتشکیل‌می‌داد تا آنجا که به‌جرأت می‌توان گفت مطبوعات وروزنامه نویسان، سلاح‌قاطع‌انقلاب مشروطه بودند وبی این سلاح، پیروزی انقلاب متصور نبود.

برای آنکه به اهمیت مطبوعات این دوره پی‌بریم باید خاطر نشان کرد مطبوعات ملی خارج از کشور که توسط آزادیخواهان و مشروطه طلبان منتشر می‌شد نه تنها منبع عقاید ومباحث سیاسی واجتماعی برای مردم وآزادیخواهان داخل کشوربود بلکه‌مأخذومنبع اصلی خبر های‌داخلی وخارجی برای‌خوانند گان

پایتخت وشهرستانها بشمار می‌آمد.

ازاین جهت مطبوعات خارج از کشور را در این دوره مهمترین ذخیره ارتباطات اجتماعی درایران باید بشمارآورد. مثلا اخبار مربوط به جنگ روسیه وژاپن وفعالیت انقلابیون در روسیه ازطریق مطبوعات فارسی خارج از کشور به ایران می‌رسید. بااینکه مطبوعات خارج از کشور ازجنبه مالی درمضیقه بودند، این مشکل مانع انتشارآنها نمی‌شد وبا کمك بازرگانان آزادیخواه ایرانی که مقیم اروپا و روسیه وهندوستان وترکیه‌بودند، نویسندگان‌این‌روزنامه‌ها‌توانستند به انتشار روزنامه‌ادامه‌دهندوایرانیهای‌مقیم‌خارج کاملا ازآنها پشتیبانی‌می‌کردند. با وجوداین‌مشکلات، مطبوعات‌خارج از کشورهمیشه‌در رقابت‌با مطبوعات دولتی مزایای قابل‌توجهی‌داشتند. ازجمله‌این‌مزایایکی‌وسایل‌مدرن‌چاپ‌وکاغذومرکب بودکه درهندواروپاوسایر کشورهای همسایه به‌صرفه‌جویی هزینه‌وزیبایی جراید ملی کمك‌می‌کرد. موقعیت ووسایل خبرگیری وخبرنویسی‌خارج از کشور عامل دیگری‌بودکه نویسندگان‌ملی خارج‌از ایران‌رادر موقعیت بهتری‌قرارداده بود. این عوامل باعث شد که در اواخر قرن نوزدهم تیراژ روزنامه هـای خارج از کشور بالا رود وتعداد و تیراژ روزنامه های داخلی که معمولا دولتی بودند تنزل پیدا کنند. بطوری که در اواخر قرن نوزدهم وسالهای قبل ازمشروطه در مقابل هرروزنامه دولتی داخل ایران، شش روزنامهٔ ملی در خارج ایران منتشرمی‌شد وبه‌ایران ارسال می‌گردید.

**مقدمات اولین روزنامهٔ روزانه**

محمد حسن خان اعتماد السلطنه، کسی که امور مطبوعاتی و تبلیغاتی ناصرالدین شاه را برای سالهای متمادی عهده دار بود و مقام وزارت مطبوعات را داشت، یکسال قبل از کشته شدن ناصرالدین شاه درگذشت و با مرگ او امور مطبوعات دولتی بیش ازپیش روبه تنزل گذاشت. درسال ۱۸۹۷ موقعی که مظفرالدین شاه به سلطنت رسید و امور مملکت را به عهده گرفت، تشکیلات مطبوعاتی و تبلیغاتی دولت تاحد تأسف آوری نامنظم بود واین وضع به تزلزل امور دولتی و اداری درتهران کمك می کرد.

روزنامه‌های دولتی ازلحاظ موقعیت استراتژیك وحتی توزیع دروضع نامساعد قرارداشتند. مثلادرحالی که روزنامه‌های چاپ هندوستان ازطریق مرزهای شرقی و جنوبی به سرعت در استانهای جنوبی و مرکزی ایران پخش می‌شد و هم چنین روزنامه‌های چاپ اروپا وعثمانی به مناسبت وضع جغرافیایی به سهولت در استانهای شمالی وآذربایجان وتهران توزیع می گردید، روزنامه‌های دولتی که عموماً درتهران به چاپ می‌رسید به علت نبودن راههای مناسب و بی نظمی پست وغیره به دشواری درشهرستانها توزیع می‌شد وبه این دلیل نمی‌توانست باروزنامه‌های ملی چاپ خارج رقابت کند. ازطرفی چون روزنامه روزانه هنوز درتهران وجود نداشت باتأخیری که درارسال روزنامه‌های هفتگی به شهرستانها بوجودمی‌آمد، مندرجات واخبار آنها بیش ازپیش کهنه می‌شد واغلب مورد استفاده خوانندگان قرار نمی گرفت.

## تعدادی از روزنامه‌های ملی ایران که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم درخارج ازکشورچاپ ودرایران توزیع می‌شد

| اسم روزنامه | مدیروسردبیر | دورهٔ انتشار | تاریخ تأسیس | محل چاپ |
|---|---|---|---|---|
| مدرس فارسی | خان بهادر ومنشی و پسران | ماهانه | ۱۸۸۳ | کلکته |
| مفرح‌القلوب | میرزا محمد جعفر و محمد صادق | هفتگی | ۱۸۸۵ | کراچی |
| سید الاخبار | سید آقا شیرازی | هفتگی | ۱۸۸۹ | حیدرآباد |
| کوکب ناصری | میرزامصطفی شیخ‌الاسلام | هفتگی | ۱۸۹۱ | بمبئی |
| التودد | شیخ ابو نظاره | ماهانه | ۱۸۹۱ | پاریس* |
| مفتاح الظفر | میرزاسید حسن کاشانی | هفتگی | ۱۸۹۷ | کلکته |
| آزاد | میرزاسید حسن کاشانی | هفتگی | ۱۸۹۹ | کلکته |
| ارشاد | میرزامحمدصادق‌خان ادیب‌الممالك | روزانه | ۱۹۰۵ | باکو** |
| خلافت | حاجی شیخ حسن تبریزی | دوهفتگی | ۱۹۰۶ | لندن |
| دعوة الاسلام | سیدمحمدعلی اصفهانی (داعی الاسلام) | دوهفتگی | ۱۹۰۶ | بمبئی |

دراین شرایط بود که دراوایل سلطنت مظفرالدین شاه، محمد باقرخان ادیب‌الملك که بعد به اعتماد السلطنه ملقب شد ومدتی سردبیری روزنامه دولتی «شرافت»را به‌عهده داشت به‌وزارت مطبوعات درتهران‌منصوب گردیدومسئول‌سامان دادن مطبوعات دولتی شد. *

ادیب‌الملك احتیاج به انتشار یك روزنامه روزانه را درایران‌دریافت‌و در ۳۱ اکتبر ۱۸۹۸ که مصادف باروزتولد مظفرالدین شاه بود اولین شماره روزنامه روزانه ایران را به نام «خلاصة الحوادث» تقدیم شاه کرد. این روزنامه باحروف معمولی دریك صفحه به اندازه نصف روزنامه‌های بزرگ معمولی امروزی انتشار یافت ودراولین شماره آن به خوانندگان قول داده شد که روزنامه حاوی‌خلاصه اخبار ایران‌وخارج از کشورخواهد بود. انتشار«خلاصة الحوادث»به‌مدت‌پنجسال ادامه داشت ودرماه اوت ۱۹۰۳ آخرین شماره روزنامه درتهران منتشرشد. دراین مدت «خلاصة الحوادث» تنها روزنامه‌یومیه ایران بودوتجزیه وتحلیل شماره‌های متعدد آن به خواننده ثابت می‌کند که این روزنامه در حقیقت باید سندی از تهیدستی وفقر روزنامه نگاری دولتی‌آن زمان باشد. اخبار چاپ‌شده این‌روزنامه اغلب نامنظم است وتمام مطالب دریك روی صفحه به طبع می‌رسد و هفته‌یی پنج شماره منتشرمی‌شود. آگهی‌های عمومی وبازرگانی آن‌تقریباً ناچیز است.

روزنامهٔ «خلاصة الحوادث» تحت نظروزارت مطبوعات چاپ می‌شد ودر مقایسه با روزنامه‌های قبلی‌دولتی، اخبار تلگرافی روزنامه، مخصوصاً اخبارخارج کشور تاحدی تازه‌تر و بهتر بنظرمی‌رسید. زیرا این روزنامه اولین جریده بود که منظم و بطور غیرمستقیم از اخبار تلگرافی خبرگزاریهای خارجی استفاده می‌کرد. معمولا اخبار خارج از کشورتوسط خبرگزاری رویتر ازطریق اروپابه هند مخابرمی‌شد وسفارت انگلستان درتهران اخباررا ازطریق هندوستان کسب

می کرد و نسخه‌یی از آن مرتب به نظر شاه می‌رسید. وزارت مطبوعات از این نسخه برای تنظیم اخبار خارجی استفاده می کرد. درسال ۱۹۰۳ وقتی که وزارت مطبوعات از ادیب الملك به میرزا محمدخان ندیم السلطان منتقل شد، وزیر جدید مطبوعات روزنامه «خلاصة الحوادث»، و «ایران» روزنامهٔ دیگر دولتی را که هر هفته سه بار در تهران منتشر می‌شد بست و به انتشار آنها خاتمه داد و روزنامه جدیدی به نام «ایران سلطانی» تأسیس کرد. که هر دو هفته یکبار منتشر می‌شد.

سبك روزنامه نگاری دولتی این زمان با سبك روزنامه نگاری اواسط وحتی اوایل قرن نوزدهم در ایران چندان فرقی نکرده بود. جملات بلند و دنباله‌دار که در وصف خدمات شاه و درباریان و دولتیان نوشته می‌شد و همیشه همراه تعارفات اغراق آمیز بود نمونهٔ خبرنویسی و مقاله نگاری این دسته از مطبوعات ایران بشمار می‌رفت.

## مطبوعات و مسائل ملی

پادشاهی مظفرالدین شاه نه تنها وضع حکومت را تغییر نداد بلکه در تنزل آن وافزایش بی‌نظمی، نقش مهمی ایفا کرد بطوری که وضع کشور هم از جنبهٔ سیاسی وهم از جنبهٔ اقتصادی روز به روز بیشتر صورت نامطلوب پیدا می کرد. مظفرالدین شاه مثل پدرش ناصرالدین شاه به اروپا سفر کرد و اغلب وقت خود را در سالهای اول سلطنت به مذاکره و معامله بادول اروپایی و روسیه گذراند و هر دفعه از آنها تقاضای وام می کرد. سفر اول او به اروپا باعث شد که ایران ۲۲ میلیون روبل از روسیه قرض بگیرد. قسمتی از این وام صرف پرداخت قرضهای قبلی خزانه‌داری کشور شد و پس از آنکه مخارج سفر شاه به اروپا از این پول تأمین گردید فقط شش

میلیون روبل برای خزانه باقی ماند. روسها مدتی بعد مبلغ ده میلیون روبل به ایران قرض دادند ومظفرالدین شاه بارسفردوم خود را به اروپا بست. خرج سفر شاه دراروپا بسیارسنگین بود. مطابق یك سند، هزینهٔ هتل شاه‌وخریدهای خصوصی اودراروپا روزانه به شش‌هزارفرانك یا ۲۴۰ لیره‌بالغ می گردید (۱).

مظفرالدین شاه ازسه متخصص بلژیکی گمرك دعوت کرد به ایران بیایند وامور گمرکات رادرتهران وشهرستانها به عهده بگیرند. مأموران بلژیکی برای مدتی در گمرکخانه‌های آذربایجان و کرمانشاه مشغول کارشدند. وضع نامطلوب داخلی، وام روسها ، خزانه خالی کشور ، واگذاری امور گمرك به بلژیکی‌ها ، موجبات نارضایی بیشتر را در کشور فراهم آورد. مقالات روزنامه‌های خارج از کشوراین دوره اغلب به‌این‌مسائل اختصاص داده شده‌است وسردبیران روزنامه‌ها صدراعظم‌آن زمان ، علی اصغرخان اتابك امین‌السلطان رابه‌باد انتقاد گرفته‌اند.

اتابك درسال ۱۹۰۰ طی دستوری، ورود تمام روزنامه‌های فارسی‌چاپ‌خارج را به ایران ممنوع اعلام کرد. دستور او مخصوصاً برای جلوگیری از چندین روزنامه انقلابی‌آن زمان ازجمله «حبل‌المتین» چاپ کلکته ، «ثریا» چاپ مصر و «آزاد» چاپ کلکته بود. این‌سه روزنامه مقالات‌بسیارتندی علیه اتابك‌وحکومت وی می‌نوشتند وبطورمرتب مسائل مهم کشوری را مورد بحث‌قرارمی‌دادندومردم راعلیه حکومت تحریك وبه انقلاب تشویق می کردند.

ازسال ۱۹۰۱ به بعد اعتراضات دامنه‌داری علیه دولت درتهران وشهرستانها آغاز گردید. نویسندگان‌ملی که‌درتهران‌وشهرهای‌دیگر بودند جزوه‌های‌متعددی درانتقاد دولت منتشر کرده مردم را به اعتراض وشورش فرا می‌خواندند. چاپ جزوات ماهانه وسالانه انقلابی ازانتشارات مهم این‌دوره بشمار می‌رود. دراکتبر ۱۸۹۱ برای اولین بار روزنامه‌های دولتی به وجود انقلابیون و «خرابکاران» در

ایران اعتراف کردند و شرح اقدامات ضد دولتی به صورت خبر کوچکی دریکی ازجراید دولتی چاپ شدو خبر توقیف گروهی نویسنده و تبعید عده‌یی از آزادیخواهان به گوش مردم رسید.

در همین موقع یکی از روحانیان در تبریز فتوایی صادر کرد و از حاکم آذربایجان خواستار شد که متخصص بلژیکی را ازامور گمرکی آذربایجان بر کنار سازد. * وضع داخلی ایران روبه تشنج گذاشته بود. بطوری که روزنامه تایمز لندن درشماره ۳۱ اوت ۱۹۰۳ بااشاره به وضع ایران خاطر نشان کرد وضع داخلی ایران تیره و تار است ودولت پول وقوای نظامی لازم ندارد تا ازتشنجات احتمالی وانقلابی جلوگیری کند. درپاییز این سال نارضایی عمومی درایران چنان توسعه پیدا کرده بود که صدراعظم استعفا کرد ومظفرالدین شاه عبدالمجید میرزاعین‌الدوله‌را به صدارت بر گزید. عین‌الدوله نوه فتحعلی‌شاه بود وصدارت اوازتاریکترین ادوار تاریخ قبل از مشروطه ایران بشمار می‌آید. عین الدوله به مطبوعات و نویسندگان دشمنی فوق‌العاده نشان داد وحتی بی علاقگی او به مطبوعات دولتی نیز آشکار بود.

دراوایل صدارت او بود که هردو روزنامهٔ «خلاصة الحوادث» و « ایران » تعطیل شد. عین‌الدوله برای مدتی تمام روزنامه‌های رسمی و نیمه رسمی‌را توقیف کرد. دشمنی وبدگمانی او به نویسندگان آزادیخواه فصل مخصوصی درتاریخ انقلاب مشروطه ایران دارد. ازجمله اقدامات ضد آزادی وی، تبعید و زندانی کردن گروهی از روزنامه‌نگاران ملی ازجمله میرزاعلی آقاشیرازی «لبیب‌الملك» مدیر «مظفری» چاپ بوشهر، مجدالاسلام کرمانی مدیر و نویسنده « ندای وطن » و « کشکول» چاپ تهران بود. ** اقدامات اوبقدری سخت بود که برای مدتی تقریباً روزنامه خواندن درتهران جرم بشمارمی‌رفت. عملیات عین‌الدوله عکس‌-

العمل شدیدی پدیدآورد. ازیکطرف زندانی شدن آزادیخواهان ریشه اعتراض افکارعمومی را تقویت کردوازطرف دیگر توقیف مطبوعات ملی سبب شدروزنامه‌های زیرزمینی ومخفی که به‌نام «شبنامه» معروف شد درتهران وشهرستانها انتشاریابد. این شبنامه‌ها در سالهای بعد یکی از مهمترین سلاحهای تبلیغاتی انقلابیون و آزادیخواهان گردید و فعالیتهای مخفیانه همراه با تشکیل انجمنهای سری بالاخره حکومت عین الدوله را متزلزل ساخت و شبکهٔ فعالیت انقلابیون را گسترش داد.

مندرجات مطبوعات ملی وانقلابی اوایل قرن بیستم ایران نه تنها متوجه فعالیتهای داخلی وانتقادازاموزداخلی حکومت بودبلکه قسمت مهمی ازنوشته‌های این دوره به امورحاکمیت واستقلال ملی ایران اختصاص داشت وروزنامه‌نگاران این دوره علیه نفوذ خارجیان ورقابت انگلیس وروس درایران مبارزه می‌کردند. مندرجات روزنامه‌های ملی علیه دخالت انگلیسها در امورسیاسی ودخالت روسیه درامور اقتصادی باعث شد دولت روسیه برای مقابله با این اعتراضات و مبارزات ملی، روزنامه‌یی به نام «مجموعه ماوراءِ خزر» به‌زبان فارسی درعشق آبادچاپ ودر ایالات شمالی ایران منتشر کند. این روزنامه مخصوصاً درزمان جنگ روسیه وژاپن در سالهای ۱۹۰۴ و۱۹۰۵ بسیار فعال بود و توسط کنسولگری روسیه در ایران پخش می‌شد. *

**مطبوعات و توسعهٔ افکار انقلابی**

درحالی که جنبشهای ناسیونالیستی دراروپا دراوایل قرن نوزدهم پدیدآمد وروابط بین‌المللی ومخصوصاً روابط کشورهای اروپایی را تغییرداد، نهضتهای ملی

آسیا تا اوایل قرن بیستم چندان مهم وفعال نبود. جنگ روسیه‌وژاپن درسالهای ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۵ حس ملیت رابین کشورهای آسیایی قوت داد. پیروزی ژاپنی‌ها به عنوان یك قدرت آسیایی علیه روسیه که مملکتی اروپایی تلقی می‌شد، نهضت آزادیخواهی وروحیهٔ ملی رادر کشورهای آسیا ازجمله ایران تقویت کردوپیروزی ژاپنی‌ها به عنوان موفقیت نیروهای آسیایی علیه نفوذ استعماری اروپا تفسیرشد. در همین سالها نهضت انقلابی داخل روسیه این گونه افکار وجریانها را پشتیبانی کرد .عکس‌العمل پیروزی ژاپن وانقلاب‌داخلی روسیه‌نقش بسیارمهمی درتوسعهٔ افکارانقلابی درایران داشت . روزنامه‌های ملی اخبار مربوط به این وقایع را با تفصیل وعلاقهٔفراوان چاپ کردند وعده‌یی ازانقلابیون وآزادیخواهان روسیه که ازحکومت مطلقهٔ تزاری فرار کرده از طریق قفقاز به شمال ایران آمده بودند روزنامه‌ها وجزوه‌های متعدد چاپ کردند وبه جنبش ملی و مشروطه خواهی در ایران نیرو دادند .

گسترش آموزش جدید وعرضهٔ کتاب درایران وافزایش باسوادان‌وکسانی که درنتیجه توسعه فن چاپ واصلاحات فرهنگی به امورملی و بین‌المللی علاقه پیدا کرده بودند هستهٔ جدیدی درتحولات اجتماعی و انقلابی ایران پدید آورده بود. تأسیس کتابخانه عمومی درایران نقش مهمی درتوسعه آگاهی داشت. تاسال ۱۸۹۸ کتابخانه عمومی به معنای امروزی که همه بتوانند ازآن استفاده کنenددر ایران وجود نداشت . در این سال میرزا محمد علی خان تربیت که یکی از آزادیخواهان تبریز بود کتابخانه تربیت رادرشهرتبریزتأسیس کرد . * چهارسال بعد این کتابخانه مرکز انتشار مجله علمی وهنری «گنجینه‌فنون» شد که میرزا محمد علی خان تربیت خودش سردبیری ومدیریت آنرا عهده‌دار بود ودر محافل ادبی وعلمی ایران بسیار خواننده داشت.

درسال ۱۹۰۴ کتابخانه‌ملی توسط انجمن معارف وبا کمك عده‌یی‌ازآزادی‌خواهان ازجمله میرزا آقا اصفهانی، ملك‌المتکلمین ، سید نصرالله تقوی، ومیرزا محمدعلی‌خان ونصرت‌السلطنه درتهران تأسیس شد. این کتابخانه به زودی‌مرکز تجمع اصلاح طلبان تهران گردید .

یکی‌ازارکان انقلابی درایران که شبکه‌نهضت مشروطه طلبی‌رابیش‌ازپیش ریشه‌دار کرد ودرارتباطات‌اجتماعی عصرانقلاب‌مشروطه‌نقش‌مهمی داشت‌انجمنهای سری بود. این انجمنها درتاریخ مشروطه‌ایران فصل جداگانه ومخصوص‌دارد(۲). ولی ازجنبهٔ آمیزش انجمنها بامطبوعات ملی وعوامل ارتباطات اجتماعی‌درایران همین قدر باید یاد آوری کرد که انجمنها درحقیقت مرکز تهیهٔ مقالات انقلابی روزنامه‌ها وهم‌چنین مرکز مباحثه وتفسیر وتعبیرنوشته‌های مطبوعات ملی‌بشمار می‌رفت . انجمنهای سری دراواخر قرن نوزدهم درتهران وشهرستانهابوجودآمد ودراوایل قرن بیستم دراکثر شهرهای بزرگ ایران توسعه یافت ومرکز تجمع وفعالیت ملیون وآزادیخواهان گردید . دودسته مهم درتشکیل این انجمن‌هانقش بسیار مهمی بازی کردند : روزنامه‌نگاران وروحانیان . واین قابل توجه است که مثلاازه۵۴ نفرعضواولین‌انجمن سری که‌درتهران تشکیل‌شدبیست نفرروزنامه‌نگار وبقیه روحانی‌وبازرگان بودند. (۳)حضورروزنامه‌نگاران ازاین جهت‌درانجمنهای سری اهمیت داشت که‌علاوه برآگاهی ودانشی که ازاوضاع‌داخل وخارج کشور داشتند ، روزنامه‌ها و جزوه‌های آنها وسیلهٔ ترویج و توسعه انجمنهای‌سری بین مردم بود. نقش روحانیان در انجمن‌های سری البته به‌علت احترام و نفوذ قابل ملاحظه‌یی که بین بازاریان ومردم داشتند مهم بود. ازطرفی روحانیان تاحدی از طریق مکاتب ومدارس مذهبی درآموزش وپرورش زمان‌خود اثرمی‌بخشیدند،یکی ازدستورهای مهم‌انجمنهای سری این بود که هرروزیا هرهفته اعضای انجمن در

مرکز خود جمع شده روزنامه‌های ممنوعهٔ داخل وخارج کشور رابرای یکدیگر بخوانند واوضاع واحوال مملکتی وفعالیت‌های خودرا مورد بحث وارزیابی قرار دهند. پیوند روزنامه‌ها وانجمنهای سری وارتباطی که ازاین‌طریق حاصل شده‌بود اسلحه بسیار مهمی در تبلیغات انقلابیون و آزادیخواهان بود . علاوه بر تهران ، روزنامه‌نگاران دورهٔ انقلاب مشروطه در انجمنهای سری شهرستانها نقش مهمی بازی می کردند . در کرمان اولین انجمن سری به رهبری چند تن ازروحانیان آن‌ناحیه ومیرزا آقاخان کرمانی که‌ازنویسندگان روزنامه«اختر» چاپ‌قسطنطنیه بود تشکیل‌شد.*

دراصفهان رهبری انجمن‌سری را ملك‌المتکلمین‌وسید جمال‌الدین‌اصفهانی به عهده داشتند. درتبریز که به علت نزدیکی‌به روسیه افکارانقلابی بیش‌ازسایر شهرستانها وحتی تهران رونق ورواج پیدا کرده بود روزنامه‌نگاران درانجمنهای سری این شهر، که می‌توان گفت فعالترین انجمن‌های‌سری ایران بود نقش‌عمده داشتند وسید حسین خان عدالت مدیرروزنامه«عدالت» و «الحدید» ومیرزا محمد علی‌خان تربیت مدیرمجله «گنجینه فنون» عضوانجمن بودند.

همکاری و هماهنگی رهبران انقلابی و اصلاح طلبان و آزادیخواهان و روزنامه‌نگاران و کسانی که بطورکلی از وضع ایران ناراضی بودند و برای مبارزه‌علیه‌استبدادآمادگی‌داشتند ، محیط بسیار مساعدی برای‌شکفتن مطبوعات‌و روزنامه نگاری پدید آورده بود. درمحافل روشنفکران ورهبران انقلابی‌تفکیك روزنامه‌نگاری ورهبری انقلاب بسختی‌امکان داشت. خصایص انقلابی‌ونویسندگی وآزادیخواهی درهمه‌دیده می‌شد. دراین‌شرایط بود که وقتی کمیته انقلابی‌تهران در۱۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۳ (مه ۱۹۰۴) نقشه مبارزه وانقلاب را طرح کرد در سندی که نوشته شد وبه‌اجرا درآمد مبارزه درراه‌آگاه کردن مردم تهران وشهرستانها

وپخش روزنامه ورساله‌های مخفی اصول اصلی این نوشته تاریخی راتشکیل می‌داد. طبق اصل دوازده این سند کسانی که به‌زبانهای خارجی آشنایی داشتند عهده‌دار ترجمهٔ رساله‌ها ومقالات انقلابی وآگاه کننده شدند. اصول دهم ویازدهم این سند بنیادمطبوعات وشبنامه‌های مخفی رادرتهران وشهرستانها گذاشت وازنویسندگان وانقلابیون خواست باروزنامه‌های ملی خارج ازکشورتماس پیدا کنند وهم چنین ازوضع نامطلوب ایران مقالاتی درروزنامه‌های خارجی چاپ نمایندوافکارخارجیان ومخصوصاً اروپاییان را متوجه وضع ایران کنند.

نسخه‌های روزنامه‌های مخفی که به نام شبنامه درایران معروف شد هنوز در کتابخانه‌های ملی ومجلس شورای ملی وچندین کتابخانه خصوصی ایران حفظ می‌شود وآثاردورهٔ بسیارفعالی ازروزنامه‌نگاری ملی وانقلابی ایران بشمارمی‌آید. این گونه روزنامه‌ها که به قطع بسیار کوچك وبطور نامرتب درشهرهای مختلف توسط انقلابیون چاپ می‌شدمعمولا تاریخ انتشار وآدرس ومحل چاپ باخود نداشت و فقط جهت بسیج عمومی و باانگیزهٔ ملی انتشار می‌یافت . مندرجات این گونه شبنامه‌ها را معمولا چندین مقاله که علیه حکومت نوشته می‌شد تشکیل می‌دادو اخبار فعالیت آزادیخواهان وانقلابیون درآن درج می‌گردید. بعضی ازاین شبنامه‌ها حتی روزانه منتشر می‌شدند ولی اغلب آنها تاریخ ودورهٔ مخصوصی نداشتند وهر طور که نویسندگان صلاح می‌دیدند وباتوجه به پیشرفتهای روزانه انتشارمی‌یافت. مشکل بزرگ درنشروچاپ این شبنامه‌ها نایابی کاغذ ومرکب وماشین چاپ بود. مع‌الوصف شبنامه‌ها به سرعت بین مردم دست به دست می‌گشت و در صحبتهای مردم اغلب به مندرجات آنها اشاره می‌گردید ودر محافل معمولی و صحبت‌های روزانه وگزارش اخباربه آنها استناد می‌گردید. شبنامه‌هایی که بطورمرتب چاپ می‌شدند وعنوان مشخص داشتندعبارت بودنداز«لسان الغیب» که درسالهای ۱۹۰۱و ۱۹۰۲ توسط یکی ازانجمنهای سری درتهران منتشرمی‌شد وهم چنین « غیرت »

که توسط انجمن سری دیگری درهمین سالها انتشاریافت وازجمله نویسندگان آن میرزا محمدعلی خان وشیخ عبدالعلی موبد وحاجی میرزا حسن رشدیه وشیخ یحیی کاشانی بودند * ، وشبنامه «غیبی» که توسط ملك المتکلمین دراصفهان طبع شد وشبنامه «حمام جنیان» که در سالهای آخر سلطنت مظفرالدین شاه در تهران منتشر گردید وتمام آنها بین مردم اعتبار و وجهه بسیارداشتند .

درمرحله اول انقلاب مشروطه که به اعطای فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی خاتمه یافت دونیروی مخالف علیه یکدیگر مبارزه می کردند ودشمنی این دو نیرو درتسعیر احساسات انقلابی درایران تأثیر فراوان داشت. این دو نیرو مطبوعات و آزادیخواهان دریك جبهه وعین الدوله صدراعظم وقت درجبهۀ دیگر بودند. شك نیست که درنتیجه تندروی وخشونت عین الدوله علیه اصلاحات اجتماعی مطبوعات که ارکان جنبش آزادی را تشکیل می داد ازفرصت استفاده کرده جهت تظاهرابتدایی وخام ضد دولتی را به نفع ملت ومملکت تغییر می داد . بی آنکه به تفصیل وقایع تاریخ مشروطه بپردازیم ، باید یاد آوری کرد تقاضاهای تظاهر کنندگان که ازبهار ۱۹۰۵ درتهران شروع شداغلب جنبۀ عمومی نداشت ومشروطه خواهی واستقرارحکومت پارلمانی، دستور تظاهرات اولیه انقلاب ایران راتشکیل نمی داد. اغلب این تظاهرات به علل وجهات کوچك ومحدودی شروع می شدوهرگاه مطالبات تظاهر کنندگان تاحدی بر آورده می شد وبه میانجیگری روحانیان این اختلافات بر طرف می گشت ، از مشروطه و مجلس دیگر صحبتی نبود و از احساسات ضد دولتی وطرفداری مشروطه کاسته می شد ** .

مثلا یکی ازتظاهرات اولیه که درآوریل ۱۹۰۵ صورت گرفت تحصن عده یی درشاه عبدالعظیم بود که خواستار بر کناری رئیس بلژیکی گمرك بودند . چند ماه بعد به علت اقدامات دولت علیه عده یی ازتجار وبازاریان که متهم به افزایش

قیمت شکر شده بودند، عده بیشتری به متحصنان شاه عبدالعظیم پیوستند و گروه بزرگی از علما وطلاب هم به آنها اضافه شدند. خواستهای این عده شامل هشت موضوع بود که بر کناری عین‌الدوله، بر کناری کارشناسان بلژیکی گمرك، و تشکیل مجلس و یا عدالتخانه قسمت اصلی آنها را تشکیل می‌داد و تا این موقع به‌هیچوجه بین تظاهر کنندگان صحبت مشروطه و قانون اساسی نبود و وقتی که مظفرالدین شاه قول دادعدالتخانه‌یی افتتاح نماید وخواستهای متحصنان‌را تاحدی بر آورده کند، تجار ومتحصنان از تظاهرات دست کشیده‌پراکنده شدند. دراینجا بود که مطبوعات ومشروطه خواهان آگاه نقش انقلابی خودرا بازی کردند واز هرفرصت استفاده کرده علاقه به مشروطه وقانون اساسی وتشکیل مجلس شورای ملی‌رابه تدریج بین مردم رواج دادندواین مطالبه‌راجزوقطعنامهٔ تظاهرات کردند. به‌این جهت است که درتاریخ انقلاب‌مشروطه متحصنان شاه عبدالعظیم درماههای اول به متحصنان وبعدها به‌عدالت خواهان‌وملیون وسرانجام‌دراثر فعالیت‌مطبوعات وآزادیخواهان به مشروطه طلبان مشهورشدند.

درآغاز بهارسال ۱۹۰۶ که آشکار شد وعده‌های اصلاحات مظفرالدین‌شاه به‌مردم جامه عمل نپوشیده است ونارضایی طبقات‌مختلف درنتیجه تشویق‌وتحریك مطبوعات‌ونویسندگان‌وگویندگان‌آزادیخواه ومشروطه طلب کاملاازپرده‌بیرون افتاد، تصمیمات آزادی شکن عین‌الدوله به بسیج عمومی وضد دولتی کمك کرد و درشهرستانهای مختلف تظاهرات آزادیخواهان توسعه‌یافت واین بارخواست‌اصلی وعمومی مبارزان،اخذ قانون اساسی ومشروطیت بود. یکی ازروزنامه‌نگارانی که بطورمرتب مقالات دامنه‌داری می‌نوشت و ازعلما خواستار می‌شد بامردم همکاری نمایند وازمظفرالدین شاه استقرار مجلس شورای ملی را تقاضا کنند، محمد رضا مساوات مدیرروزنامه «مساوات» بود. اوبه همراهی اشخاصی مثل ملك‌المتکلمین

طباطبایی وسایر رهبران آزادیخواه فکر وطرح اخذ مشروطه وقانون اساسی را برای افکار عمومی تشریح می کرد . درتابستان این سال هنگامی که عین‌الدوله آزادیخواهان را دستگیر و آتش تظاهرات عمومی را شعله‌ور کرد ، افکار عمومی به کمك مطبوعات ، هم ازجنبهٔ ملی وهم ازجنبه روانی وفکری آمادهٔ مبارزه با استبداد شده بود. مطبوعات برای مدت دوسال مرتب به بسیج افکارعمومی کمك می کرد ودرنتیجه فلسفه مبارزات ملی وانقلاب مشروطه بطور قابل توجهی بین مردم گسترش یافت. درمدت چندماهی که تظاهرات خون آلود وخشمگین مردم درتهران وشهرستانها طول کشید ودرتمام مدتی که انقلابیون در شاه عبدالعظیم و مسجدشاه وسفارت انگلیس متحصن بودند ، روزنامه‌ها و شبنامه‌های مخفی رکن اصلی و وسیلهٔ مهم ارتباط اجتماعی انقلابیون وآزادیخواهان را تشکیل می‌داد. درنتیجهٔ اتحاد وهم‌آهنگی مطبوعات، روحانیان و روشنفکران آزادیخواه، مبارزات مردم بالاخره به نتیجه رسید وبه‌تاریخ ۶ اوت ۱۹۰۶ میلادی مظفرالدین شاه تن به‌خواستهای انقلابیون داد وفرمان مشروطه ودستور تشکیل اولین مجلس شورای ملی ایران وتنظیم قانون اساسی را صادر کرد .

## نمو مطبوعات در دورهٔ اول انقلاب

دورهٔ اول انقلاب مشروطه ایران که به تشکیل اولین مجلس شورای ملی وتأمین آزادی برای مطبوعات منتهی شد در تاریخ روزنامه نگاری و ارتباطات اجتماعی ایران فصل مخصوص دارد. نه تنها مطبوعات این دوره (۱۹۰۶ تا ۱۹۰۸) با مقایسه با مطبوعات اواخر قرن نوزدهم تفاوت کلی داشت بلکه روزنامه‌ها و روزنامه نگاران این چندسال ایران ریشهٔ مطبوعات دلیر وانقلابی سالهای بعد و

دورهٔ دوم انقلاب مشروطه (۱۹۱۱ تا ۱۹۰۶) را تشکیل دادند. برای اینکه به توسعه و نمو مطبوعات شش ساله اول قرن بیستم ایران پی ببریم تجزیه و تحلیل تطبیقی موضوع لازم بنظر می‌رسد.

بین سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۶ در حدود چهل روزنامهٔ ملی و غیر دولتی ـ عموماً انقلابی و آزادی‌طلب ـ در تهران و شهرستانها تأسیس و منتشر شد. مشهد و همدان و بوشهر برای اولین بار در تاریخ ایران صاحب روزنامه شدند. از سال ۱۸۳۷ که اولین روزنامه در ایران منتشر شد تا ۱۹۰۶ که فرمان مشروطه توسط مظفرالدین شاه صادر شد بر رویهم ۸۳ روزنامهٔ دولتی و ملی مختلف در پایتخت و شهرستانها منتشر شده بود که تقریباً نصف این تعداد محصول فعالیتهای انقلابی شش سال اول قرن بیستم در ایران است. همانطور که در جدول اول خواهد آمد، تبریز بزرگترین مرکز انتشار روزنامه‌های ملی این دوره بود و تهران در ردیف دوم قرار داشت. جدول دوم (مربوط به انتشار تعداد روزنامه‌ها در این شش سال) نشان می‌دهد. که رشد و نمو مطبوعات با فعالیت های انقلابی و آزادیخواهی همراه و موازی بود. درحقیقت تعداد روزنامه های جدید بطورمرتب در این شش سال رو به افزایش گذاشت.

با فعالیت انقلابیون و آزادیخواهان، کانون مطبوعات ملی که سالها درخارج از کشور ودرممالك همسایه ازجمله هندوستان وعثمانی بود به ایران منتقل شد وبطوری که درجدول سوم دیده می‌شود درشش سال اول قرن بیستم فقط ۹ روزنامهٔ جدید مختلف ملی درخارج از کشور منتشر شد.

ازپیدایش اولین روزنامه درایران تااعلام مشروطه رویهم رفته درحدود ۱۱۴ روزنامهٔ ملی ودولتی درایران وخارج از کشور منتشر شده بود. بجز یك روزنامه

یومیه «خلاصة الحوادث» که مدتی در تهران منتشر می‌شد، تمام مطبوعات ایران در این ۶۹ ساله هفتگی و ماهانه و چند نشریه سه روز در هفته بود. اندازه روزنامه‌های دورهٔ انقلاب مانند روزنامه‌های قبل از مشروطه کوچك بود ومخصوصاً در دو سال قبل از مشروطه به علت کمبود کاغذ صفحات مطبوعات در هر شماره تغییر می کرد. مندرجات مطبوعات این دوره تمام سیاسی وانتقادی بود و کمتر مسائل تفریحی و فرهنگی وادبی مطلق غیرسیاسی در آنها دیده می‌شد. از آگهی خبری نبود والبته به علت علاقه واشتیاق اهالی شهرستانها وتهران به وضع سیاسی، تیراژ روزنامه‌های ملی این دوره نسبت به سالهای قبل افزایش قابل توجهی پیدا کرده بود. اطلاع دقیقی از تیراژ روزنامه‌های این دوره در دست نیست، ولی به آسانی می‌توان حدس زد بعضی از روزنامه‌های ملی این دوره در حدود دو یا سه هزار نسخه به چاپ می‌رسیده است.

اثرات اجتماعی مطبوعات در این دوره از جنبه جامعه شناسی وروانشناسی اجتماعی بسیار مهم است و فصل مخصوص به خود دارد که به یقین دانشجویان و پژوهندگان ارتباطات اجتماعی مورد توجه قرار خواهند داد. فعالان ارتباطات اجتماعی این دوره که روزنامه نگاران و ناشران و گویندگان بودند حلقه‌های تشکیلاتی انقلاب مشروطه ایران را تشکیل دادند. روزنامه نگاران حرفه‌یی این دوره برای اولین بار به اهمیت وآگاهی افکار عمومی پی بردند ودر حقیقت افکار عمومی این دوره پرورش یافتهٔ فعالیتهای عناصر مختلف واز جمله مطبوعات بود. در این شش سال حیثیت واعتبار روزنامه نگاران هم از جنبه سیاسی و هم از جنبه اجتماعی در ایران بالا رفت وسیمای روزنامه‌نگار وخبر نویس از کارمندی ونوکری دولت به چهرهٔ مستقل اصلاح طلب و کوشندهٔ علمی وسیاسی تبدیل گردید. پنهان نماند که توسعهٔ فرهنگ وافزایش مدارس در گسترش واستوار ساختن روزنامه‌نگاری

این دوره ومطبوعات انقلابی عامل بزرگی بشمارمی‌رفت .

برای اولین باردرتاریخ ایران ، مطبوعات بین مردم رکن اجتماعی مهم شناخته‌شد وباترویج‌افکار آزادیخواهانه واطلاعات‌جدیدبه‌صورت کلاسهای‌جدید انتقال دانش وآگاهی بین عامه درآمد واقدامات حکمرانان قاجار وعوامل ضد مشروطه در سرکوب و خفه کردن مطبوعات بی‌نتیجه ماند و می‌توان گفت ازسه عامل مهم انقلاب مشروطه، روحانیان، خطیبان سیاسی، روزنامه‌نگاران ، بهترین برداشت وسود اجتماعی عاید فعالان مطبوعاتی شد.

## تعدادی از روزنامه‌های ملی وانقلابی دورهٔ اول مشروطیت

## (۱۹۰۶ - ۱۹۰۰ میلادی)

| اسم روزنامه | سردبیرومدیر | دورهٔ انتشار | تاریخ تأسیس | محل چاپ |
|---|---|---|---|---|
| طلوع | عبدالحمید خان متین‌السلطنه | غیرمنظم | ۱۹۰۰ | بوشهر |
| کمال | میرزا حسین طبیب زاده | هردوهفته | ۱۹۰۱ | تبریز |
| ادب | میرزا محمدصادق‌خان ادیب الممالك | هفتگی | ۱۹۰۰ | مشهد |
| ادب | میرزا محمدصادق‌خان ادیب الممالك و مجدالاسلام کرمانی | هفتگی | ۱۹۰۴ | تهران |
| نوروز | ناظم‌الاسلام کرمانی | هفتگی | ۱۹۰۲ | تهران |
| اسلامیه | میرزا ابوالقاسم ضیاءالعلمای تبریزی | هفتگی | ۱۹۰۶ | تبریز |
| جریده‌ملی | میرزا علی اکبرخان (ارگان انجمن‌ملی تبریز) | هفته‌یی‌دوشماره | ۱۹۰۶ | تبریز |
| الجناب | میرسیدعلی‌جناب | هفتگی | ۱۹۰۶ | اصفهان |
| مکتب | حاجی‌میرزاحسن رشدیه | نامنظام | ۱۹۰۶ | تهران |
| امید | محصلان مدرسه‌لقمانیه | هفتگی | ۱۹۰۶ | تبریز |

## جدول(۱)

### تعداد روزنامه‌های ایران درقرن نوزدهم واوایل قرن بیستم

| محل انتشار | روزنامه‌های منتشره بین ۱۹۰۰ ـ ۱۸۳۷ میلادی | روزنامه‌های منتشره بین ۱۹۰۶ ـ ۱۹۰۰ میلادی |
|---|---|---|
| تهران | ۲۹ | ۱۶ |
| تبریز | ۹ | ۱۷ |
| رضائیه | ۳ | ـ |
| شیراز | ۱ | ـ |
| اصفهان | ۱ | ـ |
| مشهد | ـ | ۲ |
| همدان | ـ | ۱ |
| بوشهر | ـ | ۲ |
| جمع | ۴۳ | ۴۰ |

## جدول (۲)

### تعداد روزنامه‌هایی که بین سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۶ در ایران تأسیس و منتشر شد

| سال تأسیس | تعداد روزنامه‌ها |
|---|---|
| ۱۹۰۰ | ۲ |
| ۱۹۰۱ | ۲ |
| ۱۹۰۲ | ۳ |
| ۱۹۰۳ | ۳ |
| ۱۹۰۴ | ۳ |
| ۱۹۰۵ | ۴ |
| ۱۹۰۶ | ۲۳ |
| جمع | ۴۰ |

## جدول (۳)

**تعداد روزنامه های خارج کشور درقرن نوزدهم و دوره اول انقلاب مشروطه درقرن بیستم**

| محل انتشار | روزنامه‌های منتشره بین ۱۸۳۷ - ۱۹۰۰ میلادی | روزنامه‌های منتشره بین ۱۹۰۰ - ۱۹۰۶ میلادی |
|---|---|---|
| کلکته | ۷ | - |
| بمبئی | ۴ | ۱ |
| قاهره | ۳ | ۲ |
| قسطنطنیه | ۲ | - |
| دهلی | ۱ | - |
| پاریس | ۱ | ۱ |
| حیدرآباد | ۱ | - |
| لندن | ۱ | ۲ |
| علیگر (هندوستان) | ۱ | - |
| کراچی | ۱ | - |
| باکو | - | ۱ |
| اسکندریه | - | ۱ |
| عشق آباد | - | ۱ |
| جمع | ۲۲ | ۹ |

# منابع وماخذ فصل هفتم

(1) Edward G . Browne The Persian Revolution , Cambridge University Press , 1910, P. 105 .

(۲) تاریخ نویسان انقلاب مشروطه ایران ازجمله احمدکسروی ، مهدی ملك زاده وغیره درباره انجمنهای سری شرح مفصلی نوشته‌اند . یکی ازرساله‌های بسیار جالب‌توجه راجع به این موضوع عبارتست از:

Ann K. S. Lambton , " Secret Societies and the Persian Revolution of 1905 - 06 , " St . Anthony,s Papaers, Number 4, Middle Eastern Affairs , Number One, Chatto & wiudus , London, 1958 .

(۳) « انقلاب مشروطیت ایران » تألیف مهدی ملك زاده ( در۷ جلد ) ، تهران ، ۱۳۲۸-۳۱ شمسی . دراین موضوع به جلد دوم، صفحه ۱۰ مراجعه شود.

# فصل هشتم

## ارتباطات اجتماعی در دوره دوم انقلاب مشروطه

توسعه ورشد ارتباطات اجتماعی در دورهٔ دوم انقلاب مشروطه که به مدت چهارسال (۱۹۰۹ـ۱۹۰۶) طول کشید یکی ازپرهیجان‌ترین‌دوره‌های تاریخ‌سیاسی معاصر ایران است ودرعین‌حال این دوره ازآزادترین ادوارمطبوعات ایران‌بشمار می‌رود . روزنامه‌نگاران ایرانی طی این چهارسال اولین جنگ مطبوعاتی را با حکومت‌شروع کردند وبه پایان رسانیدند.این مبارزه همراه باموفقیت انقلابیون اثراتی عمیق وناپیدادرتاریخ روزنامه نگاری ایران گذاشت. ازخصایص ارتباطات اجتماعی این دوره یکی آنست که به سختی می‌توان بین کوشندگان انقلابی ، سیاسی ومطبوعاتی مرزی کشید و اقدامات وکارهای آنها را ازهم تفکیك کرد . زیرا بین روزنامه‌نگار وشاعر ونویسنده وواعظ وسیاستمدار فرق فاحشی دراین چهارسال وجود ندارد واین هماهنگی و اتحاد و تسلط به چندین کار ، ارتباطات اجتماعی دورهٔ دوم انقلاب مشروطه را مشخص می‌سازد .

اولین فرمان آزادی بیان یك ماه پس از اعطای سند مشروطیت از طرف مظفرالدین‌شاه‌درتهران منتشرشد.دراین‌فرمان‌مظفرالدین شاه‌اعلام کردنمایندگان

مجلس شورای ملی آزادی بیان خواهند داشت و توقیف ودستگیری آنها جز درمواقع جنائی که ازطرف مجلس شورای ملی روشن خواهد شد ممنوع است. با تشکیل اولین دورهٔ مجلس شورای ملی درتهران طرح قانون اساسی تنظیم‌شد وسانسور مطبوعات که تاآن‌زمان ازطرف‌دولت‌متداول بود لغو وآزادی‌مطبوعات تأمین گردید. طبق موازین جدید ازاین پس هرایرانی قادربود امتیاز روزنامه تقاضا کند ودرمحیط آزاد به بیان عقاید خود بپردازد. تبریز اولین شهری بود که پس ازفرمان مشروطه روزنامهٔ ملی و آزاد علنی درآن منتشرشد. دراکتبر ۱۹۰۶ میرزا علی اکبر فرزند سید هاشم چرندابی معروف اولین روزنامهٔ تازه رابه‌نام «ملی»درتبریزمنتشر کرد. این‌روزنامه که‌نامش‌یکسال‌بعدبه «انجمن»تبدیل شد بطور روزانه ازطرف انجمن ملی تبریز منتشر می گردید. در همین ایام آقا میرزا محسن، دامادآیةالله‌بهبهانی درتهران، برای انتشار گزارش‌کارهای مجلس شورای ملی تقاضای امتیاز روزنامه کرده بود. درامتیازی که دولت به نام میرزا محسن صادر کرد مخصوصاً نوشته شده بود که ناشرروزنامه بطورآزادوبی‌سانسور می‌تواند خبرنگار ونویسنده انتخاب وروزنامه منتشر کند. درنوامبر ۱۹۰۶سید محمد صادق طباطبایی، روزنامهٔ آقا میرزا محسن را به‌نام «مجلس»روزانه درهشت صفحه درتهران چاپ کرد. *

روزنامه «مجلس» ازچند جهت درتحولات مطبوعاتی این دوره مؤثر بود. اول اینکه انتشارآن سبب شد چندتن از نویسندگان و آزادیخواهان قبل از مشروطه دور هم جمع شوند وروزنامه را مرکز ومحل وحدت عمل و همفکری قراردهند. مثلا درمدت پنج سالی که این روزنامه منتشرمی‌شد مدیریت آنراسید محمد صادق طباطبایی فرزند رهبرروحانی انقلاب مشروطه سید محمد طباطبایی، وسردبیری ونویسندگی مقالات آنرا نخست ادیب الممالک‌فراهانی ناشرروزنامه

«ادب» و «ارشاد» وبعد، شیخ یحیی‌کاشانی نویسندهٔ چیره دست «حبل‌المتین» به عهده داشتند.

دوم اینکه ، باتأسیس اولین دورهٔ مجلس شورای ملی ، افکار عمومی در تهران و شهرستانها متوجه مذاکرات ومباحثات مجلس شد وروزنامهٔ « مجلس » وسیلهٔ ارتباط بین نمایندگان وموکلان آنها بود. تنها افکار عمومی نبود که به مذاکرات مجلس علاقه‌داشت،نمایندگان نیزپس ازآنکه‌به‌اهمیت‌انتشارافکارخود توسط روزنامه «مجلس» آگاهی پیدا کردند، روزنامه‌را وسیلهٔ خوبی برای‌بسیج مردم تشخیص دادند وازتریبون مجلس شورای ملی به نفع خود و موکلان خود جهت تبلیغ استفاده‌می کردند. مطابق مقرراتی که درماههای اول مشروطه وضع شد، مذاکرات ومباحثات مجلس شورای ملی علنی اعلام گردید و نمایندگان مطبوعات و تماشاگران می‌توانستند با آزادی تمام آنچه در داخل مجلس می گذرد به خارج وبه مردم گزارش دهند. تیراژ روزنامهٔ «مجلس» به علت علاقه مردم به مجلس شورای ملی و به علت آزادی عمل نویسندگان آن تا ده هزار بالا رفت.

آیین‌نامه داخلی‌مجلس درمقررات‌مربوط‌به‌حضورخبرنگاران وتماشاگران درجلسات علنی مجلس شورای ملی، ضمناً تأکید کرددرصورت تشکیل جلسات خصوصی وسری ازحضورمطبوعات وتماشاگر جلوگیری خواهد شد. مطابق ماده ۳۵ این‌آیین نامه درصورتی که‌جلسهٔ خصوصی به‌درخواست رئیس‌مجلس شورای ملی تشکیل شود ، رئیس حق‌دارد ازتصمیمات ومذاکرات مجلس تاآنجا که‌صلاح بداند عامه را با خبر کند . ولی اگر جلسهٔ خصوصی مجلس شورای ملی به درخواست یکی از وزرا تشکیل شود انتشار اخبار و مذاکرات جلسه به اجازه وزیر مربوط بستگی دارد .

## محمد علیشاه و مطبوعات

مظفرالدین شاه چند روز پس از امضای قانون اساسی که از طرف مجلس شورای ملی تدوین و تصویب شده بود درگذشت و پسر او محمد علیشاه در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۰۷ به سلطنت رسید. از آغاز سلطنت خود، محمد علیشاه به مجلس شورای ملی و مطبوعات کمتر علاقه نشان داد و در مدت حکومت خود سه بار سعی کرد قانون اساسی و مشروطیت ایران را ازمیان ببرد. اولین نشانه دشمنی او با مجلس و مطبوعات موقعی آشکار شد که در تاجگذاری خود اعضای هیچکدام ازاین دو رکن اساسی حکومت مشروطه رادعوت نکرد. هنگامی که نمایندگان دورهٔ اول مجلس شورای ملی مشغول طرح متمم قانون اساسی وتکمیل آن بودند، روزنامه‌نگاران و آزادیخواهان سعی می‌کردند آزادی مطبوعات و حق بیان و اجتماع به صراحت کامل درقانون اساسی ایران گنجانده شود. بنابراین دراکتبر ۱۹۰۷ که قانون اساسی ومتمم آن به تصویب مجلس رسید، مواد بیستم وبیست و یکم متمم، آزادی مطبوعات واجتماعات را تأمین وتضمین کرد. فصول دیگراین سند تاریخی که بسیار به قوانین اساسی انگلیس وبلژیك شباهت دارد حقوق مدنی را برای ایرانیها تأمین کرد. جالب توجه این بود که مخصوصاً درقوانین مصوبه ذکر شد دولت نمی‌تواند نوشته‌ها و گفتارهای عمومی را ازطریق مطبوعات وپست وتلگراف سانسور کند. ازجملهٔ فصول قابل ملاحظهٔ قانون اساسی و متمم آن که باارتباطات اجتماعی آن دوره مربوط بود تشویق آموزش وپرورش برای ایرانیان وحضور هیأت منصفه برای محاکمه مطبوعاتی بود.

درنتیجهٔ این حمایتهای قانونی، مطبوعات درسالهای اول مشروطه به‌سرعت

توسعه یافت. بطوری که درسال ۱۹۰۷، یکسال پس ازاعلام مشروطه، در حدود ۹۰ روزنامه درتهران و شهرستانها منتشرمی‌شد که در بین آنها چندین روزنامه وجود داشت. ازروزنامه‌های روزانهٔ این دوره (علاوه‌بر «انجمن» چاپ تبریز و «مجلس» چاپ تهران) «ندای وطن» بود که توسط مجدالاسلام کرمانی درتهران منتشر می‌شد. این شخص یکی از روزنامه‌نگاران فعال این دوره بشمار می‌رفت‌و سالهای بعدروزنامه‌های «کشکول» و «محاکمات» رامنتشر کرد. روزنامهٔ روزانه دیگر «صبح‌صادق» بود که به‌مدیریت مرتضی‌قلی‌خان مؤیدالممالك درتهران‌منتشر می‌شد واغلب مطالب آن‌به اموراقتصادی وخبرهای خارجه واطلاعات‌مفید ومورد نیاز اختصاص داشت. تیراژ این‌روزنامه درتهران قابل‌ملاحظه‌بود. همچنین‌مرتضی قلی‌خان روزنامهٔ دیگری به‌نام «پلیس‌ایران» داشت که سیدجواد تبریزی‌آنرا در تهران منتشر می‌کرد و وابسته به‌حزب اعتدالیون و طرفدار اکثریت در مجلس شورای‌ملی بود.

یکی از نتایج برقراری مشروطه بازگشت نویسندگان و روزنامه‌نگاران مهاجر بود. از روزنامه‌های تبعیدی که این زمان درتهران به‌انتشار خود ادامه داد «حبل‌المتین» چاپ‌هندبود. «حبل‌المتین» ازسال ۱۹۰۷ روزانه‌درتهران‌منتشر می‌شد. این‌روزنامه به‌علت‌مقالات بسیار مؤثری که‌توسط‌شیخ‌یحیی‌کاشانی درآن‌نوشته‌می‌شد وبه‌علت‌اخبارکامل داخلی‌وخارجی که باتجزیه‌وتحلیل سیاست‌خارجی ایران‌همراه بود، مهم‌ترین روزنامه روزانه این دوره بشمار می‌رود. *

دربین روزنامه‌های انقلابی وآزادیخواه هفتگی این‌دوره‌نام «صوراسرافیل» جای مخصوصی در تاریخ مطبوعات ایران دارد. سه متجدد انقلابی و آزادیخواه، میرزاقاسم‌خان تبریزی، میرزاجهانگیرخان شیرازی ومیرزاعلی‌اکبرخان قزوینی (دهخدا) این‌روزنامه رادرتهران منتشر می‌کردند. مطبوعات این‌دوره‌نه‌تنهاازجنبهٔ

سیاسی که از جنبه ادبی نیز منبع مهمی در تمدن اوایل قرن بیستم ایران بود.

روزنامهٔ «صور اسرافیل» به‌حقیقت ستارهٔ این آمیزش مطبوعاتی وادبی و سیاسی بود. در صفحات این روزنامه بود که احساسات ومباحثات انقلابیون به‌طرز درخشانی جلوه گری کرد. نوشته‌های میرزاجهانگیرخان ومخصوصاً مقالات میرزاعلی‌اکبرخان دهخدا که زیر عنوان «چرند و پرند» نوشته‌می‌شد، «صوراسرافیل» رادرمیان ادباو سیاستمداران وروشنفکران بسیارمشهور ساخت. بطوری که مقالات این روزنامه به‌محض انتشار بین‌مردم دست به‌دست می‌شد و بی‌نهایت مورد ستایش وتقدیر افکار عمومی قرارمی گرفت.

میرزاجهانگیرخان ازسردبیران ونویسندگان بسیارشجاع وبی‌نظیراین‌دوره است. اختلافات او باطبقهٔ روحانی، مقالات واسم‌وی رابیش‌ازپیش زبانزد مردم کرد. فلسفهٔ سیاسی نوشته‌های اودربارهٔ انحطاط ممالك اسلامی وبی‌توجهی علما، نه‌تنها گروه‌روحانیان قدیمی راعلیه اوبرانگیخت بلکه سبب‌شد «صوراسرافیل» به‌مدت دوماه ازطرف دولت محمدعلیشاه توقیف شود.

## تعدادی از روزنامه‌های مهم ملی

## که پس از اعلام مشروطه

## در تهران منتشر می‌شدند

| اسم روزنامه | ناشر و سردبیر | دوره انتشار | تاریخ تأسیس |
|---|---|---|---|
| مجلس | آقامیرزا محسن و سید محمد صادق طباطبائی ـ شیخ یحیی کاشانی | روزانه | ۲۵ نوامبر ۱۹۰۶ |
| ندای وطن | مجدالاسلام کرمانی | روزانه | ۲۷ دسامبر ۱۹۰۶ |
| تمدن | مدبرالممالك هرندی | هفتگی | ۱ فوریه ۱۹۰۷ |
| صبح صادق | مرتضی قلی‌خان مویدالممالك | روزانه | ۷ آوریل ۱۹۰۷ |
| حبل‌المتین | سید حسن کاشانی ـ شیخ یحیی کاشانی | روزانه | ۲۹ آوریل ۱۹۰۷ |
| صوراسرافیل | میرزا جهانگیرخان شیرازی ـ علی‌اکبر دهخدا | هفتگی | ۳۰ مه ۱۹۰۷ |
| روح‌القدس | سلطان‌العلما خراسانی | هفتگی | ۷ اوت ۱۹۰۷ |
| مساوات | محمد رضا مساوات | هفتگی | ۱۳ اکتبر ۱۹۰۷ |

مقالات جهانگیرخان در «صوراسرافیل» آتش دشمنی محمدعلیشاه را با مطبوعات بیش از پیش شعله‌ور ساخت و بالاخره به مرگ این روزنامه‌نگار جوان منتهی شد. «صوراسرافیل» یکسال بطور هفتگی در تهران منتشر شد و این یکسال در سبك مطبوعات و ادبیات انقلابی این دوره تأثیر فراوانی داشت. نویسندهٔ ثابت ستون ادبیات سیاسی این روزنامه میرزاعلی‌اکبر دهخدا بود که در سن بیست وهشت سالگی از معروفترین روزنامه‌نگاران انقلاب مشروطه ایران شد. مقالات دهخدا تحت عنوان «چرندوپرند» و به امضای «دخو» نمونهٔ ادبیات سادهٔ این دوره است. دخو در «چرندوپرند» از اوضاع سیاسی ایران واقدامات مستبدانهٔ محمد علیشاه انتقاد می کرد و باطرز بسیار پسندیده ومطلوب ناله‌ها وشکوه‌های عامه‌مردم را به گوش روشنفکران وطبقهٔ حاکمه‌واشراف آن دوره می‌رساند. در تاریخ مطبوعات فکاهی‌سیاسی ایران «صوراسرافیل» ومخصوصا مقالات چرندوپرند باید پیشقدم وپیشاهنگ این روش ذکر شود. مثلا شعر زیر تحت عنوان «رؤسا وملت» درستون چرندوپرند، سادگی بیان ودر عین حال تازگی کار شاعر را نشان می‌دهد:

**(رؤسا وملت)**

**از «صوراسرافیل» ـ ۲۷ فوریه ۱۹۰۸**

خاك بسرم! بچه بهوش آمده — بخواب ننه: یکسر دوگوش آمده
گریه نکن: لولو می‌آدمیخوره — گربه می‌آد بزبزی را می‌بره

اهه ! اهه ! آخر چته ؟ گشنمه    بتره کی! این همه خوردی : کمه ؟
چخ چخ سگه! نازی پیشی پیش پیش!    لالای جونم گلم باشی کیش کیش !
از گشنگی نه‌نه دارم جون میدم    گریه نکن! فردا بهت نون میدم
ای‌وای نه‌نه! جونم داره در میره    گریه نکن ! دیزی داره سر میره
دستم آخش! به‌بن چطوریخ شده    تف‌تف جونم به بین مه مه اخ شده
سرم چرا آنقده چرخ می‌زنه ؟    توی سرت شی پیشه چا می کنه
خ خ خ خ...جونم چت شد؟هاق‌هاق    وای خاله! چشماش چرا افتاد بطاق
آخ تنشم بیا به بین سرد شده    رنگش چرا (خاك بسرم)زرد شده
وای بچه‌ام رفت ز کف رود رود    مانده بمن آه واسف رود رود !!

صفحات «صوراسرافیل» در حقیقت مراحل اولیه زندگی ادبی وسیاسی علی اکبرخان قزوینی (دهخدا) بود. در سالهای بعداز مشروطیت، تحقیقات دهخدادر ادبیات و فرهنگ ایران توسعه پیدا کرد و در نیم قرن بعداز انقلاب تألیفات او شامل پانزده کتاب تحقیقی و ازجمله اثر مهم او «لغت‌نامهٔ دهخدا» بود که نام او رادرمقام بزرگترین لغت‌دان و لغت شناس قرن بیستم ایران ثبت کرد.

روزنامهٔ هفتگی «روح‌القدس» نشریه دیگری بود که در بین انقلابیون و آزادیخواهان سروصدای بسیار به‌پا کرد و مقالات تندوآتشین ناشر آن، سلطان‌ـ العلمای خراسانی، محمدعلیشاه ودرباریان را بسیار عصبانی‌وناراحت‌ساخت. ازاین روزنامه مجموعا بیست‌وشش شماره منتشرشد. عمر کوتاه این‌نشریه ازتأثیر آن در افکارعمومی چیزی نکاست‌بلکه می‌توان گفت «روح‌القدس» تندترین وانقلابی‌ترین نشریه سال ۱۹۰۷ درتهران بود. درسال ۱۹۰۸ محمد علیشاه دست به کودتازد و مجلس رابمباران کرد، سلطان‌العلمای خراسانی را مأموران شاه دستگیر وزندانی

کردند و پس از مدت کوتاهی کشته شد. زندانی و کشته شدن این روزنامه‌نگار یکی ازوقایع پرسروصدای دورهٔ دوم انقلاب مشروطه ایران بود.

برای فرمانروایان سلسلهٔ قاجار که بیش از یك قرن بااستبداد و سلطنت فردی برایران حکومت داشتند، قبول حکومت پارلمانی و مشورتی که نتیجهٔ انقلاب مشروطه بود غیر ممکن بنظر می‌رسید و نمی‌توانستند به آن عادت کنند. محمدعلیشاه نمونهٔ این‌طرز اندیشه بود. درعین حال آزادیخواهان ومطبوعات‌ملی باحدت وهیجان‌بی‌مانند از آزادی بدست‌آمده نگهبانی‌می کردند. ازآغازسلطنت محمدعلیشاه آشکار بود بالاخره مطبوعات و دربار با هم اصطکاك پیدا می کنند و جنگ میان آنها اجتناب ناپذیر است .

هنگامی که محمدعلیشاه محرمانه قرارداد وام چهارصد هزار لیره‌یی را با انگلیسها وروسها امضا کرد ، مطبوعات‌آگاهی پیدا کردند و با کمك نمایندگان مجلس شورای‌ملی عمل‌شاه را به‌سختی‌مورد انتقاد قرار دادند .

برای اولین بار درتاریخ ایران عملیات شاه تحت کنترل ونظارت ملت‌قرار گرفته بود . درپی‌تبلیغات شدیدی که درمطبوعات علیه‌عملیات‌محمد علیشاه‌می‌شد نمایندگان مجلس تصمیم گرفتند بودجهٔ دربار وبعضی ازادارات دولتی رابه‌صلاح مملکت کنترل کنندوکاهش‌دهند .

محمد علیشاه که‌ازاین مبارزات خسته شده‌بودتصمیم گرفت ازامین‌السلطان معروف به اتابك اعظم دعوت کند تا سر رشتهٔ امور را به‌دست گیرد و به‌وضع آشفتهٔ موجود سروصورتی‌بدهد. اتابك‌اعظم که مسئول‌مذاکرات وامهای‌خارجی زمان مظفرالدین‌شاه بود وبه‌علت مخالفت‌باآزادیخواهان‌ومشروطه‌طلبان مدتی در تبعید به‌سرمی‌برد به تهران باز گشت‌وبامحمدعلیشاه جبههٔ جدیدی علیه مجلس و

مطبوعات تشکیل داد. بانخست وزیری اتابک اعظم روابط شاه وملیون بدتر شد. ازطرفی روسها که بطور کلی باحکومت مشروطهٔ ایران چندان میانهٔ خوبی نداشتند، شروع به دخالت دروضع داخلی ایران کردند وازطرفی قوای عثمانی ازطریق مرزهای شمال غربی وارد ایران شد وتاحدود شهر رضاییه پیش آمد. ولی نخست وزیری اتابك اعظم زیاد دراز نبود وپس ازچندماه، توسط یکی از ملیون به نام عباس آقا تبریزی ترورو کشته شد.

با کشته شدن اتابك اعظم دورهٔ پرآشوب ونابه سامانی دروضع سیاسی ایران پدیدآمد. محمدعلیشاه ناصرالملك را که از دوستداران حکومت قاجار وطرفدار سلطنت محمدعلیشاه بود به تشکیل کابینه دعوت کرد. درهمین موقع قراردادمعروف انگلیس وروس درسن پترسبورگ به امضاء رسید. این قرار داد که مربوط به سه کشورآسیایی تبت، افغانستان وایران بود، مرزهای نفوذ روسیه وانگلستان رادرآسیا تعیین می کرد وبرای جلوگیری ازنفوذآلمانیها درآسیا قرارشده بود قسمت شمالی ایران تحت نفوذ وتسلط روسیه وقسمت جنوبی تحت نفوذ انگلستان وقسمت مرکزی بی طرف اعلام شود. بااینکه قرارداد درظاهر استقلال وحاکمیت ایران را تأمین می کرد، مقامات دولتی ایران در تنظیم وامضای آن شرکت نداشتند.

مطبوعات ومجلس شورای ملی از چنین قرار دادی که محمدعلیشاه آنرا با سکوت تلقی می کرد، عصبانی شدند و دولت را به سختی مورد انتقاد قرار دادند. مندرجات جراید و جزوه های سیاسی و انقلابی این دوره باسیاست خارجی محمد علیشاه ودخالت روسهاوانگلیس هادرامورایران که مسألهٔ مهم روز را تشکیل می داد رابطه پیدا کرد.

احساسات ضدخارجی درتهران وشهرستانها به شدت توسعه یافته بود؛ و تنها

وسیلهٔ ملیون ومشروطه خواهان درمبارزه بااین قرارداد، مطبوعات بود. این حوادث باعث شد روزنامه‌نگاران بیش ازپیش جرأت پیدا کنند و مستقیم به محمد علیشاه حمله برند وجنگ سیاسی وقلمی را مستقیم متوجه درباریان کنند. مبارزات ضد خارجی سالهای ۱۹۰۷ درایران اولین مبارزهٔ علنی افکار عمومی بود که در آن دو رکن مهم حکومت مشروطه، یعنی مجلس شورای ملی ومطبوعات توانستند دست به هم داده تظاهرات ملی را به سراسر ایران گسترش دهند. مقالات روزنامه‌های «حبل‌المتین»، «روح‌القدس» و «مساوات» به‌قدری شدید و مؤثر بود که به دستور محمدعلیشاه برای اولین‌بار روزنامه «روح‌القدس» توقیف شد.*

توقیف این‌روزنامه مذاکرات و مباحثات مجلس شورای‌ملی را برای چند هفته دربر گرفت وبه این‌طریق مطبوعات ومجلس جبههٔ واحدی‌علیه محمدعلیشاه تشکیل دادند. ملیون ومشروطه‌طلبان این‌اولین توقیف مطبوعات را پس از اعلام مشروطیت علامت‌خطر و ناامنی تلقی کردند.

تعدادقابل توجهی ازنمایندگان مجلس شورای‌ملی ازروزنامهٔ «روح‌القدس» پشتیبانی کردند وآزادی ورفع‌توقیف آنرا خواستارشدند. طرفداران‌محمدعلیشاه و درباریان به همراهی عده‌یی از روحانیان از مندرجات تند«روح‌القدس» انتقاد کردند ومدعی شدند که مدیر این روزنامه از آزادی‌مطبوعات سوءاستفاده کرده است وباید محاکمه شود. جالب‌توجه این‌بود که تاآن موقع اصول ومقرراتی که روزنامه‌نگاران رااز انتقاد دربارو‌شاه‌منع کند،درقانون اساسی وجود نداشت وهر روزنامه‌نگار وروزنامه می‌توانست درحدود اصول قانون اساسی، شاه وتمام اعضای دولت‌را مورد انتقاد قراردهد. بالاخره دراثر میانجیگری رئیس مجلس‌شورای‌ملی دستور رفع‌توقیف «روح‌القدس» صادرشد.

مدتی بعد محمدرضا مساوات مدیر روزنامهٔ «مساوات» مقاله‌یی تحت عنوان

آزادی واستبداد چاپ کرد واز روش محمدعلیشاه علیه مطبوعات و قانون اساسی انتقادنمود. مساوات درمقالهٔ خود خواستار رفورم واصلاحات شدوبه همکاران خود وافکار عمومی ازاستبداد و دیکتاتوری محمدعلیشاه هشدار داد. مقالات «مساوات» مانندمقالات «روح‌القدس» به‌قدری مورد استقبال افکار عمومی بود که هردفعه به تجدیدچاپ شماره‌های روزنامه می‌انجامید. مساوات روزنامه‌نگار انقلابی وتندی بود که دراوایل کارخودوپیش ازمشروطه درانتشارروزنامه‌های زیرزمینی وشبنامه‌های مختلف نقش مهمی داشت. درسال ۱۹۰۵ به‌علت انتقاد از حکومت مظفرالدین شاه دستگیر وتبعیدشد. مقالات «مساوات» علیه‌محمدعلیشاه به‌قدری شاه‌را عصبانی کرد که‌شخصاازوزارت‌دادگستری تقاضای رسیدگی‌ومحاکمه‌نمود وادعاکردمساوات‌به حریم‌حیثیت‌شاه‌اسائهٔ‌ادب کرده‌است.محاکمه‌مساوات‌درتاریخ‌روزنامه‌نگاری‌ایران جای‌بسیارمهمی‌داشت‌زیرانتیجهٔ این‌محاکمه اصول روابط شاه‌ومطبوعات را برای آینده روشن می‌کرد.

مساوات وهمکاران مطبوعاتی او خیلی علاقه داشتند این محاکمه علنی وبا حضورمردم‌تشکیل‌شودومطمئن بودند که نتیجهٔ‌این‌محاکمه به‌نفع ملت ومطبوعات خواهدبود ودرعین حال باآوردن شاه دراین جدال منظور انقلابیون درمیان مردم بهتر پخش‌شده جنبهٔ تبلیغاتی آن‌به نفع‌ملیون خواهدبود. محمدعلیشاه و دولتیان از نتیجهٔ محاکمه مطمئن نبودند، یك روز قبل از اینکه جلسهٔ محاکمهٔ‌مساوات تشکیل‌شودبه دستور محمدعلیشاه دولت‌شکایت راپس گرفت وتصمیم گرفت‌اختلاف شاه‌ومطبوعات رابه سکوت و فراموشی برگزار کند، این‌تصمیم در تاریخ‌مطبوعات ایران بسیار مهم‌بود. ٭

همراه با انتقادات «مساوات» و «روح‌القدس» روزنامه‌های دیگر از جمله

«حبل المتین» و «صور اسرافیل» نیز از روش و عملیات درباریان انتقاد می کردند و افکار عمومی را به «مبارزه با استبداد تا آخرین قطرهٔ خون خود» فرا می‌خواندند. دامنه اختلاف شاه و مطبوعات حتی به جامعهٔ روحانیان کشیده شد و بین آنها عده‌یی از محمدعلیشاه و برخی از آزادیخواهان و روزنامه نگاران انقلابی طرفداری می کردند. مخالفت بعضی از روحانیان با مبارزهٔ مطبوعات علیه محمدعلیشاه ریشهٔ جالب توجهی داشت. درمرحلهٔ اول بااستقرار مشروطه و نمو مطبوعات ملی نفوذ روحانیان تا حدی کاهش یافته بود و دیگر آن مقام مهم اصلی را که در قرن نوزدهم دارا بودند ـ در دورهٔ سلطنت ناصر الدین شاه و مظفر الدین شاه ـ نداشتند. و این وضع نارضایی طبیعی برای عده‌یی از روحانیان ایجاد کرده بود. درمرحلهٔ دوم نویسندگان و روزنامه نگاران ملی و روشنفکر و جوان پس از مشروطه، نه تنها از حکومت پارلمانی و مشروطیت صحبت می کردند بلکه عقیده داشتند مشروطه، بی اصلاحات اداری و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی مستقر نخواهد شد و روشهای جدید اصلاحات را که در خارج تحصیل کرده بودند، در ایران رواج می‌دادند. مثلا عده‌یی از روزنامه نگاران و روشنفکران فکر تأسیس مدارس دخترانه را رواج دادند و از اصلاحات ارضی و مالیاتی و دولتی سخن می گفتند. عده‌یی از روحانیان که سالها با دربار و مالکان همکاری کرده بودند منافع خود را درخطر می‌دیدند و عده‌یی از روی اصول قدیمی و سنتی با ترویج این گونه افکار موافقت نمی کردند. درسال ۱۹۰۷ این اختلافات باانتشار نامه و دستور شیخ فضل‌الله نوری که در جرگهٔ روحانیان هوادار استبداد بود و با تأسیس مدارس دخترانه مخالفت می ورزید، آشکار شد.

## اولین قانون مطبوعات

درپاییز ۱۹۰۷ وضع داخلی ایران مرتب به‌سوی تزلزل وپریشانی می‌رفت. بااینکه محمدعلیشاه چندین‌بار درمجلس شورای‌ملی حاضر شد وقسم یاد کرد که ازقانون اساسی پیروی ومشروطه‌را حفظ کند، درپشت‌پرده نقشهٔ نابودی وبرهم‌زدن مشروطه‌را می‌کشید. دراوایل زمستان این‌سال محمدعلیشاه یك‌حادثه ضدانقلابی تهیه‌دید ولی مردم‌به‌حمایت‌مجلس‌واردعمل‌شدند.مجلس‌شورای‌ملی به‌سفارتخانه‌های خارجی نامه‌یی نوشت ومحمدعلیشاه را پیمان‌شکن ومصمم به‌ساقط کردن مجلس و مشروطیت اعلام کرد. از این تاریخ به‌بعد در مجلس و خارج طرفداران محمد علیشاه ومشروطه‌خواهان علیه یکدیگر جبهه‌بندی کردند. چندین‌ماه بعد هنگام عبورکالسکهٔ محمدعلیشاه درخیابانهای تهران دو بمب در کنارکالسکه منفجرشد و دوتن ازخدمهٔ شاه کشته شدند ودرپی این حادثه مسائل دیگری از جمله ترمیم و تغییرکابینه بمیان آمد و دشمنی آزادیخواهان و مخالفان مشروطه شدت یافت. مشروطه خواهان اعلام کردند این‌حادثه ازطرف درباریان ازپیش تنظیم شده‌است ومی‌خواسته‌اند وضع نامطلوبی در تهران ایجاد کنند ودامی برای آزادیخواهان بگسترانند.درباریان ومخالفان مشروطه، آزادیخواهان رامتهم‌ساختند که با کمك مطبوعات ونمایندگان مجلس تصمیم به‌برکناری محمدعلیشاه دارند.

دربهار ۱۹۰۸ اختلاف محمدعلیشاه بامطبوعات ومشروطه‌خواهان به‌قدری بالاگرفت که‌شاه تصویب قانون‌مخصوصی راازمجلس شورای‌ملی خواست‌تامخالفت مطبوعات راعلیه خودمهار کند ومجلس‌شورای‌ملی نیز از محمد علیشاه خواستار رهایی آزادیخواهان زندانی‌شد. محمدعلیشاه‌به‌درخواست‌نمایندگان تسلیم گردید

ودر عوض به‌نام حفظ امنیت واصول مشروطیت برای محدود ساختن آزادی روزنامه نگاران چندان اصرار ورزید که مجلس زیر فشار محمدعلیشاه وهمکاری پاره‌یی از نماینده گان مجلس وپشتیبانی عده‌یی ازروحانیان بالاخره اولین قانون مطبوعات ایران را تصویب کرد.

اولین قانون مطبوعات ایران شامل شش فصل وپنجاه ودوماده بود. مطابق این‌قانون، مطبوعات ونویسنده گان از انتقاد علیه‌شاه ونشرمطالب مخالف مذهب اسلام منع‌شدند وبرای مجرمان مطبوعاتی مجازاتهایی وضع شد. این مجازاتها شامل سه ماه تایکسال حبس برای کسی که ازمقام سلطنت انتقاد کند ویکماه تا دوسال زندان برای مطالب خلاف مذهب اسلام ویکماه تایکسال زندان برای‌نشر مطالبی علیه دیپلماتهای خارجی وسران دول خارجی بود. بدین ترتیب قانون مطبوعات مقام سلطنت، روحانیان، وسران دول خارجی ودیپلماتها را از انتقاد مطبوعات حفظ کرد. اماعکس‌العمل این قانون بین روزنامه‌نگاران شدیدوهمراه بااعتراض بود.

## توسعه مطبوعات وروزنامه نگاری فکاهی

یکی از اثرات انقلاب مشروطه وآزادی مطبوعات، نمووتوسعهٔ قابل‌توجه مطبوعات درشهرستانهای مختلف‌ایران بود. قبل ازانقلاب مشروطه جمعادرحدود پنج شهرمختلف درایران روزنامه داشتند. بعد از انقلاب واعلام مشروطه تعداد شهرهای دارای روزنامه روزانه یاهفتگی به‌پانزده رسید. بعضی ازشهرهای بزرگ مثل تبریزورشت چند روزنامه هفتگی وروزانه داشتند.

گشایش انجمنهای ملی درشهرهای مختلف ایران که یکی از اقدامات

مجلس شورای ملی بود ودرحقیقت اموداخلی هرشهررا به دست مردم می‌سپرد تأثیرمهمی درتوسعه مطبوعات شهرستانها بخشید . تشکیل هرانجمنی ، تأسیس روزنامه‌یی نیز به‌دنبال داشت تااخبارومذاکرات ومباحثات انجمن‌را به‌اطلاع‌مردم برساند. توجه افکارعمومی به‌مذاکرات وتصمیمات انجمنها گسترش مطبوعات را بیش ازپیش تشویق می نمود .

بدین ترتیب آزادی مطبوعات به تشکیل انجمنها منتهی می شد وتشکیل انجمنها به گسترش و نمو مطبوعات می‌انجامید. دوعامل مهم‌توسعهٔ وسایل ارتباط جمعی اینست که خوانندگان وبینندگان به منبع اینگونه ارتباطات اجتماعی اعتماد داشته باشند ومشارکت آزاد خود را درامورسیاسی کشور احساس کنند. این دوعامل درحقیقت درسالهای بعدازمشروطه درایران بوجود آمده بود .

باید به‌خاطرداشت که دراوایل‌قرن‌بیستم اقتصاد ایران‌یکسرپایهٔ کشاورزی داشت . صنایع وامور بازرگانی که سبب تولید ودرحقیقت آفرینندهٔ آگهی بازرگانی باشد موجود نبود و مطبوعات این دوره تمام درآمد خود را از فروش روزنامه بدست می آوردند و البته کمك بازرگانان و علاقه‌مندان درپیشرفت مطبوعات بی‌اثر نبود. مطبوعات این دوره را باید مطبوعات مسلکی نامید . دراین روش مطبوعاتی، روزنامه نگارنقش مجاهدرا دارد وصفحات روزنامه محل ومنبع هدفهای اجتماعی وسیاسی است‌وانتخاب‌مطالب واخباررابطهٔ مستقیم باهدف‌مبارزه دارد. آگاهی وعلاقهٔ افکارعمومی وتوسعهٔ‌مطبوعات، بسیاری ازناظران خارجی‌را تحت‌تأثیرقرارداده بود. بطوری که پروفسورادواردبرون درمشاهدات خودازایران بیان می کند :

«مردم بیدارشده‌اند وبه‌آهستگی ازامورآگاهی پیدا می کنند.بزرگترین شاهد این بیداری توسعه وافزایش جرایدملی درایران است. این جرایدسبك

خسته کننده، قدیمی ومردهٔ قبلی راندارند بلکه بسیارمورد توجهند وبه‌زبان‌ساده نوشته شده‌اند. به‌نظرمی‌رسد همه دراینجا روزنامه می خوانند. درقهوه‌خانه‌ها به جای اینکه قصه‌های شاهنامه را مرتب تکرار کنند، مــــردم به گفتگوی سیاسی واجتماعی مشغول هستند. » (۱)

یکی ازمشخصات مطبوعات این‌دوره توسعه ونمو قابل توجه‌جراید فکاهی ـ سیاسی بود. درحقیقت می‌توان گفت این‌انقلاب‌مشروطه‌بود که‌مبادلهٔ گفتگوهای سیاسی وفرهنگی ایران را به صورت مطبوعات فکاهی درجامعه ایران رواج داد ودرسالهای بعدمطبوعات فکاهی ازارکان مهم ارتباط اجتماعی ایران بشمار آمد. روزنامهٔ فکاهی البته‌دراغلب کشورهاوجود دارد. ولی نوع مطبوعات‌فکاهی‌ـسیاسی ایران به علت آمیزش جالب توجه آن باادبیات وفرهنگ قدیمی، متفاوت است وباید ازبرجسته‌ترین ومشخص‌ترین جراید فکاهی دنیابه‌حساب آید.

عبدالحمید متین‌السلطنه اولین روزنامه فکاهی را درایران منتشر کرد. او پسرپزشك معروفی بود ومدت ده‌سال دراروپا دررشته حقوق وفلسفه تحصیل کرده بود. درباز گشت ازاروپا به‌خدمت دولت درآمد ومدتی در گمرکات بوشهرونواحی خلیج‌فارس مشغول بود. دربوشهربود که متین‌السلطنه چاپخانهٔ مظفری راتأسیس کرد وروزنامه‌یی به‌نام «طلوع» انتشارداد. این‌روزنامه مترقی‌بود وبه‌طرفداری‌از آزادیخواهان، کاریکاتورومطالب‌فکاهی‌مختلف چاپ‌می کرد. روزنامهٔ طلوع‌یکسال انتشاریافت ومتین‌السلطنه بعد واردسیاست گردید وبه‌نمایندگی دورهٔ دوم مجلس شورای ملی انتخاب شد.

بااینکه مطالب فکاهی درروزنامه‌های قبل ازمشروطه معمول‌بود، کاریکاتور و مطالب فکاهی‌ـسیاسی‌تاسال ۱۹۰۷ به صورت روزنامهٔ واحد درایران‌منتشرنشده بود. دراین سال‌علیقلی‌خان صفراف که مدتی مدیرروزنامه‌های «احتیاج»و«اقبال»

چاپ تبریز بود، روزنامهٔ فکاهی دوم ایران را به‌نام « آذربایجان » منتشر کرد. این روزنامه به دوزبان فارسی و آذربایجانی چاپ می شد وعلیقلی‌خان صفراف موفق شد گاهی کاریکاتورهای خودرا رنگی‌نیز چاپ کند. او ازاولین ناشران ایرانی بود که چاپ رنگی درروزنامه به‌کاربردند. مطالب فکاهی «آذربایجان» مثل «طلوع» سیاسی واجتماعی بود وجنبه سرگرمی وتفریحی خالی نداشت .

## روزنامه‌های ملی که در دوره دوم انقلاب مشروطه در شهرستانها منتشر می‌شدند

| اسم | ناشر و مدیر | دورهٔ انتشار | تاریخ تأسیس | محل انتشار |
|---|---|---|---|---|
| انجمن | میرزا علی اکبر چرندابی | روزانه | ۱۹۰۶ میلادی | تبریز |
| مجاهد | سیدمحمد شبستری | سه روز در هفته | ۱۹۰۷ » | تبریز |
| نسیم شمال | سیداشرف | هفتگی | ۱۹۰۷ » | رشت |
| ناقور | میرزا مسیح توسرکانی | هفتگی | ۱۹۰۸ » | اصفهان |
| نوبهار | ملك الشعرای بهار | هفتگی | ۱۹۱۰ » | مشهد |
| ندای اسلام | سیدضیاءالدین طباطبائی | هفتگی | ۱۹۰۷ » | شیراز |
| الفت | میرزا محمد همدانی | هفتگی | ۱۹۰۷ » | همدان |
| فریاد | میرزا محمود غنی‌زاده | هفتگی | ۱۹۰۷ » | رضائیه |
| کرمانشاه | فصیح المتکلمین | هفتگی | ۱۹۰۹ » | کرمانشاه |
| یادگار انقلاب | معتمدالاسلام رشتی | هفتگی | ۱۹۰۹ » | قزوین |
| مکافات | میرزا آقاخان هرندی | هفتگی | ۱۹۰۹ » | خوی |
| معرفت | شیخ ابوالقاسم افتخارالعلماء | هفتگی | ۱۹۰۸ » | یزد |

## بعضی از روزنامه‌های سیاسی وفکاهی دورۀ انقلاب مشروطه

| اسم | ناشر ومدیر | دوره انتشار | تاریخ تأسیس | محل انتشار |
|---|---|---|---|---|
| طلوع | متین‌السلطنه | هفتگی | ۱۹۰۰ | بوشهر |
| آذربایجان | علیقلی‌خان صفراف | هفتگی | ۱۹۰۷ | تبریز |
| زشت‌وزیبا | فاضل‌الممالك | هفتگی | ۱۹۰۷ | تهران |
| کشکول | مجدالاسلام | هفتگی | ۱۹۰۷ | تهران |
| تنبیه | معتضدالاطباء | نامعلوم | ۱۹۰۷ | تهران |
| ملانصرالدین | میرزاجلیل‌محمد قلی‌زاده نخجوانی | هفتگی | ۱۹۰۷ | تفلیس |
| حشرات‌الارض | حاجی‌میرزاآقابلوری | هفتگی | ۱۹۰۸ | تبریز |
| شیخ‌چغندر | میرفتحعلی وابوالمعالی | هفتگی | ۱۹۱۱ | تهران |
| بهلول | شیخ‌علی‌عراقی و اسدالله پارسی | هفتگی | ۱۹۱۱ | تهران |
| شیدا | محمدضیاءالدین | نامعلوم | ۱۹۱۱ | قسطنطنیه |

دورهٔ دوم انقلاب مشروطه ـ سالهای ۱۹۰۶ تا ۱۹۰۹ ـ شاهد توسعه مطبوعات فکاهی ـ سیاسی شد که در بین آنها «کشکول»، «حشرات‌الارض»، «بهلول»، «شیخ چغندر» و «ملانصرالدین» را می‌توان نام‌برد.

در بین جرایدِ فکاهی مخصوصاً ملانصرالدین بسیار مشهور بود و خوانندهٔ فراوان داشت. ناشر و مدیر آن محمدقلی‌زاده نخجوانی به‌خوبی به رسوم و عادات ایرانیها و شهرستانهای مختلف ایران آشنا بود و توانست بطور کامل مسائل سیاسی واجتماعی ایران را بیان کند. *

باید درنظرداشت اغلب این جراید فکاهی از جنبهٔ فرهنگی وادبی اهمیت داشتند و انواع شعر قسمت مهمی از فکاهیات این دوره را تشکیل می‌داد. در بین روزنامه‌نگاران این‌دوره عدهٔ قابل توجهی از شعرای دوره مشروطه بودند و به‌علت فعالیت آنان روزنامه‌نگاری فکاهی ـ سیاسی آن زمان به‌اوج ترقی رسید. ملک‌الشعرای بهارمدیر روزنامهٔ «نوبهار»، میرزا مرتضی فرهنگ مدیر روزنامه «خاورستان»، سید اشرف گیلانی مدیر روزنامه «نسیم‌شمال» ازجمله شعرای این دوره‌بودند.** شعر ذیل چاپ «نسیم‌شمال» نمونهٔ اشعار سادهٔ این دوره و شیوهٔ استفاده از واژه‌های معمولی است.

**از «نسیم شمال»، ۱۱ مه ۱۹۰۸**

تا کلهٔ شیخنا ملنگ است — تا دردل ما غبار و زنگ است
تاپیر دلیل مست و منگ است — تا رشته به دست این دبنگ است
این قافله تا به‌حشر لنگ است

تا مصدر کار مستبد است
تادل به نفاق مستعد است
تاملت ما به‌شاه ضد است
تاشاه به خائنین ممداست
جان کندن وسعی ما جفنگ است
این قافله تا به حشر لنگ است

گفتیم قلم شده است آزاد
ایران خرابه گشته آباد
مشروطه‌قوی نموده بنیاد
بس مدرسه‌ها شدست ایجاد
افسوس که شیشه‌مان به‌سنگ است
این قافله تا به حشر لنگ است

مشروطه نشانهٔ ترقی است
مجلس هم خانهٔ ترقی است
این شعله زبانهٔ ترقی است
این شعر ترانهٔ ترقی است
اسلام چرا دچار ننگ است
این قافله تابه حشر لنگ است

خر صاحب اختیار گشته
سگ مصدر کاروبار گشته
رو به عظمت مدار گشته
شپشال خزینه دار گشته
شه مات وبه خلق عرصه تنگ است
این قافله تا به حشر لنگ است

منبعد شود جهان گلستان
درصحن سرا و باغ وبستان
مشروطه شود هزار دستان
شاعر به مزار همچو مستان
تیرش زنشاط برخدنگ است
این قافله تابه حشر لنگ است

## روزنامه نگاران و فدائیان ملی

قانون مطبوعات مصوب مجلس شورای ملی، محمدعلیشاه را قانع نکرد. جدال او ومطبوعات آینهٔ مبارزهٔ او بامشروطه خواهان وآزادیخواهان بود. در اوایل تابستان ۱۹۰۸ محمدعلیشاه خواستاراخراج وتوقیف عده‌یی از نویسندگان و خطیبان آزادیخواه شد و با فشاری اوبرای انحلال گارد فدائیان ملی که در تهران وشهرستانها ازجوانان داوطلب برای‌مشروطه تشکیل شده بود وضع‌داخلی ایران را تاریك کرد. این‌التیماتوم درحقیقت‌پیش درآمد کودتای اوعلیه‌مشروطه بود. ارتباط بین‌نمایندگان مجلس وانجمنهای ملی‌شهرستانها اغلب‌توسط‌تلگراف برقرارمی‌شد. محمدعلیشاه تصمیم گرفت تلگرافخانه را درتهران‌تحت کنترل‌قرار دهدودرضمن قوای نظامی را برای مبارزه با پیشامدها وحوادث ناگهانی بسیج کند. این وضع ادامه داشت ورابطهٔ او باملیون به‌تدریج تیره‌تر می شد. لیاخف افسرروسی به‌فرماندهی سپاه شاه منصوب شد وعده‌یی ازآزادیخواهان و ازجمله روزنامه‌نگاران را دستگیر کرد. اولتیماتوم شاه برای توقیف عده‌یی از وکلا وبیشتر روزنامه نویسان ازطرف مجلس شورای‌ملی ردشد ومحمدعلیشاه که موقع رامناسب تشخیص‌داده‌بود باحمایت گروه‌قزاق‌روسی وبه‌فرماندهی سرهنگ لیاخف مجلس‌شورای‌ملی را بمباران وبهارستان رامحاصره کرد. درتهران حکومت‌نظامی اعلام شد واداره‌ٔ روزنامه‌های ملی مورد حملهٔ قشون محمدعلیشاه قرار گرفت. سلطان‌العلما مدیرانقلابی « روح‌القدس » که به مدت هشت ساعت شخصا از ادارهٔ روزنامه خود دفاع می کرد،دستگیر شد. ملك‌المتکلمین و میرزا جهانگیرخان مدیر «صوراسرافیل»، میرزامحمدعلیخان مدیر«ترقی»، یحیی‌میرزا مدیر«حقوق»

و چندین روزنامه نگار دیگر دستگیر وزندانـــی شدند. محمدرضا مساوات مدیر «مساوات» موفق شد به سفارت انگلیس پناه برده درآنجا متحصن شود. روزنامه نگاران دیگر تهران که ازدست محمدعلیشاه فرار کـرده بودند روانه شهرستانها شدند.

تهران هفته‌های تاریکی را درتابستان ۱۹۰۸ گذراند. چندتن‌ازنمایندگان مجلس دستگیر شدند و مطبوعات تهران یکباره تعطیل شد، شهر تهران بـه دست سرهنگ لیاخف وسربازان اوافتاد. چندروزپس ازاین حادثه‌میرزاجهانگیرخان وملك‌المتکلمین درباغ شاه به دست قشون محمدعلیشاه کشته شدند و مطبوعات ایران اولین‌قربانیان‌خودرامشاهده کرد. چندروزبیشترطول نکشید که‌محمدعلیشاه سلطان‌العلما مدیر« روح‌القدس » رانیز به‌قتل رساند وطبق آنچه ناظران وتاریخ نویسان نگاشته‌اند، اورا به‌دنبال شکنجه‌های بسیار به‌چاه انداختند .*

تایکسال پس از کودتای محمدعلیشاه ازمشروطه و قانون اساسی درتهران خبری نبود وروزهای تاریك مطبوعات ایران شروع شد. برای مطالعه مطبوعات این‌دوره بخصوص باید فعالیت ملیون ومشروطه خواهان وروزنامه‌نگاران را در شهرستانهای شمالی وجنوبی بررسی کرد . دراین مبارزات دوشهرایران، تبریز و رشت مرکزملیون ومطبوعات زخم دیدهٔ مشروطـهٔ ایران بود. مقاومت و مبارزهٔ آزادیخواهان ومشروطه‌طلبان تبریزوآذربایجان صفحات درخشان درتاریخ‌انقلاب مشروطه ایران‌دارد. دراینجا بایدهمین قدرمتذکرشد ازجنبهٔ افکارعمومی، تبریز بیش ازهرشهردیگرعلیه سلطنت محمدعلیشاه بود و به علت تجربیاتی که اهالی اززمان حکمرانی محمدعلیشاه (درسلطنت مظفرالدین‌شاه) داشتند، بیش ازهمه به هدفهای این‌پادشاه قاجارواقف بودندوموقعی که قشون‌لیاخف‌به‌دستورمحمدعلیشاه مجلس شورای ملی را بمباران کرد، جـدال بزرگی درتبریزبین طرفداران شاه

وملیون پدیدآمد واین شهر به‌مدت ده‌ماه پس از بمباران مجلس در تهران مقاومت کرد ومبارزه علیه‌قشون محمدعلیشاه وروسیه را ادامـه داد. درجریان مقاومت‌ها ومبارزات تبریز وآذربایجان، بطور کلی دوعامل ارتباطی نقش مهمی بازی کردند. اول خبر انقلاب وشورش در کشور همسایه ـ عثمانی ـ که به گوش آذربایجانیها رسید واین امر برایمان ومقاومت ملی آنها افزود .

دوم : بامحاصرهٔ تبریز ازطرف قشون روسیه، محیط مقاومت واحدی درشهر ایجادشدونشریه‌ها وروزنامه‌های محدودی که درتبریز باقی مانده‌بود حلقهٔ زنجیر ارتباط اجتماعی رابین آزادیخواهان واهالی شهرپدیدآورد.

یکی ازروزنامه‌های مهم تبریز دراین مدت، روزنامهٔ «مساوات» بود که قبلادر تهران منتشر می‌شد. مدیراین روزنامه، پس‌از بمباران‌مجلس ووضع نامطلوب تهران، نشریهٔ خودرا به‌تبریز انتقال داده ، ازاین شهرمبارزه را ادامه‌داد. ارتباطات خبری واصولا ارتباطات اجتماعی دراین یکسال بین‌تهران وشهرستانها محدودشده بود. قوای دولتی تلگرافخانه‌ها وسایرمراکزارتباطی را درتهران و بعضی شهرستانها درکنترل داشت واخبار تبریز وسایر مراکز آزادیخواهان توسط مسافـــران و خبرنگاران مخصوص به‌شهرستانها می‌رسید. به‌علت این‌مشکلات، تحصیل خبراز انقلاب‌تبریزوجریانات تهران‌هم‌برای روزنامه‌نگاران داخلی‌وهم‌برای‌خبرنگاران روزنامه‌ها وخبرگزاریهای خارجی که درآن‌موقع درایران بودند، دشواربود.

دربین خبرنگاران خارجی که انقلاب مشروطه و مخصوصا حوادث نهضت مقاومت آذربایجان را برای روزنامه‌های خود گـــزارش می دادند، « تاردوف » خبرنگارروزنامه آزادیخواه‌روسی«روسکایه‌سلوو»، «لیونل‌جیمز»خبرنگارروزنامه «تایمز»لندن، « مور » خبرنگار « دیلی‌نیوز » لندن که بعدها برای روزنامه‌های «دیلی کرونیکل» و«منچستر گاردین» نیزمقاله می‌نوشت ازهمه معروف‌تر بودند .

«مور» مدت سه ماه ازدورانی که تبریزدرمحاصرهٔ قشون محمدعلیشاه وروسها بود دراین شهرسکونت کرد وبااینکه فرستادن گزارش به‌خارج از تبریزو کشور به علت جنگ وجدالهای داخلی،سخت‌بود، موفق شد درحدود سی گزارش راجع به انقلاب‌وآزادیخواهان آذربایجان به‌روزنامه‌های خوددرلندن‌به‌فرستدو گزارشهای بسیارمؤثری ازگرسنگی و مقاومت اهالی تبریز به انگلستان فرستاد. نوشته‌های اوشرح بسیار تلخی ازروزهای انقلابی آذربایجان است. دریکی ازتظاهرات ضد محمدعلیشاه،مور وهمکاراو«پاسکرویل» که یك‌معلم‌آمریکایی‌بود به‌قدری‌درتنگنا قرارگرفتند که هردوتفنگ‌به‌دست،علیه‌قوای استبداد مبارزه کردند. پاسکرویل دریکی‌ازبرخوردهای آزادیخواهان وقوای‌دولتی کشته شدولی‌موربا وجودجنگ وجدالهای پی‌درپی جان‌به‌سلامت برد.

دراوایل ژانویه ۱۹۰۹ خبرمقاومت تبریزیها و انقلاب آذربایجان توسط روزنامه‌ها، مسافران، و حتی سربازان، به‌گوش‌اهالی شهرستانهای شیرازوهمدان ومشهدوبوشهررسیده بود وروزنامه‌نگاران این شهرها مردم رابه بسیج ومقاومت علیه‌قوای تهران تشویق می‌کردند. مثلاسیدحسن‌کاشانی مدیر «حبل‌المتین» که پس ازواقعهٔ تهران به‌قفقازفرارکرده بود، پس ازمدتی به‌رشت بازگشت‌وباانتشار روزنامه درآن شهرمبارزهٔ خود را تجدید کرد. به مدت کوتاهی از سال ۱۹۰۹ باردیگرروزنامه‌نویسان مهاجرایران که ازتهران گریخته بودند درشهرهای‌بزرك کشورهای همسایه مشغول فعالیت مطبوعاتی شدند. روزنامهٔ « سروش » توسط آزادیخواهان درقسطنطنیه طبع وبه ایران فرستاده می‌شد. هیئت‌تحریریهٔ این روزنامه را عده‌یی ازنویسندگان وآزادیخواهان معروف مشروطه ازجمله یحیی دولت‌آبادی، احمدبیك آقایف، میرزاعلی‌اکبردهخدا ومحمدتوفیق تشکیل می‌دادند. این عده عضو «انجمن انقلابی سعادت ایران»بودند.* درحقیقت ارتباطات

اجتماعی این دوره بطوری کـــه مشاهده می شود از اختلاط انجمنهای انقلابی ونویسندگان مطبوعات ملی پدیدار آمد. مثلا علی‌اکبر دهخدا پس از آنکه همکار روزنامه‌نگار وانقلابی او میرزا جهانگیرخان به‌دست قوای محمدعلیشاه کشته شد تهران رابه‌سوی اروپا ترك کرد ومدتی درسویس اقامت‌داشت وشماره‌های مخصوص «صوراسرافیل» را در آنجا طبع می کرد وبه‌ایران می‌فرستاد.

بطور کلی باید گفت مطبوعات ملی ایران درسال ۱۹۰۹ علی‌رغم فشارهای مالی وحکومتی، ستون محکمی درروابط مردم و رهبران انقلاب بود و روزنامه نگاران این‌دوره پس‌ازسه‌سال جنگ وجدال درراه مشروطیت وآزادی، تجربیات پرارزشی بدست‌آورده بودند،وازآن استفاده می کردند. دراین سال جز تهران که بی‌روزنامه ونشریه مانده بود دراکثر شهرهای بزرگ مثل تبریزورشت واصفهان روزنامه‌ها وشبنامه‌های متعدد منتشرمی‌شد. بااعلام مشروطه مطبوعات دولتی در تهران روبه افول گذاشته بود وروزنامهٔ دولتی دیگری بعداز « ایران سلطانی » ـ که تااولین سال سلطنت محمدعلیشاه درتهران منتشرمی‌شد ـ انتشارنمی یافت. وزارت‌مطبوعات پس‌ازدرگذشت مظفرالدین شاه کوچك شدوجزو وزارت‌معارف وفرهنگ درآمدوبه صورت ادارهٔ کوچکی نگاهداری می‌شد. مردم‌تهران دراین سال چشم به روزنامه‌های شهرستانها داشتند و برای اولین‌بارتهران مرکـــزیت خبری ومطبوعاتی خودرا ازدست داده بود.

هم دربارمحمدعلیشاه و هم قشون وسفارت روسیه درتهران اخبارو تلگراف خبرنگاران‌خارجی راسانسورمی کردند. مثلادردسامبر۱۹۰۸ که خبرنگارروزنامهٔ ملی «درایش» روسی اخبارضددولتی به‌روزنامهٔ خودمخابره کرد، تلگرافهای او از طرف سرهنگ‌لیاخف فرمانده قشون روسیه درتهران سانسور ودستوراخراج او صادرشد. این اولین مبارزهٔ مطبوعاتی بین خبرنگاران خارجی باحکومت محمد

علی‌میرزا وروسها بشمار می‌رود.

دراواسط بهار ۱۹۰۹ وضع سیاسی داخلی ایران روبه دگر گونی گذاشت. انقلابیون وآزادیخواهان، شهرهای تبریز، اصفهان ورشت را به تصرف درآوردند و به سوی تهران درحرکت بودند. محمدعلیشاه به تقاضا وتوصیه سفارت روس وانگلیس تصمیم گرفت باانقلابیون ومخصوصاً قوای بختیاری که اصفهان‌راتصرف کرده به سوی تهران درحرکت بودند، وهم چنین انقلابیون رشت که به‌حوالی قزوین رسیده بودند، مذاکره وصلح کند. ولی‌تصمیم انقلابیون به‌سرنگون کردن حکومت محمدعلیشاه تغییرناپذیربود و سازش و مذاکره برای اطرافیان محمد علیشاه باانقلابیون، دیرشده بود. دراواسط تابستان این سال قوای انقلابیون از اصفهان و رشت وارد تهران شد وپس ازچند روز زد وخورد درخیابانها شهررابه تصرف درآورد ومحمدعلیشاه به‌سفارت روس‌پناه‌برد. پناهندگی اوبه‌سفارت‌روسیه درحقیقت سندتبعیداوبود وچندروز بعدمجلس و«شورای‌عالی» انقلابیون درتهران او را از سلطنت عزل کرد وپسرسیزده‌ساله‌اش احمدشاه را به سلطنت بر گزید. عضدالملک رئیس طایفهٔ قاجاریه نیز به سمت نایب‌السلطنه منصوب گردید وبدین ترتیب دورهٔاستبداد محمدعلیشاه خاتمه‌یافت. درپاییزاین سال‌انتخابات دورهٔجدید مجلس شورای‌ملی صورت گرفت ووضع مطبوعات انقلابی ایران کم‌کم به حال عادی باز گشت.

## گسترش ورشدمطبوعات پس از انقلاب

باپیروزی انقلابیون و برقراری مشروطه دورهٔ جدیدی درتاریخ مطبوعات ایران شروع شد. روزنامه‌نگاران تبعیدی ومهاجردوباره به‌تهران باز گشتند ودر

مدت کوتاهی چندین روزنامهٔ روزانه وهفتگی درتهران منتشر شد.

ازبزرگترین ومهمترین روزنامه‌های این‌دوره « ایران‌نو » بود که درچهار صفحه وبه‌مدیریت محمدشبستری تبریزی درتهران منتشرمی‌شد. «ایران‌نو»اولین روزنامه ایرانی است که به‌قطع بزرگ معمولی امروزی درتهران به‌چاپ رسید. شبستری تجربیات روزنامه‌نگاری متعددی داشت. او که درسالهای اول‌مشروطیت روزنامه «الحدید» و بعد روزنامه روزانه «مجاهد» را درتبریز منتشر کرده بود، درانتشار«ایران‌نو» همکاری چندین‌نویسندهٔ آزموده ازجمله محمدامین‌رسول‌زاده باکویی وشخصی به‌نام‌بازیل ارمنی،اهل‌تهران راجلب کرده بود. سبك «ایران‌نو» خیلی اروپایی بود واولین شمارهٔ آن به تاریخ ۲۴اوت ۱۹۰۹ منتشرشد. به علت مقالات آزادی طلبانه وروشنی که «ایران‌نو» داشت، بازاررقابت مطبوعاتی را در تهران گرم کرد وسبب شد ناشران دیگر نیزازشیوه‌وکارهایش تقلید کنند.

درحدود یکماه بعد دومین روزنامهٔ‌روزانه به‌نام « شرق » وبه‌مدیریت سید ضیاءالدین‌طباطبایی ـ که‌سالهای بعد بایست نقش بسیار مهمی‌درسیاست داخلی و خارجی ایران به عهده‌می گرفت ـ درتهران منتشرشد. این روزنامه جنبه خبری بیشتری به‌خود داده بود و گاهگاهی یك‌صفحه خبر به زبان فرانسه نیزچاپ می کرد. صفحات ادبی وسیاسی « شرق » خواننده فراوان داشت و مورد گفتگوی بسیاری ازروشنفکران تهران وشهرستانها قرار گرفت. روزنامهٔ‌روزانه دیگر این دوره «استقلال ایران» بود که به‌مدیریت حسین‌خان کحال به‌سال ۱۹۱۰وبه‌مدت یکسال درتهران چاپ می‌شد.*

سالهای بین ۱۹۱۲ ـ ۱۹۰۹ دوره رقت‌انگیزی درتاریخ ایران است. دراین دوره گروهی ازآزادیخواهان وملیون بااعتماد به‌اینکه مشروطه دردهای چندین نسل را به زودی دوا خواهد کرد، دست به اصلاحات ورفورم زدند. ولی فساد

خرابکاری چند قرن گذشته درعرض چند سال ازبین نمی‌رفت وطرح اصلاحات ملیون‌وآزادیخواهان بامقاومت محافظه‌کاران وروحانیان واعیان‌واشراف مملکت برخورد کرد وبدین طریق وضع ایران به‌علت این‌اختلافات داخلی ونیز به‌جهت دخالت روسها وانگلیسها درامورسیاسی واقتصادی کشور، رضایتبخش نبود. دراین میان مطبوعات جوان‌ایران صدمهٔ‌بیشتری دیدودرشرایط ناپایدارسیاسی‌واقتصادی نتوانست به‌تنهایی ستون‌وپایه محکم اقتصادی وحرفه‌یی برای خودایجاد کند.

استخدام «مورگان شوستر» آمریکایی در سال ۱۹۱۱ به‌سمت خزانه‌دار ایران، این وضع نامطلوب رایکباره آشکار کرد. حضورمورگان شوستر که به دعوت دولت و به‌حمایت گروه مترقی وآزادیخواه مجلس شورای ملی به ایران آمده‌بود تاسروسامانی به وضع مالیهٔ ایران بدهد، بامخالفت روسیه‌وانگلستان وعناصروابسته به آنان درایران روبه‌روشد. شوستر که اختیارات قابل توجهی جهت اصلاح مالیهٔ ایران ازمجلس شورای ملی کسب کرده بود، درمدت کوتاهی پیشرفت فوق‌العاده کرد وپشتیبانی افکارعمومی ومطبوعات ملی‌راکسب نمود ولی نفوذ دولتهای روسیه‌وانگلستان درایران،وفشاراین دو کشوردرامورداخلی‌مملکت افزایش یافت وچند ماهی ازکاروبرنامهٔ شوسترنگذشته بود که دودولت به‌ایران التیماتوم دادند وخواستاربرکناری شوسترشدند. روزنامه‌های «تایمز» لندن و«نوورمیا» روسیه مقالات‌متعددی علیه شوسترنوشتند وازحرکات وسیاست وی که به‌کارهای انگلستان وروسیه درایران علاقهٔ زیـــادی نشان نمی داد انتقاد کردند. (۲)

درحالی کـه مجلس‌شـورای‌ملی اولتیماتوم روسیه و انگلستان را رد کرد ومطبوعات تهران وشهرستانها ازکارشوسترپشتیبانی می کردند، چون‌کابینهٔ ضعیف ایران درمقابل فشارروسها و انگلستان ایستادگی‌کامـل نداشت اختلاف بزرگی

بین مطبوعات وملیون از یکطرف ودولت ازطرف دیگرپیدا شد. وقتی که محمد امین‌رسول‌زاده از نویسندگان «ایران‌نو» مقالات تند وشدیدی علیه انگلستان وروسیه نوشت و به پشتیبانی شوستر پرداخت، دولت روسیه رسماً ازدولت ایران تقاضا کرد روزنامهٔ «ایران‌نو» راتوقیف کند. شوستردر کتاب خاطرات خود وضع مطبوعات را دراین جریانات چنین بیان‌می‌کند:

«به‌درخواست یکی ازروزنامه‌های اصلی‌تهران مصاحبه‌یی تشکیل دادم‌ودر آن‌برنامه کارهیأت آمریکایی را تشریح کردم وآنچه که ماامیدوار بودیم انجام دهیم بیان کردم. ما از تاریخ این مصاحبه تاکنون پشتیبانی مطبوعات تهران و شهرستانها را باخود داشتیم. یکی از آثاربی تجربگی ایرانیان درامور سیاسی، حساسیت خنده‌آورآنها از هرگونه انتقادمطبوعاتی است. ازنایب‌السلطنه گرفته تااعضای دولت، فردفرد این عده باترس وواهمه زندگی می‌کنند که مبادا مورد انتقاد مطبوعات واقع شوند. علی‌رغم تضمینی که قانون اساسی ایران راجع به آزادی مطبوعات کرده، اغلب اوقات وزارت کشورروزنامه‌ها را به علت حتی کمترین انتقاد از عملیات دولت توقیف‌می‌کند.» (۳)

دولت روسیه برای اینکه عزم‌جزم خود را به‌دولت ایران نشان دهد، در دسامبر ۱۹۱۱ ازچند سونیروواردخاك ایران کرد وقشون روس ازشمال تاقزوین پیش‌آمد و دربعضی ازشهرهای ایران ازجمله تبریزومشهد دست به‌تجاوزوکشتار ملیون وآزادیخواهان زد. به‌علت ضعف دولت مرکزی باردیگرروزهای تیره در زندگی مشروطه طلبان وآزادیخواهان پدیدارشد. مطبوعات ایران این بارنه‌تنها توسط دولت مرکزی درتهران بلکه‌توسط روسها موردحمله قرارگرفت‌وتعدادی ازجراید ایران درتهران وشهرستانها توقیف شد. دولت ایران به‌هجوم روسها تن داد وبه شهرستانها دستورداده شد از مقاومت دست بردارند. میتینگ‌های ملی

در خیلی از شهرهای شمالی ایران و حتی تهران موقوف گردید و گروهی از روزنامه نگاران و بعضی از اعضای انجمن‌های ملی توقیف شدند.

درمشهد صحن حضرت رضا بمباران شد ودر تبریز دسته‌یی از آزادیخواهان و مشروطه‌طلبان ایران از جمله ثقة‌الاسلام تبریزی، صادق‌الملك، میرزا احمد سهیلی (شاعر) وعلی دوافروش توسط روسها به‌دار آویخته شدند و به شهادت رسیدند. * ادارهٔ چندین روزنامه ازطرف روسها منفجر شد وبرای مدت چندین ماه حتی یك روزنامه هم در تبریز انتشار نیافت. درمازندران و گیلان نیز تعدادی ازمطبوعات که ازشوستر وکارهای اوپشتیبانی وازروس وانگلیس انتقاد کرده‌بودند، توقیف وچندتن ازآزادیخواهان اعدام شدند . تحت این شرایط دولت ایران اولتیماتوم روسها را قبول کرد وعلی‌رغم پشتیبانی افکار عمومی ازشوستر، هیات آمریکایی ازکارخود دست کشید ودرژانویه ۱۹۱۲ شوستر ایران رابه‌سوی آمریکا ترك کرد.

## مطبوعات انقلاب مشروطه ازنظر تطبیقی

دردهسالهٔ اول قرن بیستم وبه‌علت انقلاب مشروطه، مطبوعات رساله‌یی قرن نوزدهم ایران به مطبوعات مسلکی وسیاسی تبدیل شده بود. عقاید ونظریاتی که فقط درانجمنها وسخنرانیهای سری قرن نوزدهم ایران ابراز می‌شد درگرماگرم انقلاب مشروطه وسالهای بعدازآن اغلب به‌صورت سرمقالهٔ روزنامه‌ها درمی‌آمد. ازاین جهت مطبوعات ایران نمونه وتاحدی آیینه افکاروعقاید روشنفکران ومردم عادی ایران بود. بزرگترین تأثیر مطبوعات دردهسالهٔ اول این بود که برای نخستین بار روزنامه‌نگاری به عنوان یکی از حرفه‌های ارتباطات اجتماعی درجامعه ایران ریشه‌پیدا کرد وبه‌رسمیت شناخته‌شد. ازاین تاریخ به بعد روزنامه‌نگاران ، بازیگران

جدید سیاست ایران شدند. بطوری که درجدول ( ۱ ) خواهد آمد بین سالهای ۱۹۱۲ ـ ۱۹۰۶ درحدود ۲۴۷ روزنامه درایـران تأسیس ومنتشر شد. درحالی که تعدادروزنامه‌های منتشرشده‌بین سالهای ۱۹۰۶ ـ ۱۹۰۰ به ۴۰ می‌رسید وتعداد جرایدِ منتشر شدهٔ سالهای ۱۹۰۰ـ۱۸۳۷ بیش‌از۴۳ نبود. بین‌سالهای ۱۹۰۶ ـ ۱۸۳۷ فقط‌یك روزنامهٔ یومیه ویك روزنامه سه‌بار درهفته درایران منتشر شد ودرسالهای بین۱۹۱۲ـ۱۹۰۶ مجموع روزنامه‌های روزانه وهفتگی درحدود ۴۳بود(جدول۲)

یکی‌ازمشخصات جالب توجه‌مطبوعات‌دورهٔمشروطه‌این‌بود که روزنامه‌هادر تهران وشهرستانهای اصلی کشوربطورمساوی تقسیم‌می‌شد وهرشهربزرگ‌حداقل یك‌روزنامهٔ روزانه‌یاهفتگی مخصوص به‌خود داشت. مثلابین سالهای۱۹۱۲ـ۱۹۰۶ درحدود ۱۲۰ روزنامه مختلف در۱۶ شهرایـران ـ تهران جزوآن محسوب نمی شودـ منتشرشد. بایدمتذکرشدتعداد زیادی ازاین‌روزنامه‌ها بیش ازمدت کوتاهی عمر نکردند واغلب به‌علت اغتشاشات ونبودن امکانات مالی وفنی بسته شدند. معهذا تعداد روزنامه‌هایی که حدودیکسال وبیش ازآن عمر کردند وبه‌انتشارخود ادامه دادند قابل ملاحظه است.

تیراژ روزنامه ها نیز در دورهٔ انقلاب افزایش یافت بطوری که بالاترین تیراژ روزنامه‌ها درسال ۱۹۰۷ بود و در این سال در حدود ۹۰ روزنامه مختلف در تهران و شهرستانها تأسیس شد. ارقام دقیق و معتبری که حاکی از تیراژواقعی‌روزنامه‌ها باشد دردست نیست ولـی آنچه از کتب تاریخی واسناد مربوط جمع‌آوری شده حاکی است مجموع تیراژ روزنامه‌ها درسال ۱۹۰۷ باید درحدود ۶۰ تا ۸۰هزارباشد. جمعیت ایران دراین سال درحدود ۱۰تا۱۲ میلیون نفربودوباید به‌خاطرداشت که‌نسبت‌باسوادان‌نیز نسبت به جمعیت کشوربسیارناچیز بود.درسال ۱۹۰۸ به‌علت‌قانون مطبوعات وعملیات ضدآزادی محمدعلیشاه‌ازتعداد روزنامه‌ها وتیراژآنهاکاسته شدولی پس از برقراری مشروطیت،دوباره مطبوعات

درتهران وشهرستانها توسعه پیدا کرد بطوری که درسال ۱۹۱۰ در آن‌واحددرحدود ۳۶ روزنامه درایران منتشر می‌شد.

بااینکه تعداد روزنامه‌ها (نسبت به‌سال ۱۹۰۷) درسالهای بعد از مشروطه کاسته‌شد اندازه ومقدارمطالب روزنامه‌ها درواقع زیاد بود وازجنبهٔ خبر ومطالب متنوع کاهشی به‌نظر نمی‌آمد. زیرا روزنامه‌های اوایل انقلاب مشروطه کوچك وعموما یك‌یادوصفحه بود وروزنامه‌های بعدازانقلاب بزرگترشد واغلب درچهار یاهشت‌صفحه‌منتشر می‌شد.حرفهٔ روزنامه‌نگاری این‌دوره‌نیزازجنبهٔ سودمالی زیاد قابل‌توجه نبودوخیلی‌به‌ندرت کسی‌برای سودمالی‌مستقیم روزنامه منتشرمی کرد. منظوراصلی انتشارروزنامه کسب قدرت ونفوذ سیاسی‌بود. دردورهٔ انقلاب‌مشروطه مخارج برخی ازروزنامه‌ها توسط کسانی ازتجارو علاقه‌مندان تأمین می‌شد. مثلا حاجی زین‌العابدین تقی‌اف‌ازتجارتهران درحدودپانصد شماره ازروزنامهٔ «حبل‌ـ المتین» رامشترك شده‌بود ودردسترس دیگران قرارمی داد.

بطوری که درجدول( ۴ ) دیده می‌شود تعداد روزنامه‌های خارج‌از کشور در سالهای ۱۹۰۸ تا ۱۹۰۹ باردیگر ترقی کرد. دلیل این افزایش البته فشارهای فوق‌العاده‌حکومت‌محمدعلیشاه بود که برای‌مدت‌یکسالی آزادیخواهان ومشروطه طلبان‌رابه‌مهاجرت‌ازایران ناگزیرساخته بود.

مطبوعات این دوره نیزمطبوعـات خبری نبود ، ووقتی که در بـارهٔ تاریخ مطبوعات این دوره وقدرت ونفوذ مطبوعات حرف می‌زنیم مقصود قدرت و نفوذ مقاله نویسان است نه‌خبرنگاران واداره کنندگان مالی آن. از نظرجبهه گیری نیزمطبوعات جوان ایران دردورهٔ مشروطیت هم‌ازطرف دولت ایران وهم‌ازطرف دول‌خارجی‌وبه خصوص‌روسیه وانگلستان مورد حمله وآزار قرارداشت. حکومت

تزاری روسیه همیشه مخالف سرسخت مطبوعات بود ویکی ازمنتقدان مطبوعات دورهٔ مشروطهٔ ایران روزنامه «تایمز» لندن بود . این روزنامه مطبوعات ایران رابه‌ماجراجویی و پیروی ازاحساسات متهم ساخت وچندین مقاله علیه‌روزنامه‌های ایران نوشت وازجمله بی‌تجربگی نویسندگان ایرانی و«سوء استفاده»آنان را از زمان مورد تحلیل و انتقاد قرارداد،(۴) ولی نوشته‌های « تایمز » لندن به عقیده پروفسور براون نشانهٔ سیاست محافظه کارانه و « دشمنی آن علیه نهضت‌های آزادیخواهی درشرق» بود . (۵)

تردیدی نیست که مطبوعات دورهٔ انقلاب مشروطه بزرگترین مأخذومنبع تحولات سیاسی و اجتماعی سالهای اول قرن بیستم ایران است. ازجنبهٔ ارتباطات اجتماعی،انقلاب مشروطه بطورعام، ودهسالهٔ اول قرن‌بیستم‌بطورخاص، شاهدتولد وپیدایش سه‌نیروی‌مهم اجتماعی‌درایران بود : مطبوعات ملی وانقلابی ، تظاهرات ومیتینگ‌های گروهی ، وپیدایش واستقرار افکارعمومی .

جدول (۱)
مقایسهٔ تاریخ و تعداد روزنامه های قرن نوزدهم
ودوره‌های اول‌ودوم انقلاب مشروطه ایران

| محل تأسیس | روزنامه‌های منتشرشده‌بین ۱۸۳۷ - ۱۹۰۰ میلادی | روزنامه‌های منتشرشده‌بین ۱۹۰۰ - ۱۹۰۶ میلادی | روزنامه‌های منتشر شده‌بین ۱۹۰۶-۱۹۱۲ میلادی |
|---|---|---|---|
| تهران | ۲۹ | ۱۶ | ۱۲۷ |
| تبریز | ۹ | ۱۷ | ۲۹ |
| رشت | - | - | ۲۷ |
| اصفهان | ۱ | ۲ | ۱۷ |
| شیراز | ۱ | - | ۸ |
| مشهد | - | ۲ | ۷ |
| یزد | - | - | ۵ |
| همدان | - | ۱ | ۵ |
| رضائیه | ۳ | - | ۴ |
| خوی | - | - | ۴ |
| قزوین | - | - | ۴ |
| کرمان | - | - | ۳ |
| کاشان | - | - | ۲ |
| لاهیجان | - | - | ۲ |
| بندرپهلوی | - | - | ۱ |
| کرمانشاه | - | - | ۱ |
| بوشهر | - | ۲ | - |
| جمع | ۴۳ | ۴۰ | ۲۴۶ |

## جدول (۲)
## تعداد روزنامه‌های منتشر شده بین سالهای ۱۹۱۲ - ۱۹۰۶

| شهر و محل انتشار | روزانه | دو یا سه بار در هفته | هفتگی | جمع |
|---|---|---|---|---|
| تهران | ۱۵ | ۶ | ۱۰۷ | ۱۲۷ |
| تبریز | ۳ | ۱ | ۲۵ | ۲۹ |
| رشت | ۲ | ۳ | ۲۲ | ۲۷ |
| اصفهان | – | ۱ | ۱۶ | ۱۷ |
| شیراز | – | – | ۸ | ۸ |
| مشهد | – | ۱ | ۶ | ۷ |
| یزد | – | – | ۵ | ۵ |
| همدان | – | – | ۵ | ۵ |
| رضائیه | – | – | ۴ | ۴ |
| خوی | – | – | ۴ | ۴ |
| قزوین | – | ۱ | ۳ | ۴ |
| کرمان | – | – | ۳ | ۳ |
| کاشان | – | – | ۲ | ۲ |
| لاهیجان | – | – | ۲ | ۲ |
| بندرپهلوی | – | – | ۱ | ۱ |
| اردبیل | – | – | ۱ | ۱ |
| کرمانشاه | – | – | ۱ | ۱ |
| **جمل** | **۲۰** | **۱۳** | **۲۱۵** | **۲۴۷** |

## جدول (۳)

### تیراژ بعضی‌از روزنامه‌های دورهٔ انقلاب مشروطه

| اسم | دورهٔ انتشار | تیراژ | سال انتشار |
| --- | --- | --- | --- |
| مجلس | روزانه | ۱۰۰۰۰ | ۱۹۰۷ |
| صوراسرافیل | هفتگی | ۵۵۰۰ | ۱۹۰۷ |
| حبل‌المتین | روزانه | ۵۰۰۰ | ۱۹۰۷ |
| انجمن تبریز | روزانه | ۵۰۰۰ | ۱۹۰۷ |
| ایران نو | روزانه | ۳۰۰۰ | ۱۹۰۹ |
| مساوات | هفتگی | ۳۰۰۰ | ۱۹۰۹ |
| شرق | روزانه | ۲۰۰۰ | ۱۹۱۰ |
| استقلال ایران | روزانه | ۱۰۰۰ | ۱۹۱۱ |
| نوبهار مشهد | دوباردرهفته | ۱۰۰۰ | ۱۹۱۲ |

## جدول (۴)

تاریخ و تعداد روزنامه‌هاییکه درخارج ازکشور به چاپ می‌رسید

| اسم و محل انتشار | تعداد روزنامه‌های ۱۸۳۷ تا ۱۹۰۰ میلادی | تعداد روزنامه‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۶ میلادی | تعداد روزنامه‌های ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۲ میلادی |
|---|---|---|---|
| کلکته | ۷ | – | – |
| بمبئی | ۴ | ۱ | ۲ |
| قاهره | ۳ | ۲ | – |
| قسطنطنیه | ۲ | – | ۱ |
| دهلی | ۱ | – | – |
| پاریس | ۱ | – | ۱ |
| حیدرآباد | ۱ | – | ۱ |
| لندن | ۱ | ۲ | – |
| علیگر (هند) | ۱ | – | – |
| کراچی | ۱ | – | – |
| باکو | – | ۱ | ۱ |
| اسکندریه | – | ۱ | – |
| عشق آباد | – | ۱ | – |
| بغداد | – | – | ۱ |
| بخارا | – | – | ۱ |
| واشنگتن | – | – | ۱ |
| کابل | – | – | ۱ |
| سویس | – | – | ۱ |
| مکه | – | – | ۱ |
| نجف | – | – | ۱ |
| جمع | ۲۲ | ۸ | ۱۳ |

# منابع ومآخذ فصل هشتم

(1) Edward G. Browne, The Persian Revolution, Cambridge University Press, 1910, P. 143.

(۲) «تایمز» لندن ، اکتبر ۱۹۱۱ ، ص ۹۰ . جواب شوستر به مقالات تایمز منتشرشده‌در ۱۸ و ۲۰ اکتبر ۱۹۱۱ در شمارهٔ ۹ نوامبر ۱۹۱۱ « تایمز »( لندن ) چاپ شده است .

(3) W. Morgan Shuster, The Strangling of Persia, The Century Company, New Yerk, 1912, P. 9.

(۴) « تایمز » لندن ، شماره‌های ۲ ژوئیه ، ۱۹۰۸ ، ص ۱۱ و ۲۹ اکتبر ۱۹۰۹ ص ۵ ، ۲۸ فوریه ۱۹۱۰ ص ۵ . روزنامهٔ « ایران نو » درشماره ۴ آوریل ۱۹۱۰ .

(5) Edward G. Browne, The Persian Revolution, Cambridge University Press, 1910, pp. 243-244.

# فصل نهم

## مطبوعات بسیج‌گر و پیدایش احزاب سیاسی

ماهیت ارتباطات اجتماعی وقسمت‌اعظم مطبوعات دههٔ‌دوم‌قرن بیستم‌ایران، مخصوصاً درسالهای بین ۱۹۱۲ تا۱۹۲۵، ریشه درجنبش مشروطه وروزنامه‌نگاری انقلابی‌آن زمان‌داشت. این‌دورهٔ پس ازانقلاب، دورهٔ تبلیغات وبسیج‌سیاسی ایران بود. آشکاربود که رهبران سیاسی پس‌ازچندین سال که فایده وسود مطبوعات را دریافته بودند، می‌خواستند از این وسیله برای پیشرفت نظرهای سیاسی و اجتماعی خود استفاده کنند. درحقیقت دردههٔ دوم قرن بیستم همزمان باپیدایش دسته‌هاواحزاب سیاسی، سردبیران ومدیران روزنامه‌ها خودرا کم وبیش‌سخنگو وارگان سیاسی احساس کردندوبا جنبشهای سیاسی این دوره‌همراه شدند. تاآنجا که قدرت وتوانایی روزنامه به همکاری و پشتیبانی احزاب سیاسی بستگی پیدا کرد. روشنفکران ومردم عادی کشور که سالها زیر فشار استبداد گرفتاراختناق بودند، بالاخره آزاد ورها شدند وتوفان عقاید که برخاسته بود کمتر کسی قادر به جلوگیری آن بود. نتیجه این شد که سخنان خوشایند وتلخ، آمیخته‌باعقاید وبرنامه‌های مختلف، در صحنهٔ سیاسی و اجتماعی ایران رواج یافت و در رشد

روزنامه‌نگاری وارتباطات اجتماعی وسیاسی اثرخاصی بخشید و کسانی که برنامه اصلاحات اساسی وقابل ملاحظه داشتند درین عرصهٔ جنگ عقاید کمتر فرصت ادامه کارپیدا کردند. طی سیزده سال کابینه ایران ازیك دست به دست دیگر انتقال می‌یافت وتغییروزیران کابینه بقدری سریع بود که هیچکس فرصت آزمایش برنامهٔ اصلاحی را که طرح کرده بود پیدا نمی کرد. بااینکه مطبوعات این‌دوره بسیار رنگارنگ ومتنوع بود، به علت بی‌ثباتی سیاسی، دولتهای مختلف به‌تضعیف مطبوعات کمك کردند ودرموارد بسیار زیاد مطبوعات آزاد، تحت فشار وتوقیف دولتها قرار گرفت. مطبوعات این دوره مطبوعات بیدار کننده وبسیج دهنده بود. این خصلت علل سیاسی وحتی فلسفی داشت. رقابت دول بزرگ درایران محیط آزادی فردی وسیاست داخلی ایران راسیاسی‌تر کرد ومطبوعات دراین دوره‌تحت تأثیر سیاست داخلی وخارجی، یکی‌ازپرهیجان‌ترین‌وبحرانی‌ترین‌ادوار را شروع کرد وخاتمه داد.

## مطبوعات واحزاب سیاسی

احزاب سیاسی درایران درحقیقت پس ازدورهٔ دوم انقلاب مشروطه بوجود آمد و ریشهٔ احزاب سیاسی را باید در دورهٔ دوم مجلس شورای ملی ایران پیدا کرد. قبل ازاین دوره چندین دسته وحزب سیاسی به نام «ملی»، «روحانیون» «دموکرات» وجود داشت که جزحزب دموکرات اجتماعی، بقیه چندان فعالیتی نداشتند. دموکراتها درسالهای آخر انقلاب موفق شده بودند روزنامه‌یی برای خود فراهم کنند وبا انتشار روزنامه «مجاهد» فعالیتها ونظریات خودرا تشریح و تبلیغ می کردند.

آزادیخواهان، پس از آنکه به حکومت پارلمانی رسیدند، کم کم به فکر تشکیل احزاب سیاسی افتادند واغلب نام وعنوان دسته وحزب سیاسی خود را از واژه‌های فلسفی وسیاسی اروپاییها تقلید کردند. نتیجه این بود که درسال ۱۹۰۹ دوحزب به نام «اعتدال» و« دموکرات » پیدا شد. اعتدالیون که اغلب از تجار سرشناس و گروهی از روحانیان وبعضی از کارمندان عالیرتبه وحتی طبقهٔ اشراف بودند به اصلاحات تدریجی اعتقاد داشتند ودر میان آنها اشخاصی مثل آیت الله طباطبایی وآیت‌الله بهبهانی دیده می‌شدند. اعتدالیون روی همسه روزنامهٔ روزانه، دوروزنامه هفتگی ویك روزنامه دوباردرهفته درتهران چاپ ومنتشرمی کردند. روزنامهٔ «شورا» ارگان رسمی اعتدالیون بود. دموکراتها که درمجلس شورای ملی نقش مخالف داشتند، اقلیت را تشکیل می‌دادند وبین طبقات مختلف کشور دارای نفوذقابل‌توجهی‌بودند وازنظرسیاسی وفلسفی به سوسیالیزم وافکاراجتماعی تمایل داشتند. درمیان دموکراتها تعداد قابل توجهی روزنامه‌نگار و نویسنده وجود داشت وکسانی‌مثل سید حسن تقی‌زاده، محمد رضا مساوات، ملك‌الشعرای بهار، دربین آنها بودند. (۱)

دموکراتها برنامهٔ اصلاحات اساسی داشتند که شامل جدایی قوانین‌مدنی ازمذهبی وشرعی، نظام وظیفهٔ اجباری، تقسیم املاك بین رعایا، سواد اجباری و آموزش وپرورش عمومی، تأسیس بانك کشاورزی، وضع مالیات غیرمستقیم، و بالاخره مخالفت با تشکیل مجلس سنامی‌شد. درمقایسه بااعتدالیون، دموکراتها شبکه مطبوعاتی گسترده‌یی داشتند و تعداد روزنامه‌هاییکه تحت نظرآنها اداره می‌شدوسیعتر بود. دموکراتها جمعاً درحدودچهارده روزنامه‌داشتند، یازده‌روزنامه هفتگی‌ودوروزنامه دوباردرهفته ویك‌روزنامهٔ روزانه.ارگان‌های اصلی‌دموکراتها روزنامه‌های « ایران نو » چاپ تهران، « شفق » چاپ تبریز و «نوبهار» چاپ

مشهد بود .

علاوه بر اعتدالیون و دموکراتها ، احزاب کوچکی مثل « متجددین » و «اتحادیون» وجود داشت که اعضای «متجددین» درمجلس اغلب از شهرستانهای جنوبی بودند ودرچند مرحله از ایالات وطوایف جنوب ازجمله بختیاریها انتقاد می کردند . درسال ۱۹۱۰ این دسته روزنامه‌یی به نام « جنوب » به مدیریت «تنگستانی»و سردبیری «یعقوب‌شیرازی»منتشر کردند . «اتحادیون» که درمجلس شورای‌ملی نماینده نداشتند اغلب‌ازآزادیخواهان بودندوروزنامه «استقلال‌ایران» به مدیریت حسین خان کحال ارگان رسمی آنها بود . روزنامه دیگراین عده‌به نام «اتفاق»دررشت‌منتشرمی‌شد . * درسال ۱۹۱۲ بطور کلی روزنامه‌های‌تهران و شهرستانها سیاسی بودوبه‌احزاب مختلف تعلق داشت. چندروزنامه‌ازجمله«شرق»و «رعد» که‌به مدیریت سیدضیاءالدین طباطبایی منتشرمی‌شد جنبه‌مستقل‌داشتندولی دراین دو روزنامه نیزاغلب ازسیاست وبرنامه‌های اعتدالیون پشتیبانی می‌شد**و مقالات روزنامه‌های این دوره همیشه به حمله و اتهام سیاسی اختصاص داشت و خیلی اوقات جنبه شخصی به خود می گرفت . مثلا جدال بزرگ سرمقاله‌های مطبوعات‌اعتدالیون‌ودموکراتهاازین‌قرار‌بود که‌روزنامه‌های‌دموکرات،اعتدالیون را « کهنه پرست وارتجاعی» خطاب می کردند و مطبوعات اعتدالی دموکراتها را به «فسادوبی‌دینی»متهم می‌ساختند. ***

درجریان اینگونه انتقاد و مناظرهٔ سیاسی ، سرمقاله‌نویسان روزنامه در صحنه سیاست ایران نقش عمده داشتند ومورد بحث خواننده‌ها و دولتیان‌بودند . یکی‌ازروزنامه‌نگاران این دوره ، ملك‌الشعرای بهاربود که مقالات تند ومحکمی درروزنامهٔ «نوبهار»می‌نوشت وازجهت گفتارهای سیاسی بسیارمعروف شد. مقالات بهاررنجش پاره‌یی ازدولتیان‌را فراهم آورد و روزنامه «نوبهار» چندین‌بار توقیف

گردید و از توزیع آن جلوگیری شد. «ایران‌نو» روزنامه دیگر این دوره نفوذ سیاسی و قلمی قابل توجهی داشت و تیراژ بزرگ این روزنامه به‌اهمیت آن می‌افزود. مقالات سیاسی رسول‌زاده در ایران‌نو شهرت فراوانی کسب کرد.*

ولی احزاب سیاسی با احتیاجات اصلی اجتماعی و اقتصادی این‌دوره چندان رابطه‌یی نداشتند. یکی از علل مهم این‌بود که اکثریت مردم باوجود پیشرفت قابل‌ملاحظه‌یی که درفرهنگ و آموزش‌وپرورش پدید آمده بود هنوز در بیسوادی بسر می‌بردند و ارتباطات جغرافیایی، عقب مانده و ابتدایی بود، دراین دوره جز شهرهای بزرگ مثل تهران و تبریز دراغلب شهرستانها افکارعمومی آگاه ومصمم که درامورحزبی و سیاسی قاطع باشد، وجود نداشت. سستی رابطه افکارعمومی و احزاب سیاسی و مطبوعات اغلب سبب می‌شد اخبار مطبوعات شایعه محسوب شود و جدی تلقی نگردد. تاآنجا که یکی از ناظران این دوره نوشته «در تهران حداقل برای هرشایعه حقیقی بیست شایعه دروغ وجود دارد.» (۲)

اختلاف جهان‌بینی و افکار سیاسی متضاد رهبران این دوره التیام‌ناپذیر بود. هردسته افکارسیاسی دسته‌مقابل‌را باعث‌عقب‌بودن کشورمی‌دانست. دموکراتها علیه گروهی ازروحانیان بودند وآنهارا مانع مهمی درراه ترقیات‌وپیشرفت ایران می‌شمردند. درحقیقت یکی ازمباحث اساسی این‌دوره اختلاف مشرب آزادیخواهان دموکرات ومحافظه کاران روحانی بود. ملك‌الشعرای بهاردریکی ازمقالات‌خود به‌شرکت روحانیان‌درامورسیاسی کشوراشاره کرد و نوشت: «درحکومت‌پارلمانی ما روضه خوانهاسیاستمداروسیاستمداران‌روضه‌خوان‌شده‌اند». دیگرازنویسندگان این دوره که به‌مداخله سیاسی‌روحانیان‌اعتراض می کرد ابوالقاسم کحال‌زاده مدیر روزنامه «پژوهش» تهران‌بود. این مبارزات و اختلاف‌نظرها اغلب به‌جنگ و جدال می کشید و دستهٔ مخالف، ادارهٔ روزنامه حزب دیگر را موردحمله قرار می‌داد.

انشعاب و ائتلاف بین احزاب سیاسی رواج یافته بود. درسال ۱۹۲۱ گروهی از دموکراتها و اعتدالیون بهم پیوستگی پیدا کردند و حزب سوسیالیستی تشکیل دادند .ولی چندی نگذشت که این حزب به دودسته منشعب شد و گروهی ازاعضای جوان آن که باافکارسوسیالیستی همراه بودند اسم سوسیالیست را حفظ کردند و عده دیگر که تا حدی باافکـار سوسیالیستی موافقت نداشتند و علیه روسها و کمونیستها بودند عنوان «اصلاحیون» را برای خود انتخاب کردند . اصلاحیون درافتتاح دورهٔ چهارم مجلس شورای ملی اکثریت یافتند . البته واضح است که باهریك ازائتلافات و انشعابها روزنامه‌های مربوط نیز بستگی خودرا ازیك حزب به‌حزب دیگر عوض می کردند و رنگ سیاسی تازه می گرفتند . انقلاب اکتبر روسیه و پیروزی بلشویکها،در تحولات احزاب سیاسی ایران تأثیر داشت . تعداد زیادی ازجمعیت‌هاو احزاب مختلف این‌دوره کلیشهٔ احزاب سیاسی‌اروپا وشوروی بود . رهبران انقلاب روسیه مثل لنین شهرت قابل ملاحظه بین روشنفکـران ایران پیدا کرده بودند .

درسال ۱۹۱۵ یك گروه انقلابی به‌نام اتحاد اسلام و به‌منظوررهایی‌ایـران ازنفوذ خارجیها به‌رهبری‌میرزا کوچکخان‌و باهمکاری احسان‌الله‌خان‌و خالوقربان که ازمجاهدان مشروطه بودند تشکیل شد . این عده روزنامه‌یی به‌نام « بامداد روشن » به‌مدیریت میرزامحمدعلی‌خان خراسانی‌منتشر کردند و مبارزه باقوای ارتجاعی را شعارخود قراردادند . * درمیان این‌عده احسان‌الله‌خان از دیگـران تندتروافراطی‌تر و درحقیقت یك‌سوسیالیست به‌تمام‌معنی بود. تحت‌رهبری این گروه مبارزه علیه «ارتجاعیون» دراستان گیلان شروع‌شد و تبلیغات آنها بین کشاورزان این استان قوت گرفت. دوسال‌بعد در۱۹۱۷ فعالیت این‌عده به‌قیام جنگل معروف

شد و قیام جنگل علیه دولت مرکزی و قوای خارجی شورید. انقلاب بلشویکها در روسیه در این سال بهقیام جنگل کمك کرد و رهبران این گروه مبارزهٔ طبقاتی را هدف خود قرار دادند. در ۱۹۱۸ میرزا کوچك خان بر گیلان استیلا یافت و توسط روزنامه «جنگل» بین کارگران و کشاورزان منطقه نفوذ کرد. سردبیر «جنگل» شخصی بهنام میرزامحمد انشایی بود. جنگلیها بعد دوروزنامه دیگر بهنام «انقلاب سرخ» و «کمونیست» چاپ کردند*. درمدت کوتاهی جنگلیها فعالیت خودرا بهمازندران وسراسر منطقه دریای خزر توسعه دادندوعلیه مالکان این مناطق جنگ دامنهداری راه انداختند. قیام جنگل تا سال ۱۹۲۱ ادامه داشت ودراین تاریخ پسازآنکه حکومت شوروی قوایخودرا ازمناطق شمالی ایران بهروسیه فراخواند قوای ایران بهسوی گیلان ومازندران حرکت کرد وبهحکومت میرزا کوچکخان جنگلی پایان داد.

بطوری که دیده میشود دراین سالها فعالیتهای سوسیالیستی بهایران راه پیدا کرده بود. یکیاز روزنامههای مهم سیاسی این دوره بهنام «تجدد» توسط شیخمحمد خیابانی رهبرحزب دموکرات ملی درتبریز بهچاپمیرسید. خیابانی که مدتی نمایندگی مجلس شورای ملیرا داشت سخنورونویسندهٔ توانایی بود. دراواخرانقلاب مشروطه،خیابانی بهقفقازمسافرت کردو باانقلابیون آنجا آشنایی یافت. درسال ۱۹۱۴ خیابانی پسازپنجسال اقامت درقفقازبهتبریزبازگشت و در آذربایجان فعالیت خودرا شروع کرد. خیابانی حزب دموکرات ملیرا تأسیس کرد وعده قابل توجهی از روشنفکران وکارگران آذربایجان بهگروه او ملحق شدند. درصفحات «تجدد» خیابانی مرام خودرا که شامل قطعنفوذ خارجی خاصه انگلیس و تجدید نظر در حقوق مدنی ایران بود انتشارداد وخواستاراصلاحات اساسی درحکومت ایران شدوازجمله خواستهای اوفرهنگ برای همه وبرقراری

حکومت جمهوری درایران بود .

فعالیت خیابانی درآذربایجان توسعه یافت ودرسال ۱۹۲۰ قوای ۸۰۰نفری پارتیزان او ادارات دولتی وملی‌را درتبریز به‌تصرف درآوردوحکومت محلی ایجاد کرد . قوای ژاندارمری به‌قشون خیابانی ملحق شد و نهضت خیابانی به‌سایر شهرهای آذربایجان توسعه یافت. خیابانی علیه حکومت وثوق‌الدوله درتهران که به‌عقیدهٔ او تحت‌نظر و نفوذ انگلیس کاره‌ی کرد، به‌مبارزه‌پرداخت . باید بخاطر داشت که وثوق‌الدوله عاقد قراردادمعروف۱۹۱۹ ایران و انگلیس‌بود ونفوذ انگلیس‌ها روزبه‌روز درایران افزایش پیدا می کرد . مطابق این قرارداد ، انگلیس نفوذ سیاسی و قضایی و اقتصادی خودرا درایران توسعه می‌داد و درعوض دولت ضعیف مرکزی تهران را درمقابل عوامل داخلی و خارجی حفظ می کرد . به‌هرصورت درسال ۱۹۲۰ قوای قزاق اعزامی‌مرکز به‌تبریزوارد شدودرمبارزه‌یی که‌درگرفت خیابانی کشته شد . ولی دوسال‌بعد گروهی از طرفداران خیابانی که خود را « خواستارآزادی وضداستبداد » می‌شمردند به‌رهبری ماژورلاهوتی از افسران ژاندارمری، علیه قوای‌دولتی شوریدند. گروه لاهوتی بااینکه انقلابی وافراطی بود ولی درارتباطات اجتماعی و گروهی خود از روزنامه و نشریه به‌عنوان وسیله چندان استفاده نکرد و انتشارات آنها ازچندین جزوه کوچك تجاوز نمی کرد . درمقایسه‌با گروه‌لاهوتی،روزنامه«تجدد»خیابانی‌یکی‌ازبهترین روزنامه‌های سیاسی این‌دوره‌بودوموفق شده‌بودتعدادی‌از روشنفکران آن‌زمان مثل فیوضات و تقی‌خان رفعت ، مدیرمجله « آزادیستان » را باخود همراه کند و به‌نویسندگی روزنامه مشغول دارد .

اولین روزنامهٔ دارای رنگ کمونیستی که مرتب ازسوسیالیزم و جنبش کارگران سخن می گفت ، روزنامهٔ یومیه « حقیقت » ارگان اتحادیه کارگران

درتهران بود. این روزنامه که درسال ۱۹۲۱ به‌چاپ رسید توسط اتحادیه کارگران که قسمتی از آنها ازفعالیت جنگلیها در گیلان متاثر بودند، منتشر می‌شد. درتبریز نیز روزنامه‌یی به‌نام «تکامل» توسط اتحادیه کارگران آذربایجان به‌چاپ مسی‌رسید. فعالیت سوسیالیستی و دست‌چپی کارگران اغلب در شهرستانهای شمالی و مخصوصاً آذربایجان و گیلان بود و همانطور که ذکر شد پیروزی بلشویکها درروسیه اینگونه فعالیتهارا درایران دامن می‌زد. روزنامه «حقیقت» درحدود دوهزار تیراژ داشت و فعالیت اتحادیه کارگران و تبلیغات این روزنامه دربعضی ازمذاکرات و قراردادهای کارگروکارفرما تأثیرداشت. مثلا یکی از اعضای اتحادیه، صنف کارگران چاپخانه‌ها بود که موفق شد برای کارگران خود ساعات کارمناسب‌ومزد قابل‌توجه کسب کند. یکی‌ازحوادث کارگری آغاز این‌دوره اعتصاب کارگران‌چاپخانه‌ها درتهران بود که درسال۱۹۲۰صورت گرفت ودرحقیقت اولین اعتصاب کارکنان فنی مطبوعات درایران بشمار می‌رود. دریك هفته‌دوران اعتصاب، درگیری کارگران و کارفرمایان به‌جایی‌رسید که کارگران روزنامه‌یی به‌نام «کارگر» منتشر کردندوتقاضاهای مربوط به‌اضافه‌حقوق وسایر مزایای درخواستی خود را تبلیغ می‌نمودند.

درنتیجه انقلاب بلشویکها در روسیه، دامنه فعالیت گروه‌هایی که به‌مرام کمونیستی و سوسیالیسم گرایش پیدا کرده بودند، گسترش پیدا می‌کرد. مثلا پس‌ازانقلاب ۱۹۱۷ درروسیه، عده‌یی ازایرانیها که به گروه عدالت معروف‌بودند درباکو حزب کوچکی تشکیل دادند و موفق شدند درحدود ۶هزارنفرعضو پیدا کنند. این‌عده تحت‌رهبری‌حیدرخان عمواوغلی که یکی‌ازانقلابیون افراطی‌دوره محمدعلیشاه بود به‌فعالیت پرداختندوبرای مدتی کمیته‌های محلی‌خودرا درتبریز و شهرستانهای شمالی دریای‌خزروتهران تشکیل دادند. دردستوری که‌عمواوغلی به‌اعضای کمیته‌حزب‌عدالت‌درتبریزوتهران‌فرستادلزوم‌انتشاریك روزنامه و اهمیت

ارتباطات گروهی و اجتماعی تاکید شد. (۳) ولی به‌عللی این حزب نتوانست فعالیت مطبوعاتی خود را توسعه دهد و در ۱۹۲۲ سلطان‌زاده یکی از اعضای حزب اعتراف کرد که فعالیت گروه باشکست مواجه شده است و ازاین‌پس باید هدف عمدهٔ اعضا، صرف تشکیل و تبلیغ اتحادیه کارگران و اصناف شود.

روزنامه «حقیقت» یکی از مهم‌ترین جراید سوسیالیستی این‌دوره ایران به‌شمارمی‌رفت*. در۱۷سپتامبر۱۹۲۲ روزنامه «پراودا» چاپ مسکو مندرجات روزنامه «حقیقت» را مورد تجزیه‌وتحلیل قرارداد و خواستهای این‌روزنامه را به‌شرح ذیل‌خلاصه کرد:

لغو حکومت‌نظامی، آزادی زندانیان سیاسی، انتشار مجددتمام روزنامه‌هایی که توسط دولت توقیف شده، لغوسانسور، آزادی عقاید واجتماعات، قوانین جدید بین‌کارگر و کارفرما، تقسیم اراضی بین کشاورزان، بسط حقوق مدنی وبرقراری‌مقررات برای مشاوران‌خارجی درایران. روزنامه حقیقت‌چندین باربه علت عقاید «انقلابی» ازطرف دولتها توقیف شد.

درپاییز ۱۹۲۰ شهرباکو مرکز کنفرانس «کنگره خلق‌های‌آسیا وشرق» بود. این کنگره که توسط حکومت مسکو و کمونیست‌ها برگزارشد سعی کرد عوامل‌انقلابی ودست چپی وروشنفکران کشورهای شرقی وآسیایی رابه پشتیبانی حکومت کمونیستی‌روسیه بسیج کند وازاین طریق فکرانقلاب‌بلشویکی رارواج دهد. این کنگره که نمایندگان مختلف ازمراکش تا منچوری در آن شرکت کرده‌بودند، موفق شد مجموعاً ۱۸۹۱ نماینده درباکو جمع کند که ازآن جمع ۱۲۷۳ نفر کمونیست بودند. دراین کنگره نمایندگان ایران دومین نمایندگی بزرگ کنگره راتشکیل می‌دادندوپس ازترکیه که درحدود ۲۳۵ نماینده‌داشت ایران دارای ۱۹۲ عضوبود. ازبین نمایندگان کشورهای مختلف دونفرایرانی

حیدرخان وسلطان‌زاده برای کمیته مرکزی کنگره انتخاب شدند. این دو نفر هم چنین به عضویت کمیته تبلیغات کنگره درآمدند. علیرغم اینگونه فعالیت‌ها در باکو، عوامل دست چپی ایران نتوانستند تبلیغات خود را توسط مطبوعات وروزنامه بطورمرتب ووسیع درایران توسعه دهند وچنانکه خواهیم دید کمونیستها تاسال ۱۹۳۰ فاقد فعالیت مطبوعاتی در ایران بودند. ودراین مدت تبلیغات سیاسی و کمونیستی درایران از طریق سفارت شوروی وسفیر آن دولت تئودورروتشتین [1] انجام می گرفت. (۴)

مطبوعات حزبی وسیاسی درسالهای بین ۱۹۱۲ و ۱۹۲۵ درمیان اقلیت‌های مذهبی وملی نیز رشد ونمو کرد. اقلیت ارامنه ایران دو دسته مختلف سیاسی داشت. دسته اول که فدراسیون انقلابی ارامنه بود ودر شمال ایران فعالیت داشت باقی ماندهٔ دسته انقلابی بود که به سال ۱۸۹۰ درشهر تفلیس تشکیل شده بود. عده‌یی ازارامنه که بدین گروه تعلق داشتند درایران به فعالیت خود ادامه دادند ومخصوصاً تبلیغات انقلابی را بین‌ارامنه رواج می‌دادند. این عده روزنامه‌یی به نام «آراواد» یاصبح درتبریز منتشر کرد، بعدها روزنامهٔ دیگری به نام «آیق» یا باغ تاسیس نمود. گروه دیگر اعضای ارمنی حزب سوسیال دموکرات بودند که بسیارملی ومتعصب بودند ومدتها درژنو فعالیت داشتند. عده‌یی ازروزنامه‌نگاران ومبلغان این دسته که درسالهای بعد ازمشروطه به ایران آمدند، بین‌ارامنه‌فعالیت داشتند وروزنامه‌یی به نام «زانگ» و جریدهٔ دیگری به نام «بایکار» در تبریز منتشر می کردند. این دو گروه سیاسی همیشه باهم اختلاف‌داشتند وعلیه‌یکدیگر مبارزه می کردند.

1- (Theodore A. Rothshtein)

## جدول (۱)

## روزنامه‌های وابسته به حزب اعتدالیون

| اسم روزنامه | مدیروسردبیر | دوره انتشار | تاریخ تأسیس | محل چاپ |
|---|---|---|---|---|
| شورا | ناصرالاسلام گیلانی | دوباردرهفته | ۱۹۱۴ میلادی | تهران |
| پیکار | حیدرعلی کمالی | هفتگی | ۱۹۱۱ میلادی | تهران |
| تنبیه | معتضدالاطبا | هفتگی | ۱۹۰۷ میلادی | تهران |
| پلیس ایران | جوادتبریزی‌ومرتضی قلیخان مویدالممالك | روزانه | ۱۹۰۹ میلادی | تهران |
| مجلس | محمدصادق طباطبائی | روزانه | ۱۹۰۶ میلادی | تهران |
| وقت | حسین کسمائی | روزانه | ۱۹۱۰ میلادی | تهران |
| عصر | میرزا آقای اصفهانی (اعتمادالملك) | هفتگی | ۱۹۱۰ میلادی | تهران |

## جدول (۲)

### روزنامه‌های وابسته به حزب دموکرات

| اسم روزنامه | مدیر و سردبیر | دورهٔ انتشار | تاریخ تأسیس | محل چاپ |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| ایران نو | مهدی افجه‌یی و محمد رسول‌زاده * | روزانه | ۱۹۰۹ میلادی | تهران |
| بهلول | شیخ علی عراقی | هفتگی | ۱۹۱۱ میلادی | تهران |
| چنته پابرهنه | محمود افشار دواساز | هفتگی | ۱۹۱۱ میلادی | تهران |
| میزان | فخرالواعظین کاشانی | هفتگی | ۱۹۱۱ میلادی | تهران |
| تازه بهار | ملك‌الشعرای بهار | هفتگی | ۱۹۱۱ میلادی | مشهد |
| نوبهار | ملك‌الشعرای بهار | دوبار در هفته | ۱۹۱۰ میلادی | مشهد |
| شفق | میرزا حاجی آقا رضا زاده | هفتگی | ۱۹۱۰ میلادی | تبریز |
| زاینده رود | مؤتمن‌الاسلام خوانساری | هفتگی | ۱۹۰۹ میلادی | اصفهان |
| صدای رشت | احمد زاده | دوبار در هفته | ۱۹۱۱ میلادی | رشت |
| رعد | سید علی و شیخ عبدالعلی | هفتگی | ۱۹۱۱ میلادی | قزوین |
| فروردین | حبیب آقازاده | هفتگی | ۱۹۱۱ میلادی | رضائیه |
| کرمانشاه | فصیح‌المتکلمین | هفتگی | ۱۹۰۹ میلادی | کرمانشاه |
| نجات | میرزا محمد خراسانی | | ۱۹۱۱ میلادی | تهران |
| شیدا | محمد ضیاءالدین | هفتگی | ۱۹۱۱ میلادی | قسطنطنیه |

## جدول (۳)

### روزنامه‌های وابسته به احزاب و گروه‌های مختلف

| اسم روزنامه | مدیر و سردبیر | تاریخ تأسیس | وابسته به : |
|---|---|---|---|
| استقلال ایران | حسین خان کحال | ۱۹۱۰ میلادی | حزب اتفاق و ترقی |
| بامداد روشن | میرزا محمد علی خان بامداد | ۱۹۱۵ میلادی | اعتدالی اجتماعیون |
| جنگل | میرزا کوچکخان | ۱۹۱۶ میلادی | نهضت جنگل |
| انقلاب سرخ | زارع | ۱۹۲۱ میلادی | عدالت |
| تجدد | شیخ محمد خیابانی | ۱۹۱۸ میلادی | دموکرات‌ملی |
| حقیقت | بهبهانی ـ دهگان | ۱۹۲۰ میلادی | اتحادیه‌های کارگران |
| آراواد (صبح) | داشناك (حزب ارمنی) | ۱۹۱۹ میلادی | حزب داشناك ارامنه |
| آیق | داشناك (حزب ارمنی) | ۱۹۱۲ میلادی | حزب داشناك ارامنه |
| زانگک | هانچاك (حزب ارمنی) | ۱۹۱۰ میلادی | حزب هانچاك ارامنه |
| بایکار | هانچاك (حزب ارمنی) | ۱۹۱۸ میلادی | حزب هانچاك ارامنه |
| اتفاق کارگران | اتحادیه چاپ | ۱۹۱۰ میلادی | اتحادیه کارگران چاپخانه |

## مطبوعات و فعالیت عناصر خارجی

برای اینکه به فعالیت مطبوعات این دورهٔ ایران پی‌ببریم باید عملیات و تبلیغات دول خارجی رادرایران مخصوصاً بین سالهای جنگ اول بین‌المللی مورد بررسی قرار دهیم . ازدهه دوم قرن نوزدهم ، خاور میانه شاهد فعالیت دامنه‌دار سه‌دولت‌بزرگ‌اروپایی روسیه ، انگلیس ، وآلمان بود . روشنفکران وعدهٔ قابل توجهی ازآزادیخواهان ایران که ازحرکات وعملیات روسیه وانگلیس درایران خسته شده وناراضی بودند ، عملیات آلمانیها را تاحدی تأیید می کردند. به‌همین جهت دراواخر قرن نوزدهم وآغاز قرن‌بیستم افکارعمومی درایران مخصوصاً بین روزنامه‌نگاران ملی تاحدی‌طرفدارآلمان‌بود. ولی‌دولتیان‌وعده‌یی ازشخصیت‌های برجستهٔ کشور نفوذ آلمانیها را به ضرر منافع ملی ایـران تشخیص دادنـد واز فعالیت آلمانیها در ایران نگران بودند ، مثلا شاهزاده عضدالسلطنه در روزنامه «ایران نو» (شماره‌های ۳۴و۳۵،تاریخ ۴و۶ اکتبر ۱۹۰۹) ازآلمانیها انتقاد کرده درمقالاتی که نوشت آنها را متهم ساخت که قصد دارند با عملیات خود روسیه را به دخالت درامورایران وادار کنند .

مندرجات روزنامه‌های تهران‌وتبریز چه ملی وچه دولتی‌دراین دوره‌عموماً مربوط به فعالیت روسیه وانگلستان وآلمان درایران است . شعرها وقصیده‌های سیاسی وفکاهی مختلفی در مطبوعات این دوره آمده که جای تحقیق و بررسی مخصوصی دارد .

درآستانهٔ شروع جنگ جهانی اول اغلب روزنامه‌نگاران ایران طرفداری ازآلمانیها را به پشتیبانی متفقین ـ روسها وانگلیس‌ها ـ ترجیح دادند . علت این

امر تنها نفوذ صنعت وعلوم وبازرگانی آلمانیها دراروپا وآسیا نبود بلکه ازنظر ایرانیها، آلمانیها تنها نیروی قوی بودند که می‌توانستند ازنفوذ متراکم‌وقدیمی انگلیس و روس درایران جلوگیری کنند. بااینکه ایران دراین جنگ بیطرفی اعلام کرده بود،قسمتهای شمالی وجنوبی ایران درتسلط مستقیم وغیرمستقیم دول خارجی‌ومیدان تبلیغات‌عناصر اروپایی‌بود. آن عده که‌ازآلمان پشتیبانی‌می کردند ازاین بیم داشتند که اگر آلمانیها شکست بخورند ایران بین روسیه وانگلستان تقسیم شود وازاین طریق مقاصد اصلی این دو دولت برای همیشه تامین گردد. نتیجه این شد که عناصر آلمانی به کمك طرفداران ایرانی و نیروی ژاندارمری که توسط سوئدی‌ها تشکیل شده بود، پـایگاههای تبلیغاتی چندی دراستانهای جنوبی ایران بخصوص بین طوایف قشقایی ایجاد کردند. از طرفی روسها قسمت شمالی ایران را تصرف کردند و انگلیس‌ها زیرفرمان سرپرسی سایکس [1] تسلط خود را درچند استان جنوبی ایران استحکام بخشیدند.

سردسته عمال آلمانی که درایران نفود کردند شخصی به نام واسموس [2] بود که سابق سر کنسولگری آلمان را درایران به عهده داشت. او درایالات جنوب ایران طوایف مختلف را علیه‌انگلیس تحریك می کرد و مدتی همکاری قشقاییها را بدست آورده بود. مطبوعات ایالت‌فارس نیزبه این ترتیب طرفدار آلمانیهابود دراثر فعالیت عناصر آلمانی وپشتیبانی‌مطبوعات و گروهی ازآزادیخواهان به‌مدت کوتاهی‌حکومت مهاجر وجداگانه‌یی در کرمانشاه تشکیل شد.مطبوعات تهران نیزازآلمانیها طرفداری کردند. گروهی ازروشنفکران‌ودانشجویان‌ونویسندگان ایرانی درآلمان بخصوص برلین به رهبری سید حسن تقی‌زاده فعالیت داشتند.

---

1- Sir percy Sykes

2- Wassmuss

بنابراین جای تعجب نیست که وقتی خبر شروع جنگ جهانی اول به ایران رسید، مطبوعات و افکار عمومی تهران و شهرستانها بطور عام طرفدار و همدرد آلمانیها بودند. متفقین ـ روسیه و انگلستان ـ از این وضع راضی نبودند و چندین بار به دولت و مطبوعات ایران التیماتوم دادند که از پشتیبانی آلمانیها دست بکشند. در نخستین روزی که قشون انگلیس و روس ایالات شمال و جنوب ایران را تصرف کرد، یادداشتی از طرف سفرای انگلیس و روس به دولت ایران داده شد که روزنامه‌های طرفدار آلمان و از جمله روزنامه «نوبهار» را که به دموکراتها تعلق داشت و علیه متفقین مقاله می‌نوشت، توقیف کنند. ملك الشعرای بهار در خاطرات خود ذکر می‌کند که چگونه اعضای دولت ایران یادداشت سفرای انگلیس و روسیه را برای او قرائت کردند و در نتیجه «نوبهار» توقیف و ملك الشعرا به خراسان تبعید شد. (۵) در اوایل جنگ تمام روزنامه‌های تهران جز «رعد» که سیدضیاءالدین طباطبائی می‌نوشت و «عصر جدید» که توسط متین السلطنه منتشر می‌شد ـ و هر دو طرفدار متفقین بودند ـ توقیف شدند و عده‌یی از مدیران آنها همراه گروهی از نمایندگان مجلس شورای ملی دستگیر شدند و به زندان افتادند. عده‌یی از آزادیخواهان و نویسندگان وضع تهران را ناگوار دیدند و به قم حرکت کردند و در آنجا کمیتهٔ دفاع ملی تشکیل دادند. این کمیته از پشتیبانی نمایندگان اتریش و هنگری و یك آلمانی به نام شاهزاده وان ریوس [1] بهره‌مند بود. (۶)

تا بهار ۱۹۱۶ اخبار ایران و فعالیت متفقین در ایران در مطبوعات اروپا و مخصوصا انگلیس به تفصیل منعکس بود. ولی به مدت نوزده ماه از تاریخ ۲۱ آوریل ۱۹۱۶، یعنی موقعی که انگلیسها در بعضی از جبهه‌های جنگ شکست خورده بودند، تا ۴ دسامبر ۱۹۱۷ سانسور بسیار سختی توسط متفقین در ایران بوجود آمد و خبرنگاران خارجی کمتر خبری از ایران به خارج مخابره می‌کردند. بطوری که

1_ Prince Von Reuss

دراین‌مدت فقط یك یادوخبر مختصر راجع به‌ایران در روزنامه «تایمز» لندن چاپ شده بود . درتمام مدتی که جنگ جهانی اول ادامه داشت عناصر آلمانی و روسی و انگلیسی درتهران و شهرستانها فعالیت می کردند ومی‌خواستند نویسندگان وروشنفکران ایران‌را به‌سوی‌خود جلب کنند .

سر کلارمونت‌سکرین [1] یکی از دیپلماتهای انگلیسی درمشهد درخاطرات خود می‌نویسد پول قابل‌توجهی ازطرف انگلیسها وروسها بین‌بعضی ازایرانیها تقسیم شده بود . (۷) ونسنت‌شی‌آن [2] یکی ازنویسندگان امریکایی این‌دوره به فسادو رشوه‌خواری‌درایران اشاره کرده‌می‌نویسدهم متفقین‌وهم‌آلمانیها وهمکاران آنها سعی می کردند نویسندگان و رؤسای دولتی و اداری را باپول فریب دهند و بخرند . ( ۸ )

انقلاب ۱۹۱۷ کمونیستها درروسیه تاحدی وضع رقابت وحتی اتحاد روسیه و انگلیس را درایران تغییرداد . حکومت انقلابی لنین ، قرارداد قدیمی ۱۹۰۷ روس‌وانگلیس‌را درمورد ایران ( به‌موجب این‌قرارداد ایران به‌دومنطقه‌نفوذروس و انگلیس تقسیم شده بود ) بی‌اعتبار دانست وروسها قوای خودرا به‌مرزها عقب کشیدند . ولی درسالهای بعدازجنگ مخصوصا درسال ۱۹۲۰ برسرحضورروسهای سفید درایران تعدادی ازناوگان روسی به‌طرف‌دریای خزروسواحل‌ایران‌حرکت کرد و بانهضت کوچکخان جنگلی درمازندران وگیلان همکاری نمود . دراین موقع بود که روسها نماینده جدیدی به‌نام تئودورروتشتین به‌ایران فرستادند و این دیپلمات برای مدتها مسئول تبلیغات روسها درایران شد . جالب اینجاست که روتشتین قبل‌ازمأموریت دیپلماسی خود یکی‌از نویسندگان روزنامه « منچستر گاردین » چاپ انگلستان بود . (۹)

1- Sir Clarmont Skrine
2- Vincent Sheean

درسال ۱۹۲۱ به‌تدریج سانسور زمان جنگ خاتمه یافت و وضع مطبوعات تهران و شهرستانها به‌حالت عادی باز گشت. اکثر روزنامه‌نگاران و نویسندگان سیاسی که درمهاجرت و تبعید بسر می‌بردند باز گشتند و روزنامه‌های خود را منتشر کردند. مطبوعات این‌دوره رنگ ضدانگلیسی داشت. انقلاب کمونیستها درروسیه‌و شکست آلمانیها، میدان سیاسی‌را برای انگلیس بیش‌ازپیش باز کرده بود و روزنامه‌های ملی که ازاین وضع راضی نبودند تا آنجا که می‌توانستند احساسات ضدانگلیسی خودرا نشان می‌دادند. این‌وضع البته به‌نفع روسها بود و سفیرروسیه روتشتین ازاین حس‌ملی استفاده می‌کرد و مطبوعات ملی تهران را علیه انگلیس‌ها تشویق می‌نمود. باید به‌خاطرداشت که دوسال قبل‌ازاین، یعنی در۱۹۱۹ انگلیس‌ها موفق شده بودند دولت ایران را به‌امضای قرارداد معروف کاپیتولاسیون مجبور کنند. * به‌موجب این قرارداد انگلیسها تسلط سیاسی و قضایی درایران ایجاد کرده اموراداری‌ودولتی مهمی برای‌خود درنظر گرفته‌بودند و قراربود درمقابل دومیلیون لیره که به‌خزانه ایران پرداخت می‌کردند امور گمرکی، مالی و اداری تهران وبرخی از شهرستانها را زیرنظر خود داشته باشند.

دولت وثوق‌الدوله بااین قرارداد موافقت کرد و درنتیجه مبارزه بزرگی بین ملیون ومطبوعات مخالف این‌قرارداد با کابینه وثوق‌الدوله در گیرشد. این قرارداد درمحیط خفقان‌آوری که وثوق‌الدوله به‌قدرت حکومت‌نظامی وزندانی‌کردن روزنامه‌نگاران ایجاد کرد، امضا شده بود، وجایی مخصوص درتحولات سیاسی اواخرسلطنت‌قاجاردارد. دراینجا همین‌قدرباید متذکر شد که‌رشوه‌خواری و فساد دولت که باپول و نفوذ انگلیسها همراه بود طوری افکارعمومی‌ومطبوعات را علیه قرارداد بسیج کرد که دراثرمبارزات ملیون و مقاومت مجلس‌شورای‌ملی

قراردادی که وثوق‌الدوله امضا کرده بود به‌تصویب مجلس نرسید.

مبارزه مطبوعات باوثوق‌الدوله یکی‌ازمراحل شدیدو تندروزنامه نگاری اواخرقاجاربشمارمی‌رود. سه‌روزنامه این‌دوره که مبارزات آنها سروصدای بسیار درتهران ایجاد کرد و بالاخره به درخواست سفارت انگلیس و به‌دستور دولت وثوق‌الدوله‌توقیف شدند عبارت‌بودنداز«ستاره ایران» به‌مدیریت میرزاحسین‌خان صبا، «توفان» به‌مدیریت شاعرمعروف فرخی یزدی و «حقیقت» ارگان اتحادیه کارگران تهران.

درچنین محیطی روتشتین سفیرشوروی ازوضع استفاده کرد وازروزنامه‌ـ نگاران ملی به‌ضرر انگلیسها پشتیبانی نمود ودرچندین مرحله سفارت شوروی را به‌مرکز تحصن روزنامه‌نگاران مخالف قرارداد درتهران تبدیل کرد.

بطوری که ملاحظه می‌شود، روزنامه‌نگاری سیاسی و حزبی، تشنجات داخلی و رقابتهای دول خارجی، وضع نامطلوب اقتصادی ومالی ایران، ارتباطات اجتماعی و مطبوعاتی این دوره را بسیارنامشخص و روزنامه‌نگاری و سیاست را ازهم دیگر تفکیک‌ناپذیر کرده بود.

**سیدضیاءالدین:**

**ازروزنامه‌نگاری تا نخست‌وزیری**

پرصداترین‌وسیاسی‌ترین روزنامه‌نگاراین‌دوره که باکمك و کوشش یك افسرقزاق ایران به‌نام رضاخان دررأس کودتای سال ۱۹۲۱ ایران قرار گرفت و به‌نخست‌وزیری رسید، سیدضیاءالدین‌طباطبایی بود. پسرسیدعلی یزدی طباطبایی که بعدها به سیدضیاء مشهور شد بسال ۱۸۸۸ متولد شد و روزنامه‌نگاری و نویسندگی‌را باانتشارهفته‌نامه «ندای اسلام» به‌سال ۱۹۰۷ درشیراز آغاز کرد.

سیدضیاء درآن‌موقع فقط نوزده‌سال داشت . انقلاب مشروطه که یکسال قبل از انتشارروزنامه اوتاحدی به‌نتیجه‌رسیده بود این‌روزنامه‌نگارجوان‌را تشویق کرد . سیدضیاء مقالات انقلابی و آزادیخواهانه اولیه خـود را درایالت فارس نوشت و شهرت قابل‌توجهی درآن منطقه بدست آورد . روزنامه « ندای اسلام » که روی کاغذ سبزرنگ منتشرمی‌شد به‌قدری تندو انقلابی بود که مورد هجوم مخالفان مشروطه‌قرار گرفت وبراثر فشارآن‌ها وی مجبوربه‌مسافرت تهران‌شد * . تاسال ۱۹۰۹ازسیدضیاءالدین‌خبری‌شنیده‌نمی‌شودتااینکه‌دراین‌سال‌روزنامه‌تازه‌یی‌به‌قطع بزرگ و به‌نام « شرق » درتهران منتشرمی‌کند . روزنامه «شرق» به‌علت مقالات تند چندبار توقیف شد ولی این‌امر سیدضیاءالدین‌را از روزنامه‌نگاری و سیاست منصرف نساخت و اوبه فعالیتهـای سیاسی خـود ادامه داد . یکسال بعد به‌دنبـال توقیف وتعطیل « شرق »، روزنامه دیگری‌به‌نام « برق » بطورروزانه منتشر کرد. این روزنامه که برای مدتی به حزب وجمعیت اتفاق و ترقی تعلق داشت بعدهـا بطور مستقل اداره می‌شد وبالاخره درسال ۱۹۱۶ ازطرف دولت توقیف گردید و سید ضیا این‌بار روزنامه دیگری به‌نام «رعد» منتشر کرد . درجنگ جهانی اول این‌روزنامه‌یکی‌ازدوروزنامه‌تهران‌بود که اجازه انتشارداشتند وازمتفقین پشتیبانی می‌کردند .

دراین دوره که اغلب روزنامه‌ها به احزاب و جمعیت‌های مختلفی بستگی داشتند ، روزنامه‌های سید ضیاءالدین مستقل ومنفرد بودواو به تنهایی وباروش سیاسی خاص خود به روزنامه نویسی ادامه می‌داد. درسالهای بعد سیدضیاءالدین اداره روزنامهٔ «رعد» را به یك ارمنی به نام « کسپر ایپکیان» واگذار کرد و بـا اینکه به یك مأموریت سیاسی دولتی درباکو رفته بود شهرت اودرایران قبل از کودتا ونخست وزیری ازفعالیت روزنامه‌نگاری سرچشمه می‌گرفت وهمه او را

به نام روزنامه نویس می‌شناختند. درسالهای قبل از کودتا روزنامه «رعد»توسط ایپکیان‌اداره‌می‌شد،و سیدضیا اغلب وقت خودرا دربند و بست سیاسی می گذراند وروابط اوبا انگلیسها شایعات زیادی درافکارعمومی رواج داده بود.

ازموقع بر کناری محمد علیشاه در سال ۱۹۰۹ و تاجگذاری احمد شاه، دربار ایران سال به سال ضعیف‌تر می‌شد واداره مملکت از دربار و تهران به سیاستمداران ومالکان ورؤسای طوایف مختلف انتقال پیدا کرده بود. کابینه‌های متعددی که دردورۀ سلطنت احمد شاه تشکیل گردید وهمه‌به علت ضعف سیاسی‌یا اقتصادی مجبوربه استعفا وبر کناری شدند نمودار این وضع بود. نفوذ خارجی‌ها درایران واستیلای انگلیس درجنوب وروس درشمال، این وضع را بیش از پیش رقت‌آور ساخته بود. بی‌آنکه به تفصیل به وضع سیاسی واقتصادی دوران قبل از کودتا بپردازیم همین قدرباید خاطرنشان کرد این وضع نامطلوب محیط سیاسی را برای کودتا فراهم ساخت و بالاخره درشب ۲۰ فوریه ۱۹۲۱ قوای قزاق به فرماندهی رضاخان ازقزوین واردتهران‌شد وحکومت‌را بدست گرفت وسیدضیاء که عضو موثرسیاسی کودتا بود به نخست وزیری رسید. سید ضیا در این موقع سی وسه سال داشت.

نخست وزیری سید ضیا فقط نود روزطول کشید. ولی دراین مدت‌سید که سالهای قبل برای آزادی مطبوعات مبارزه کرده بود، دستورتوقیف روزنامه‌ها را داد وحکومت نظامی درتهران اعلام کرد وعده زیادی از روزنامه‌نگاران را به زندان کشید وبرای مدتی تمام روزنامه‌های تهران را بست. رضاخان سردار سپه درنخست وزیری سید ضیا وزارت جنگ را داشت. روش نخست وزیری سیدعدۀ قابل توجهی ازاطرافیان اورا آزرد. اوشخصیتی تك‌رووخود پسند داشت‌وعملیات فردی وتند اونه تنها دشمنان بلکه دوستان وهمکاران نزدیکش را دلسرد کردوبه

مبارزه با وی داشت. مثلا درمدت نخست‌وزیری او امتیاز تمام روزنامه‌ها حتی روزنامه «رعد» لغو شد، وفقط روزنامه رسمی «ایران» که بودجهٔ ده‌هزار ریالی داشت منتشر می‌شد. ترقی سید ضیا از روزنامه‌نویس جوان گمنام به نویسندهٔ سیاسی معروف، وسرانجام نخست وزیری، نمایندهٔ وضع روزنامه‌نگاری سیاسی وارتباطات اجتماعی این دوره بود. درحقیقت می‌توان گفت روزنامه‌نگاری دراین سالها مهمترین وبهترین وسیلهٔ سیاسی بشمار می‌رفت. از وسایل ارتباط اجتماعی وسیاسی این دوره، یعنی احزاب سیاسی، مجلس شورای ملی، ومطبوعات. روزنامه‌نگاری مشخص‌ترین و معروف‌ترین وسیلهٔ تحصیل نفوذ وقدرت سیاسی درایران بود.

روزنامه‌نگاری ونخست وزیری کوتاه‌نود روزه سیدضیاء که طی آن انقراض سلسله قاجار وتأسیس سلسله پهلوی پی‌ریزی گردید، با نخست‌وزیری قوام‌السلطنه پایان یافت. سیدضیا پس‌ازاستعفا، ایران را به سوی بغداد ترك کرد واز آنجا عازم شهر حیفا درفلسطین شد ومدت بیست سال یعنی تا سال ۱۹۴۱ که ایران به اشغال متفقین درآمد انزوا وگوشه گیری را بر فعالیت سیاسی ترجیح داد و از روزنامه‌نگاری وسیاست دست کشید.

### انگیزه روزنامه‌نگاران ونویسندگان

سالهای بعدازجنگ اول بین‌المللی روزنامه‌نگاران ونویسندگان ملی خاص به خود دید. این گروه انگیزه‌های مشترکی داشتند واغلب آزادیخواه ومتعصب واصلاح طلب بودند وجرگهٔ بزرگی از روشنفکران این دورهٔ ایران را تشکیل می‌دادند. یکی از خصال این گروه روش غیرمذهبی آنها بود. ولی بطور کلی وطنخواه بودند واحساسات ملی، فردگرایی وفلسفه مخصوص به خود داشتند.

مهمترین وموثرترین روزنامه‌های این دوره«شفق سرخ» بود که به‌مدیریت علی دشتی منتشر می‌شد. دشتی که به‌خانواده‌یی روحانی بستگی داشت و تحصیلات خودرا در کربلا وعراق گذرانده بود ازاین دسته روشنفکران روزنامه‌نگار بود. او تحصیلات مذهبی را درجوانی ترك کرد وبه روزنامه‌نگاری وفعالیت اجتماعی رو آورد. دشتی درآغازضد انگلیسی بودو تمایلات اجتماعی وسوسیالیستی داشت وحتی مدتی ازسیاست شوروی طرفداری می‌کرد. بطوری که درسال ۱۹۲۷ درجشن ده سالهٔ انقلاب روسیه شرکت کرد. ولی درسالهای بعد روش سیاسی او به تدریج عوض شد وبالاخره به مجلس شورای ملی راه یافت وبه نمایندگی رسید. «شفق سرخ» که حاصل اندیشه‌های اوبود بین روشنفکران و تحصیل کرده‌ها وجوانها طرفداران بسیارداشت. دشتی به ادبیات وفلسفه ومنطق علاقهٔ فراوانی داشت. وی تعدادی از کتابهای اروپایی از جمله «رازتفوق انگلوساکسون» را که یکی از نویسندگان فرانسه نوشته، به‌فارسی ترجمه کرد که مورداستقبال محافل ادبی ایران قرار گرفت.

مقاله‌های اودرشفق سرخ نامش را درمحافل سیاسی برسرزبانها انداخت و روزبه‌روز برشهرت وی افزوده شد. براثراین مقالات ومبارزاتی که در کابینه‌های وثوق‌الدوله و قوام‌السلطنه نمود، روزنامهٔ اوچندین بار توقیف شد وبالاخره خود وی برای مدتی به زندان رفت. دردوره زندان، دشتی خاطرات ادبی‌وسیاسی‌خود را تحت عنوان «ایام محبس» به نگارش درآورد. پس ازانقراض سلسله قاجار و تأسیس سلسله پهلوی، دشتی به تدریج از نویسندگی سیاسی دست کشید و برای مدت طولانی یعنی تاجنگ دوم جهانی واشغال ایران به نویسندگی ادبی مشغول شد وروزنامه «شفق سرخ» نیز تا سال ۱۹۳۴ توسط دوست اومیرزا یدالله‌خان‌مایل تویسرکانی که مدتی عضو هیأت نویسندگان روزنامه «ستاره ایران» بود، منتشر

می‌شد. نوشته‌های بعدی دشتی بطور کلی درقلمرو داستان پردازی وسپس تحقیق ادبی است و کتاب «فتنه» که یك داستان عشقی است از معروفترین رمانهای وی بشمار می‌رود.

یکی ازروزنامه نگاران ملی این دوره میرزاده عشقی مدیرروزنامه هفتگی «قرن بیستم» بود. عشقی درحقیقت روزنامه نگاری انقلابی وشاعری سیاسی بود. او که تحصیلات عالیه‌خودرا در دانشگاه استانبول در ترکیه‌تمام کرده بود،درسال ۱۹۱۸ به ایران بازگشت و به روزنامه‌نگاری پرداخت * . یکی از همکاران و نویسندگان « قرن بیستم» عباس‌میرزا اسکندری مدیرروزنامه «سیاست» بود که بعدها درتشکیل‌حزب توده‌ایران فعالیت موثری داشت**. میرزاده عشقی‌تمایلات کمونیستی نداشت بلکه روزنامه‌نگار جوان ملی و متعصبی بشمار می‌رفت که با دولت‌های آن زمان درجنگ وجدال قلمی بود. اوسلیقه و روش سیاسی مخصوص به خود داشت ودرسال ۱۹۲۳ که سردارسپه، نخست وزیرشد، عشقی روزنامه‌خود را مرکز حملات ومبارزات علیه سردار سپه قرارداد. چندین‌بار روزنامه‌اوتوسط کابینه‌های متعدد این دوره توقیف شد ، هنگامی که صحبت بر کناری احمدشاه و انقراض سلسله‌قاجار پیش آمد، عشقی مقالات متعددی علیه‌فکرحکومت جمهوری درایران نوشت ویکی ازروزنامه‌نگاران پرسروصدای این دوره بود . علاوه بر نویسندگی سیاسی وسرودن شعر، میرزاده عشقی نمایشنامه‌های متعددی نوشت و آثار ادبی اومورداستقبال هنرمندان ومحافل ادبی قرارگرفت . فعالیت روزنامه‌نگاری سیاسی کوتاه اوبا تشنجات وجنگ وجدالهای سیاسی داخلی همراه بود. عشقی در سی ویك سالگی توسط شخص ناشناسی در خانه خویش هدف گلوله قرار گرفت‌و کشته‌شد. ***

یکی ازروزنامه نگاران وشعرای سیاسی وافراطی این دوره محمد فرخی

یزدی مدیر روزنامه «توفان» چاپ تهران بود . فرخی سالهای اول فعالیت سیاسی را درزادگاه خویش، شهریزد، به سر برد ودرآنجا به سرودن شعر وتبلیغ آزادی مشغول شد . بعدها فرخی تحصیلات خودرا دریزد قطع کرد وعازم تهران شد.* انقلاب بلشویك‌ها درروسیه درفکر و نویسندگی اوتأثیر گذاشت . فرخی به‌سال ۱۹۲۱ میلادی‌روزنامه «توفان» رامنتشر کرد وپشتیبانی ازتوده‌هاومردم‌وکارگران وکشاورزان‌را شعارخودقرارداد. افکارسوسیالیستی‌اودراین‌دوره روزنامه «طوفان» رابه عنوان یك روزنامه طرفدار روسیه جلوه می‌داد ودراختلاف وتبلیغات‌داخلی روسیه وانگلیس درایران اوطرفدارروسهابود. بطوری که وقتی روزنامه «توفان» به علت مقالات تندی که علیه سیاست انگلیس درایران نوشته بود توقیف شد، فرخی به سفارت شوروی پناه برد وتحت حمایت روسها قرار گرفت . فرخی‌خود ازاین وضع راضی نبود وفعالیت ورقابت دول خارجی مخصوصاً ضعیف بودن‌دولت ایران را باعث اصلی طرفداری خود از روسها می‌دانست . به عقیدهٔ فرخی تنها باحمایت وپشتیبانی شورویها امکان فعالیت و ادامهٔ مبارزه وجود داشت . درمدت هفت سالی که «طوفان» منتشرمی‌شد روزنامه فرخی پانزده بارتوقیف شدوچندین باراداره این روزنامه وخود فرخی مورد حمله مخالفان قرار گرفتند . فرخی بالاخره دراوایل سلطنت رضا شاه کبیر به نمایندگی یزد انتخاب شد ودرمجلس شورای ملی به فعالیت سیاسی خود ادامه داد. ولی اختلاف او ورضا شاه اجتناب ناپذیر بود . بالاخره فرخی ایران را به سوی اروپا ترك کرد وتا سال ۱۹۳۲ در خارج ازکشوربود . پس از مراجعت به ایران تحت نظر قرار گرفت و در سال ۱۹۳۵ زندانی شد . سه سال بعد فرخی درزندان تهران درگذشت .**

## مجلات و روشنفکران و متجددها

قبل از جنگ جهانی اول مجموعاً بیش از ده یا پانزده نشریه که صورت مجله داشته باشد، در ایران منتشر نشده بود. همانطوریکه در فصول قبل دیدیم بسیار مشکل بود که بین کتاب وجزوه و مجله درمطبوعات قبل ازمشروطیت ایران تفاوتی قایل شد. مجله به روش جدید هنوز درایران متداول نبود. علاوه براین چندین مجله علمی وادبی هم که منتشر شد، به علت هزینه فوق‌العاده ونبودن خواننده وتیراژ قابل توجه، تعطیل گردید. نمونه اینگونه مجلات، نشریه‌یی به نام «بهار» بود که در ۶۵ صفحه به مدیریت یوسف اعتصام الملك بطور ماهانه درتهران به سال ۱۹۱۱ منتشرمی‌شد. پس از پایان جنگ جهانی اول وبه علت تحولات ادبی و سیاسی واقتصادی که درایران وممالك همسایه حاصل شده‌بود، بازارمناسبی برای نشرمجله پیداشد ودردهۀدوم قرن‌بیستم درحدود ده‌مجله علمی وسیاسی واجتماعی مختلف به زبان فارسی منتشر می‌شد که وسیلۀ ارتباط فکری و اجتماعی بین روشنفکران‌ومتجددهای‌ایران بود. مندرجات این مجلات اغلب به مسائل‌سیاسی واجتماعی عصراختصاص داده شده بود و ناشران و نویسندگان و مدیران آنها شخصیت‌های فرهنگی وعلمی و اجتماعی آن دوره را تشکیل می‌دادند.

یکی از پیشقدمان مجلات ادبی این دوره وحید دستگردی بود که مجله «ارمغان» را منتشر کرد. این مجله درسال ۱۹۱۹ درتهران تأسیس‌شد و شماره‌های اولیه‌آن حاوی مقالات تاریخی‌وادبی‌خاص‌ایران‌وگاه گزیده‌یی از آثار ادبی کشورهای اروپا بود. مجله «ارمغان» به‌منزله سنگرشعروادب قدیم ایران‌در برابر موج فرهنگی اروپا بود و مهمترین نقش را در ارتباط فکری بین شعرا و

ادبای سنت گرای این دوره به عهده داشت. این مجله در ۳۴ صفحه آغاز انتشار کرد ودوره اول آن که به مدت ۲۵ سال و بطور ماهانه منتشر می‌شد، از منابع تحقیق ادبی و تاریخی گذشتهٔ ایران بشمار می‌رود.

بعضی ازمجلات این دوره‌ایران درخارج از کشور چاپ می‌شد و بین تحصیل کرده‌ها وروشنفکران ایرانی خارج وداخل کشور خوانندگان باایمان وپراعتقادی داشت. درمیان نویسندگان این دوره که درانتشار ونویسندگی اینگونه مجلات فعالیت داشتند دوشخصیت سرشناس سید حسن تقی زاده وحسین کاظم‌زاده رابايد نام‌برد. عبدالله رازی یکی دیگرازنویسندگان فعال ایرانی مقیم خارج بود. تقی زاده که درانقلاب مشروطه اوایل قرن‌بیستم فعالیت داشت دریك خانواده مذهبی متولد شده بود. وی پس ازدرگذشت پدرش وارد مدرسه میسیون آمریکایی تبریز شد. فعالیت تقی‌زاده درجریان مشروطه وتشکیل مجلس شورای ملی‌اورا یکی‌از رهبران حزب دموکرات کردولی قبل از شروع جنگ جهانی اول به علت اختلافاتی که بین اووعده‌یی از رهبران حزب دموکرات پیش‌آمد، به اروپا رفت ومدت چند سالی درآلمان وبرلین اقامت کرد.* تقی زاده در آلمان با دختری آلمانی ازدواج کرد ومدت جنگ را دراروپا بسر برد ودربرلین باهمکاری سایر ایرانیها مجله «کاوه» را منتشرساخت. اولین شماره «کاوه» در۲۴ ژانویه ۱۹۱۶ و آخرین شماره دوره اول آن به تاریخ ۱۵ اوت ۱۹۱۹ طبع شد. دورهٔ اول مجله اغلب‌دوهفته یکبارمنتشر می‌شد وحاوی مطالب سیاسی وادبی واجتماعی بود. شش ماه پس ازتعطیل دورهٔ اول مجله، تقی زاده دوره دوم «کاوه» رابه نام «کاوه جدید» در۲۲ ژانویه ۱۹۲۰ دربرلین منتشر کرد. دورهٔ دوم «کاوه» ماهانه انتشارمی‌یافت این دوره بیشتر به مقالات ادبی واجتماعی اختصاص داشت.

ازجنبه ترویج افکار اروپایی و طرز فکر روشنفکران ایرانی، دورهٔ اخیر

مجله «کاوه» قابل تجزیه و تحلیل اجتماعی است. در سرمقاله اولین شماره دورهٔ دوم کاوه، تقی‌زاده سیاست عمومی مجله رابیان کرده است ویادآوری می کند دورهٔ اول مجله «کاوه» در زمان جنگ منتشر شد واکنون که جنگ خاتمه یافته‌است ودورهٔ صلح درپیش است این نشریه باید سعی و کوشش خود را به موضوعات‌ادبی واجتماعی اختصاص دهد. سرمقالهٔ «کاوه» سپس ایرانیهای داخل وخارج کشوررا به سه موضوع مهم روزمتوجه می کرد: اول اینکه ایرانیها باید تمدن وظواهر علم وصنعت‌جدید اروپارابی‌هیچ قید و شرط تحصیل وقبول کنند. دوم اینکه در اروپایی کردن‌خود، ایرانیها بایدزبان‌فارسی وادب قدیم ایرانی را حفظ کنندودر ترمیم وبسط آن بکوشند . و سوم اینکه ایرانیها باید در ترویج وبسط افکار فلسفی، صنعتی وعلمی اروپاییها وتأسیس مدارس ودانشگاهها ومراکزفرهنگی‌به شیوهٔ اروپایی فرصت را مغتنم شمارند ودراین امرپیشقدم شوند.

درحقیقت مندرجات«کاوهٔجدید» که‌نمایندهٔطرزفکر بسیاری ازروشنفکران ایرانی مقیم اروپا بود جلوه‌یی از اروپایی شدن فکر ایرانیها دراین دوره است. این‌عده عقیده‌داشتند باترویج فرهنگ اروپایی ومخصوصاًعلم‌وصنعت غرب‌بسیاری ازدردهای اجتماعی واقتصادی ایران دواخواهد شد. ازاین نظر برای‌دانشجویان وجامعه شناسان ایرانی دورهٔ « کاوه جدید » ومجلات همردیف آن یکی ازمآخذ جالب توجه تاریخ توسعه افکار اروپایی درایران بشمارمی‌رود. مجله «کاوه‌جدید» دردسامبر ۱۹۲۱ تعطیل شد. (۱۰)

مجله « ایرانشهر » کاظم‌زاده یکی دیگرازنشریات ایرانی متجدد ومروج فرهنگ غرب دراین دوره بشمار می‌رود. « ایرانشهر » تیراژ بیشتر و گسترش انتشاری بین‌روشنفکران این دوره داشت ومندرجات آن اغلب درزمینهٔ فرهنگ اروپایی بود ومقالات تاریخی وفلسفی آن توجه خواننده را به ایران قبل‌ازاسلام

جلب می کرد . « ایرانشهر » در حقیقت سخنگو و مبلغ فکر کاظم زاده بود و در اروپا و ایران طرفدار و خواننده بسیاری داشت . کاظم‌زاده و طرفدارانش مدتی در زوریخ( سویس ) جمعیت فلسفی مخصوصی تشکیل داده به بحث وانتقاداجتماعی وادبی وفلسفی مشغول بودند . کاظم زاده به ایران بر نگشت وتا سال ۱۹۶۲ که در اروپا در گذشت، مشغول تحقیق ونوشتن بود ومجموعاً درحدود سی کتاب چاپ ومنتشر کرد .

مجله« رستاخیز» چاپ‌قاهره که توسط‌رازی منتشرمی‌شد در ردیف‌اینگونه نشریات است.این مجله ماهانه‌بود واولین شماره‌آن به‌نام «سودمند» درسال ۱۳۰۵ درمصر منتشر شد. رازی در رشته‌های حقوق و تاریخ وفلسفه تحصیل کرده‌بود.و درشمار روشنفکرانی بود کـه نفوذ شدید روحانیان را سبب عقب ماندگی ایران می‌دانستند.اوفسادسیاسی واجتماعی ایران را درنتیجه ائتلاف این عده با مالکان و اشراف‌دولتی ایران می‌شمرد. رازی بعدها اسم مجله خودرابه«عصر پهلوی» تغییر داد ودرسال ۱۳۰۸ یا۱۳۰۹ که به‌تهران بازگشت مدتی‌آنرا درتهران منتشر کرد این مجله ۶۵ صفحه داشت وتا سال ۱۹۳۰ درایران منتشر می‌شد .

درمیان مجلاتی که درایران منتشر شد باید ازمجله «شرق» یاد کرد . مدیر و سردبیر این‌مجله سعیدنفیسی‌بود ، و«شرق» راباهمکاری محمدرمضانی ازناشران تهران ، درسال ۱۹۳۴میلادی‌به صورت ماهانه ودر۳۶ صفحه انتشارداد. مندرجات این مجله درمقایسه با « ارمغان » تنوع‌بیشتری داشت ومقالات فرهنگی‌واجتماعی وهنری مختلف درآن بود . ازشرق درمجموع ۱۴ شماره چاپ شد ولی در حدود ۳۶ تن ازنویسندگان مختلف ایران درآن مقاله واثر داشتند . سعید نفیسی در سالهای بعد همت و کوشش خودرا صرف تحقیق درادبیات ایران کرد . وبه‌تدریج ازروزنامه‌نگاری ادبی به استادی وتحقیق کشیده شد. لغت نامه وفرهنگ فرانسه

فارسی و همچنین چندین داستان ادبی از جمله « فرنگیس » از کارهای بعدی اوست . *

## روزنامه نگاری و روابط اجتماعی بین زنان

عموماً تا انقلاب مشروطه زنان نقش مهم و قابل توجهی در امور اجتماعی وسیاسی کشور نداشتند .

انقلاب مشروطه نه‌تنها تحول فکری و اجتماعی در مردان ایران ایجاد کرد بلکه درمیان زنان ایران نیز آگاهی قابل توجهی ایجاد نمود . مثلا درسالهای انقلاب مشروطه مخصوصاً درتبریز وتهران زنان در امور سیاسی وتشکیل انجمن‌های سری ودر تظاهرات وتشکیلات ملی و آزادیخواهانه شرکت داشتند . درسال ۱۹۰۹ روزنامه « حبل المتین » عکسی چاپ کرد که در میان فداییان مشروطه چند زن لباس مردانه پوشیده تفنگ به دست درگیر مبارزه بودند ویکی ازآنها کشته شده‌بود. درتهران درحدود شش انجمن سیاسی وسری از زنان تشکیل بود، که باانجمنهای انقلابی دیگر همکاری داشتند . درسال ۱۹۰۸ وقتی که معلوم شد محمد علیشاه تصمیم به انحلال مجلس گرفته است واز روسها کمك می‌طلبد، درحدود سیصدنفر از زنان درمقابل بهارستان به تظاهرات واعتراض پرداختند . در ۱۹۱۰ وقتی که دولت ایران قرضه ملی منتشر کرد ، اغلب زنان ایرانی جواهرات و دارایی خود را فروختند وبه دولت ملی کمك کردند . این فعالیتها به قدری درفکر«مورگان شوستر» کارشناس مالی آمریکایی اثرداشت که اودرخاطرات خود نوشت: « زنان ایران ازسال ۱۹۰۷ ( اعطای مشروطیت ) به بعد درشمار متجددترین . . . زنان دنیا درآمده‌اند . اینکه این امر باعملیات بی اثر آنها در قرون سابق مغایرت

دارد ، بی‌تأثیر است . این یك حقیقت است . *(۱۱)

انقلاب مشروطه باعث شد چندین مدرسهٔ دخترانه در تهران و شهرستانها تأسیس شود . درسال ۱۹۱۳ درحدود ۲۵۰۰ دانش آموز دختر درمدارس مختلف به تحصیل مشغول بودند. درحدود ده‌سال بعد این‌عده به ۱۷/۱۹۲ نفر رسید.(۱۲) به این ترتیب انقلاب مشروطه ایران بنیاد روزنامه‌نگاری و دانش و فرهنگ را بین زنان ایران توسعه داد .

خانم کحال ، زن دکترحسین خان کحال اولین روزنامه‌نگار زن ایرانی بود که نشریه « دانش » رابه سال۱۹۱۰ ( ۱۳۲۸ هجری ) درتهران منتشر کرد. این نشریه که بطور غیر منظم منتشرمی‌شد انحصار به زنان داشت . در واقع این دو روزنامه‌نگار، یعنی زن وشوهر،هردو درمطبوعات وانتشارات فعالیت داشتند . بطوری که قبلا دیدیم دکتر کحال روزنامه « استقلال ایران » را منتشرمی کرد. دکتر کحال مدتی نیز روزنامه‌یی به زبان فرانسه منتشر کرد که به زودی‌تعطیل گردید وفقط سه شماره ازآن چاپ شد . بنابراین خانوادهٔ کحال درسال ۱۹۱۰ درفعالیتهای روزنامه‌نگاری خود سه روزنامه مختلف چاپ می کردند که «دانش» یکی ازآنها بود **.

سه سال بعد در۱۳۳۱ هجری ـ ۱۹۱۳ میلادی مریم‌عمید ـ مزین السلطنه دومین روزنامهٔ مخصوص بانوان را به نام « شکوفه » در تهران منتشر کـرد . او دخترسید رضی‌رئیس‌الاطبا پزشك‌معروف‌قشون‌بود، ودومدرسهٔ‌دخترانه‌نیز‌درتهران تأسیس کرد .همچنین‌اولین‌انجمن زنان ایران رابوجودآورد.روزنامهٔ‌شکوفه که «توسط بانوان وبرای بانوان» چاپ می‌شد به مدت شش سال به انتشار خـود در

1- Independance de Perse

تهران ادامه داد و با مرگ خانم مزین السلطنه تعطیل شد .

بطور خلاصه از انقلاب مشروطه تا سال ۱۹۲۵ درحدود ده روزنامه و مجلهٔ مختلف توسط زنان در ایران منتشر شد و نویسندگان زن همچنین درهیأت نویسندگان سایر روزنامه‌ها کم و بیش فعالیت داشتند . یکی اززنان نویسنده فعال این دوره صدیقه دولت آبادی بود . او روزنامه « زبان زنان » را درسال ۱۳۳۷ هجری ـ ۱۹۱۹ دراصفهان منتشر کرد . این روزنامه که سالها به انتشار خود ادامه داد طرفدار آزادی و توسعه فرهنگ بین زنان کشور بود. خدمات سیاسی این روزنامه درمرحله امضای قرارداد ۱۹۱۹ وثوق الدوله و مخالفتی که این نشریه با نفوذ انگلیس‌ها درایران کرد، درخشان بود . درحقیقت «زبان زنان» به تنهایی مبارزه مطبوعاتی باقرارداد ۱۹۱۹ را در اصفهان به عهده داشت . مبارزات صدیقهٔ دولت آبادی برای بیداری زنان با مخالفت محافل مذهبی اصفهان روبه‌رو شد وادارهٔ روزنامه‌اش را بیش ازدوبار سنگباران کردند و سرانجام روزنامه‌اش توقیف شد . در ۱۹۲۱ دولت آبادی اصفهان را به سوی تهران ترك کرد و « زبان زنان » را به صورت مجله درتهران انتشارداد .

**تعدادی از روزنامه‌ها که توسط زنان بین سالهای بعداز مشروطه در تهران وشهرستانها منتشر شد**

| اسم روزنامه | مدیروسردبیر | تاریخ تأسیس | دورهٔ انتشار | محل انتشار |
|---|---|---|---|---|
| دانش | خانم کحال | ۱۳۲۸ هـ ـ ۱۹۱۰ م | غیر منظم | تهران |
| شکوفه | مریم مزین‌السلطنه | ۱۳۲۱ هـ ـ ۱۹۱۳ م | دوهفته یکبار | تهران |
| زبان زنان | صدیقه دولت آبادی | ۱۳۳۷ هـ ـ ۱۹۱۹ م | دوهفته یکبار | اصفهان |
| نامه بانوان | شهناز آزاد | ۱۳۳۸ هـ ـ ۱۹۲۰ م | دوهفته یکبار | تهران |
| عالم نسوان | نوابه صفوی | ۱۳۳۸ هـ ـ ۱۹۲۰ م | دوماه یکبار | تهران |
| جهان زنان | فخرآفاق پارسا | ۱۳۳۹ هـ ـ ۱۹۲۱ م | دوهفته یکبار | مشهد |
| نسوان وطن‌خواه | محترم اسکندری | ۱۳۰۲ ش ـ ۱۹۲۳ م | غیر منظم | تهران |
| نسوان شرق | مرضیه خانم ضرابی | ۱۳۰۴ ش ـ ۱۹۲۵ م | دوهفته یکبار | بندرپهلوی |

« جهان زنان » یکی دیگر از نشریات معروف این دوره بود . این نشریه که هردوهفته یکبار درمشهد منتشر می‌شد به مدیریت فخرآفاق پارسا در سال ۱۹۲۰ تأسیس گردید وشوهراوفخرالدین‌پارسا مدتی کارمند روزنامه «پلیس ایران» بود ـ که‌بعدها روزنامه ارشاد شد ـ درعین حال برای روزنامه‌های شهرستانها از جمله « نوبهار » خبرنگاری می کرد ومدتی با روزنامه رعد همکاری داشت . وهم چنین مجله‌یی به نام « راهنمای تجارت‌ایران »منتشر کرد که بعدهابه نام «عصر جدید » چاپ می‌شد . در « جهان زنان » فخرآفاق پارسا آزادی زنان و عوض کردن‌لباس وبرداشتن چادر را موضوع مطالب‌خود قرارداد وازآنها سخن گفت. این روزنامه بادقت فراوانی تنظیم وچاپ می‌شد ، بطوری که مدیرآن برای هر اشتباه دستور زبان یاغلط چاپی که خوانندگان درآن مجله‌پیدا می کردندجایزه تعیین کرده بود و این وسیله تبلیغی‌برای روزنامه بشمار می‌رفت. روزنامه«جهان زنان » چندین بارتوقیف شد وبه بی دینی متهم گردید . مبارزه این زن وشوهر به قدری محکم واستواربود که چون مخالفان آنها موفق به جلوگیری ازکارشان نشدند ، هر دو را به استانهای جنوب مرکزی تبعید کردند .

بطوری که دیده‌می‌شود، سالهای بعد ازمشروطه و مخصوصاً سالهای بعد از جنگ‌جهانی اول، شاهد فعالیت‌قابل توجه‌عده‌یی از روزنامه‌نگاران‌ونویسندگان زن ایران بود. ازخصوصیات این دوره اینست که عده‌قابل ملاحظه‌یی ازروزنامه‌نگاران زن درخانواده نویسندگان و کسانی که به روزنامه‌نگاری معروف بودند شروع به فعالیت کردند وعموماً آزادی طلب وخواستار فرهنگ و دانش وافکار جدید برای طبقه زنان بودند . روزنامه نگاری زن و شوهری یافامیلی یکی از مظاهر ارتباطات اجتماعی این دوره است .

## روابط مطبوعات با دولت و و با احمد شاه

درسالهای بین ۱۹۱۲ تا ۱۹۲۵ روابط بین دولت ومطبوعات ازیك طرف و مطبوعات واحمد شاه ازطرف دیگر بحرانی بود . دولتها وکابینه‌های مختلف این دوره نسبت به انتقاد ومندرجات مطبوعات حساسیت بسیار نشان می‌دادند. مطبوعات حزبی ومستقل این دوره نیز تند وخشن ، وپرانتقاد بود . ازطرفی دولتهای قبل و بعد ازجنگ جهانی اول بطور کلی با عمر کوتاهی که داشتند وبا نفوذ و رقابتی که بین دول بزرگ درایران موجود بود ضعیف و ناتوان بودند . احمدشاه نیز پادشاهی ضعیف بود ودرمقابل فشارهای داخلی وخارجی عجز نشان می‌داد. نتیجه این بود که جنگ وجدال سیاسی و خصوصی شدیدی بین مطبوعات و دولت و مطبوعات واحمد شاه بوجود آمد ودراین جریانات همیشه مطبوعات با توقیفهای مکرر که ازآنها می‌شد ازپادرمی‌آمدند .

مثلا درسال ۱۹۱۴ درکابینه مستوفی الممالك تمام روزنامه‌های تهران جز « ایران » چندین بارتوقیف شد . همانطور که دیدیم درنخست وزیری نود روزهٔ سید ضیاءالدین او نیز چنین سیاستی نسبت به مطبوعات پیش گرفت . بعدها در کابینه قوام‌السلطنه که سردار سپه سمت وزیر جنك را داشت تعداد زیادی از روزنامه‌ها توقیف شد وبسیاری از روزنامه نگاران ونویسندگان به زندان‌وتبعید فرستاده شدند . دراین دورهٔ سیزده ساله کابینه‌های مختلف برای مقابله و مبارزه بامطبوعات وگاهگاهی برای جلوگیری ازسوء استفاده‌ازآزادی مطبوعات، سعی کردند قوانینی به تصویب برسانند . قسمتی ازاین مقررات که برای تصویب و بحث به مجلس شورای ملی برده شد عبارت بود از : ( ۱ ) سانسور قبل از چاپ

مطبوعات ازطرف دولت، (۲) محاکمهٔ مطبوعات وروزنامه‌نگاران بی‌هیأت منصفه، (۳) اعطای اختیار به کابینه ونخست وزیر درتوقیف ولغوامتیاز روزنامه‌ها.

دوعلت اصلی ، باعث این اختلاف دامنه‌دار وطولانی دولت ومطبوعات شد و برآتش دشمنی روزنامه‌نگاران و دولت دامن زد . یکی ضعف دولت مرکزی ایران‌درمقابل خارجیها مخصوصاً انگلیسی‌ها وامتیازاتی‌که به دول خارجی‌می‌داد. دیگر کودتای سیدضیاءالدین وبی‌اعتنایی احمد شاه به امور داخلی ومسافرت او به اروپا وهم چنین قدرت روز افزون سردار سپه ـ که اختلاف نظرها و اغراض فردی وحزبی وسیاسی را به میان آورد و مطبوعات را بیش از پیش خشمگین و جسور کرد . قسمتی ازمطبوعات علیه احمد شاه و قسمتی علیه سردار سپه مبارزه می کردند . مثلا در ۱۹۲۲ میلادی موسوی زاده مدیر روزنامه « قیام » و ابراهیم ضیاءالواعظین مدیر روزنامه « ایران آزاد » به علت مقالات تندی که علیه احمد شاه نوشتند اولی به محاکمه دعوت شد ودومی تبعید گردید . *

خروش مطبوعات، توأم‌باجنك وجدال خصوصی‌ورقابتهای سیاسی‌بازیگران صحنه سیاست ایران به قدری قوت یافت و توسعه پیدا کرد که حتی عده‌یی از روزنامه‌نگاران مسئول این دوره را به ترس و وحشت انداخت و نسبت به آیندهٔ مطبوعات آزاد ایران نگران کرد. مثلا ملك‌الشعرای بهار مدیرروزنامهٔ «نوبهار» دریکی ازمقالات خود ( شماره ۶ ، ۸ عقرب ۱۳۰۱ ) از نبودن اصول سیاسی در روابط دولت ومطبوعات ایران سخن گفت و نوشت مطبوعات ایران باید برای آزادی خود احترام قایل شوند واز این آزادی که مشروطت به آنها داده سوء استفاده نکنند زیراا گر خود مواظب نباشند آزادی بدست آمده بطور کلی از دست خواهد رفت. تحولات سیاسی سالهای بعد که به‌استعفای احمدشاه وانقراض سلسلهٔ قاجاریه منتهی شد نشان داد مطبوعات سیاسی وحزبی و منفرد این دورهٔ

تاریخ ایران روزهای آخر خود را گذرانده است ورابطهٔ مطبوعات ودولت دراین روزها نبض سیاسی ایران را نشان می‌داد.

## مطبوعات وارتباطات پستی واجتماعی

ارتباط پستی نامرتب و کند ومحدود بین تهران‌وشهرستانها مانع مهم‌رشد مطبوعات این دوره بشمار می‌رفت. تاسال ۱۸۷۴ ارتباط پستی درایران بسیارعقب افتاده بودواین کارتوسط«چاپارچی‌باشی» ها انجام می‌گرفت که در مقابل انعام و پولی که از فرستندگان نامه‌ها دریافت می‌کردند، مراسلات آنها را به مقصد می‌فرستادند وازطرف دولت اقدامی برای تعیین قیمت خدمت چاپارها نمی‌شد. ازاقدامات دورهٔ ناصرالدین شاه تأسیس سیستم پستی وارتباطی جدید بود، بطوری که درآغازسال ۱۸۷۶ رابطه پستی تنظیم شدهٔ هفتگی‌بین شهرستانها وتهران‌دایر بود. درسال۱۸۷۷ ایران به عضویت اتحادیه پستی بین‌المللی قبول شد. ازاین سال به بعد رابطه پستی بین ایران وممالك خارجی برقرارگردید و اغلب مراسلات پستی به اروپا ازطریق تهران ـ باکوـ تبریزـ تفلیس فرستاده می‌شد وبسته‌های پستی به هند از طریق بوشهر ـبمبئی ارسال می‌شد. دراین سالها در حدود ۱۴۰ پستخانه درتهران وشهرهای مختلف ایران دایر بود.

افتتاح‌رابطهٔ پستی‌بین ایران واروپا ازیکطرف وایران وهند ازطرف‌دیگر به توزیع وانتشار کتاب، جزوه و روزنامه‌هایی که قبل از مشروطه در خارج از کشور طبع می‌شد، کمك کرد و این امراثر مهمی درترویج وتوسعه افکار آزادیخواهی وانقلابی اروپا در ایران داشت. مطابق آماری که موجود است در سال ۱۸۸۵ تعداد ۱/۳۶۸/۸۳۵ نامه، ۲/۰۵۰ کارت پستال، و۷/۴۵۵ نمونه پستی

و۱۷۳/۹۹۵ بسته پستی ازطریق پست ایران در داخل وخارج کشور رد وبدل شد. در سال ۱۹۰۲ ادارهٔ پست ایران جزو اداره گمرکات درآمد که توسط بلژیکی‌ها اداره می‌شد.

در دههٔ اول قرن بیستم وبخصوص درسالهای مشروطه، در بهترین شرایط، نامه و روزنامه ازطریق لندن وروسیه نه روزه به تبریزوده روزه‌به تهران‌وچهارده روزه به اصفهان وهیجده روزه به شیرازمی‌رسید. روزنامه‌های چاپ هند درمدت سه هفته واغلب چهارهفته به دست خوانندگان تهرانی می‌رسید. درفصل زمستان توزیع و رابطه پستی دچار درد سر و مشکل بود. تیراژ روزنامه‌ها در سالهای بعد از مشروطه توسعهٔ قابل توجهی نداشت و بالاترین تیراژ در حدود ۸ هزار شماره بود.

نشر آگهیهای دولتی وملی در مطبوعات بعد ازجنك اول بین المللی رو به افزایش گذاشت. بطوری که چندین روزنامه‌مثل «شرق»، «رعد» و «ایران» درحدود ۱۵ تا ۲۰ درصد کل مطالب خود آگهی داشتند. ولی اغلب روزنامه‌ها به علت تیراژکم ونبودن آگهی درمضیقهٔ مالی بودند واین وضع محیط اجتماعی مناسبی بوجودآورده بود که مطبوعات وروزنامه نگاران رابیش ازپیش‌درخدمت‌و وابستهٔ احزاب وجریانهای سیاسی قرار دهد. مطالب مطبوعات این دوره اغلب سیاسی بود و اخبار و گزارشهای خارجی نیز در تمام روزنامه‌ها افزایش یافته بود. بخصوص وقایع انقلاب روسیه، جنك جهانی اول، جامعه‌ملل، سیاست‌خارجی آمریکاییها و پرزیدنت ویلسون، همه به اهمیت امور خارجی می‌افزود. اغلب مطالب و رپرتاژهای خارجی، مقالات ترجمه شده از مطبوعات خارجی بود. روزنامه‌نگاری خبری ایران نیز تاحدی پیشرفت پیدا کرد وفن خبرنگاری‌شهری وپارلمانی تا حدی رسمیت و ترویج یافت. منبع بیشتر اخبار چاپ شده البته

دولت بود و بیشتر ستونهای روزنامه‌هارا انتصابات دولتی و تغییرات اداری اشغال می کرد .

امتیازمشخص مطبوعات این دوره، گسترش ادبیات‌اجتماعی وسیاسی‌وتمایل به ساده نویسی بود . نوشته‌های علی دشتی در « شفق سرخ » وعباس خلیلی مدیر اقدام نمونه پیوستگی روزنامه نگاری وروش ادبی این عصر بشمار می‌رود . قطع روزنامه‌ها ازچهار ستون به‌هفت ستون وهشت ستون افزایش پیدا کرد و روزنامه نمونهٔ این دوره مخلوطی ازسیاست و ادبیات وشعروداستان نویسندگان‌زمان‌بود، علاقهٔ مردم به دانش وفرهنك، افتتاح مدارس جدید، افزایش باسوادان که نتیجه انقلاب مشروطه ومحیط سیاسی واجتماعی جنك جهانی اول بود تاحدی به تیراژ روزنامه‌ها کمك کرده بود .

مثلا درسال ۱۹۲۵ تعداد ۲۴۸ مدرسه دولتی ، ۲۳۷ مدرسه ملی بهره‌مند از کمك مالی دولت وهم چنین ۱۰۷ مدرسه ملی در ایران وجود داشت . تعداد مدارس میسیونی نیزافزایش‌یافته بودودرهمین‌سال ۴۷ مدرسه خارجی‌انگلیسی و فرانسوی وآلمانی وروسی ، ۲۲۵ مدرسه ومکتب مذهبی و۹۸۳ کلاس خصوصی درایران مشغول کاربود. تعدادمحصلان‌پسر درحدود ۷۳/۹۹۸وتعداد محصلان‌دختر ۱۷/۱۹۲ تن‌بود. ازاین عده کل که بالغ‌بر۹۱/۱۹۰نفرمی‌شد۲۲/۶۶۰ نفردرتهران وبقیه درشهرستانها مشغول تحصیل بودند .

عدهٔ خیلی کمی ازروزنامه‌های دورهٔ مشروطه به انتشارخود درسالهای قبل وبعد ازجنگ جهانی اول ادامه دادند . درمدت سیزده سال بین ۱۹۱۲ تا ۱۹۲۵ تقریباً ۱۵۰ روزنامه جدید منتشر شد که اغلب آنها بیش از چند ماه و چند سال دوام پیدا نکردند . با انقراض سلسله قاجاریه ، روزنامه نگاری حزبی و سیاسی‌این‌دوره‌هم منقرض‌شد وباسلسلهٔ پهلوی،ایران ومطبوعات وروابطاجتماعی آن وارد عهد جدیدی گردید .

# منابع و مآخذ فصل نهم

(۱) ملك الشعرای بهار ، تاریخ مختصر احزاب سیاسی : انقراض قاجاریه ، امیر کبیر، تهران ، ۱۳۲۳ . ص ، ۸،۹و۱۰

(2) A . C . Millespaugh, The American Task in persia , The Century Company , New York 1925 , p . 141 .

(3) George Lenczowski , Russia and The West in Iran, Cornell University press , 1949 , p. 99 .

(4) J .M . Balfour , Recent Happenings in persia , William Blackwood and Sons, London, 1922. p. 246.

(۵) تاریخ مختصر احزاب سیاسی : انقراض قاجاریه . ص ، ۱۹

(6) Russia and the West in Iran , p. 148 ; and Christopher Sykes , Wassmuss : The persian Lawrence , London 1936 ;W. vonBlucher , Zeitenwende inIran : Erlebnisse und Beotachtungen , Biberach an der Riss 1949 , pp. 15-124 .

(7) Sir Clarmont Skrine , World War in Iran , Constable & Company Ltd . , London , 1962 , p. 30 .

(8) Vincent Sheean , The New persia , The Century Company , New York , 1927 , p . 21 .

(9) Recent Happening in persia , p . 426 ; and Russian and the west in Iran , p . 67 .

(۱۰) درآوریل ۱۹۶۳ مجله‌یی به نام «کاوه‌نو» به مدیریت محمد عاصمی‌درمونیخ ( آلمان ) منتشر شدکه تا این اواخر انتشارآن ادامه داشت .

(11) Morgan Shuster , The strangling of aersia , The Company , New York , 1912 , p . 191 .

(12) The American Task in persia , p . 106

# یادداشت‌ها

* **صفحهٔ ۲** : درتازه‌ترین تحقیق دربارهٔ صنعت کاغذ سازی که در « پیام » مجله یونسکو شماره۴۱ـدیماه۱۳۵۱انتشاریافته تاریخ‌اختراع کاغذدر چین به قبل ازمیلاد مسیح نسبت داده شده است .

دائرةالمعارف بریتانیکا ( جلد ۱۷ ـ صفحه ۱۷۰ ) وتمدن اسلام و عـرب « گوستاولوبون » چاپ تهران ـ صفحه ۶۴۰ به بعد درباره انتقال صنعت کاغذ به ایران مطالبی دارند ویادآوری می کنند ایرانیان ، درتولیدکاغذ با کمك اعراب ، به الیاف گیاهی و کتان روآوردند. پیش ازاین چینی‌ها ازپیلهٔ ابریشم برای‌تولید کاغذ استفاده می کردند . ولی کاغذی که ایرانیها ( در سال ۱۳۴ هجری قمری ) ارائه دادند ازکاغذ چینی مرغوبتر بود ودرهیچ‌جا نظیر نداشت .

گوستاولوبون پیدایش صنعت‌کاغذ رادرسمرقند به‌نخستین سالهای اسلامی نسبت می‌دهد . ولی سال ( ۷۵۱ میلادی ) بریتانیکا مصادف با زوال خلافت بنی‌ـ امیه وآغاز حکومت بنی‌عباس است . همانطور که انتقال صنعت‌کاغذ ازسمرقندبه بغداد۴۲ سال‌بعد ( به سال میلادی ) وزمان برامکه‌وخلافت هارون‌الرشید است. وبااین‌وصف هنوز درقرن چهارم هجری به گفتهٔ استخری‌در«حدودالعالم» کاغذی که درسمرقند تهیه می‌شود ، درهیچ یك ازاقطارجهان مانند ندارد .

* **صفحهٔ ۲۲ ـ ۲۱** : سر گذشت حریق کتابخانهٔ‌معروف وبزرگ‌سامانیان دربخارا که ابن سینا ، به پاداش درمان بیماری درمان ناپذیر امیر سامانی اجازهٔ حضور وبهره‌وری ازآن یافته بود، دربسیاری از کتابها آمده است. وشایع کرده بودند ، ابن سینا این کتابخانهٔ بی‌مانند را آتش زد تاپس از وی دست کسی بـه

دانشهای انباشته در آن نرسد .

* **صفحهٔ ۲۲ :** نهضت شعوبیه، که ریشه‌های فرهنگی داشت ، و جنبشهای گوناگون، که آخرین آنها حرکت « اخوان صفا » بود ، با توشه‌یی از آموزش فرهنگی و تأکید بر توسعهٔ آموزش و آگاهی و نشر هرچه بیشتر کتاب ، در خور یادآوری است .

این میراث، بعدها به‌صورت گنجینه‌های بزرگ کتاب درقلعه‌های پناهگاه اسماعیلیان ، پاسداری می‌شد و در احوال خواجه نصیر توسی آمده است که آن خرمن علمی وفرهنگی بی‌نظیر را ازمطالعه در کتابخانه قلعه‌های اسماعیلیان بدست آورده بود .

* * **صفحهٔ ۲۳ :** « برید » ، یا بنابرمعروف ، پیك سوار براسب دم بریده ـ که چابك‌تر می‌رفت ـ بعدها مطلق به ناقل خبرهای حکومتی ، گفته می‌شد سرانجام ـ درقرون جدید ـ به اداره پست اطلاق شد .

برید را عرب ازایرانیان گرفت ، وبنا برروایت « جرجی زیدان » ادیب و مورخ مصری، نخستین بار « معاویه » خلیفهٔ نخستین بنی‌امیه بود که بریدرابکار گرفت . و صاحب‌البرید که ازجانب خلیفه به هرولایت نماینده می‌فرستاد کارش دادن گزارشهای دقیق ازاوضاع اقتصادی، اداری واجتماعی وروابط وروحیه‌هابود ونقش امنیتی اوبروظیفهٔ گزارش‌نویسی می‌چربید .

مورخان روسی تاریخ‌ایران ازدوران باستان تاپایان‌سده هیجدهم‌می‌نویسند: «سلیمان ابن‌ابوالسری مردی بود ازمردم خراسان که اسلام آورد و مولای قبیلهٔ عربی عوف شد ودر زمان خلافت عمر دوم (که از ۷۱۷ تا۷۲۰ میلادی ۹۹ـ۱۰۲

هجری حکومت کرد ) اعراب به یاری وی در خراسان و ماوراءالنهر پست تأسیس کردند . »

وسپس به شرح اهمیت پست وبرید درایران پیش ازاسلام وخلافت‌اسلامی می‌پردازند . ( صفحه ۱۸۸ . جلد اول ـ چاپ دانشگاه تهران )

* * * **صفحهٔ ۲۲ :** قرنها پیش ازتیموریان ، این رسم‌نزد حکام‌وپادشاهان ایران جاری‌بود. وسامانیان ، صفاریان،غزنویان ، سلجوقیان ومغولان‌دردربارخود چنین سازمانی داشتند که درتاریخ‌ها آمده‌است وعلاوه بربیان مکرر کار«برید»ها چند جا سرگذشتهایی ازطرزکار خبرچینان وگزارشگران درتاریخ بیهقی آمده که احاطه آنها رابرکارها نشان می‌دهد، ازجمله ماجرای سلطان محمودوپسرش مسعود ـ که درجوانی به عشرت افراط می‌کرد ـ و ماجرای سلطان مسعود و خوارزمشاه که « نایب برید » سلطان مسعود ، درآن نقشی‌مهم داشت .

***صفحهٔ۲۳ :**درتاریخ مبارك غازانی ـ داستان غازان خان ـ یرلیغ در باب آنکه متوجهات ولایات که دیوان اعلی مفصل نوشته حوالت کنند وملوك و حکام ولایات اصلا برات ننویسند ـ ( قانون وضع وترتیب دریافت مالیات ) پس‌ازشرح مظالم دیوانی شیوهٔ قدیم، درفرمان چنین آمده‌است:«.. وتدارك این معنی‌را چنان اندیشه فرمودیم که چون به‌موجب قانون دیه به دیه وموضع به موضع مفصل و مقرر ومقنن گشته تمامت کتب ولایات رادرکتب خانه که متصل گنبد وخانقاه و ابواب البراست که در تبریز ساخته‌ایم ، جمع گردانیده‌اند و به معتبران سپرده ومرسوم ایشان داده تا محافظت نمایند وبرآن وقفی معین کرده چنانکه دروقفیه آمده ولعنت نامه نوشته تاهیچ‌آفریده‌آنراباطل نکند وهرمشکل که‌من‌بعدافتد

ازآنجا مطالعه نمایند واگر کسی را شرط نامه یالوحی که داده شده‌است ضایع گردد نسخهٔ ازآنجا بدهند تاثواب باشد ونسخهٔ ازآن دردیوان بزرگ و یکی درهرولایتی وشرط نامها دردست‌قضاةوارباب ورعایا نهاده فرمودیم تابه‌موجبی که مقنن گشته درهردیهی وموضعی برتختهٔ یاسنگی یا صحیفهٔ مس و آهن هر کدام که ایشان خواهند بنویسند وبرآن نقش کنند واگرخواهند به گچ کنده گری بنویسند وبردردیه یامسجد ومناره هر کدام که ایشان خواهند بنویسند و از آن یهود ونصاری بردرمعابد ودردیه وموضعی که خواهند وازآن صحرا نشینان‌میل بسازند به‌موضعی که صلاح دانند وحکایات ولایات به موجب قانون والتون تمغاء ما که معین شده بی‌زیادت ونقصان به‌حضورقضاة وسادات وائمه وعدول واکابرشهر آن نسخها بدهند ورعایای هردیهی وموضعی وهرصنفی را که در آن ولایات مال ومتوجهات معین‌شده الزام کنند تابزودی هریك درمدت بیست روزتمامت بموجب قانون‌آن چنانکه ذکررفته به گچ و میخ برمواضع مستحکم بکشند چنانکه سالهای بسیاربماند وهیچ‌آفریده تغییروتبدیل نکند وموضعی که وجوه‌العین‌مقرر باشد برقرار وجوه‌العین وآنچه اجناس مقررباشد به قراراجناس و هر یك ازآن اقسام به موجبی که میعادمقرر گردد اداءِ آن واجب شود ومأخوذات تمغا را نیز همچنین‌معین می‌شود تابرقرار برتختهٔ نویسند ودرهرقسمی‌ازآن اقسام که‌برتختهٔ نویسند برظهراین‌برلیغ مسودهٔنوشته‌شد تادانند که هرقسمی ازاموال مختلف که درولایات مختلف‌الحال مقنن ومعین گشته برچه‌وجه می‌باید نبشتن ومیعاد هریك کدام وقت‌وقبض وتسلیم هریك برچه وجه و چگونه است . باید که هرقسمی را چنانچه درمسوده مذکوراست برلوح نویسند تابه میعاد موسم معین وجوه العین را رؤسا ورعایای هردیهی وموضعی خویشتن برگیرند وبه میدان آورند .. » از پایان‌صفحه ۲۶۱ تا ۲۶۳ ـ تاریخ غازانی ـ چاپ هرتفورد انگلستان ۱۳۵۸هجری

مطابق ۱۹۴۰ مسیحی به تصحیح «کارل یان»

** **صفحهٔ ۲۳** : این مطلب، درمنابع موجود ،ونیزدرمتن معتبرزندگانی شاه عباس « تألیف نصرالله‌فلسفی ، استاد دانشگاه تهران ، که از بیان هیچ دقیقه دربارهٔ شاه عباس فروگذارنشده ، دیده نشد ، در کتابخانه‌هایی که می‌شد مراجعه کرد ، نیزسفرنامهٔ «دلاواله» نبود .

باوجودغرابت موضوع ، منبعی که مولف محترم ذکر کرده‌اند سندمطلب سخنرانیهای شاه‌عباس درمیدان عمومی اصفهان وضبط ونشرآن درکاغذهای منظم درشهرونصب به‌دیوارها ــ بشمارمی‌آید . مگردرتشخیص یاصحت نوشتهٔ‌جهانگرد ایتالیایی ازسراحتیاط ، تردید شود .

** **صفحه ۲۳** : نصرالله فلسفی در تألیف جامع‌خودبه نام « زندگانی شاه عباس اول » می‌نویسد : « مجلس نویس یا **واقعه‌نویس** پس از وزیر اعظم از همه درباریان دوره صفوی باشخص شاه محرم‌تر بود، وبه‌همین سبب اورا«عالیجاه مقرب‌الخاقان » می‌خواندند . در مجالس خاص و عام نزدیك شاه می‌نشست و در شوراهای سلطنتی شرکت می‌جست ، وچون تمام احکام شاهی به وسیلهٔ اونوشته و اجرا می‌شد وازهمهٔ اسرار دولتی آگاه بود ، امرای دولت وحکام وسرداران‌و مأموران کشوری ولشکری درجلب دوستی ومحبتش می کوشیدند ، تابه دستیاری وی خودرا به شاه نزدیکتر کنند .

**واقعه‌نویس** اجازه داشت که درهرموقع درمجالس خاص یا عام به خدمت شاه رود واستدعای خود یادیگران را به عرض برساند . زیردست اونیزیکنفربه عنوان **رقم نویس دیوان اعلی** وسه نفر دستیار ویك سررشته‌دار ثبت ارقام و

دورقم نویس ودوعضودفتری ویك نامه نگار خدمت‌می کردند. » (جلد ۲ ـ صفحه ۴۰۸ چاپ تهران ) وعین این مطلب در کتاب تذکرةالملوك تألیف دوران‌اشرف افغان آمده است . (از انتشارات طهوری ـ سال ۱۳۳۲ تهران )

* **صفحهٔ ۲۹ :** دکتر « لاکهارت » مورخ انگلیسی و محقق تاریخ نادر در سخنرانی مورخ نوروز ۱۳۱۷ انجمن همایونی آسیای مرکزی لندن می گوید : « نادر در بهار ۱۷۴۴ به قصد حمله به خاك عثمانی دراطراف همدان اردو زد . در اینجا هم یك مرد انگلیسی دیگر به نام « جوناس هانویی » به خدمت نادر رسیده شرحی از اردو و دستگاه نادر در یاد داشتهای خود ثبت کرده است . هانویی در خدمت کمپانی کشتیرانی‌روسی‌کارمی کرد وهمانموقع‌باشورشیان استرابادهمدستی کرده بود . ترکمنها دارایی او را غارت کرده و خودش را به اسیری بردند ولی هانویی‌به هرزحمت واشکالی که بود ازاسیری گریخت وبرای دادخواهی خودرا به نادر رساند .

* * **صفحهٔ ۲۹ :** « پربازن » اسقف یسوعی ، درسالهای آخرعمرنادر ، با اوبود . ومقام طبابت داشت . مشاهدات وی ازدوران نادر ونخستین سالهای پس ازقتل او ، به نام « نامه‌های طبیب نادرشاه » به فارسی ترجمه وچاپ شده است.

* **صفحهٔ ۳۰ :** درامور مذهبی ، نادر هیچگونه تعصب نداشت وشاید درایام جوانی به مذهب شیعه اعتقاد داشت ، ولی همینکه فرمانروا و سیاستمدار گشت مذهب شیعه یا سنی را فقط و فقط برای پیشرفت در سیاست روز بالا و پایین مـی آورد . ( از همان سخنرانی لاکهارت )

ونیز بعید است که از روحانیان یا علمای عصر وی که مخالفان اصلی حکومت نادر بودند، کسی چنین تقاضایی از نادر کرده باشد، می‌توان چنین کنجکاوی را به خود نادرنسبت داد. چنانکه در جلد دوم ـ صفحه ۳۸ ترجمه تاریخ سرجان مالکم‌انگلیسی ـ چاپ بمبئی (مورخ ۲۶ شعبان ۱۳۰۳ ه) واقعه به‌این شرح بیان شده: «... بعد ازمراجعت ازهندوستان حکم کرد که انجیل را ترجمه کنند وبعضی از رهاب روم‌وارمن به‌مدد میرزامهدی ترجمه ناقصی کرده بنظر وی رسانیدند واوباحضارقسیسان مسیحی وعلمای یهود وملاهای اسلام‌فرمان داده گفت تا آن ترجمه را بروی بخوانند واو بعد ازآنکه بنکات مضحکه‌آمیز، ادیان ثلاثه را مسخره کرد، درآخر گفت که اگرخدا حیاتی بدهد خود دینی‌به ازجمیع ادیان احداث خواهد کرد.»

* **صفحهٔ ۳۵:** توجه میسیونهای مذهبی غرب به‌مشرق زمین سابقه‌یی‌دراز دارد وبه دورهٔ ایلخانان مغول می‌رسد. ولی دردوران صفویه‌این توجه شکل منظم پیدا کرد. ومیسیونهای متعدد ازاروپا به ایران آمدند، که میسیون «کرملی» ها به خاطرفرمانهای مختلف شاه عباس‌برای حمایت یا کمك به آنها بیشتردراسناد تاریخی دوران صفوی به نظر می‌آید.

* **صفحهٔ ۳۷:** به عنوان مروری بر تاریخ چاپ وچاپخانه درایران، گزارش کارمیسیونهای مذهبی، ازجمله میسیونهای امریکایی، خالی ازفایده نیست. ولی خط سیری که‌کار آنهاطی می کند، تا اندازه‌یی ازخط تاریخ چاپ وتحول آن در ایران جداست. وبرای محقق علاقه‌مند، «تاریخ هیجده ساله آذربایجان» احمد کسروی، آنجا که به وقایع رضاییه وآذربایجان‌غربی می‌پردازد، درزمینه تعقیب

این خط سیر اهمیت بسزا دارد .

* **صفحهٔ ۴۳ :** « ادوارد براون» برخلاف این جهانگرد انگلیسی ، از سر آگاهی نظر دیگر می‌دهد :

«... کتب چاپی فارسی باوجود نواقصی که دارند از حیث خط خوش و صحافی محکم و کاغذ اعلا ممتازند و مورث ملال خواننده نمی‌شوند. بعضی از آنها مثل خط و خطاطان سنگلاخ و مثنوی کشف الابیات چاپ علاءالدوله واقعاً کتب دلپسند و زیبایی هستند و تقریباً تمام کتب چاپ ایران برطبع هندوستان ترجیح بین دارند ، اما این کتب را دراروپا به زحمت می‌توان بدست آورد...(صفحه ۳۲۴ـ تاریخ ادبیات ایران جلد چهارم ـ ترجمهٔ رشید یاسمی )

* **صفحهٔ ۴۶ :** علی اصغر شمیم مورخ معاصر و از مؤلفان کتابهای تاریخ دبیرستان، در کتاب « ایران دردوره سلطنت قاجار » که در بهمن ۱۳۴۲ از چاپ خارج شده ، درصفحه ۱۸۸، می‌نویسد: «نخستین روزنامه درایران دراوایل سلطنت محمد شاه انتشار یافت که نام مخصوص نداشت و میرزا صالح شیرازی مهندس آنرا اداره می کرد و یك نسخه از آن عیناً درمجله آسیایی انگلیس ( جلد پنجم ازسال ۱۸۳۹ میلادی ) نقل شده ودرابتدای آن نوشته شده است « اخباروقایع شهرمحرم‌الحرام ۱۲۵۳ دردارالخلافه طهران انطباع یافته » این روزنامه که بگفته نویسنده مقاله مجله انجمن آسیایی انگلیس ازچند سال پیشتر ازتاریخ مذکور چاپ می‌شده لااقل تاسال ۱۲۵۵ ( تاریخ تحریر آن مقاله ) باقی بود ولی سرنوشت بعدی آن معلوم نشد .

ادموند دوتامپل درتاریخ مختصر قاجاریه که درسال ۱۸۷۳ مسیحی مطابق

۱۲۹۰ هجری درپاریس طبع کرده درباب این روزنامه مینویسد « درعهد محمد شاه بسال ۱۸۳۷ میلادی ( مطابق ۱۲۵۳ هجری ) اولین باردر طهران روزنامه‌یی دولتی انتشار یافت واین روزنامه ماهیانه بود . تاریخ انتشار اولین شماره آن‌اول ماه مه ( دوشنبه ۲۵ محرم ۱۲۵۳ ) بود . این روزنامه باچاپ سنگی به قطع یك ورق بزرگ ازکاغذ خانبالیغ چاپ میشد وچاپ آن چندان عالی نبود . روزنامهٔ مزبور نام مخصوصی نداشت ، فقط درآخرصفحهٔ اول‌آن نشان دولتی ایران دیده میشد . همین روزنامه است که پس ازتغییراتی محسوس بصورت روزنامه وقـایع اتفاقیه روزنامه رسمی تهران درآمده است . ( و علی اصغر شمیم این مطلب را از کتاب « میرزا تقی خان امیر کبیر » تألیف عباس اقبال آشتیانی ـ چاپ تهران ، ۱۳۴۰ نقل کرده است ) .

ولی در مجلهٔ یادگار شماره ۲ مهرماه ۱۳۲۳ صفحه ۷۷ ضمن شرحی از دوران تحصیل میرزا صالح ، نویسنده او را ناشر اول روزنامهٔ فارسی در تهران می‌نامد . ودرشماره ۳ آبان ماه ۱۳۲۳ صفحه ۴۹ (سابقه تمدن جدید در ایران ) نخستین روزنامهٔ فارسی چاپی درایران ـ با دقت از روزنامهٔ میرزا صالح ، شمارهٔ اول‌آن، وسابقهٔ زندگی وآموزش میرزاصالح درانگلیس وانتشارسه ساله‌روزنامه به استناد تاریخ قاجار « ادمون دوتامپل » مؤلف فرانسوی که در سال ۱۸۷۳ در پاریس چاپ شده و « روزنامه انجمن آسیایی انگلیس » یاد شده است . ونیز در شماره ۷ مجله یادگار ـ اسفند ۱۳۲۳ متن طلیعهٔ کاغذ اخبار که مورخ رمضان ۱۲۵۲ است باشرح طبع شده که این مجموعه قدیم‌ترین وجامع‌ترین تحقیق درین باره بشمار می‌آید .

* **صفحهٔ ۴۷ :** تقی‌زاده درذیل صفحه ۳۳۴ جلد چهارم تاریخ ادبیات‌ایران

ادوارد براون، ترجمه رشید یاسمی می‌نویسد: قبل از ۱۸۵۱ هم روزنامه در ایران بود مثلا درزمان محمد شاه ( ۱۸۳۵ ـ ۱۸۴۸ ) و حتی در عهد فتحعلیشاه رجوع کنید به جریدهٔ کاوه مخصوصاً شماره۶ ازدوره جدید (ت ـ ز) . وحاشیه رادیگری چنین تکمیل کرده :

« مقاله‌یی که به آن اشاره می کنند درتاریخ ۹ جون ۱۹۲۱ درص۱۶ـ۱۴ کاوه انتشار یافته است. درین مقاله اشارهٔ مبهمی به‌وجود یك جریده فارسی‌هست که در دهلی به سال ۱۷۹۸ طبع شده است اما صریحاً مدلل می کند که در ۱۲۵۳ه/۸ ـ ۱۸۳۷ درطهران هم یك روزنامه دایر بوده است . (شماره۵و۶کاوه) .

* صفحهٔ **۵۵** : ذیل صفحهٔ ۷۱ « ایران در دورهٔ سلطنت قاجار » تألیف‌علی اصغرشمیم چاپ تهران ۱۳۴۲ آمده است :

« عباس میرزا ولیعهد وفرمانده کل قوای ایران در جبهه قفقازیه یکی از نزدیکان خودرا به نام‌میرزا صالح، که مدتی درانگلستان تحصیل کرده بود، برای مذاکره باپاسکیویچ به تفلیس فرستاد ولی نتیجهٔ قطعی بدست نیامد. » (دروقایع سالهای ۱۳۴۲ و۱۳۴۳ ه )

ودرمجله‌یادگار-سال اول شماره۳ـ ازمیرزاصالح به‌نام یکی‌ازشخصیت‌های سیاسی سرشناس دوران فتحعلی‌شاه وعباس‌میرزا یادمی‌شود ودرموارد متعدددیگر نیز به نام اودرتاریخ فتحعلیشاه ومحمد شاه برمی‌خوریم .

صفحهٔ **۶۵** : نزدیکی زمان‌انتشارکاغذ اخبار، بانشر نخستین‌روزنامه دردولت عثمانی درخورتوجه است ، با رعایت هم چشمی وعلاقه‌یی که به عنوان یك کشور اسلامی‌نسبت به عثمانی درددربار قاجار وجود داشت وریشهٔ آن در گذشته بود.در

تاریخ امپراتوری عثمانی آمده است :«باعلم به‌اینکه نیرومندی هر دولتی‌مرهون سیستم ارتباطی پیشرفته‌است،عثمانیان در سال ۱۸۳۴ سیستم پستی‌ایجاد کردند : و با توجه‌به‌اینکه‌راههای‌نامناسب کشور مانع گسترش‌بازرگانی‌وحرکت‌سپاهیان است ، به ترمیم‌وگسترش‌راهها همت گماشتند .

ترکان سیستم قرنطینه نیز تأسیس کردند . به سال ۱۸۳۱ ، روزنامهٔ رسمی کشور به نام « تقویم وقایع » تأسیس شد ، و در سال ۱۸۴۰ نخستین روزنامهٔ غیر رسمی انتشار یافت . مقارن جنگ کریمه سیستم تلگراف بوجود آمد ودر۱۸۶۶ نخستین راه‌آهن ترکیه دربین ازمیر وآیدین ( Aydin ) ساخته شد.» (ازصفحه ۱۰۳ کتاب « تاریخ امپراتوری عثمانی » تألیف « وین ووسینیچ » ترجمه سهل آذری چاپ تبریز فروردین ۱۳۴۶ »

* **صفحهٔ ۵۱** : محیط طباطبایی ، در جزوه ششم تقریرات تاریخ مطبوعات ایران ، صفحه دوم یاد آوری می کند : « میرزا صالح راجع به سه سالی که در انگلیس گذرانده سفرنامه مفصلی دارد که چهل سال پیش آنرا برای اولین بار درضمن « مقالات اعزام محصل به اروپا » به تفصیل در روزنامه‌شفق معرفی کردم ومطالب مفیدی ازمندرجات آن برای ترجمه احوال محصلین اعزامی استخراج شد وبه عرض هموطنان رسید . بعد ازسی واندی سال همان سفر نامه از روی نسخه موجود درلندن چاپ شد که‌بانسخه خط دست او وموجود درطهران‌مختصر اختلافی دارد . »

* **صفحهٔ ۵۳** : گیج مرکز مکران و اکنون جزو بلوچستان پاکستان

است به نوشتهٔ مؤلف « مآثر والاثار » ، در زمان ناصر الدین شاه ۲۰۰ هزار نفر جمعیت ایلی داشته است .

**صفحهٔ ۵۶** : برای شناختن زمینه‌ها واثرات مذهبی و اجتماعی این واقعه علاوه برمنابع مختلف، می‌توانید به کتاب شیخیگری ـ بابیگری «تألیف مرتضی مدرسی چاردهی ـ چاپ تهران انتشارات فروغی» و کتاب «فتنهٔ باب» تألیف «اعتضاد ـ السلطنه با تصحیح و توضیح و مقالات دکتر عبدالحسین نوایی » چاپ تهران انتشارات بابك مراجعه کنید .

* **صفحهٔ ۵۸** : این یادآوری دربارهٔ نام « روزنامه » وطرز کار بر د آن ،زمینهٔ دیگری است که ضرورت کنجکاوی در بارهٔ احتمال انتشار قدیم‌تر روزنامه‌را در ایران می‌رساند . و ضرورت تأمل دربارهٔ اشارهٔ تقی زاده‌را درمجلهٔ کاوه ، افزایش می‌دهد .

* **صفحهٔ ۷۴** : دربارهٔ روزنامه «زاراریت باهرا» نشریهٔ میسیون آمریکایی مقیم رضاییه وسایر نشریه‌های میسیون همان حکم اولین ماشین چاپ میسیون جاری است . به توضیح ( * صفحهٔ ۳۳ ) مراجعه شود .

* **صفحهٔ ۷۸** : « تحولی که در وضع ادارهٔ روزنامه پیش آمد ودرتغییر اسم وصورت ظاهر وطرز تنظیم اخبارآن اثر بخشید همانا انتقال ادارهٔ آن از تبعیت وزارت خارجه به وزارت علوم بود که تصدی‌آن از موقع تشکیل مجلس شورای دولتی در ۱۲۷۶ برعهدهٔ اعتضادالسلطنه قرار گرفت »

(از تقریرات محیط طباطبایی در درس تاریخ مطبوعات ایران جزوه دوم ـ صفحه ۵ و ۶)

* * **صفحهٔ ۷۸ :** محیط طباطبایی در تقریرات درس تاریخ مطبوعات ایـران :

« وقایع اتفاقیه ازپنجم ربیع‌الثانی ۱۲۶۷ انتشارخودرا آغاز کرد وتا سال ۱۲۷۷ که چهار صد و هفتادمین شماره آن به چاپ رسید به همان اسم و رسم وشکل خود باقی بود . تا آنکه درشماره ۴۷۱ کلمهٔ اتفاقیه را نخست از پهلوی وقایع بر داشتند ودر پی آن از شماره ۴۷۲ به نام روزنامهٔ دولت علیه ایران موسوم گردید . »

* **صفحهٔ ۷۹ :** ترتیب انتشار روزنامه بطور هفتگی برقرار بود تا درسال ۱۲۸۳ که وزارت علوم ازطرف شاه مقرر داشت که به جای روزنامهٔ مصور دولت علیه ایران چهار روزنامه بانامها وزمینه‌های جداگانه به چاپ برسد ، روزنامه دولتی بی‌تصویر ـ روزنامهٔ مصور دولتی ـ روزنامه ملتی بطور آزادی نوشته شود و روزنامهٔعلمی . گویا چنین مقرربود که درهرهفته ازماه یکی ازین روزنامه‌های چهارگانه انتشار یابد .

روزنامه دولتی که باحفظ شماره ترتیبی دنباله‌رو روزنامه دولت‌علیه‌محسوب می‌شد ونخستین شمارهٔ آن با رقم ۵۹۳ درسوم جمادی الاولی ۱۲۸۳ انتشار یافت **وآخرین شماره‌اش با رقم ۶۵۰ در تاریخ دهم ذی الحجه ۱۲۸۷ منتشر و** تعطیل شد . روزنامهٔ **مصور دولتی** پس‌ازتفکیک‌روزنامهٔ **دولت علیه ایران** به چهار روزنامه ، تا هنگام نشر **شرف** دیگر صورت انتشار نیافت ولی روزنامه‌های **ملتی وعلمی** به موازات **دولتی** تا ۱۲۸۷ منتشرمی‌شدند وسرانجام‌درسال۱۲۸۷ همچون روزنامه دولتی تعطیل شدند .

( تقریرات محیط طباطبایی در درس تاریخ مطبوعات ایران ـ
(قسمت دوم صفحه۷ )

* **صفحهٔ ۸۶ :** وجود چنین روزنامه‌هایی محل تردید است بخصوص که نمونه‌یی ازآن‌نیز دردست نیست. دراین مورد وچند مورد مشابه آن می‌توان توجه داشت که خاطرات سفر، وخاطره نویسی درسراسر دورهٔ قاجار مرسوم بوده است واغلب این خاطره نویسی‌ها « روزنامه » نامیده شده است . نظیر «روزنامهٔ سفر فرنگستان » ناصرالدین شاه که شاه خود مطلب را چنین آغازمی کند : « بسم‌الله الرحمن‌الرحیم ـ روزنامه سفر فرنگستانست که بمیمنت و مبارکی و بخواست خداوند تعالی وقادر بیهمتا وبخشنده مهربان بشرط سلامت مزاج مینویسیم : از طهران الی انزلی را سابقاً درسیاحت گیلان بتفصیل نوشته بودیم دراینجا بشرح و تفصیل حاجت نیست مگر خروج از دارالخلافه طهرانرا با وقایعی که تا انزلی روی میدهد انشاءالله تعالی مینویسم بعد ازآن از روز جلوس در کشتی تفصیل همراهان درطی **روزنامه کشتی** نوشته خواهد شد بعون‌الله تعالی وحسن‌توفیقه ». ادوادبراون ودیگران دراین مورد ممکن است دچار خطا شده باشند . ودر چند مورد که‌شاهدمثال ازحمل چاپخانه برقاطر وحضورنویسنده‌وخطاط آمده‌است، باید قبول کرد که‌این‌قبیل‌نشریه‌های‌خصوصی‌ومحدودوتفننی‌اگرچندهیأت‌روزنامه‌های دولتی زمان راهم داشته است ، به علت اختصاص یافتن آنها به زمان محدود و شماره‌های معدود ونشر اندك ، پس ازشصت سال وبیشتر که ازعمرروزنامه‌نگاری درایران می گذرد ، به روزنامه دیواری مدارس یا تقلیدکار روزنامه نویسی شبیه است ، ودرشمار روزنامه ، به عنوان وسیلهٔ ارتباط اجتماعی موثر نباید گذاشته شود . وجای چنین نشریه‌هایی در زمان تکوین روزنامه نویسی ، درون جدول

روزنامه به معنای وسیلهٔ ارتباط اجتماعی مورد بحث تألیف حاضر نیست . درمورد روزنامهٔ حکیم الممالك محیط طباطبایی ، نیز در تقریرات درس تاریخ مطبوعات خود این تردید را ابراز کرده است .

* **صفحه ۹۱** : « ... مملکت ملزیك بسیار آزاد ورتق وفتق امورات با مجلس پارلمنت است که وکلا آنجا جمع شده حکم می کنند مجلس پارلمنت عمارتی عالی ودرشهراست حال هم بازبود و کلا جمع بودند روزنامه نویسان این ولایت بسیارآزاد هستند هرچه بنویسند ، ازهیچکس باك ندارند .»

ـ و « . . . دولت سویس جمهوری است بسیار قواعد عجیبه در حکمرانی دارند کل سویس پنج کرور جمعیت دارد و منقسم به بیست ودوایالت است . هر ایالتی رئیس وحکمران ودیوانخانه علیحده دارد . هفت نفرهم رئیس دارند که یکی ازایشان هم‌برسایرین ریاست دارد امایکی یکی نمی‌توانندحکمی‌درکارهای عمده مملکتی وغیره بکنند. آن بیست ودونفراطلاع باین هفت نفرمی‌دهندهفت نفرهم‌بااطلاع‌وامضاء همدیگر آن‌کاررا میگذرانند درحقیقت‌رئیس کل‌وحکمران مستقل درهیچ ایالت وولایتی ندارند هروقت همگی درکاری اتفاق کردند مجری می‌شود والا فلا . وضعی است که نوشتن وبیانش اشکال کلی دارد و این روزنامه گنجایش شرح قانون حکمرانی و جزئیات قواعد دولت سویس را ندارد و بیش ازین هم‌لازم نیست قشون حاضر رکاب هم ندارند هروقت جنگ باشد جمعیت را مسلح ومنظم کرده‌بجنگ می‌برند ودروقت جنگ صدهزارقشون می‌توانندحاضر کنند. » (صفحات ۸۰ و۱۷۱ کتاب سفرنامه ناصرالدین شاه ـ چاپ میهن۱۳۴۳ ناشرسازمان‌انتشارات اندیشه اصفهان‌و کتابفروشی مشعل اصفهان .)

* **صفحه ۹۲ :** در تقریرات محیط طباطبائی قسمت سوم ، صفحه ۷ آمده است : «دراینجا تذکر مطلبی ضرورت دارد وآن خریداری مطبعه حروف سربی درموقع سفرشاه به اروپا بوده که چاپخانه حروف لاتینی هم از اسلامبول خریده شد ودرتهران بدان ملحق گشت با این حروف کتاب لغت فرانسه ـ فارسی ناقصی که تألیف آن رابه صنیع‌الدوله وشاه نسبت داده‌اندچاپ شد ومیخواستندروزنامه ایران را باآن انتشار بدهند تا شکل روزنامه عصری پیدا کند اما این چاپخانه درضمن‌کار خیلی زود شکست وروزنامه‌ای را که میخواستند با آن انتشار بدهند دوباره‌به همان چاپ سنگی قبلی‌طبع ونشر گردید .

بارون نرمان بلژیکی مهندس‌معادن که برای انجام امور دیگری استخدام شده ودرنتیجه بر کناری سپهسالاروجودش‌بیفایده مانده‌بود اودرصدد تعمیر مطبعه حروفی و شکسته برآمد و آن راپس از ترمیم برای چاپ متون لاتینی آماده ساخت . مرکب از حروف فارسی و در این چاپخانه یك شماره روزنامه جدیدی به زبان فرانسه وفارسی به‌چاپ رسید وانتشاریافت که ازحیث اسلوب‌بیان مطلب، شیوه تازه‌ای را دروضع روزنامه نویسی ایران آغاز میکرد . سخن از چیزهایی در میان آورد که گوش حکام آن عصر در ایران به شنیدن آنها آشنا نبود . این روزنامه وطن یا (لاپاتری ـ ( Lapatrie ) ) نام داشت و در پنجم فوریه ۱۸۷۶ مطابق نهم محرم ۱۲۹۳ اولین وآخرین شماره آن درتهران چاپ وتوزیع شد وچون دولت علیه « یعنی شاه » بنابه قول‌شیندلر « خیالات (یعنی افکار)مدیر را نپسندیدند روزنامه وکارخانه چاپ را منسوخ نمود. یعنی تعطیل کرد. »

واقبال‌آشتیانی درشماره ۷ مجله یادگارسال اول‌صفحه۱۴ به‌بعد می‌نویسد: «اگرچه دراین تاریخ دیگر مرحوم سپهسالارآن شوق و قدرت سابق را نداشت

لیکن باز به تعقیب خیالات اصلاح‌طلبانهٔ خود پرداخت ودراین راه‌ازبارون‌دو نورمان بلژیکی که بدعوت او بایران آمده بود استعانت جست و بارون دونورمان ازیك طرف بنوشتن رساله‌یی درخصوص تاریخ راه‌آهن دردنیا وطرح اتصال راه‌آهنهای اروپا بخطوط آسیا وراه سرتاسری ایران ازشمال غربی بمشرق شروع کرد و از طرفی دیگر کمك کارمرحوم سپهسالار درراه انداختن‌چاپخانه سابق‌الذکر وایجاد روزنامه‌یی درتهران بدو زبان فارسی وفرانسه گردید .»

و « ••• درهمین سال ۱۲۹۲ بارون دونورمان چاپخانه‌ای را که مرحوم سپهسالار دوسال قبل‌درایام صدارت خود ازاسلامبول خریده‌وتااین تاریخ‌درطهران بیکار و باطل مانده بود باشارهٔ آن مرحوم اصلاح نمود وبکار انداخت وسپهسالار اورا واداشت که درآن دستگاه روزنامه‌ای بدو زبان فرانسه و فارسی بنام وطن ( بفرانسه لاپاتری ) منتشر سازد. شمارهٔ اول‌این روزنامه درتاریخ شنبه نهم‌محرم ۱۲۹۳ قمری برابر با پنجم فوریه ۱۸۷۶ ازطبع خارج شد اما همینکه مقالهٔ‌اول آنرا برای ناصرالدین‌شاه خواندند وازمضمون‌آن اطلاع حاصل کرد امربتوقیف آن‌داد وبارون دونورمان مورد بیمهری شاه قرار گرفت . »

سپس درمجله یادگار ، سرمقاله روزنامه وطن، که درسفرنامه‌خانم«کارلاـ سرنا » ی ایتالیایی نقل شده ــ به فارسی ترجمه ودرادامه مطلب چاپ شده است ( ازنیمه صفحه ۱۵ تانیمه صفحهٔ ۱۷ ) .

* **صفحه ۹۷ :** ازتقریرات محیط طباطبایی ــ جزوه ۳ ــ صفحه ۶ـ « . . . سپهسالار ••• روزنامه « نظامی » را ازاواخر ۱۲۹۳ ( هجری ــ ۱۸۷۶ میلادی) به عنوان نشریهٔ مخصوص آن مدرسه بنیاد نهاد وادارهٔ آنرا به یکی ازمهندسان تحصیلکرده مدرسه نظامی پاریس به نام میرزا عباسخان سپرد وبرخی از معلمان

همان مدرسه را در نگارش مقالات روزنامه شرکت داد در حقیقت این روزنامه چون عنوان وجنبهٔ « نظامی » داشت درآغاز امر ازدخالت صنیع‌الدوله در امان بود ودرآن اعلام شده‌بود که «این روزنامه رسمی ودولتی نیست» وازمردم خواسته بودند که « هر قسم مطلب که مناسب روزنامه باشد » بنویسند و بفرستند تا در صورتی که خلاف رسم وقانون مملکت نباشد « درآن به طبع برسد » وپس ازچهل سال سابقه عمل چاپ وانتشار روزنامه درایران به خوانندگان خود اعلام داشته بود « که برای تصنیف وتألیف این روزنامه مجمع خصوصی منعقد است» .

درحقیقت سه موضوع مربوط به روزنامه‌نگاری که درایران بی سابقه بود با انتشار نظامی خاطرنشان گردید : « قید عدم دولتی بودن نشریه ـ ودرخواست شرکت مردم درتحریر مقالات ـ وتشکیل هیأت تحریریه » . روزنامه نظامی از ذی قعده ۱۲۹۳ تا ربیع‌الثانی ۱۲۹۴ بطورهفتگی انتشار می‌یافت ودر این ماه به سبب نا معینی تعطیل شد . یك ماه بعد ازانتشار روزنامهٔ « نظامی » روزنامه علمی دردایرهٔ طبع ونشری که تابع محمد حسنخان صنیع‌الدوله بود انتشار یافت و تا جمادی الاخر سال ۱۲۹۷ که با عزل سپهسالار از وزارت جنگ وخارجه چندان فاصله‌یی نیافت طبع ونشرآن ،ادامه‌داشت ودراین مدت چهارسال ۶۴ نمره ازآن انتشار یافت . »

* صفحه۱۰۲ : علاوه برسید جمال الدین که نقش عمده درترتیب سازمان سیاسی وفکری علیه ناصرالدین شاه داشته است ، میرزا ملکم‌خان باشخصیت‌های دیگر ازجمله میرزاآقا خان کرمانی ـ مقیم استانبول ومیرزا فتحعلی‌آخوندزاده روشنفکر و نویسنده معروف ساکن قفقاز در ارتباط وهمکاری نزدیك بوده ، که همکاری بامیرزا آقاخان کرمانی به منزلهٔ ارتباط بواسطه باسید جمال‌الدین‌نیز

بشمار می‌آید .

می توانید برای شاهد مطلب به کتاب تحقیق در افکار میرزا ملکم خان مراجعه کنید .

* **صفحه۱۰۳** : « مجموع آثاراورابه چندقسمت می‌توان کرد: ۱ـرسالات که عبارتند از : دفتر تنظیمات ، مجلس تنظیمات ، اصول ترقی ، دفتر قانون ، دستگاه دیوان ، پولتیك ایران چیست ، مرو و ترکمان ، روشنایی ، فرقهٔ کج بینان، صراط المستقیم ، مداخل ومخارج ، فراموشخانه، اصول آدمیت ، اشتهار نامهٔ آدمیت ، ندای عدالت ، توفیق امانت ، کلام ، حجت ، مفتاح ، مذهب دیوانیان ، برآن مجموعه باید این چهاراثررا هم اضافه کرد: یکی مقاله‌یی‌راجع به اوضاع عدلیه ، دیگر قطعه‌یی دردفع ظلم که میرزا فتحعلی آخوند زاده ، به این عنوان‌ثبت کرده : «بیان مطلب عالیست که درسال ۱۲۸۰ ( ۱۸۶۳ ) از تقریر خود جناب روح‌دراسلامبول » شنیده است . سوم « بسط وتفصیل مطالبی است که آخوندزاده درچند مجلس ازملکم خان شنیده و نقل کرده است . چهارم خطابه ملکم راجع به « مدنیت ایرانی » که در ۱۸۹۱ / ۱۳۰۸ درلندن ایراد کرده‌است ودرمجله ( The Contem Porary Review ) به چاپ رسیده است.

۲ـ سه مناظرهٔ انتقادی که به ترتیب تحریر عبارتند از : رفیق و وزیر ، شیخ و وزیر ، وشیخ وحقیر ، رفیق و وزیردرشرح دفتر تنظیمات است ودرحدود ۱۲۷۶ نوشته ، شیخ و وزیر راجع به اصلاح الفبامی‌باشد که دراسلامبول‌نگاشته درحدود ۱۲۸۵ ، شیخ وحقیر را دردفاع ازصدارت میرزاحسین خان مشیرالدوله وپس ازعزل او در۱۲۹۰ نوشته .

۳ـ روزنامهٔ قانون که از۱۳۰۷ تا اوایل ۱۳۱۶ درلندن به طبع می‌رسید و

رویهم رفته چهل ویك شمارهٔ آنرا دردست داریم.

۴ـ «کتابچه»های رسمی که دربارهٔ مسائل شخصی نوشته ودرواقع قسمتی از گزارشهای دولتی اوست که در مدت مأموریت خود ازسفارت ایران در لندن و روم فرستاده است . این کتابچه‌ها از گزارشهای رسمی عادی ونامه‌های خصوصی اومجزا می‌باشد .

(از کتاب تحقیق درافکار میرزا ملکم خان ناظم الدوله تألیف دکتر فرشته نورایی ـ چاپ تهران ۱۳۵۲ ـ ناشر «کتابهای جیبی» ـ صفحات ۲۸ ـ ۲۹)

* * **صفحه ۱۰۳** : درمیان همکاران «میرزا ملکم خان» نام «هاشم آقا ربیع‌زاده» درمنابع فارسی ودر کتاب شرح حال اودیده نشد ولی علی‌الظاهر باید این «هاشم‌آقا ربیع زاده» همان باشد که در «تقریرات تاریخ مطبوعات محیط طباطبایی» درباره‌اش آمده است : «در اوایل مشروطه یکی از آزادیخواهان آذربایجانی بیست وپنج شماره از قانون را بدست آورد ودرتهران از نو به چاپ رسانید وانتشارداد واین‌تجدیدچاپ قانون است که فعلادر کتابخانه‌های‌خصوصی و عمومی ایران جای دورهٔ کامل را گرفته است .

درصفحه ۴ «تقریرات تاریخ مطبوعات ایران قسمت هشتم»

ودر کتاب «تحقیق درافکار میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله» هم آمده است که «... پس ازتعطیل‌آن‌نیز همچنان مورد علاقهٔ عموم بود ونسخه‌های دستنویس آن توزیع می‌شد . دردوران مشروطیت هم دوره‌یی ناقص ازآن مجدداً در تهران به طبع رسید . »

* * **صفحه ۱۰۳** : شمارهٔ اول قانون در اول رجب ۱۳۰۷ هجری قمری

( ۲۰ فوریه ۱۸۹۰ ) منتشر شد وشمارهٔ چهل ویکم ( آخرین شماره که تاریخ دقیق ندارد ولی ازوقایع ماه اول‌سال ۱۳۱۶ هجری قمری خبرمی‌دهد ) درآغاز این سال . واز تسلسل منظم روزنامه نشانی درین انتشار نیست. یعنی قانون‌بطور متوسط، هرچهار ماه یك شماره منتشرشده است که چون فاصله انتشار شماره ها یکسان نیست ، گاه شش ماه فاصله انتشار دو شماره روزنامه بوده است .

* **صفحهٔ۱۰۵** : به نظرمی‌آید که درین پاراگراف وقایع اندکی درهم آمیخته است. کسروی درتاریخ انقلاب مشروطه ، که وقایع رادسته بندی کرده، دربارهٔ تحریم امتیاز تنباکو در صفحه ۱۵ می نویسد : « پیش از همه تبریز بکار برخاست ومردم آگهی‌های کمپانی را که به دیوارها چسبانیده بود پاره کردند وبجای‌آن‌نوشته‌های شورآمیزی چسبانیدند. امیر نظام گروسی پیشکارمظفرالدین میرزا و والی شهربود ولیعهد ازو خواست که بامردم سخت گیرد وبه شورندگان کیفردهد، امیرنظام نپذیرفته واز کارکناره جویی نمود . کمپانی ناگزیر شده خواست دلجویی نماید و چنین پیش‌نهاد که کارکنانش در آذربایجان جز از آذربایجانیان نباشد ، ولی مردم این را نپذیرفتند و درشور و تکان ایستادگی نمودند . »و در صفحات ۱۵۰ ـ ۱۵۱ تاریخ مشروطه‌ضمن بحث‌از بیداری تبریز می نویسد :

« اینان کم‌کم یکدیگر را شناخته و دسته‌یی گردیده و به کوششهایی می‌پرداختند ، ما ازآنان کسانی را می‌شناسیم‌و کسانی را هم نامهاشان شنیده‌ایم ، واینك آنچه می‌دانیم دراینجا می‌شماریم : میرزا خدا داد حکاکباشی، برادرش میرزا محمود ، سید حسن تقی زاده ،میرزا سید حسینخان ( عدالت ) سید محمد

شبستری (ابوالضیاء)، سید حسن شریفزاده، میرزا محمد علیخان تربیت، حاجی علی دوافروش، میرزا محمود غنی‌زاده، حاجی میرزا آقا فرش فروش، کربلایی علی مسیو، حاجی رسول صدقیانی، **میرزا علیقلیخان صفروف**، آقامحمد سلماسی، جعفر آقا گنجه‌یی، میرزا علی اصغر خویی، میرزا محمود اسکویی، مشهدی رجب.»

ودر باره **علی قلی خان صفروف** اشاره‌های روشن دارد:

«... و کسانی ازایشان، که تقی‌زاده وشریف زاده و ابوالضیاء وتربیت و عدالت وصفروف باشند، دانش نیزاندوخته وبرخی از زبانهای اروپایی رامی دانستند ودرحبل المتین ودیگر جاها، گفتارها می نوشتند.» و« شگفت تر ازهمه کارصفروف است که «راپورتچی باشی» محمد علی میرزا می‌بوده که راپورتها که می‌رسیده از زیردست اومی گذشته، وباچنین کاری خود ازآزادیخواهان می‌بوده وبا آنان همراهی وهمدردی می نموده، وبهنگام خود یاوریها می کرده وآنان را ازگرفتاریها رها می گردانیده. این صفروف روزنامه‌یی به نام «احتیاج» برپا کرد که چند شماره ازآن بیرون آمد. ولی چون سخنانی نوشت که به محمدعلی میرزاناخوش افتاد با دستور اوچوب به پایش زدند واز روزنامه‌اش جلو گرفتند.»

(این علی قلیخان، پس ازآنکه محمد علی میرزا به تهران آمدوچاپخانه دولتی را درتبریزفروخت به سرمایه حاجی میرزا آقا بلوری، خریدار چاپخانه، روزنامه «آذربایجان» را باشیوهٔ روزنامه ملانصرالدین، مدت یکسال انتشارداد. به صفحه ۲۶۹ تاریخ مشروطه رجوع کنید.)

ودربارهٔ ناشران شبنامه، کسروی می‌نویسد (صفحه ۱۵۱): «یکدسته که حاجی رسول وجعفرآقا وعلی‌سعید ومیرزا علی اصغر خویی وآقا محمد سلماسی باشند نشستی می‌داشتند که شبنامه‌ها نوشته وباژلاتین به چاپ رسانیده ومیان مردم پراکنده می گردانیدند..»

اما منبع مولف حاضر، کتاب تاریخ مطبوعات « ادوارد براون » مستند به گزارش تربیت است که یك جا بحثی نه چندان روشن دربارهٔ صفروف واشاره‌یی به شبنامه نویسی او دارد. وجای دیگر به شماره ( ۲۱۷ ـ شبنامه ) می‌نویسد «نشریه‌ایست که‌درحدود سال ۱۳۱۰ هجری قمری مطابق۱۸۹۲ میلادی درتبریز پدید آمده وبه قلم علیقلی‌خان ناشر احتیاج وآذربایجان‌نگارش یافته است.» که این تاریخ نیزبعد ازماجرای تنباکوست.

* **صفحه۱۰۵** : لغو امتیاز تنباکو، فتح بزرگ ملی در برابر حکومت استبدادی ناصرالدین شاه بود، دراین زمینه اتفاق نظرمیان نویسندگان تاریخ مشروطه وجود دارد، ولی سهم عمده واصلی را درین مبارزه روحانیان داشتند. نویسندگان وآزادیخواهان ایرانی نیز ازطریق روزنامه‌هایی که درخارج منتشر می‌شد، وازطریق تهییج روحانیان درین نهضت نقش موثر ایفا کردند.

باتوجه‌به امکانات ارتباطی، وانتقال خبروقایع در دوران مورد بحث‌می‌توان احساس کرد که ازدادن امتیاز تا لغوآن زمانی درازتر از ۴۸ ساعت فاصله بوده است. اوج این نهضت در اجتماع مردم تهران وحرکتشان به جانب ارگ، و تیراندازی قوای حکومتی به جانب آنها و کشتار بیست‌تن ازجمعیت‌بود. وممکن است فاصله این حادثه با لغو امتیاز ۴۸ ساعت باشد.

* **صفحه۱۰۹** : دربارهٔ حبل‌المتین‌در کتاب « براون » آمده است: «قسمتی ازحبل‌المتین همیشه به‌مواضیع مذهبی اختصاص دارد. وقهرمان «اتحاد اسلامی» بشمار می‌رود. یکی ازحوادث بسیارمهم درعمراین نشریه، ادامهٔ انتشار آن بعد ازتوقیف جراید فارسی منتشره درخارجه توسط امین‌السلطان به‌سال‌هزاروسیصدو

هیجده هجری قمری ( هزار و نهصدویك میلادی ) ومساعی مبذوله توسط حبل‌المتین در راه انفصال مشارالیه ، بخصوص ازطریق طبع ونشر نسخ عکسی « تکفیر نامه » امین‌السلطان به امضای مجتهدین نجف درتمام ممالك عالم است • • ونیز باید مساعی جمیله وموثر حبل المتین کلکته ، طی دوره استبداد صغیر ، در راه استقرار مجدد رژیم مشروطیت ، و وارد کردن علما ( مراجع تقلید مذهبی ) به فعالیت ( در راه آزادی ) تذکر داده شود . »

براون درهمین کتاب ذیل‌شماره‌های ۱۳۶ ، ۱۳۷ و۱۳۸ یادآوری می کند، حبل‌المتین چاپ سنگی در۱۲ صفحه به قطع بزرگ ، وحبل‌المتین چاپ سربی در۱۶ صفحه‌به قطع کوچکتر وهفتگی منتشرمی‌شده است ، وحبل‌المتین تهران و رشت که برادرمؤیدالاسلام انتشار داده درچهارصفحه به قطع بزرگ روزانه به چاپ رسیده .

( صفحات ۳۳۵ تا ۳۴۱ جلد دوم تاریخ ادبیات ومطبوعات ایران در دورهٔ مشروطیت ـ ترجمه محمد عباسی ـ مرداد ۱۳۳۷ ـ ناشرمعرفت . )

**صفحه۱۱۰ :** با وجود یادآوری قبلی‌دربارهٔ « عروة الوثقی » روزنامه‌یی که سید جمال‌الدین‌اسدآبادی وشاگردانش درالازهر، مدتی درپاریس منتشر کردند، خوانندگان توجه دارند که این روزنامه افقی اسلامی و منطقه‌یی داشته است و اگربه مناسبتی نام ایران درآن آمده ، درکادر یکی از کشورهای اسلامی بوده . زبان روزنامه که عربی بوده است وترکیب گروه یاران‌سید درنشرآن، وسیاستی که‌دنبال می کرده،به « عروة الوثقی » هویت و هیأت روزنامه عربی و اسلامی می‌دهد تا هویت خالص ایرانی .

* **صفحه۱۱۴** : دربارهٔ میزان‌ملی وایرانی بودن « التودد » به‌شرح براون درکتاب سابق الذکر ( ذیل شمارهٔ ۱۱۱ ) توجه فرمأیید : « این نشریه درچهار زبان عربی ، فارسی ترکی وفرانسه نشرمی‌شده ومصور بوده است . چون التودد دارای بخش فارسی بوده ، بنابراین نام آن درمیان روزنامه‌های فارسی ذکرشده است. بعضی ازمقالات فارسی این نشریه، به قلم شیخ محمد حسن سیرجانی‌ملقب به شیخ‌الملك بوده است . » و« شیخ ابونظاره ( مدیر وناشر التودد ) یکی‌ازافراد سیاستمدار مصری تبعید شده به‌پاریس بوده وبیشتر به مدیریت نشریه فکاهی‌عربی به همان نام منتسب به مشارالیه ( ابونظاره ) که باچاپ سنگی انتشار می‌یافته ، نامبردار بوده است . »

** **صفحه۱۱۴** : « براون » ذیل ادب (شماره ۴۰) درکتاب خودمیآورد: « ادیب الممالك پس ازتأسیس وانتشار ادب ( تهران ) ، کمی بعد آنرا به‌مجد-الاسلام منتقل ساخت ، وخودش به باکو رفت ، ودرآنجا به نشر ضمیمهٔ فارسی روزنامه ترکی ارشاد متعلق به احمد بیك آقایف پرداخت . بعد ازیازده شماره ازاین ضمیمه در دوره نخست مشروطیت به طهران مراجعت کرد ۰۰۰ » و ذیل ارشاد ( شماره ۴۱ ) می‌نویسد : « ضمیمه فارسی نیم ورقی روزنامه یومیه ترکی ارشادطبع باکوبه سال هزاروسیصدوبیست‌وسه هجری قمری (۶-۱۹۰۵ میلادی) است . این ضمیمه را ادیب‌الممالك مذکور می‌نگاشت ومدیریت آن بااحمدبیك آقایف قراباغی بود. » با این توضیح یومیه بودن‌آن محل تردید است. زیرا لازم می‌آیدکه تنها یازده روزعمر کرده باشد .

* **صفحه ۱۱۵ :** محمد باقرخان ادیب‌الملك ، برادرزادهٔ محمد حسن خان اعتمادالسلطنه ـ وپسر عبدالعلی خان ادیب‌الملك وفرزند زادهٔ حاج علیخان‌مقدم مراغه‌یی ـ حاجب‌الدوله وسومین صاحب لقب‌اعتمادالسلطنه (بعد ازپدر بزرگ وعموی خود ) در زمان مظفرالدین شاه به وزارت انطباعات رسید و پست خالی عموی خود را به عهده گرفت .

* **صفحه ۱۱۸ :** درمجموعهٔ تاریخ‌های مربوط به انقلاب مشروطه از جمله تاریخ مشروطه کسروی وتاریخ بیداری ایرانیان چنین موردی به‌نظر نرسیدبلکه دراین کتابها اعتراض به لباس روحانی پوشیدن موسیو نوز بلژیکی که درین‌زمان رئیس کل گمرکات ایران‌شده بود۔ وبازرگانان ایرانی را به شدت زیرفشارقرار داده‌بود ـ دردوره صدارت عین‌الدوله آمده. این واقعه را عبدالله مستوفی‌نویسندهٔ تاریخ اجتماعی واداری دوره قاجاریه درجلد دوم کتاب خود صفحه ۶۳ چنین‌نقل می کند : «درین ضمن‌ها شب عید نوئل پیش‌آمد، اروپاییهامجلس بال کستومه‌ای برپا کردند، مسیو نوز لباس‌آخوندی دربر کرده با عباوعمامه ونعلین دراین‌مجلس بال حاضر شد وبدترازهمه عکسی هم از این فتح نمایان انداخته بودند ، رندی عکس را بدست آورده بوسیلهٔ کپی چندین نسخه ازآن منتشر کرد ، شاید ایـن شخص هم وابسته به سعدالدوله بود . مردم که از صندوق مسیو نوز خیلی عصبانی بودند ، آب وتاب زیاد به این لباس پوشی آخوندی این مسیو دادند ، سرهای فکور وعلمای اهل فکرهم تاتوانستند اینموضوع را بزرگ کردند . عین‌الدوله، سعدالدوله را به یزد تبعید کرد، کاربدترشد ، بازهم همان کله‌های فکور و همان علمای دینی که درخفا کارخودرا میکردند و دستوراتی باین وآن میدادند ، سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی را واداشتند برضد اوضاع حاضرچیزهایی درمنبرهای

خود بگوید ..»

نویسنده واقعه راتاترورریسم سخت عین‌الدوله که به سقوط اومنجر شدنبال می کند . اوقبلا اظهار عقیده می کند اشخاص فکور می دانستند که تا این شاه برسر تخت است ، بهتر می‌توان آزادی گرفت . این بود که نقادی از عین‌الدوله و مسیونوز را وسیلهٔ شروع کار قراردادند .

اما مسیونوز در آغاز استخدام ،اداره گمرکات تبریز و کرمانشاه را عهده دار بود .

** **صفحهٔ۱۱۸** : دربارهٔ میرزا علی آقا شیرازی « لبیب » ( مدیر وناشر روزنامه مظفری تاریخ بیداری ایرانیان ـ جلد اول صفحه ۴۱ ضمن گزارش ـ ذوالریاستین به‌انجمن‌مخفی‌چنین‌می‌نویسد:«..میرزاعلی آقا مدیر روزنامه‌مظفری را دربوشهر به گناه روزنامه نویسی چه بلاها بسرش‌آوردند وچه صدمه‌ها بروی زدند که هنوز گرفتار واسیر آن صدمات‌است » ودربارهٔ مجدالاسلام درصفحه۱۸۹ می‌نویسد : « مجدالاسلام ازاشخاص عالم و طالب تجدد در روزنامه ادب خدمات بزرگ کرد، روی مردم را به دولت بازنموده فضاحت اعمال درباریان رابه گوش مردم رسانید . اول مقاله‌ای که در روزنامهٔ ادب برضد دولت استبدادیه نوشت مقاله‌ای‌است که درشمارهٔصدوشصت درصفحه اول‌به عنوان مجلس مبعوثان‌مقاله‌ای درج نمود ونیز درهمان روزنامه درصفحه سوم که واقعه ارامنه و مسلمانان قفقاز را می‌نویسد بعضی کنایات وتعرضات رادرج نموده ونیزدرشماره صدوشصت‌وچهار درصفحه پنجم درعنوان بقیهٔ تدین مایهٔ تمدن احتیاج مردم را به مجلس مبعوثان وقانون عدالت و مساوات را بالصراحت ولزوم سلطنت مشروطه را گوشزد مردم می‌نماید . ونیزدرکاریکاتورهایش خرابی ادارات دولتی و بی‌حسی مردم را بخوبی

اظهار و نشان می‌دهد . »

ودرعلت بازداشتش وسیلهٔ عین‌الدوله می‌نویسد : «.. اما دیگر درمقام تبعید وسیاست مجدالاسلام بر نیامد ، تاآن که مجد الاسلام نقل‌مکان از خانه به خانه نمود . پاره‌ای ازکاغذهای باطله که درطاقچهٔ خانه‌اش مانده بود ، به دست یکی‌از کرمانیها افتاد که در کرمان به اعظام الممالك رسید که کاشف ازخیالات مجد-الاسلام بود . »

* **صفحه۱۱۹** : درتاریخ مطبوعات ادوارد براون ، صفحهٔ اول شمارهٔ ۳ از سال سوم‌مجموعهٔ ماورای‌بحرخزر کلیشه شده که این‌اطلاعات‌ازآن بدست‌می‌آید « نشرسال سوم ـ عشق‌آباد روزنامه فارسی‌ـ مجموعهٔ ماورای بحرخزر ـNO3» شمارهٔ۳ جمعهٔ ۲۵ محرم سنه ۱۳۲۶ هجری‌ـ مطابق ۱۵ مورال سنه ۱۹۰۸میلادی شمارهٔ ۳ ـ NO 3 » وبنابراین تاریخ انتشار شمارهٔ اول روزنامه باید سال ۱۹۰۵ وبه منزله‌واکنش حکومت تزاری، درمقابل انعکاس‌جنگ ژاپن وروسیه درقلمرو آسیایی وهمسایگان آسیایی روسیه باشد .

* **صفحه۱۲۰** : برداشت صاحب‌تألیف‌از کتابخانه‌تربیت ، برداشت‌امروزی است. کتابخانه درقدیم به کتابفروشی هم‌اطلاق می‌شد ، وشادروان‌تربیت درتبریز کتابفروشی داشت واین کتابفروشی یا کتابخانه که درسال ۱۸۹۸ تأسیس شد تا سال ۱۹۰۸ دایربود ودرسال ۱۹۰۲ مجله یامجموعهٔ گنجینه فنون رامنتشر کرد .

درتاریخ رجال ایران ـ قرون ۱۲ ـ ۱۳ ـ ۱۴ تألیف مهدی بامداد چـاپ کتابفروشی زوار ـ تهران ـ جلد سوم صفحه ۴۲۴ ذیل نام‌محمد علی‌آمده‌است: «محمد علی معروف به تربیت فرزند میرزا صادق بوده و در خرداد سال ۱۲۵۶

خورشیدی درتبریز متولد ودردیماه ۱۳۱۸خورشیدی درتهران‌در گذشت. نامبرده ازمشروطه‌خواهان صدر مشروطیت‌بود ودردوره‌های ۲و۸و۹و۱۰و۱۱و۱۲بمساعدت دولت ازتبریز بسمت نمایندگی مجلس شورایملی انتخاب گردید وصاحب تألیفی است بنام « دانشمندان آذربایجان » وذیل صفحه افزوده شده :

« چون درابتدا در تبریز دکان کتابفروشی بنام تربیت داشت باین مناسبت کلمهٔ تربیت بعداً نام خانوادگی او گردید . »

* **صفحه۱۲۲** : میرزاآقاخان کرمانی، این زمان روی‌درنقاب خاك کشیده بود . مهاجرت وی از کرمان درسال ۱۳۰۲ هجری قمری اتفاق افتاد ، یازده سال پیش ازقتل ناصرالدین شاه ، واقامت اودر استانبول تاسال ۱۳۱۳ طول کشید ودر آن سال اورا دست بسته درمرزایران تحویل دادند ـ پس از واقعه صحن حضرت عبدالعظیم ـ واندکی بعد، به سال ۱۳۱۴ به اتفاق دویاردیگر درتبریز به‌شهادت رسید . شاید میرزا آقاخان دیگری باشد یا منظور آن باشد که انجمن سری کرمان را این مرد آزاده‌ازاستانبول هدایت می کرده است .

***صفحه۱۲۴** : درتاریخ بیداری ایرانیان جلد اول صفحه۲۳۱ آمده‌است: سیصد تومان به میرزا حسین رشدیه دادند : « ونوشت که من‌می‌دانم برادرم‌باشیخ یحیی وآقا سید حسن حبل‌المتین ومیرزا محمدعلی خان ومشرالملك همه بابی واین‌فتنه‌ها را برپا می کنند واین اوراق خط آنهاست » وعلاوه برشیخ یحیی «... آقا سیدحسن حبل‌المتین ـ میرزا مهدی خان وزیرهمایون ـ قوام‌الدوله ـ ناصر خاقان ـ موقرالسلطنه ـ مشرالملك ـ میرزا محمد علیخان ( پسرمؤتمن لشکر) ـ میرزا سید محمد موتمن لشکرنوری » بازداشت شدند ومیرزا محمد علیخان در

موقع گرفتاری راه بام را گرفته مأموران اورا تعاقب نموده یا خودش افتاد یا او را افکندند. هرچه بود بعد ازچند ساعت درنظامیه بدرود حیات گفت.

* * **صفحه۱۲۴** : راست است که محیط حکومت استبدادی، مردم کوچه وبازار را ازمشروطه وآزادی دور وبیگانه نگاه داشته بود، ولی اکنون مدارك واسناد گوناگون دردست است که پیشوایان جنبش آزادی،ازجمله رهبران مذهبی می‌دانستند که چه می‌خواهند و باز تا زمان تحصن حضرت عبدالعظیم حتی نام عدالتخانه درمطالبات رسمی آنها نیامیده بودودرمطالبات هشتگانه پایان تحصن هست که اول بارنام عدالتخانه می‌آید.

دربارهٔ افق دیدوآگاهی رهبران مشروطه، این قسمت ازگزارش جلسهٔ هفتم انجمن ـ روزچهارشنبه ۱۵ محرم سال۱۳۲۳ ـ درصفحه۳۳ جلد اول تاریخ بیداری ایرانیان سند روشنی است :

... « مجدالاسلام گفت : اگرچه خیال آقای طباطبایی جمهوریت دولت ایران است، لکن با مقصود ما منافاتی ندارد، چه ما اجراءِ قانون اسلام وتنظیم ادارهٔ دولت را خواهانیم واین درضمن جمهوریت و مشروطیت هردو حاصل است ( جمهوریت از افراد مشروطیت است ) مقصود ما رفع ظلم واستبداد است، خواه بعنوان جمهوریت باشد، خواه بعنوان مشروطیت. »

آقای طباطبایی مورد بحث کسی جز آیت‌اللهمحمد طباطبایی یکی ازدورهبر روحانی انقلاب مشروطه نیست.

✿صفحه ۱۳۶ : صاحب تاریخ بیداری ایرانیان ، چندجادر کتاب خودبه جریان امتیاز روزنامهٔ مجلس اشاره دارد ، ودرروشن‌ترین قسمت می‌نویسد : « باری‌حاج میرزایحیی به‌خیال افتاد که امتیازروزنامه‌ای به اسم روزنامه مجلس از دولت بگیرد وبرای مشیرالدوله صدراعظم هم کاغذی نوشت ، صدراعظم وعده به‌اوداد . وآقامیرزامحسن‌دامادآقای‌بهبهانی این‌مسئله راشنیدوخیال حاج میرزا یحیی رادانست با آقامیرزا محمدصادق پسرآقای طباطبائی عنوان مقصود حاج میرزایحیی رانمود ، آقامیرزا محمدصادق که سالها درین‌خیال بود ومحرك بندهٔ نگارنده بود که روزنامه نوروز راکه‌مدتی تعطیل است دایر کنم ومن‌بنده‌جواب می‌دادم تاآزادی قلم رانداشته‌باشم نمی‌توانم روزنامه رادایر کنم ، به جناب آقا میرزامحسن گفت : امتیاز روزنامه مجلس را برای خود بگیر و با من شراکت کن . چراباید حاج‌میرزایحیی این‌کار بزرگ ودخل‌هنگفت رادربیرد ؟ خلاصه آقامیرزامحسن عازم گردیده مراتب رابه‌مشیرالملك پسرصدراعظم درمیان‌آورد. مشیرالملك گفت : چون‌صدراعظم قول به‌حاج‌میرزا یحیی داده‌است‌بلکه نوشته هم‌به‌مشارالیه داده‌است ، لذا راه‌این‌است ، که‌شما عریضه‌ای به‌شاه عرض کنیدمن دستخط شاه‌را می‌گیرم . آن‌وقت بهانه برای‌صدراعظم هست ، بالاخره جناب آقا میرزامحسن دستخط امتیاز روزنامه مجلس راصادرنموده باجناب آقامیرزا محمد صادق وپسرجناب آقاسیدعبدالله شریك شده ، بنایشان براین قرار گرفت که‌آقا میرزامحسن صاحب‌امتیاز وآقا میرزا محمد صادق مدیر روزنامه مجلس گردد ، حاج‌میرزا یحیی بیچاره هرچه دست‌وپا کرد ، به‌جایی‌نرسیدوازاین خیال‌منصرف گردید . » این حاج‌میرزا یحیی ، شادروان‌دولت آبادی است . ( نقل‌ازصفحات

۴۰۹ و ۴۱۰ بخش اول تاریخ بیداری ایرانیان ـ چاپ انتشارات بنیاد فرهنگ ایران)

❊ صفحه ۱۳۹ : هرچند منبع این اطلاع کتاب « تاریخ مطبوعات و ادبیات دوران مشروطیت » ادوارد براون است ، ولی در آنجا پس از بحث دربارهٔ حبل‌المتین چاپ کلکته به شماره ۱۳۶ و اینکه در زمان تألیف کتاب براون هنوز بطور مرتب منتشر می‌شده است ، به بحث مستقل از حبل‌المتین تهران می‌پردازد و ذیل شماره (۱۳۷ ) می‌نویسد :

« نشریه‌یی است که در تهران ، در اوایل سال هزاروسیصدوبیست‌وپنج هجری قمری ( هزارو نهصدو هفت میلادی ) به مدیریت سید حسن کاشانی ، برادر موید الاسلام ، باچاپ سربی انتشاریافته‌است .انتشارحبل‌المتین تهران در نتیجه وقوع کودتای ارتجاعی ( محمدعلیشاه مخلوع ) وبتوپ بستن مجلس شورایملی (بیست‌و سوم ژوئن هزارو نهصدو هشت میلادی ) متوقف گشت ولی بعداز استقرار مجدد مشروطیت و گشودن تهران بدست ملیون ، بازچندین شماره ازآن منتشر شد.لیکن بعلت نشرمقاله‌یی راجع به اعدام شیخ فضل‌الله نوری که متضمن مطالب ضدمذهبی بوده‌است ، ازنو این روزنامه توقیف گشت ، مدیرآن تحت محاکمه قرارگرفت وبه‌جرم انتشار مقالهٔ مذکور ، به دو سال زندان ، محکوم گردید . حبل‌المتین تهران مهمترین روزنامه یومیه دورهٔ مشروطه بوده است . مخصوصا مقالات سیاسی آن راجع به‌وزارت امور خارجه و بویژه انتقادات آن از قرارداد سال هزارو نهصدو هفت انگلیس و روس راجع به ایران از خصوصیات شایان توجه این نشریه می‌باشد . »

ذیل شماره ( ۱۳۸ ) ازنشر همین حبل‌المتین بامدیریت سیدحسن کاشانی ،

دررشت نام‌می‌برد . هنگامی که‌سیدحسن به‌رشت تبعیدشده بود ومدت این‌انتشار چهار ماه‌ونیم بود . بنابراین حبل‌المتین از کلکته به‌ایران انتقال نیافته است ، ومی‌توان گفت این‌دوروزنامه یکسر ازهم‌جدا هستند . وعمر حبل‌المتین تهران ، چندان دراز نبوده است .

کسروی حبل‌المتین تهران را شاخه‌یی از حبل‌المتین کلکته می‌شمارد ، ومی‌نویسد حبل‌المتین کلکته همچنان هفتگی انتشار می‌یافت ولی ارج سابق را نداشت ، و حبل‌المتین تهران که نخستین روزنامــه روزانــه ایران بودوباکاغذ و حروف خوب به چاپ می‌رسید و گفتارهای آنرا شیخ‌یحیی کاشانی می‌نوشت که نویسنده خوب بود و بیشتر از دیگران آگاهی داشت ، در میان مــردم ارجی پیدا کرد .

❊**صفحه ۱۴۵** : از جمله اعتراض های معروف به قرار داد ۱۹۰۷ روس و انگلیس قصیده‌یی است از ملك‌الشعرای بهار که در حبل‌المتین کلکته ، منتشر شد . این‌قصیده طی‌سالها مکرر درمطبوعات ایران وخارج نقل‌شده است و آغاز شهرت‌سیاسی ملك‌الشعرای بهار بشمار می‌آید . شاعر ، به صورت یك پیام به باد سحر ، ویانامه‌سر گشاده سخنانش را با وزیر خارجه انگلیس ، **سرادوارد گری** درمیان می گذارد وطی‌آن برای‌اعتراض به‌قرارداد ، آگاهی‌های سیاسی‌وتاریخی خود را از وقایع بین‌المللی نشان می‌دهد ، که معیاری از میزان آگاهی های روشنفکران زمان است .

قصیده که به‌شماره ۸۲ درصفحه ۲۱۳ دیوان‌بهار ــ جلد اول ، چاپ دوم ــ آمده‌است « پیام به‌وزیر خارجه انگلستان » نام‌دارد وچنین آغاز می گردد :

سوی لندن گذر ای پاك نسیم سحری سخني ازمن بر گو به سرادوارد گری

*صفحهٔ **۱۴۷** : شرح این شکایت وطرح دعوا درداد گستری به تفصیل شایسته درقسمت ۱۳ تقریرات « تاریخ مطبوعات» محیط طباطبایی آمده است ، و نیز کسروی درصفحهٔ ۷۲ تاریخ مشروطه به اختصار ماجرا را می آورد ومی نویسد : «درشماره ۲۱ روزنامه اش گفتار درازی زیرعنوان « شاه درچه حالست ؟ » نوشته باز سخنان تند وزشتی دریغ نگفت ، و چون محمدعلی میرزا از عدلیه دادخواهی کرد و از دادگاه سیدمحمد رضا راخواستند او نرفت ودریك شماره ازروزنامه خود سراپا ریشخند بدادگاه نوشت ( شماره ۲۲ که بادستور مجلس یادولت بازداشته شد ) و باین بس نکرده بیك کار زشت تری برخاست وآن اینکه یك چلوار بزرگی بنام « استشهاد نامه » آماده گردانید ، که در آن گواهی مردم را در باره « بد کاره بودن ام الخاقان » مادر محمد علی میرزا خواستار گردید . و آنرا بدست یکی داده ببازار فرستاد که مردم آگاهی خودرا نویسند ومهر کنند ، و بدینسان بیك کارسراپا رسوایی برخاست . این درروزهایی بود که محمد علی میرزا در نهان با لیاخوف وروسیان گفت وگومی داشت . »

* **صفحه ۱۵۶** : در کتاب «ازصبا تا نیما» جلد دوم چاپ اول بحث مشبعی درباره «ملانصرالدین» دارد. همچنین درلغت نامهٔ دهخدا به ماده طاهرزاده رجوع شود.وتاریخ مشروطه کسروی نیزروی نفوذ شدید«ملانصرالدین» درمیان مشروطه خواهان ایران ، تأکید می ورزد.

ذیل صفحه ۴۱ «ازصبا تانیما» جلد دوم تصریح شده : «نخستین شمارهٔ آن درهفتم آوریل ۱۹۰۶ منتشر شد (درباکو)،سال های سوم وچهارم بهترین وپرشورترین ادوارروزنامه بودودرین دوسال آوازهٔ آن از مرزقفقاز گذشت ودرایران و عثمانی ومصروهندوستان پیچید . دراواخرسال ۱۹۱۴ م،به علت پیش آمد جنگ جهانی،

روزنامه ازانتشار بازماند و تنها درسال ۱۹۱۷ م چند شماره آن منتشر شد وباز یکبار دیگر درسال ۱۹۲۱ م که محمد قلی زاده به قصد اقامت دایم درسرزمین اجدادی خود به ایران آمده بود، هشت شماره ازآن درتبریزانتشاریافت . اما هموطنان‌او نتوانستندازوی‌نگهداری کنند واویکسال‌بیشتر درتبریز نماندو بدعوت حکومت آذربایجان شوروی به‌باکورفت.»

به‌این‌ترتیب روزنامه ملانصرالدین ، علی‌رغم نفوذ شدید روی روشنفکران و روی مطبوعات مردم پسند ایران ، نمی‌تواند یك روزنامه ایرانی و فارسی بشمار آید .

** **صفحه۱۵۶** : ملك‌الشعرای بهاربه عنوان شاعرسیاسی وقصیده سرای انقلاب‌مشروطه شناخته‌شده است. وسید اشرف گیلانی‌نیز به خاطرزبان عامیانه‌یی که برای شعر انتخاب کرده است وادامه روال صابر است ـ ولی در متون معتبر نشانی ازمیرزا مرتضی فرهنگ مدیرخاورستان درمقام شاعرسرشناس وطرازاول انقلاب مشروطه دیده نشد.

تنها در کتاب « تاریخ مطبوعات ایران » ادوارد براون ذیل شماره (۱۵۳) آمده است :

«خاورستان ـ نشریه‌روزانه‌یی است که درطهران بسال هزاروسیصدوبیست‌و هفت هجری قمری (هزارونهصدونه میلادی) بمدیریت مرتضی خان اعتضادالملة‌با چاپ‌سربی‌انتشاریافته‌است.»

امامبنای این‌برداشت باید جلد اول کتاب براون، باشد که‌به ادبیات‌دوران انقلاب مشروطه اختصاص دارد وآنجا پس ازنامهایی چون ملك الشعرای بهار و عارف قزوینی درمعرفی «شش شاعر معاصرایران» می‌نویسد: « ۳ـ میرزا مرتضی

فرهنگ ـ جوانی است تقریباً بیست وهشت ساله ، بانی روزنامه خـاورستان در اوایل دوران مشروطیت، دردورهٔ دوم‌مشروطه ابتدا رئیس‌پلیس (شهربانی) سمنان وسپس قم گشت . فعلا درپاریس مشغول تحصیل است.» (صفحه ۶۹ ترجمه محمد عباسی) وبعد به معرفی سید اشرف گیلانی می‌پردازد . و انتخاب «براون» نیزاز خود او نیست و یاد آوری کرده « این توضیحات توسط میرزا حسین کاظم زاده (ایرانشهر) درژانویه سال هزارونهصدوسیزده بدست» اورسیده است.

* **صفحه۱۵۹ :** برای آگاهی از تفصیل دلیری بی‌مانند سلطان العلمای خراسانی، صاحب «روح‌القدس» درواقعه توپ بستن مجلس شورای ملی، وجنگ واسارت وسرانجام ، قتل فجیع اوبدست قزاقان ، به « تاریخ مشروطه کسروی ، «تاریخ‌انقلاب‌مشروطیت» دکترمحمد ملکزاده ، وتقریرات « تاریخ مطبوعات » محیط طباطبائی مراجعه‌شود. نام این روزنامه نویس غیرتمندرا غباری‌ازفراموشی وناآگاهی پوشانده است .

* **صفحه۱۶۱ :** در تقریرات « تاریخ مطبوعات » محیط طباطبایی روزنامه سروش‌چنین معرفی‌شده‌است : «دراواخردوران استبدادصغیر، مهاجروگریختگان ایرانی که به اسلامبول رفته وتوقف گزیده بودند به کمك برخی ازایرانیان‌مقیم آن شهر، روزنامه سروش را دایر کردند که مدیری‌آن را «محمد توفیق» نامی مدیردبستان‌ایرانیان اسلامبول برعهده داشت. حسین‌دانش اصفهانی‌شاعرونویسنده معروف که در دوزبان فارسی وترکی صاحب طبع شعروقلم تحریربود با حـاجی میرزایحیی دولت‌آبادی ومعاضدالسلطنه نایینی ودهخدابعدازبازگشت ازسویس، درتحریرآن شرکت جستند . این روزنامه . . . زبان حال ایرانیان روشنفکر و

وطندوستی بود که درخارج از کشور به یاری برادران خود که درداخل بااستبداد وارتجاع واستعمار درنبردبودند ، برخاست.»

دولت آبادی درجلد سوم «حیات یحیی» تنها از «دهخدا» ونیز نویسندگی خودش درروزنامه سروش نام‌می‌برد . منبع مؤلف «تاریخ مطبوعات» ادوارد براون است که آنجا احمد بیك آقایف را درشمار نویسندگان سروش می‌نویسد.

* **صفحه۱۶۴** : درتاریخ«مطبوعات ادواردبراون» ترجمه فارسی ذیل‌شماره (۴۴) آمده است : «استقلال ایران روزنامهٔ یومیهٔ بزرگی بوده است .. این نامه ارگان مطبوعاتی حزب اتحاد وترقی بوده،وابتدا توسط دکترحسین خان کحال وسپس به مدیریت محمدخان مهندس همایون،وبالاخره از طرف دکترابوالحسن خان تبریزی‌نشرشده است. استقلال ایران تاشعبان‌هزاروسیصدوبیست ونه هجری قمری (اوت ۱۹۱۱)انتشارداشته .» بنابراین طی‌یکسال استقلال ایران که ارگان حزب بوده سه مدیرعوض کرده است ودرتمام مدت دکترحسین خان کحال آنرا اداره نمی کرده .

* **صفحه۱۶۷** : دارآویخته‌شدگان تبریز، که‌بارأی«دیوان حرب»سالداتها کشته شدند ، بنابرنوشته کسروی درتاریخ ۱۸ ساله آذربایجان وباحساب او۱۲ دسته و۳۷ نفربودند، ولی باحساب مسترتورنرانگلیسی که کسروی نقل کرده‌این دارآویختگان به ۴۹نفرمی‌رسند.

* **صفحهٔ۱۷۹** : این قسمت‌باید استنتاجی‌باشد ازصفحه ۸و۹ تاریخ‌احزاب سیاسی ایران تألیف ملك‌الشعرای بهار که‌می‌نویسد:« درسال اول فتح تهران‌رجب

۱۳۲۷ قمری مطابق ۱۹۰۸ میلادی درایران دوحزب پیدا شد : یکی انقلابی ، دیگر اعتدالی ودرهمان‌سال بعدازافتتاح مجلس‌دوم این‌دوحزب باسم **«دموکرات عامیون»** و«**اجتماعیون اعتدالیون**»رسمی‌شدوخودشان‌رابمجلس معرفی کردند.

احزاب دیگر نیزمثل**«اتفاق‌وترقی»**وجودداشت‌اما چون‌درمجلس نمایندهٔ حسابی نداشتند گل نکرده‌کاری ازپیش نبردند.

دموکراتها که ۲۸ نفربودند مخالفان خود یعنی اعتدالیون راکه ۳۶ تن میشدند ارتجاعی مینامیدند.زیراآن‌حزب هوادارروش ملایمترورعایت سیر تکامل بود واعتقاد بکشتن وازمیان بردن مستبدان‌وارتجاعیهانداشت وازینرو بیشتراعیان بدان حزب پناه میبردند. **سپهداراعظم تنکابنی، سردارمحیی، دولت‌آبادیها، سیدعبدالله بزرگ بهبهانی ، سید محمد بزرگ‌طباطبایی**دوپیشوای‌مشروطه وغالب متنفذین و **ناصرالملک** نایب‌السلطنه و **فرمانفرما** و غالب اعیان‌وروحانیان واکثریت مجلس دوم طرفداریا عضواین‌حزب‌شدند . اینها دموکراتها را انقلابی وتندرو میخواندند ودرجراید خود ازآنان انتقاد میکردند واحیاناً از تهمت‌های دینی وتکفیرخودداری نداشتند. حزب اعتدال با ۲۴نفرمؤتلفه و۴ اتفاق و ترقی و ۳تن‌طرازاول و ۷ نفربیطرف ائتلاف داشتند . »

سپس تا صفحه ۱۱ به تشریح مسلك و برنامه و مشی دوحزب و اختلاف خونین آنها می‌پردازد.

اما در مورد روزنامه هفتگی جنوب ارگان حزب اتفاق و ترقی ، محل استناد ، تاریخ مطبوعات و ادبیات براون است که زیرشماره (۱۲۸ ) می‌نویسد :

« **جنوب** ـ نشریه هفتگی است، که درطهران بسال هزار و سیصدوبیست‌وهشت هجری قمری ( هزارونهصدو ده میلادی ) ، بمدیریت تنکستانی ، بسردبیری

سیدیعقوب شیرازی، باچاپ سربی انتشاریافته است. این نشریه ارگان‌مطبوعاتی حزب « ترقیخواهان » بوده ، که طالب ترقیات ایالات جنوبی ایران بوده ، وبوسیله گروهی ازنمایندگان جنوب کشوردردورهٔ دوم‌مجلس شورای ملی‌تأسیس و اداره می‌شده است . مهمترین قسمت مندرجات « جنوب » بانتقاد از بختیاریها تخصیص یافته است . » ونیزدربارهٔ روزنامهٔ « اتحادیون » توجه مؤلف ،به‌این‌شرح تاریخ مطبوعات براون ، ذیل شماره ( ۴۴ ) است: «**استقلال ایران** روزنامهٔ یومیهٔ بزرگی بوده است که در طهران بتاریخ جمادی‌الاول سنهٔ هزاروسیصدو بیست‌وهشت ( مه ـ ژوئن ۱۹۱۰میلادی ) انتشاریافته . این‌نامه ارگان‌مطبوعاتی حزب اتحاد و ترقی بوده، ابتدا توسط دکترحسین‌خان کحال ، و سپس‌بمدیریت محمدخان مهندس همایون و بالاخره ازطرف دکتر ابوالحسن‌خان تبریزی نشر شده‌است. استقلال‌ایران تا شعبان‌هزاروسیصدوبیست‌ونه هجری‌قمری(اوت۱۹۱۱) انتشار داشته . »

ازاین مجموعه می‌توان دریافت که « اتفاق و ترقی » یك حزب است ، و متجددین و « اتحادیون »ازهم جدا نبوده‌اند، و این‌حزب، مؤتلف اعتدالیها بوده است ، و چهار نماینده در مجلس و دوارگان ـ یکی روزانه و دیگری هفتگی داشته است .

** صفحهٔ ۱۷۹ ـ سیدضیاءالدین طباطبایی به‌ترتیب روزنامه‌های ندای اسلام را درسال ۱۳۲۵ قمری برابر با ۱۹۰۷ میلادی درشیراز ـ شرق را درتهران به‌سال ۱۳۲۷ هجری قمری برابر ۱۹۰۹ میلادی ـ و برق را پس‌از توقیف شرق درشوال ۱۳۲۸ هجری قمری برابر اکتبر۱۹۱۰ میلادی ، و پس‌از توقیف برق ، رعد را در۲۷ ذی‌الحجه ۱۳۲۸ هجری‌قمری‌به‌جای‌آن منتشرساخته‌است. در ذیل

شماره (۲۲۳) تاریخ مطبوعات براون مشی سیاسی شرق چنین معرفی شده: «روزنامه شرق درسیاست ابتدا ناشرافکار حزب اتحاد و ترقی بود، ولی بعدها انقلابی گشت.»، وملك‌الشعرای‌بهاردرباره‌مشی سیاسی رعد می‌نویسد: «روزنامهٔ رعد که ازجرائد مستقل‌و متکی بحزبی نبود بمدیریت «سیدضیاءالدین‌طباطبائی» دایر گشت ...... از همه این جراید فقط «رعد» و «عصرجدید» بهواداری صریح متفقین یعنی روس و انگلیس چیز می‌نوشتند.»

**صفحه ۱۷۹:** علاوه‌بر صفحه ۹ و ۱۰ تاریخ احزاب سیاسی بهار، که نقطه‌های اختلاف‌نظر مسلکی دوحزب اصلی و جبهه‌بندی احزاب‌را درمجلس و مطبوعات‌بیان‌می کند، دردیوان ادیب‌الممالك فراهانی‌واکنش شاعر روزنامه‌نویس را دربرابرمبارزه‌دوحزب‌اصلی‌می‌توان‌یافت ازجمله‌درقصیدهٔ‌بلندی که‌آزردگیهای خاطرشاعر ازوضع کشور و وضع زمانه آمده است، و درصفحه ۴۴۲ دیوان طبع شده می‌گوید:

نوعروس ملك را کابین کنند ازبهرخصمان

اعتدالیون زسویی انقلابیون زیکسو

و درصفحه۴۳۷دیوانش یك‌رباعی است که باتغییر مصرع اول درصفحهٔ۴۳۶ نیزآمده:

احزاب فتاده‌اند در خط جنون — هرلحظه‌به‌رنگی‌شده‌چون‌بوقلمون

بااینکه ندانند برون را ز درون — کل حزب بمالدیهم فرحون

و نیزدرصفحه ۱۶ دیوان:

خدا رحمت کند مرحوم حاجی میرز آقاسی‌را

ببخشد جای آن برخلق احزاب سیاسی را

ترقی ، اعتدالی ، انقلابی ، ارتجاعیون
دموکراسی و رادیکال و عشقی اسکناسی را ....
ندیدم فایدت ز احزاب جزضدیت ملی
خدا برچیند ازبیخ این بساط رشک‌وماسی را

**صفحه۱۸۰ : درباره روزنامه ایران نو، به‌تاریخ مطبوعات ادواردبراون ذیل شماره (۷۷) رجوع کنیدونیز به‌تقریرات تاریخ‌مطبوعات طباطبایی‌درداتشکده علوم ارتباطات اجتماعی . سردبیر روزنامهٔ ایران نـو ، محمد امین رسول زاده ، بعدها رهبرحزب مساوات « سوسیال دموکرات‌قفقاز » شدوحکومت کوتاه مدت مساوات را پی افکند که دولتی مستعجل بود. دربارهٔ وی از جمله درتاریخ قاجار شادروان « شمیم » صفحه ۴۹۰ یاد شده است ، وشرح جلد دوم « ازصبا تا نیما » صفحه ۱۰۸ درمعرفی ایران نو ورسول زاده نیز ازمنابع درخور یادآوری است .

* صفحه۱۸۱ : ازمحمد علی‌خراسانی هروی، مدیرروزنامهٔ بامداد روشن درکتاب تاریخ رجال ایران چنین یاد شده : « محمد علی بامداد متولد ۱۲۶۳ خورشیدی فرزند رفیع ( رفیع الممالك ) برادر بزرگ نگارنده ایـن کتاب از ادباءِ و افاضل ایران بود و گواه برفضلش مؤلفاتی است که ازوی بـاقی مـانده و بعضی ازآنها ازقبیل حکمت عملی ، الهامات خواجه، وادب چیست وادیب کیست به طبع رسیده • • • • ازمشهد به تهران‌آمد که به نجف برود واین امرمصادف شد با زمزمهٔ مشروطیت وافتتاح مجلس و سلطنت محمد علیشاه قاجار بنا براین عزم رحیلش بدل به اقامت تهران گردید و•••• داخل در عملیات واقـدامـات مشروطه خواهان بطورآشکار وپنهانی گردید. مسافرتی نیزراجع به این‌موضوعات

به اصفهان نمود و مدتی درمیان بختیاریها بود بانجفقلی خان صمصام السلطنه و ضرغام السلطنه به اصفهان آمده وچندی نگذشت که به تهران بـاز گشت و در تهران مشغول به نوشتن مقالات برعلیه استبداد شد . درابتدا نویسنده وسردبیر چند روزنامه ازقبیل آفتاب وشوری وغیره بود بعددراوایل جنگ بین‌الملل‌اول خودش روزنامه‌یی به‌نام « بامداد روشن» تأسیس نمود ••••• این روزنامه یکی دوبار اجباراً تعطیل ودوباره دایر گردید و•••• چون یکی ازمخالفین سرسخت قرارداد ۱۹۱۹ وثوق الدوله، نخست وزیروقت باانگلیسها بود ازین جهت پس از اینکه مدتی مخفی بود سرانجام دستگیر شد وبه‌کاشان تبعید گردید ••• »

پس‌از سقوط وثوق‌الدوله، بامداد وارد خدمات دولتی می‌شود. وازوزارت فرهنگ شروع می کند. دردوره ششم مجلس شورایملی ازشیرازبه مجلس‌می‌رود ودرتشکیلات جدید دادگستری به سال ۱۳۰۶ به دادگستری دعوت می‌شود وتا سال ۱۳۱۶این خدمت‌ادامه دارد وقاضی شعبه سوم دیوانعالی کشور است . یکسال پس ازبیکاری وانفصال ، بار دیگربه خدمت دادگستری دعوت می‌شود . از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۰ بازرس دولت دربانك ملی است . دراثر تصادف با یك دوچرخـه سوارآسیب می‌بیند ودرمرداد سال ۱۳۳۰ درمی‌گذرد.

ملك‌الشعرای بهار درتاریخ مختصراحزاب سیاسی ازروزنامه بامداد روشن چنین یاد می کند: « بعد ازافتتاح مجلس سوم حکومت مشروطه باردیگربوجود آمد . جرایدملی ازنوجان گرفتند ، روزنامه « نوبهار » به مدیریت مؤلف در تهران بجای ایران نو دایر شد ، روزنامه « شوری » بـه مدیریت ناصـرالاسلام گیلانی بمساعدت حزب‌اعتدال دایر گشت، روزنامه « رعد » که ازجرایدمستقل ومتکی به حزبی نبود بمدیریت « سید ضیاءالدین طباطبائی» دایر گشت وجریدهٔ هفتگی بنام « عصرجدید » بریاست « متین السلطنه » راه افتاد ، سوای اینهـا

روزنامه‌های دیگر، « ستارهٔ ایران » دموکرات و « بامداد روشن » هوا دار اتحاد اسلام وجراید دیگر بوجود آمد . »

مطلب بالا ، بااندك تشریحی ، بعین درجلد دوم « ازصبا تا نیما » آمده‌است جز آنکه درذیل صفحه توضیح داده روزنامه « شوری » قبلا ، ازسال ۱۳۲۷ هـ . ق تابسته شدن مجلس دوم دایر بود . همچنین درتوضیح اختناق سه‌ساله مطبوعات‌و دوره فترت‌پس ازمجلس دوم‌می‌آورد که « مطبوعات‌آزاد خفه‌شدند وچندروزنامهٔ بی‌ارزش که انتشار می‌یافتند، نظرهای ارتجاعی راتبلیغ می کردند.» وذیل‌صفحه برتوضیح می‌افزاید :

« ازآن جمله بود روزنامهٔ آفتاب که به مدیریت ادیب‌الممالك فراهانی و سردبیری حبیب‌الله آموزگار از۲۹ محرم۱۳۳۰ هـ ـ ق یك روز درمیان به خرج وحمایت دولت منتشرمی‌شد وارگان نیمه رسمی دولت‌بود وسعی داشت که‌رضایت سفارتخانه‌های روس وانگلیس را جلب کند وظاهراً سرمقاله‌های مهم‌آن را هـم وثوق‌الدوله وزیرامورخارجه می‌نوشت . »

درتاریخ مطبوعات « براون » ذیل‌شمارهٔ ( ۱۵ ) چنین‌آمده است: « آفتاب این روزنامه به قطع بزرگ یك روزدرمیان درتهران بسال ۱۳۳۰ هجری قمری ( ۱۹۱۲ میلادی ) بمدیریت میرزا عبدالحسین ابن عبدالوهاب منتشر می‌شده است . آفتاب بهزینه وحمایت دولت وقت بعد از کودتای اول‌محرم هزاروسیصدو سی هجری قمری ( بیست ودوم دسامبر ۱۹۱۱ ) وتوقیف تمام روزنامه‌های آزاد تهران، انتشار داشت وارگان نیم رسمی دولت بود. این روزنامه ازاقدامات‌دولت دفاع می کرد وازمخالفین انتقاد بعمل می‌آورد و سعی در جلب موافقت سفارتین می شد . مدیر آن در اوایل یکی از مخبرین ایران نو بود . مشی سیاسی آفتاب اعتدالی بود . »

ودرشرح حال ادیب الممالك فراهانی که در مقدمه دیوانش آمده ، وحید دستگردی به اختصار یادآوری می کند : « درسنه ۱۳۳۲ ازطرف وزارت داخله مدیرروزنامه نیم رسمی آفتاب شد.» (دیباچه ـ صفحه ك)

«ابراهیم فخرایی» درسردارجنگل (صفحه ۲۲) می نویسد : «میرزا کوچك» با چند تن از سران ملیون ایران ، وابسته به اتحاد اسلام درتهران تماس گرفت وبه گفتگو پرداخت .... چند تن ازرجال سیاست و روحانیون شهیر ایران همچون سید محمد رضا ( مساوات ) ـ سید محمد ( کمره‌ای) ـ سلیمان محسن (اسکندری) ـ سید یحیی ندامانی (ناصرالاسلام) ـ میرزا طاهر (تنکابنی) ـ سید حسن (مدرس) وادیب‌السلطنه (سمیعی) عضویت این سازمان را قبول ودرپیشرفت هدف سازمان فعالانه شرکت داشته‌اند . اما نه بطور دسته جمعی بلکه تك‌تك و به شکل انفراد ... میرزا کوچك درطهران بارجال‌دین وسیاست مذاکره کرد جمعی ازسران ملیون معتقد به اتخاذ روش‌ملایم وعده بیشتری لزوم اقدامات‌حاد ومقاومت مسلحانه را برابردشمن تأکید می‌نمودند . . . میرزا کوچك در راه تحقق‌این نیت داوطلب گردیدوهمراه‌یك تن‌ازمجاهدین...... بطرف‌مازندران رهسپارشد . »

ملك‌الشعرای بهار در ذیل صفحه ۱۶۷ تاریخ احزاب سیاسی رابطه میرزا کوچك خان را بااتحاد اسلام درتهران ، روشنتر شرح‌می‌دهد : «وبعد ازآنکه ناصرالملك نایب السلطنه اولتیماتوم روس را در۱۳۲۹ قمری هجری پذیرفت و درمجلس رابست ودموکراتها را به قم وغیره تبعید کرد ـ جمعی هم ازاعتدالیون راکه ازآنجمله **سردار محیی** و **میرزا کریمخان** و **ناصرالاسلام ندامانی** باشند بقم فرستادند وآنجا محترمانه توقیف شدند ومیرزا کوچك خان دراین سفر هم باسردار محیی ویاران اوهمراه‌بود ـ وپس ازچندی این جماعت بتهران‌باز گشتند

ومرخص شدند ، در این اثنا دو نفرازدعاة ترك **بهاء بیك** و **روشنی بیك** بعنوان دعوت به **اتحاد اسلام** وارد تهران شدند ـ وبادموکراتها که ازدولت وقت ناراضی بودند بهم درساخته لژی شبیه به دستگاه فراماسون دایر کردند ومردم راجلب نموده درآن نقطه باچشم بسته حاضر کرده وبه اتحاد اسلام وفداکاری دراین‌راه دعوت می کردند ، مؤسس دونفرترك و مرحوم سید محمد رضا مساوات بـود و میرزا کوچك خان هم‌جزء اعضای مؤسس این جمعیت داخل‌کار گردید وازسردار محیی وحزب اعتدال جدا شد و دعوت اتحاد اسلام را پذیرفت . این حزب‌بعدها بهم‌خورد و کونه نکرد و باردیگر دموکراتها تشکیلات سیاسی خـود را ازسر گرفتند و ... اما میرزا کوچك خان بـاعقیده « اتحاد اسلام » بگیلان رفت و درجنگ بین الملل تشکیلاتی درشهر ودرجنگل فومن بنام « اتحـاد اسلام » راه انداخت ومقداری نیزاسلحه توسط دعاة ترك وآلمان بدو رسید ... »

درمجموع این گزارشها، که‌پیوستگی‌میرزا کوچك خان را به‌اتحاداسلام‌ـ و کوششهای میرزا محمد علی خان بامداد را درکارروزنامه نویسی بیان می کند ، جایی ازارتباط میرزا محمد علی خان بامداد مدیر روزنامهٔ بامداد روشن بـا قیام جنگل نشان ندارد . وازسوی‌دیگر، جدایی‌راه میرزا را با بامداد مطرح‌می کند. جزاینکه تصورشود، آشنایی با ناصرالاسلام ( ندامانی ) مدیر روزنامه « شوری » رشته‌یی میان آنها باشد، یا تصورپیوستگی روزنامه بامدادروشن به «اتحاداسلام» درتهران، این روزنامه را تا حد ارگـان قیـام میرزا پیش برده باشد، که خود مقوله‌یی جدا ازجریان تهران بود .

دربارهٔ نقش وهدف ترکهـا در تبلیغ اتحـاد اسلام درایران، جلد چهارم « حیات یحیی » مطالبی دارد که درخوراعتناست ونقطهٔ سیاسی‌خیزش اتحاد اسلام را دراین دوره مشخص می‌سازد .

* **صفحه۱۸۲** : « انقلاب سرخ » به‌مدیریت ابوالقاسم ذره و« کمونیست » به‌مدیریت سید جعفرجواد زاده ، ارگان جنگلی‌ها نبود . وروزنامه‌های حزب عدالت بود که گروهی ازمجاهدان مهاجرایرانی مقیم باکو، تشکیل داده بودند، وهنگام درگیری قوای شوروی وانگلیس درمرزهای شمالی‌ایران، این حزب‌در رشت با کمیتهٔ اتحاد اسلام میرزا کوچك خان ائتلاف کرد، ولی حکومت‌ائتلافی دوامی نیاورد . ورشت درتصرف عدالتی‌ها ماند ومیرزا به‌اعماق جنگل‌عقب‌نشست وبین این گروه با قوای قزاق ازیك جانب وبا قوای جنگل ازجانب دیگرجدال بود. به‌عدالتی‌ها، حزبی‌ها نیزمی گفتند . درروزنامهٔ جنگل نیز حسین کسمایی ، شاعرونویسندهٔ معروف گیلانی وغلامحسین کسمایی معروف به‌نویدی سردبیری و مدیریت داشته‌اند . ازحزب عدالت در صفحه۱۸۴ کتاب جداگانه و بی‌رابطه با ماجرای جنگل یاد شده .

* **صفحه ۱۸۳**: ابوالقاسم لاهوتی ، روزنامه‌نویس نبود ، شـاعر ونظامی و انقلابی بود. احاطه‌اش درزمینهٔ شعرانقلابی ونوآوری درمضمون وقالب شعرفارسی، جای بحث ندارد . و علاوه بر مطبوعـات ایران، هنگام اقامت اجباری در استـانبول ( قسطنطنیه ) با مطبوعات فارسی آن شهرهمکاری داشت ونیزمجله‌یی به‌نام‌پارس درآن شهرپایه گذاری کرد که اوقسمت فارسی ، و« حسن مقدم » قسمت فرانسه مجله را تدوین می کردند . شعرلاهوتی دربیشترروزنامه‌های تهران،وروزنامه‌های معتبرشهرستانها منتشرمی‌شد . وبی‌مناسبت نیست یادآوری شود، اشعاری که‌به‌نام مبهم « کرمانشاهي » در روزنامه « شرق » سید ضیاءالدین چاپ شده، به‌اعتبـار

تلاشی که برای تصرف دراوزان معمول‌فارسی درآغازبه‌چشم‌می‌آید ونیزبه‌خاطر مضمون می‌توان گمان بردکارلاهوتی‌است . با این سابقه باید گفت لاهوتی،ازشعر به‌عنوان یك پیام ووسیله ارتباطی مسلکی بهره‌برداری می‌کرده است . و ازنظر سازمانی قیام لاهوتی باید جزئی ازتلاش حزب عدالت باکوباشد .

( ذیل صفحه ۱۰۸ جلد دوم ازصبا تا نیما ، نیزدرمعرفی‌شاعرکرمانشاهی ، نام لاهوتی‌آمده، بی‌هیچ توضیح . )

* **صفحه۱۸۸ :** محمد امین رسـول زاده ، رهبرحزب سوسیـال دمکرات ( مساوات ) قفقازبودکه دردوران تبعید مدتی درایران بسرمی‌برد ومقالات اصلی روزنامه « ایران نو» ارگان حزب دمکرات را درتهران می‌نوشت وبافشار دولت تزارازایران رفت . وپس ازانقلاب اکتبردر یك فاصلهٔ زمـانی کوتاه ، حزب او حکومت جمهوری آذربایجان قفقازرا تشکیل داد . اما مدت زیادی نپایید و در اثنایی‌که برای مناسبات خود با ایران مذاکره می‌کرد، ساقط شد .

* **صفحه۱۹۴ :** قرارداد ۱۹۱۹ که به‌قراردادوثوق‌الدوله معروف است،در اصل عبارت از قبول « تحت الحمایگی »بود وکاپیتولاسیون ( Capitulation ) یا « حق قضاوت کنسولی » مولود قراردادهای ترکمانچای وگلستان با روسیه تزاری دردوران سلطنت فتحعلیشاه قاجاراست، که اول باردرکابینهٔ صمصام‌السلطنه ( در سال ۱۲۹۷ هـ . ش ) به‌استنـاد سقوط دولت تزاری در روسیه ـ که اسـاس کاپیتولاسیون، قرارداد با آن دولت بود ـ الغای کاپیتولاسیون به‌سفارتخانه‌هـای خارجی اعلام گردید . ودرهمان‌کابینه، اختلاف کمپانی راه‌آهن شهرری با ایران برسرافزایش نرخ، خارج ازقلمروکاپیتولاسیون حل شد .

* **صفحهٔ۱۹۶ :** دریك پایان‌نامه تحصیلی دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی که به « بررسی روزنامه‌های شرق‌ـ‌برق ـ رعد سید ضیاءالدین طباطبائی » اختصاص دارد، دانشجوی گزارشگر با استناد به قول استاد محیط طباطبائی، روزنامه چهار صفحه‌یی ندای اسلام را اینگونه معرفی می کند : «روزنامه درجه دوم منطبق با روزنامه‌های آغازین مشروطه » چنانکه در صفحه ۳ از قسمت هیجدهم تقریرات تاریخ مطبوعات استاد محیط طباطبائی نیز آمده است : « پس ازبرقراری حکومت مشروطه روزنامه یومیه شرق را به‌سبك وسیاق ایران نو، تأسیس کرد. بعدازانتشار چند شماره حسین کسمایی را به‌یاری خواست . »

* **صفحه۲۰۰:** علی‌اکبر مشیرسلیمی، تدوین کننده« کلیات میرزاده‌عشقی» درمقدمهٔ دیوان، « سر گذشت عشقی » می نویسد :

« . . . سالهای کودکی رادرمکاتب محلی وازسن‌هفت سالگی درآموزشگاه‌ـ های الفت وآلیانس به‌تحصیل فارسی وفرانسه اشتغال‌داشته، پیش ازآنکه گواهی نامه ازمدرسه اخیرالذکردریافت کند درتجارتخانهٔ یکنفربازرگان فرانسوی‌به‌ـ شغل مترجمی پرداخته ودراندك زمانی زبان‌فرانسه را بخوبی دریافته وبه‌شیرینی تکلم میکرد . دورهٔ تحصیلی این شاعرجوان تا هفده سالگی بیشترطول نکشید... درآغازسن ۱۵ سالگی به‌اصفهان رفت، سپس برای اتمام تحصیلات بتهران آمد ، بیش ازسه ماه نگذشت که بهمدان بازگشت وچهار ماه بعدش باصرار پدر خود برای تحصیل عازم پایتخت شد ولی عشقی ازتهران برشت وبندرپهلوی رهسپارو بمرکز بازآمد . . . . هنگامی که درهمدان بسر می‌برد اوایل جنگ بین‌الملل اول . . . . به‌هواخواهی ازعثمانی‌ها پرداخت وزمانی که چند هزار تن مهاجر

ایرانی . . . بسوی استانبول می‌رفتند اوهم به‌آنها پیوست . . . . عشقی چند سالی دراستانبول بسر برد،درشعبه علوم‌اجتماعی وفلسفه دارالفنون بابعالی‌جزء مستمعین آزاد حضورمی‌یافت، پیش از این سفرهم یکبار بهمراهی آلمانیها به بیجار و کردستان رفته بود .

* * **صفحهٔ۲۰۰:** عباس میرزا اسکندری، مرد سیاست وتجارت بود . در رشته حقوق تحصیل کرد ، و از سال ۱۳۰۰ روزنامه سیاست را منتشرمی کرد ، و پاره‌یی ازمقالات میرزاده‌عشقی درروزنامه اومنتشرشده است . بعد ازدوران‌طولانی تعطیل، روزنامه او، ازاسفند ۱۳۲۰ به‌صورت ارگان حزب توده، در تهران‌انتشار یافت ولی ۹ ماه بعد هم اورا به‌نام روش غیرحزبی از حزب اخراج کردند ، وهم روزنامهٔ دیگر جای روزنامه سیاست منتشر گردید ، عباس میرزا اسکندری گرایشهای لیبرالی داشت، درکابینهٔ قوام‌السلطنه رئیس هیأت مدیره شرکت بیمه ایران‌شد،ودرسالهای۱۳۲۵و۱۳۲۶ به‌استانداری تهران رسید . ودردورهٔ پانزدهم مجلس شورایملی‌ازهمدان به‌مجلس رفت . خطیبی قوی دست بود ودر سالهای اول دهه سوم قرن حاضردربررسی تاریخ مشروطه ایران به‌صورت یك ادعانامهٔ ملی، علیه‌کارگزارانی که انقلاب را ازمسیرخود دور کرده‌اند ـ کتاب «آرزو» را نوشت که ناتمام ماند .

وی همچنین کتاب « نفت وسیاست » را تألیف کرد و یکی ازنمایندگان انگشت‌شمارمجلس بود که درطرح مسأله نفت پیشقدم شدند . ونطق‌های اوازاین نظرحایزاهمیت است . وی دردورهٔ اول رواج تأسیس بانکهای خصوصی، درایران با سرمایه‌گذاری شخصی، بانك « ایران و سویس » را تأسیس کرد . ولی دوران

بانکداری او با آخرین سالهای عمرش همراه بود، و در سال ۱۳۳۸ در مونیخ درگذشت.

منظوراز این توضیح آن بود که عباس‌میرزا اسکندری، درحزب توده نقش فعالی نداشت، ودورهٔ همکاری اوبا این‌حزب بسیار کوتاه بود. مؤلف کتاب «غرب وشوروی درایران - سی‌سال رقابت» نیزدرین مورد می‌نویسد: «درآغاز روزنامه سیاست به‌مدیریت عباس میرزای اسکندری ارگـان حزب توده بود ولی در اثر اختلاف کمونیستهای بـا سابقه حزب بـا غیر کمونیستها و روش معتدل عبـاس اسکندری بعداً روزنامه رهبر بجای روزنامه‌سیاست ارگان حزب توده شدوعباس اسکندری ازحزب کناره گرفت» (ذیل ۲ ـ صفحهٔ ۲۸۴ ترجمه فارسی ۳۰ سال رقابت درایران چاپ اول سال ۱۳۵۱ ـ تهران).

*** **صفحهٔ ۲۰۰**: درکتاب اول کلیات‌مصورعشقی‌ـ‌ازصفحه ۱۲ تا۱۶ نقل از روزنامهٔ مرد امروز گزارش دقیقی ازجریان ترور میرزادهٔ عشقی زیر عنوان «شهادت‌عشقی» آمده است که جزء به جزءِ حادثهٔ تروررا شرح می‌دهد، وبا دقت‌تمام موضوع‌را می‌شکافد. به‌موجب این گزارش که حتی نام و حرفه و سابقه سه‌نفر عامل ومأمورترورعشقی‌را ونیزپایان کارآنهارا آورده است، برای تدارك ترور میرزاده درخانه اوازچند روزپیش، دوتن ازتروریستها خانه‌اش‌را زیرنظر گرفته بودند. ومنتظرزمانی بودند که خانه خلوت شود، و شب پیش‌ازحادثه، نامه‌یی تظلم‌آمیز برای او بداخل خانه فرستاده بودند. ساعت هشت صبح روز بعد که احساس می‌کنند، خانه‌خالی است، دربازاست و غیرازطعمه کسی درخانه‌نیست، وارد حیاط می‌شوند، به‌عشقی که «لب‌حوض صورت‌خودرا می‌شسته» می‌گویند برای جواب عریضه دیشب آمده‌ایم. «عشقی آنها را به‌داخل اتاق دعوت کرده

درحالیکه یکنفرازآنها برای او توضیح مطلب می‌داد دیگری ازعقب اوراهدف قرارداده بلافاصله هردو فرارمینمایند ، عشقی فریادزنان خود را ازمنزل بخارج رسانیده درجوی آب وسط کوچه میافتد . » .

* صفحهٔ ۲۰۱ : فرخی برای عزیمت به‌تهران ترك‌تحصیل‌نکرد . درصفحهٔ دهم دیوان فرخی حسین مکی درشرح احوال وی می‌نویسد : « پس‌از طی دوران خردسالی مشغول تحصیل گردید ولی نزدیك پایان تحصیلات مقدماتی درمدرسه مرسلین انگلیسهای یزد بعلت روح آزادیخواهی ، و افکار روشن وی و اشعاری که بر علیه اولیای مدرسه میسروده ویرا به‌مناسبت شعر پایین که حدود سن ۱۵سالگی سروده است ...... ازمدرسه خارج نمودند :

سخت بسته با ما چرخ عهد سست پیمانی
داده او به‌هرپستی دستگاه سلطانی
دین زدست مردم برد فکرهای شیطانی
جمله طفل خود بردند درسرای نصرانی

رویهمرفته تحصیلات‌فرخی تقریبا تا حدود ۱۶سالگی میباشد ومعلوماتش فارسی و مقدمات عربی‌را فراگرفته ، وچون ازطبقه متوسط بود پس‌ازخروج از مدرسه بکارگری‌مشغول گردید، وازدسترنج‌خود امرارمعاش میکرد » . ( چاپ پنجم ـ تهران ـ ۱۳۴۱ ) .

و درباره سفروی به‌تهران ، از صفحه ۱۱ به‌بعد شرح می‌دهد که فرخی از دموکراتهای یزد بود ، ودرنوروز، قصیده‌یی علیه استبداد و مدح آزادی خطاب به‌حکومت یزد « ضیغم‌الدوله قشقایی » خواند ، حاکم دستور داد ، دهان فرخی را دوختند ، واورا به‌زندان انداختند ، فرخی پس‌از یکی‌دوماه از زندان حاکم گریخت و به‌تهران عزیمت کرد . ( در ۲۳سالگی ) .

* **صفحهٔ ۲۰۱ :** درمورد علی‌دشتی وفرخی یزدی ، باید خاطر نشان ساخت که نظیر بیشتر روزنامه‌نگاران وشاعران زمان مورد بحث ، هیچیك ، گرایشهای سیاسی با مفهوم دههٔ جلوتر ، به همسایه شمالی نداشته‌اند . و موج روشنفکری عصرمورد بحث درسراسرجهان گرایشی ، آمیخته از همدردی و احساس تفاهم ، در قبال تهاجم قدرتهای استعماری اروپا به حکومت انقلابی روسیه پدید آورده بود ، که در کشورهایی نظیرایران، بادر گیری سخت که با انگلیس وجودداشت و شرایط تازه حکومت در روسیه ، سبع‌ترین دشمن آنها یعنی تزاریسم را از پا درآورده بود ، این گرایش مضاعف می‌شد ، اما متأسفانه « ژرژ لینچافسکی » و مؤلفانی نظیروی ، که ازسویی روح زمان و شرایط اجتماعی و سیاسی ایران‌را دقیق درك نمی کرده‌اند، وازسوی دیگراحساسات ضد کمونیستی‌آنها بسیارشدید بوده ، اغلب ، جریانها و اشخاص را ، ناشناخته ، به طرفداری دولت شوروی منسوب داشته‌اند ، و یا کوشیده‌اند ، آبشخوری از حمایت شوروی ، برای این گروه‌هانشان بدهند ، در حالی که صریح‌ترین تفاهم با کمونیسم ، در آثار این گروه‌ها مثنوی « خرنامه » عارف قزوینی است ، یا اشاراتی در غزلهای فرخی یزدی به‌زندگی دشواروپرمشقت دهقانان‌وکارگران ایرانی، یا جمع‌آوری اعانه برای گرسنگان کشورهمسایه ؛ که اولی طنزی تلخ و گزنده است بی‌هیچ‌عمق‌یا درك مسلکی، و دومی نشانی‌ازیك گرایش‌حادرادیکالی است‌وعواطف انساندوستی نظیر آنچه میرزادهٔ عشقی ، شاعر و نویسندهٔ همزمان آنها ، به‌صورت عید خون پیشنهاد کرده است ، که جای کمونیسم ، به‌آنارشیسم ، نزدیك است .

فرخی ، درتمام دوران زندگی وزندانهای گوناگون خویش ، منفرد وتنها بود ، و درزندان و آزادی، او و کمونیستها ازپشت پنجره به‌هم نگاه می کردند،

و گاهی فرخی در مقام مبارزه‌جویی، اعتصاب‌ها و درگیریهای آنها را درزندان می‌ستود. و آنهارا همانند یك تماشاگر، تشویق می کرد. فرخی یزدی، درشعر، درسیاست ودرروزنامه‌نویسی تا دم مرگ، یك رادیکالیست تنها و متکی به‌خویش باقی ماند. حتی اتهام او برای آخرین زندان، اتهام سیاسی نبود، او را براساس شکایت کاغذ فروش، بازداشت کردند و چندان درزندان ماند تا سرنوشت شوم و معروف به‌سراغش آمد.

* **صفحهٔ ۲۰۳:** سیدحسن تقی‌زاده، لیدر دموکراتها در مجلس شورایملی بود، وپس‌ازحادثه ترور «آیةالله‌بهبهانی» که رهبری اعتدالیهارا برعهده داشت وازنفوذ کلام‌بسیاردرافکارعمومی برخوردار بود، رهبران مشروطه برای‌جلوگیری از کینه‌جویی متقابل «اعتدالیون» به تقی‌زاده‌پیشنهاد کردند تهران‌را ترك کند، و درواقع اورا به‌تبعید فرستادند، با این‌وصف کینه‌جویی اعتدالیها، آرام نگرفت تاآنکه چندتن ازدموکراتهای سرشناس‌را ازپا درآوردند.

* **صفحهٔ ۲۰۶:** مجلهٔ «شرق» سعید نفیسی، مربوط به‌دورهٔ دیگری‌است. وبازمان‌موردبحث‌رابطه‌یی جزاین‌ندارد که‌نفیسی، تصمیم گرفته‌بودخلاء مطبوعاتی سالهای آخردههٔ اول قرن چهاردهم‌را پر کند. و مجله شرق تاحدی خاطره‌مجله «دانشکده» ملك‌الشعرای بهار را تازه می کرد.

علاوه‌براین آشفته‌شدن ناگهانی زمان، که شاید مربوط به دهسال کم و زیاد تاریخ میلادی است (۱۹۲۴ بجای ۱۹۳۴)، مؤلف محترم، به‌علت‌آنکه منابع‌ومآخذ لازم‌وکافی درزمینه مجله‌نویسی دردسترس‌نبوده، فضای مجله‌نویسی را بسیارمحدود مورد بحث قرارداده‌اند. ازنوع مجله ارمغان درهمان زمان مجلهٔ

سنگین « دبستان » که شادروان « مشگان طبسی » فقیه و ادیب و حکیم معروف آن‌دوران می‌نوشت ، درخراسان منتشر می‌شد . ودرخارج از کشور مجله‌های دیگر بود ازجمله « پارس » استانبول و درداخل علاوه‌بر مجله آزادیستان تبریز ، مجله سنگین و پرارزش « دانشکده » که ملك‌الشعرای بهار مدیر آن بود ، وشخصیت‌های سرشناسی چون اقبال آشتیانی ،رشید یاسمی، سعید نفیسی ، سردارمعظم خراسانی ( تیمورتاش ) در آن مطلب می‌نوشتند .

و نیز مجلهٔ « آینده » که دو دورهٔ آن ، درسالهای آغازقرن چهاردهم به مدیریت و نویسندگی دکتر محمود افشار انتشاریافت ، ودرزمینهٔ نشریك مجله ماهانهٔ سیاسی- فرهنگی و پی‌ریزی بینش سیاسی ملی در کشورپایه‌یی گذارد که تازگی‌داشت و جای خالی آن مجله ، هنوز احساس می‌شود .

برای کسب اطلاع بیشتر درباره مجلات این دوره علاوه‌بر تقریرات محیط طباطبایی (جزوه ۱۸) به‌جلددوم « ازصبا تا نیما» ازصفحه ۲۲۵ تا ۲۳۵ رجوع کنید.

* **صفحهٔ۲۰۷:** این مطلب، درصفحه ۲۳۶ ترجمهٔ اختناق ایران چنین آمده است : « زنان ایران، ازسنه ۱۹۰۷ بیك جنبش، بسیارترقی نموده‌اند . اگرچه‌از ازحزب ( رادیکل ) بشمارنیامده وترقی آنان ذاتی واصلی نبود، ولی با این‌حال‌از ترقی یافتگان عالم محسوب می‌شدند . آن اقدامات زنان، خیالات مندرسه قرنها را خراب وفاسد نمود، وهیچ خللی هم به‌صحت اینقول وارد نمی‌شود که‌آن‌وقایع طبیعی وحقیقی بود . »

** **صفحهٔ۲۰۷:** درجزوهٔ هیجدهم تقریرات « تاریخ مطبوعات » محیط طباطبایی صفحهٔ پنجم چنین‌آمده است :

« دکترحسین کحال مدیر استقلال ایران با خانم دکتر کحال که نخستین روزنامه نویس زن ایرانست ابداً ارتباط وانتسابی نداشته است مگراینکه هردو طبیب چشم بوده‌اند . »

* **صفحهٔ۲۱۲:** روزنامه « قیام » پس ازتوقیف شماره ۳۱ روزنامه «**توفان** » جای این روزنامه، وسیله فرخی یزدی منتشرشد . ودرشمارهٔ سوم روزنامه قیام ، فرخی سرمقاله‌یی به‌نام « وضعیت پوشالی » نوشت که درآن سخت از احمد شاه انتقاد وبه‌نخست‌وزیری قوام‌السلطنه اعتراض شده بود، وچون « قیام » نیز توقیف بود، جای آن ازروزنامهٔ « ایران‌آزاد » وکلیشهٔ ایران‌آزاد استفاده کرد. وبراثر شکایت دربار‌به‌دادگستری، موسوی زاده به‌محاکمه دعوت شد و« ضیاءالواعظین » را دولت تبعید کرد . شرح این مقالات وجریان محاکمه از صفحهٔ ۱۷ به بعد در مقدمهٔ دیوان فرخی آمده است . وتاریخ انتشار مقاله « وضعیت پوشالی » سوم دلو ۱۳۰۱ است .

# دربارهٔ تطبیق سالهای تاریخی:

ازآنجا که وقایع تاریخی ایران، پس‌ازاسلام برمبنای گاه شماری‌اسلامی هجری قمری ثبت شده است. واین گاه شماری، در دورهٔ پنجم مجلس شورایملی با اصلاحی به‌هجری شمسی، تبدیل گردیده است. از سویی بطور کلی ضبط این وقایع ازجانب غربی‌ها، با تقویم میلادی است که بنیاد آن میلاد مسیح‌است، که ضرورت تبدیل ومقایسهٔ سالها ـ را برای اهل تحقیق پیش می‌آورد، لازم است روشی دراختیار اهل‌مطالعه باشد. تقی‌زاده‌درجوابی که به‌سؤال«مبدأ تاریخ‌ایران چیست؟» مجله سخن ( شماره ۱۱ دوره پنجم ) داد، ضمن قبول انتخاب سال شمسی‌هجری، برای‌این مبداء شیوهٔ تبدیل‌سالهای میلادی، هجری قمری وهجری شمسی را نیزارائه داده است که به‌نقل ازمجموعه مقالات اودرزیرمی‌آید:

« این‌کارازحیث عمل صعوبتی‌ندارد، چه تبدیل تاریخهای مسیحی‌به‌هجری شمسی‌کارساده‌ایست وتبدیل تاریخهای قبل ازمسیح با اضافه عدد۶۲۱ به‌رقم‌معلوم وکم کردن اعداد تاریخهای بعد ازمسیح از۶۲۱ سهل است ونتیجه‌اش تاریخ قبل ازهجرت میشود وبرای تواریخ‌بعد ازاسلام ( یعنی بعد ازهجرت )نیزازتاریخهای مسیحی ۶۲۱ کم کنید تاریخ هجری شمسی وبقیه بدست می‌آید وازارقام تاریخ قمری نیزبا حذف خارج قسمت عدد بر۳۳ رقم تقریبی تاریخ هجری شمسی‌حاصل

می‌شود . ( مقالات تقی‌زاده صفحهٔ ۴۸۵ ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب ـ چاپ اول ۱۳۴۱ تهران . )

البته این روش ساده رقم دقیق روزوماه را بدست نمی‌دهد و برای رسیدن به روزوماه دقیق درتبدیل تاریخ‌ها، می‌توان به‌جلد اول دائرةالمعارف فارسی که‌زیر نظر دکتر غلامحسین مصاحب تألیف شده، مراجعه کرد .

علاوه براین، چون تاریخ‌های کتاب حاضر، بیشتر به‌سال میلادی است برای آنکه تطبیق آنها با تاریخ‌های قمری رایج متون فارسی دشوار نباشد، ازسال ۱۲۱۰ هجری قمری که‌باسال ۱۷۹۵ میلادی برابراست ونیز باتاج گذاری آقامحمدخان قاجار، جدول مقایسه آغازسال‌های هجری با ماه وسال میلادی تا پایان‌دوره قاجار (۱۳۴۴ هجری قمری برابربا ۱۹۲۵ میلادی ) تدوین گردیده . درخوریادآوری است که دقت این جدول شامل ماهها می‌شود، ونمی‌توان روزهارا نیزمشمول این دقت کرد . زیرا بگفته تقی‌زاده درهرحال احتمال اندك تغییری در صحت روزها می‌رود .

اول محرم :

| | | |
|---|---|---|
| ۱۲۱۰ | هجری قمری | ۱۸ ژوئیه ۱۷۹۵ |
| ۱۲۱۱ | | ۷ ژوئیه ۱۷۹۶ |
| ۱۲۱۲ | | ۲۶ ژوئن ۱۷۹۷ |
| ۱۲۱۳ | | ۱۵ ژوئن ۱۷۹۸ |
| ۱۲۱۴ | | ۵ ژوئن ۱۷۹۹ |
| ۱۲۱۵ | | ۲۵ مه ۱۸۰۰ |
| ۱۲۱۶ | | ۱۴ مه ۱۸۰۱ |
| ۱۲۱۷ | | ۴ مه ۱۸۰۲ |
| ۱۲۱۸ | | ۲۳ آوریل ۱۸۰۳ |
| ۱۲۱۹ | | ۱۲ آوریل ۱۸۰۴ |
| ۱۲۲۰ | | ۱ آوریل ۱۸۰۵ |
| ۱۲۲۱ | | ۲۱ مارس ۱۸۰۶ |
| ۱۲۲۲ | | ۱۱ مارس ۱۸۰۷ |
| ۱۲۲۳ | | ۲۸ فوریه ۱۸۰۸ |
| ۱۲۲۴ | | ۱۶ فوریه ۱۸۰۹ |
| ۱۲۲۵ | | ۶ فوریه ۱۸۱۰ |

**اول محرم**

| | | |
|---|---|---|
| ۱۲۲۶ | هجری قمری | ۲۶ ژانویه ۱۸۱۱ |
| ۱۲۲۷ | | ۱۶ ژانویه ۱۸۱۲ |
| ۱۲۲۸ | | ۴ ژانویه ۱۸۱۳ |
| ۱۲۲۹ | | ۲۴ دسامبر ۱۸۱۳ |
| ۱۲۳۰ | | ۱۴ دسامبر ۱۸۱۴ |
| ۱۲۳۱ | | ۳ دسامبر ۱۸۱۵ |
| ۱۲۳۲ | | ۲۱ نوامبر ۱۸۱۶ |
| ۱۲۳۳ | | ۱۱ نوامبر ۱۸۱۷ |
| ۱۲۳۴ | | ۳۱ اکتبر ۱۸۱۸ |
| ۱۲۳۵ | | ۲۰ اکتبر ۱۸۱۹ |
| ۱۲۳۶ | | ۹ اکتبر ۱۸۲۰ |
| ۱۲۳۷ | | ۲۸ سپتامبر ۱۸۲۱ |
| ۱۲۳۸ | | ۱۸ سپتامبر ۱۸۲۲ |
| ۱۲۳۹ | | ۷ سپتامبر ۱۸۲۳ |
| ۱۲۴۰ | | ۲۶ اوت ۱۸۲۴ |
| ۱۲۴۱ | | ۱۶ اوت ۱۸۲۵ |
| ۱۲۴۲ | | ۵ اوت ۱۸۲۶ |
| ۱۲۴۳ | | ۲۵ ژوئیه ۱۸۲۷ |
| ۱۲۴۴ | | ۱۴ ژوئیه ۱۸۲۸ |
| ۱۲۴۵ | | ۳ ژوئیه ۱۸۲۹ |
| ۱۲۴۶ | | ۲۲ ژوئن ۱۸۳۰ |

**اول محرم :**

| | | |
|---|---|---|
| ۱۲۴۷ | هجری قمری | ۱۲ ژوئن ۱۸۳۱ |
| ۱۲۴۸ | | ۳۱ مه ۱۸۳۲ |
| ۱۲۴۹ | | ۲۱ مه ۱۸۳۳ |
| ۱۲۵۰ | | ۱۰ مه ۱۸۳۴ |
| ۱۲۵۱ | | ۲۹ آوریل ۱۸۳۵ |
| ۱۲۵۲ | | ۱۸ آوریل ۱۸۳۶ |
| ۱۲۵۳ | | ۷ آوریل ۱۸۳۷ |
| ۱۲۵۴ | | ۲۷ مارس ۱۸۳۸ |
| ۱۲۵۵ | | ۱۷ مارس ۱۸۳۹ |
| ۱۲۵۶ | | ۵ مارس ۱۸۴۰ |
| ۱۲۵۷ | | ۲۳ فوریه ۱۸۴۱ |
| ۱۲۵۸ | | ۱۲ فوریه ۱۸۴۲ |
| ۱۲۵۹ | | ۱ فوریه ۱۸۴۳ |
| ۱۲۶۰ | | ۲۲ ژانویه ۱۸۴۴ |
| ۱۲۶۱ | | ۱۰ ژانویه ۱۸۴۵ |
| ۱۲۶۲ | | ۳۰ دسامبر ۱۸۴۵ |
| ۱۲۶۳ | | ۲۰ دسامبر ۱۸۴۶ |
| ۱۲۶۴ | | ۹ دسامبر ۱۸۴۷ |
| ۱۲۶۵ | | ۲۷ نوامبر ۱۸۴۸ |
| ۱۲۶۶ | | ۱۷ نوامبر ۱۸۴۹ |
| ۱۲۶۷ | | ۶ نوامبر ۱۸۵۰ |

**اول محرم**

| | | |
|---|---|---|
| ۱۲۶۸ | هجری قمری | ۲۷ اکتبر ۱۸۵۱ |
| ۱۲۶۹ | | ۱۵ اکتبر ۱۸۵۲ |
| ۱۲۷۰ | | ۴ اکتبر ۱۸۵۳ |
| ۱۲۷۱ | | ۲۴ سپتامبر ۱۸۵۴ |
| ۱۲۷۲ | | ۱۳ سپتامبر ۱۸۵۵ |
| ۱۲۷۳ | | ۱ سپتامبر ۱۸۵۶ |
| ۱۲۷۴ | | ۲۲ اوت ۱۸۵۷ |
| ۱۲۷۵ | | ۱۱ اوت ۱۸۵۸ |
| ۱۲۷۶ | | ۳۱ ژوئیه ۱۸۵۹ |
| ۱۲۷۷ | | ۲۰ ژوئیه ۱۸۶۰ |
| ۱۲۷۸ | | ۹ ژوئیه ۱۸۶۱ |
| ۱۲۷۹ | | ۲۹ ژوئن ۱۸۶۲ |
| ۱۲۸۰ | | ۱۸ ژوئن ۱۸۶۳ |
| ۱۲۸۱ | | ۶ ژوئن ۱۸۶۴ |
| ۱۲۸۲ | | ۲۷ مه ۱۸۶۵ |
| ۱۲۸۳ | | ۱۶ مه ۱۸۶۶ |
| ۱۲۸۴ | | ۵ مه ۱۸۶۷ |
| ۱۲۸۵ | | ۲۴ آوریل ۱۸۶۸ |
| ۱۲۸۶ | | ۱۳ آوریل ۱۸۶۹ |
| ۱۲۸۷ | | ۳ آوریل ۱۸۷۰ |
| ۱۲۸۸ | | ۲۳ مارس ۱۸۷۱ |

**اول محرم :**

| | | |
|---|---|---|
| ۱۲۸۹ | هجری قمری | ۱۱ مارس ۱۸۷۲ |
| ۱۲۹۰ | | ۱ مارس ۱۸۷۳ |
| ۱۲۹۱ | | ۱۸ فوریه ۱۸۷۴ |
| ۱۲۹۲ | | ۷ فوریه ۱۸۷۵ |
| ۱۲۹۳ | | ۲۸ ژانویه ۱۸۷۶ |
| ۱۲۹۴ | | ۱۶ ژانویه ۱۸۷۷ |
| ۱۲۹۵ | | ۵ ژانویه ۱۸۷۸ |
| ۱۲۹۶ | | ۲۶ دسامبر ۱۸۷۸ |
| ۱۲۹۷ | | ۱۵ دسامبر ۱۸۷۹ |
| ۱۲۹۸ | | ۴ دسامبر ۱۸۸۰ |
| ۱۲۹۹ | | ۲۳ نوامبر ۱۸۸۱ |
| ۱۳۰۰ | | ۱۲ نوامبر ۱۸۸۲ |
| ۱۳۰۱ | | ۲ نوامبر ۱۸۸۳ |
| ۱۳۰۲ | | ۲۱ اکتبر ۱۸۸۴ |
| ۱۳۰۳ | | ۱۰ اکتبر ۱۸۸۵ |
| ۱۳۰۴ | | ۳۰ سپتامبر ۱۸۸۶ |
| ۱۳۰۵ | | ۱۹ سپتامبر ۱۸۸۷ |
| ۱۳۰۶ | | ۷ سپتامبر ۱۸۸۸ |
| ۱۳۰۷ | | ۲۸ اوت ۱۸۸۹ |
| ۱۳۰۸ | | ۱۷ اوت ۱۸۹۰ |
| ۱۳۰۹ | | ۶ اوت ۱۸۹۱ |

**اول‌محرم :**

| | | |
|---|---|---|
| ۱۳۱۰ | هجری قمری | ۲۶ ژوئیه ۱۸۹۲ |
| ۱۳۱۱ | | ۱۵ ژوئیهٔ ۱۸۹۳ |
| ۱۳۱۲ | | ۵ ژوئیه ۱۸۹۴ |
| ۱۳۱۳ | | ۲۴ ژوئن ۱۸۹۵ |
| ۱۳۱۴ | | ۱۲ ژوئن ۱۸۹۶ |
| ۱۳۱۵ | | ۲ ژوئن ۱۸۹۷ |
| ۱۳۱۶ | | ۲۲ مه ۱۸۹۸ |
| ۱۳۱۷ | | ۱۲ مه ۱۸۹۹ |
| ۱۳۱۸ | | ۱ مه ۱۹۰۰ |
| ۱۳۱۹ | | ۲۰ آوریل ۱۹۰۱ |
| ۱۳۲۰ | | ۱۰ آوریل ۱۹۰۲ |
| ۱۳۲۱ | | ۳۰ مارس ۱۹۰۳ |
| ۱۳۲۲ | | ۱۸ مارس ۱۹۰۴ |
| ۱۳۲۳ | | ۸ مارس ۱۹۰۵ |
| ۱۳۲۴ | | ۲۵ فوریه ۱۹۰۶ |
| ۱۳۲۵ | | ۱۴ فوریه ۱۹۰۷ |
| ۱۳۲۶ | | ۴ فوریه ۱۹۰۸ |
| ۱۳۲۷ | | ۲۳ ژانویه ۱۹۰۹ |
| ۱۳۲۸ | | ۱۳ ژانویه ۱۹۱۰ |
| ۱۳۲۹ | | ۲ ژانویه ۱۹۱۱ |
| ۱۳۳۰ | | ۲۲ دسامبر ۱۹۱۱ |
| ۱۳۳۱ | | ۱۱ دسامبر ۱۹۱۲ |

**اول محرم :**

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۳۳۲ هجری قمری | ۳۰ | نوامبر | ۱۹۱۳ |
| ۱۳۳۳ | ۱۹ | نوامبر | ۱۹۱۴ |
| ۱۳۳۴ | ۹ | نوامبر | ۱۹۱۵ |
| ۱۳۲۵ | ۲۸ | اکتبر | ۱۹۱۶ |
| ۱۳۳۶ | ۱۷ | اکتبر | ۱۹۱۷ |
| ۱۳۳۷ | ۷ | اکتبر | ۱۹۱۸ |
| ۱۳۳۸ | ۲۶ | سپتامبر | ۱۹۱۹ |
| ۱۳۳۹ | ۱۵ | سپتامبر | ۱۹۲۰ |
| ۱۳۴۰ | ۴ | سپتامبر | ۱۹۲۱ |
| ۱۳۴۱ | ۲۴ | اوت | ۱۹۲۲ |
| ۱۳۴۲ | ۱۴ | اوت | ۱۹۲۳ |
| ۱۳۴۳ | ۲ | اوت | ۱۹۲۴ |
| ۱۳۴۴ | ۲۲ | ژوئیه | ۱۹۲۵ |

# فهرست نام‌ها

آ

آئین اکبری ـ کتاب ۲۴
آئینه سکندری ـ روزنامه ۴۳
آتلنتا ـ کشتی ۶۴
آخوند زاده ـ میرزا فتحعلی ۹۳، ۲۳۷،۲۳۶
آذربایجان ۶۰،۳۷،۳۵،۳۱،۲۸، ۷۲،۶۹، ۸۱،۷۴، ۱۱۳،۸۲، ۱۶۱،۱۶۰،۱۵۹،۱۱۸،۱۱۷ ۲۵۳،۲۴۱،۱۸۴،۱۸۳،۱۸۲ ۲۶۵
آذربایجان ـ روزنامه ۱۵۵،۱۵۳، ۲۴۰
آذربایجان غربی ۳۵
آذری ـ سهیل ۲۲۹
آراواد ـ روزنامه ۱۸۹،۱۸۶
آزاد ـ روزنامه ۱۱۷،۱۱۴
آزاد ـ شهناز ۲۰۹
آزادیستان ـ مجله ۲۷۲،۱۸۳
آژیتاتور ۵۵
آسیا ۹۷،۸۳،۴۱،۲۰،۱۹،۱۰، ۲۳۵،۱۹۱،۱۴۵
آسیای جنوبی ۱۹
آسیای شرقی ۲۷
آسیای صغیر ۹۹،۸۳
آسیای غربی ۲۸
آسیایی ـ انجمن پادشاهی ۵۲،۴۷ ۶۸،۵۵
آفتاب ـ روزنامه ۲۶۲،۲۶۱
آقازاده ـ حبیب ۱۸۸
آقاسی ـ حاج‌میرزا ۲۵۸،۵۶،۵۵،۴۵
آقایف ـ احمدبیك ۲۵۵،۲۴۳،۱۶۱
آقایف قراباغی ـ احمدبیك ۲۴۳
آکسفورد ـ دانشگاه ۵۰
آلئون ـ بنگاه بانکی ۹۶
آلمان ۸۴،۵۷،۳۵،۲۷،۲۰،۱۷، ۲۰۳،۱۹۲،۱۹۱،۱۹۰،۹۱ ۲۶۳،۲۱۶
آلیانس ـ آموزشگاه ۲۶۹
آموزگار ـ حبیب‌الله ۲۶۱

آناتولی ۵۳
آندرینی ۳۸
آیق - روزنامه ۱۸۶–۱۸۹
آینده ۲۷۲

الف

ابن‌سینا ۲۱۹
ابوتراب‌میرزا ۸۸
اپوستولیك ۲۷–۲۸
اتابك - علی‌اصغرخان
اتابك اعظم ۱۴۴–۱۴۵
اجتماعیون اعتدالیون- حزب ۲۵۶
اتحاد اسلام ۱۸۱،۲۶۲،۲۶۳
اتحاد وترقی- حزب ۲۵۵،۲۵۷
۲۵۸
اتحادیون - حزب ۱۷۹–۲۵۷
اتفاق - روزنامه ۱۷۹
اتفاق‌کارگران - روزنامه ۱۸۹
اتفاق وترقی - حزب ۱۹۶،۲۵۶
احتیاج - روزنامه ۱۵۲،۲۴۰،۲۴۱
احسان‌الله خان ۱۸۱
احمدزاده ۱۸۸
احمد شاه ۱۶۳،۱۹۷،۲۰۰،۲۱۱
۲۱۲،۲۷۳
اختر - روزنامه ۱۰۴،۱۰۸،۱۱۰
۱۲۲
اخوان صفا ۲۲۰
ادب-روزنامه ۱۳۰،۱۳۷،۲۴۳،۲۵۰
ادیب - محمد حسین - ذکاءالملك
۸۸
ادیب‌السلطنه ۲۶۲
ادیب‌الملك - عبدالعلیخان ۲۴۴
ادیب‌الملك - محمد باقرخان ۲۴۴
ادیب‌الممالك ۱۱۴،۲۴۳،۲۵۸
۲۶۱،۲۶۲
اراك ۸۲
ارتجاعیون ۱۸۱
اردبیل ۳۴،۱۷۲
ارشاد - روزنامه ۱۱۴،۱۳۷،۲۱۰
۲۴۳
ارمغان - مجله ۲۰۲،۲۰۵
ارمن ۵۳
ارمنستان ۲۸
اروپا ۹،۱۰،۱۳،۱۹،۲۰،۲۱،۲۷
۲۹،۳۱،۳۲،۳۴،۳۵،۴۵،۵۰
۵۱،۵۵،۷۳،۷۷،۸۳،۸۶،۸۹
۹۱ ، ۹۵، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۳
۱۰۴،۱۱۲،۱۱۳،۱۱۷،۱۶۲
۱۸۹،۱۹۱،۲۰۱،۲۰۲،۲۰۳
۲۰۴،۲۰۵،۲۱۲،۲۱۳،۲۳۴
۲۳۵،۲۷۰
ازمیر ۲۲۹
اسپانیا ۲۰،۲۱،۵۷
استخری ۲۱۹
استرآباد ۸۱
استقلال ایران - روزنامه ۱۶۴،۱۷۳
۱۷۹،۱۸۹،۲۰۷،۲۵۵،۲۵۷
۲۷۳
استنکوی - قریه ۶۶
اسدآباد ۸۱،۹۹

اسدآبادی ــ سید جمال‌الدین ۹۹
۱۰۸،۱۰۰
اسدالله ـ میرزا ۳۳
اسکندر کبیر ۳۸
اسکندری ــ سلیمان‌محسن ۲۶۲
اسکندری ـ عباس میرزا ۲۶۸،۲۶۷
اسکندری ــ محترم ۲۰۹
اسکندریه ۱۷۴،۱۳۳
اسکویی ــ میرزا محمود ۲۴۰
اسلامیه ـ روزنامه ۱۳۰
اسلامبول ۹۸،۹۱،۸۳ ،۶۷،۶۵،۵۹
۲۳۴،۲۰۰،۱۰۹،۱۰۷،۱۰۴
۲۵۴،۲۴۷،۲۳۷،۲۳۶،۲۳۵
۲۷۲،۲۶۷،۲۶۴
اسماعیلیان ۲۲۰
اشرف افغان ۲۲۴
اصفهان ۵۹ ،۳۴ ،۲۸،۲۳،۱۷،۱۴
۱۲۲:۱۰۲ ،۸۹،۸۱،۶۹،۶۰
۱۷۱،۱۶۳،۱۶۲،۱۳۱،۱۲۴
۲۱۴،۲۰۹،۲۰۸،۱۸۸،۱۷۲
۲۹۶،۲۶۰ ،۲۳۳،۲۲۳
اصفهانی ـ سید جمال‌الدین ۱۲۲
اصفهانی ــ میرزا آقا(اعتمادالملك )
۱۸۷ــ۱۲۱
اصفهانی ــ میرزا علی‌محمد ۳۸
اصلاحیون ــ حزب ۱۸۱
اطلاع ــ روزنامه ۹۷
اطلاعات ــ روزنامه ۷۰-۴۷
اعتدال ــ حزب ۲۶۳،۲۶۰،۱۷۸
اعتدالی ۲۵۶
اعتدالیون ـ حزب ۱۸۷،۱۸۱:۱۷۹
۲۷۱
اعتصام‌الملك ــ یوسف ۲۰۲
اعتضادالملة ــ مرتضی‌خان ۲۵۳
اعتمادالسلطنه ــ محمد حسنخان ۳۸
۱۱۳ ،۹۳،۸۹ ،۸۸،۸۷،۸۶
۲۴۴
اعظام‌الممالك ۲۴۶
افتخارالعلما ـ شیخ ابوالقاسم ۱۵۴
افجه‌یی ـ مهدی ۱۸۸
افریقا ۵۳،۲۱
افشارــ دکترمحمود ۲۷۲
افشاردواساز ــ محمود ۱۸۸
افغانستان ۹۹
افغانی ــ سید جمال‌الدین ۹۸
افندی ــ اسعد ۶۶ــ۶۵
اقبال ــ روزنامه ۱۵۲
اقدام ــ روزنامه ۲۱۵
اکبرشاه ۲۴
التودد ـ روزنامه ۲۴۳-۱۱۴
الجناب ــ روزنامه ۱۳۰
الحدید ـ روزنامه ۱۶۴-۱۲۲
الازهر ۲۴۲ــ۹۹
الفت ـ آموزشگاه ۶۶
الفت ــ روزنامه ۱۵۴
المآثروالآثار ۹۳ــ۸۸
ام‌الخاقان ۲۵۲
امریکا ۳۵ ،۳۴ ،۲۰ ،۱۶،۱۵،۱۰
۷۴،۵۷ ،۵۴ ،۵۳ ،۴۷ ،۳۷
۱۶۷

امریکای جنوبی ۱۰
امید ـ دماغه ۶۴-۶۵
امید ـ روزنامه ۱۳۰
امیر کبیر ۱۳،۱۴،۱۵،۴۶،۷۲،۷۳
۷۴،۷۵،۷۷،۷۸،۲۲۷
امیر کبیر ـ انتشارات ۲۱۶
امیرنظام ـ میرزا تقی‌خان ۷۲
امین‌السلطان ۱۰۳،۱۴۴،۲۴۱
انجمن ـ روزنامه ۱۳۹
انجمن تبریز ـ روزنامه ۱۷۳
انجیل ۵۰،۶۵
اندیشه ـ انتشارات ۲۳۳
انزلی ۹۶-۲۳۲
انشایی ـ میرزا محمد ۱۸۲
انقلابی ـ حزب ۲۵۶
انگلند ۶۴
انگلیس ۱۲،۱۳،۱۵، ۲۰،۲۹، ۳۵
۴۲،۴۴،۴۵،۵۰،۵۱،۵۲،۵۵
۵۶،۵۷،۵۸،۶۲،۶۵،۸۴،۸۶
۹۰، ۹۱ ، ۹۵، ۱۰۳، ۱۰۷
۱۱۵،۱۱۹،۱۳۸،۱۴۵،۱۶۳
۱۶۴،۱۶۶-۱۶۷،۱۶۹،۱۸۲
۱۸۳،۱۹۰،۱۹۱،۱۹۲،۱۹۴
۱۹۵،۱۹۷،۱۹۹،۲۰۱،۲۲۲
۲۲۹،۲۵۰،۲۵۱، ۲۶۴
اودسا ۸۴
ایتالیا ۹،۲۰،۲۱،۵۷،۶۳،۷۸
ایران ۹،۱۱،۱۳،۱۴،۱۵،۱۸، ۲۰
۲۳،۲۷،۳۰،۳۲،۳۳،۳۵،۳۷
۳۸،۴۱،۴۲،۴۴،۴۵،۴۶،۴۸
۴۹،۵۱،۵۳،۵۶،۵۷،۵۸،۶۵
۶۹،۷۱،۷۳،۷۷،۷۸،۷۹،۸۰
۸۱،۸۳،۸۴،۸۶،۸۸،۹۲،۹۴
۹۵،۱۰۰، ۱۰۴، ۱۴۵،۱۸۵
۱۹۲،۱۹۶،۲۰۰،۲۰۲،۲۳۸
۲۴۷،۲۵۱،۲۵۲، ۲۷۰،
ایران ـ روزنامه ۸۷،۸۹،۹۰
۹۷،۱۱۶،۱۱۸، ۱۹۸،۲۱۱،۲۱۴
ایران‌آریا ـ روزنامه ۲۱۲
ایران سلطانی ـ روزنامه ۱۱۶
ایرانشهر ـ مجله ۲۰۴-۲۰۵
ایران نو ـ روزنامه ۱۶۴،۱۶۶،۱۷۳
۱۷۵،۱۷۸،۱۸۰،۱۸۸،۱۹۰
۲۵۹،۲۶۰،۲۶۱،۲۶۵
ایلام ۱۹


## ب


باب ۵۶
بابك ـ انتشارات ۲۳۰
بازیل ارمنی ۱۶۴
باسمه‌چی تبریزی ـ آقارضا ۳۲
باسمه‌خانه ۳۱
باقرخان ۶۲
باکو ۱۱۴،۱۷۴،۱۸۴،۱۸۶،۱۹۹
۲۱۳،۲۴۳،۲۵۲،۲۵۳،۲۶۴
۲۶۵
بامداد ـ میرزا محمد علیخان ۱۸۹
۲۵۹،
بامداد ـ مهدی ۲۴۶
بایکار ۱۸۶،۱۸۹
بخارا ۱۷۴
برامکه ۲۱۹

براون ـ ادوارد ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۳۱، ۴۶، ۸۵، ۹۸، ۱۰۲، ۱۵۱، ۱۷۰، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۶، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۱
برجیس ـ ادوارد ۷۵–۷۶
برزین ـ مسعود ۱۶
برق ـ روزنامه ۲۵۷، ۲۶۶
برلین ۱۴، ۱۷، ۱۹۲، ۲۰۳
برن امیدی ۶۴، ۶۵
بروجرد ۲۰، ۸۵، ۱۳۰
برهان جامع ۳۸
بریتانیا ۱۵
بریتانیکا ۲۱۹
بغداد ۲۰، ۲۱، ۸۳، ۸۴، ۱۷۴، ۲۱۹
بلانت ـ ویلفرید ۱۰۲
بلژیك ۹۱، ۲۳۳
بلشویك ۱۸۱
بلوچستان ۲۲۹
بلورفروش ـ سیدکاظم ۷۶
بلوری ـ حاجی‌میرزا آقا ۱۵۵، ۲۴۰
بمبئی ۴۱، ۴۲، ۸۸، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۱۴، ۱۳۳، ۱۷۴، ۲۱۳، ۲۲۵
بنائی ـ امین ۴۷
بنبائی «بمبئی» ۶۴
بندرپهلوی ۹۶، ۲۶۶
بندرعباس ۹۶
بنگال ۴۳
بنگال گازت ۴۱
بنیادفرهنگ ایران ۲۵۰
بنی‌امیه ۲۱، ۲۱۹
بنی‌عباس ۲۱۹
بوذرجمهری ۳۳
بوستون ۴۵
بوشهر ۲۹، ۸۳، ۸۴، ۹۶، ۱۱۸، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۶۱، ۱۷۱، ۲۴۵
بویتال ـ قاموس ۹۶
بهاء بیك ۲۶۳
بهار ـ مجله ۲۰۲
بهار ـ ملك‌الشعرا ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۸، ۱۹۲، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۷۱، ۲۷۲
بهارستان ۱۵۸
بهبهانی ـ آیةالله ۱۷۸، ۱۸۹، ۲۵۶، ۲۷۱
بهلول ـ روزنامه ۱۵۵، ۱۵۶
بیجار ۲۶۷
بیگلربیگی ۶۸
بینینگ ـ رابرت ۴۲

## پ

پارس ـ مجله ۲۶۴، ۲۷۲
پارسا ـ فخرآفاق ۲۱۰
پارسا ـ فخرالدین ۲۱۰
پارسی ـ اسدالله ۱۵۵
پاریس ۲۲، ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۳۳، ۱۷۴، ۲۴۳، ۲۵۴
پاسکرویل ۱۶۱

پاسکویچ ۲۲۸
پتربورغ ۵۸
پراودا - روزنامه ۱۸۵
پربازن ۲۲۴
پرکینز- جاستن ۷۴،۳۶،۳۵
پرورش - روزنامه ۱۰۹،۱۰۸
پروسل - ویلهلم ۹۶
پژوهش - روزنامه ۱۸۰
پلیس ایران ـ روزنامه ۱۸۷،۱۳۹
۲۱۰
پولاك ۳۸
پهلوی ۲۱۵،۱۹۹،۱۹۸
پیام ـ مجله ۲۱۹
پیکار- روزنامه ۱۸۷
پینکرتون - جان ۲۹

ت

تاب قاپو ۶۸
تاد ـ جیمز ۲۴
تاردوف ۱۶۰
تازه بهار- روزنامه ۱۸۸
تاپیل - ادموندو ۲۲۷،۲۲۶
تایمز - روزنامه۱۶۰ ، ۱۶۵، ۱۷۰
۱۹۳،۱۷۵
تبت ۱۴۵،۵۳
تبریز ۳۱، ۳۲، ۳۳،۳۴، ۴۹،۵۲
۵۶،۷۵،۸۴،۸۹،۹۰،۹۶،۹۷
۱۰۵،۱۱۸،۱۲۷،۱۳۰،۱۳۹
۱۵۰،۱۵۳،۱۵۴،۱۵۵،۱۵۹
۱۶۰،۱۶۱،۱۶۲،۱۶۳،۱۶۴
۱۶۶،۱۶۷،۱۷۱،۱۷۲،۱۷۸
۱۸۲،۱۸۳،۱۸۴،۱۸۶،۱۸۸
۱۹۰،۲۰۳،۲۰۶،۲۱۳،۲۱۴
۲۲۹،۲۳۹،۲۴۰،۲۴۱،۲۴۵
۲۴۶،۲۴۷،۲۵۳،۲۵۵،۲۷۲
تبریز ـ روزنامه ۸۹:۹۰
تبریزی ـ حاج شیخ‌حسن ۱۱۴
تبریزی- دکترابوالحسن خان ۲۵۷
تبریزی - سید جواد ۱۳۹،۱۸۷
تبریزی ـ عباس‌آقا ۱۴۵
تبریزی ـ محمدطاهر ۱۰۸
تبریزی-محمدکریم‌بن‌مهدیقلی ۳۸
تبریزی ـ میرزا زین‌العابدین ۳۱
،۳۲
تبریزی ـ میرزا قاسمخان ۱۳۹
تبریزی ـ میرزا مهدی ۱۰۸،۱۰۹
تجارت ـ روزنامه ۹۷
تجدد ـ روزنامه ۱۸۲،۱۸۳،۱۸۹
تذکره‌چی ـ حاجی میرزا جبار ۷۵
۷۸
تذکرةالملوك ۲۲۴
تربیت ـ کتابخانه ۱۲۰،۲۴۶
تربیت‌تبریزی ـ میرزا محمدعلیخان
۱۲،۱۴،۱۲۰،۲۴۰،۲۴۱
ترقی ـ روزنامه ۱۵۸،۱۸۹
ترقیخواهان ـ حزب ۲۵۷
ترکستان ۱۹ـ۲۰
ترکمن‌چای ـ عهدنامه ۴۴،۲۵۵
ترکیه ۵۷، ۷۲، ۱۱۲، ۱۸۵، ۲۰۰
۲۲۹

تزار ـ دولت ۲۶۵
تزاری ـ دولت ۲۶۵
تفلیس ۹۶،۸۴، ۱۵۵، ۱۸۶، ۲۱۳
۲۲۸
تقوی ـ سیدنصرالله ۱۲۱
تقویم وقایع ـ روزنامه ۲۲۹
تقی‌اف ـ حاجی زین‌العابدین ۱۶۹
تقی زاده ـ سید حسن ۱۴، ۱۸۷
۲۰۴،۲۲۷،۲۳۹،۲۴۰،۲۷۱
۲۷۴،۲۷۵
تکیه منوچهرخان ۳۳
تمدن ـ روزنامه ۱۴۱
تنبیه ـ روزنامه ۱۵۵–۱۸۷
تنکابنی ـ میرزا طاهر ۲۶۲
تنکستانی ۱۷۹،۲۵۶
توده ـ حزب ۲۰۰،۲۶۷،۲۶۸
توران ۵۳
تورفان ۲۰
تورنر ۲۵۵
توسرکان ۸۲
توسرکانی ـ میرزا مسیح ۱۵۴
توفان ـ روزنامه ۱۹۵،۲۰۱،۲۷۳
توفیق ـ محمد ۱۶۱–۲۵۴
توفیق‌پاشا ۱۰۰
تولوز ۳۰
تهران ۱۳، ۱۵،۱۷، ۳۲،۳۳، ۳۴
۳۵،۳۷،۴۵، ۴۶،۵۲،۵۳،۵۴،۵۶
۵۷،۶۹،۷۰، ۷۳،۷۴،۷۵،۷۸،۷۹
۸۰، ۸۱، ۸۲،۸۳،۸۴،۸۵،۸۶
۸۸،۸۹،۹۰،۹۱،۹۲،۹۳،۹۵
۹۶،۱۰۳،۱۰۵، ۱۱۳،۱۴۹
۱۵۵،۱۵۸،۱۶۰،۱۶۱،۱۶۲
۱۶۳ ، ۱۶۶ ، ۱۶۷ ، ۱۶۸
۱۶۹ ، ۱۷۱ ، ۱۷۲ ، ۱۷۸
۱۸۰ ، ۱۸۳ ، ۱۸۴ ، ۱۸۷
۱۸۸،۱۹۰،۱۹۱،۱۹۲،۱۹۴
۱۹۵،۱۹۶،۱۹۷،۲۰۱،۲۰۲
۲۰۵ ، ۲۰۶ ، ۲۰۷ ؛ ۲۰۸
۲۰۹ ، ۲۱۱ ، ۲۱۳ ، ۲۱۴
۲۱۶ ، ۲۱۹ ، ۲۲۴، ۲۲۷
۲۲۸،۲۲۹،۲۳۰،۲۳۲،۲۳۴
۲۳۵،۲۳۸،۲۴۰،۲۴۶،۲۴۷
۲۵۵،۲۵۷،۲۵۹،۲۶۰،۲۶۲
۲۶۳،۲۶۵،۲۶۷،۲۶۸،۲۶۹
۲۷۱
تیمورتاش ۲۷۲

## ث

ثریا ـ روزنامه ۱۰۸،۱۰۹،۱۱۷
ثقةالاسلام تبریزی ۱۶۷

## ج

جام جمشید ـ روزنامه ۴۳
جام جهان‌نما ـ روزنامه ۴۳
جرجی‌زیدان ۲۲۰
جریدهٔ ملی ـ روزنامه ۱۳۰
جلفای اصفهان ۱۴،۲۷،۲۸
جناب ـ میرسیدعلی ۱۳۰

جنگ بین‌الملل دوم ۱۴
جنگل ـ روزنامه ۱۸۲، ۱۸۹، ۲۶۴
جنوب ـ روزنامه ۱۷۹، ۲۵۶
جهان زنان ۲۰۹، ۲۱۰
جهانگیرخان ـ میرزا ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۲
جهان‌نما ـ کتاب ۳۸

چ

چاپخانهٔ عروة‌الوثقی ۱۱، ۱۷
چاپخانهٔ کیهان ۴۸
چخماقساز ـ محمدعلی ۳۲
چرندوپرند ۱۴۰، ۱۴۲
چنتهٔ پابرهنه ـ روزنامه ۱۸۸
چین ۱۹، ۲۰، ۳۰، ۲۱۹

ح

حبل‌المتین ـ روزنامه ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۷، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۶۱، ۱۶۹، ۱۸۳، ۲۰۶، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۵۰، ۲۵۱
حبل‌المتین ـ سیدحسن ۲۴۷
حجة‌السادات ـ کتاب ۹۳
حسنعلی میرزا ۶۱
حسینخان ـ میرزا سید ۲۳۹
حشرات‌الارض ـ روزنامه ۱۵۵، ۱۵۶
حقوق ـ روزنامه ۱۵۸
حقیقت ـ روزنامه ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵
حکاکباشی ـ میرزا خداداد ۲۳۹
حکمت ـ روزنامه ۱۰۸، ۱۰۹
حکیم‌الممالك ـ روزنامه ۸۵، ۲۳۳
حکیم‌الممالك ـ میرزا علینقی ۸۵
حمام جنیان ۱۲۴
حیات یحیی ۲۶۳
حیدرآباد ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۱۴، ۱۳۳، ۱۷۴
حیدرخان ۱۸۶
حیفا ۱۹۸

خ

خاچاطور ۲۷
خافی‌خان ۲۴
خاقان مغفور ۶۱
خالوقربان ۱۸۱
خان بهادر ۱۱۴
خاورستان ـ روزنامه ۱۵۶، ۲۵۳، ۲۵۴
خاورمیانه ۹، ۲۱، ۴۴، ۸۳، ۹۵، ۹۹، ۱۰۱، ۱۹۰
خداداد خان ۵۹
خراسان ۵۷، ۶۰، ۸۵، ۱۹۲، ۲۲۰، ۲۲۱
خراسانی ـ میرزا محمدعلیخان ۱۸۱
خزر ـ دریا ۱۹۳
خلاصة‌الحوادث ـ روزنامه ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۸
خلافت ۱۱۴

خلیج فارس ۱۵۲،۹۶،۸۴،۸۳،۲۹
خلیلی ـ عباس ۲۱۵
خوارزم ۵۳
خوارزمشاه ۲۲۱
خواندنیها ـ مجله ۱۶–۴۸
خوانسار ۸۲
خوزستان ۸۱
خوشنویس ـ میرزا حسین ۳۳
خوی ۱۷۲،۱۷۱،۱۵۴،۲۴
خیابانی ـ شیخ محمد ۱۸۴،۱۸۳
۱۸۵
خیرات الحسان ۹۳
خیری پاشا ۱۰۰

د

داتس ـ مستر ۴۹
دارالخلافهٔ تهران ۵۹،۴۶
دارالفنون ۸۰،۷۳،۷۲،۳۸،۳۷
داشناك ۱۸۹
داعی‌الاسلام ۱۱۴
دامغان ۸۲
دانش ۲۰۹،۲۰۷،۹۷
دخو ۱۴۲
دروازه دولاب ۷۶
دروازه شاه عبدالعظیم ۷۶
دریای سرخ ۸۳
دشتی ـ علی ۲۱۵،۲۰۰،۱۹۹
دعوةالاسلام ـ روزنامه ۱۱۴
دلاواله ـ پیترو ۲۲۳،۲۳
دمکرات ۲۰۳،۱۸۸،۱۸۱
دمکرات ملی ۱۸۲،۱۸۱
دوافروش ـ علی ۲۴۰،۱۶۷
دولت‌آبادی ـ صدیقه ۲۰۹،۲۰۸
دولت‌آبادی ـ یحیی ۲۵۴،۲۴۹،۱۶۱
دولت علیه ایران ـ روزنامه ۷۹،۷۸
۹۰
دولتی ـ روزنامه ۲۳۱،۹۰،۸۱
دهخدا ـ میرزاعلی‌اکبرخان ۱۳۹
۱۶۱،۱۴۳،۱۴۲،۱۴۱،۱۴۰
۲۵۵،۲۵۴،۲۵۲،۱۶۲
دهگان ۱۸۹
دهلی ۲۲۸،۱۷۴،۱۲۳،۱۰۷،۴۳
دیلی نیوز ۱۶۰

ذ

ذره ـ ابوالقاسم ۲۶۴
ذوالریاستین ۲۴۵

ر

رائین ـ اسماعیل ۴۸،۱۷،۱۶
رابینو ـ اچ . ل ۱۷،۱۴،۱۲،۱۱
رادیکال ۲۷۲
رازی ـ عبدالله ۲۰۵،۲۰۳
رافائل ۷۸
رافائل ـ میرزا ۳۸
راهنمای تجارت ایران ۲۱۰
رایش ۱۶۲

ربیع‌زاده ــ هاشم‌آقا ۱۰۳، ۲۳۸
رجب ــ مشهدی ۲۴۰
رستاخیز ــ مجله ۲۰۵
رسول ــ حاجی ۲۴۰
رسول‌زاده ــ محمد ۱۸۸، ۲۶۵
رسول‌زاده‌باکویی ــ محمدامین ۱۶۴
۱۶۶، ۱۸۰، ۲۵۹
رشت ۱۱، ۱۷، ۳۴، ۱۵۰، ۱۵۴، ۱۵۹
۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۱، ۱۷۲
۱۷۹، ۱۸۸، ۲۵۱، ۲۶۴، ۲۶۷
رشتی ــ اسماعیل ۱۱
رشتی ــ معتمدالاسلام ۱۵۴
رشدیه ــ حاجی‌میرزاحسن ۱۲۴
۱۳۰
رشدیه ــ میرزاحسین ۲۴۷
رضائیه ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۷۳، ۷۴
۱۳۱، ۱۴۵، ۱۵۴، ۱۷۱، ۱۷۲
۱۸۸، ۲۲۵، ۲۳۰
رضاخان ۱۹۵، ۱۹۷
رضازاده ــ میرزاحاجی‌آقا ۱۸۸
رضوانی ــ محمداسماعیل ۱۶
رضی ــ سید ۲۰۷
رعد ــ روزنامه ۱۸۸، ۱۹۲، ۱۹۶
۱۹۷، ۱۹۸، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۵۷
۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۶
رفائل‌مسیحی ــ موسیو ۷۶
رفعت ــ تقی‌خان ۱۸۳
رفیع‌الممالك ۲۵۹
رم ۷۸
رمضانی ــ محمدرضا ۲۰۵
روتشتین ــ تئودور ۱۸۶، ۱۹۴، ۱۹۵
روحانیون ۱۷۷
روح‌القدس ــ روزنامه ۱۴۳، ۱۴۶
۱۴۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۲۵۴
روحی‌کرمانی ــ شیخ احمد ۹۸
روسکایه سلوو ۱۶۰
روس ۸۸، ۱۱۹، ۱۴۵، ۱۶۳، ۱۶۷
۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۷، ۲۵۰، ۲۵۱
۲۵۸، ۲۶۱
روسیه ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۴۴
۴۵، ۵۲، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۲، ۷۲
۸۴، ۸۶، ۹۱، ۹۵، ۹۶، ۱۰۱
۱۱۲، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۴۵
روشنی بیك ۲۶۳
روی ــ راموهان ۴۳
رویتر ــ بارون ژولیوس ۹۰
رویتر ــ خبرگزاری ۹۰، ۹۱، ۱۱۵
رهبر ۲۶۸
ری ۲۶۵
ریوس ــ وان ۲۹۲

## ز

زاراریت‌باهوا ــ روزنامه ۷۳، ۷۴
۹۰، ۲۳۰
زارع ۱۸۹
زانگ ــ روزنامه ۱۸۶، ۱۸۹
زاینده رود ۱۸۸
زبان زنان ــ روزنامه ۱۵۵
زشت وزیبا ــ روزنامه ۲۰۸، ۲۰۹

زوار ـ انتشارات ۲۴۶
زوریخ ۲۰۵
زیمنس ۸۴

ژ

ژاپن ۱۱۲، ۱۱۹، ۱۲۰، ۲۴۶
ژان ـ ژاکوب ۲۹
ژنو ۱۸۶
ژوزف ۳۰

س

ساتیت ـ هوراتیو ۵۴
ساسانی ۱۹
سالدات ۲۵۵
سامانیان ۲۱۹، ۲۲۱
ساوه ۸۲
سایکس ـ سرپرسی ۷۷، ۷۸، ۱۹۱
سپهسالار ۲۳۵، ۲۳۶
ستارهٔ ایران ـ روزنامه ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۶۱
سخن ـ مجله ۲۷۴
سرای همایون ۶۸
سردارسپه ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۱۱، ۲۱۲
سعدالدوله ۲۴۳
سعدی ۵۱
سعید ـ علی ۲۴۰
سکای ـ سر ۱۰۱
سکرین ـ کلارمونت ۱۹۳
سلجوقیان ۱۲۱
سلطان الاخبار ـ روزنامه ۴۳
سلطان زاده ۱۸۵، ۱۸۶
سلماسی ـ آقامحمد ۲۴۰
سلیمان‌ابن ابوالسری ۲۲۰
سمرقند ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۱۹
سمنان ۸۲، ۲۵۴
سن پترسبورگ ۳۲، ۱۴۵
سنگلاخ ۲۲۶
سودمند ۲۰۵
سوسیال‌دمکرات‌قفقاز ۲۵۹
سوسیالیست ۱۸۱
سویس ۱۰۹، ۱۶۲، ۱۷۴، ۲۰۵، ۲۳۳، ۲۵۴
سهیلی ـ میرزااحمد ۱۶۷
سیاست ـ روزنامه ۲۰۰، ۲۶۷، ۲۶۸
سیبر ۵۳
سیدالاخبار ـ روزنامه ۱۱۴
سیدضیاء ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۱۱، ۲۱۲
سیدعلی ۱۸۸
سیرجانی ـ شیخ محمدحسن ۲۴۳

ش

شاردن ـ ژان ۲۸
شارل دوازدهم ۳۸
شاهرود ۸۲
شاهسون ـ روزنامه ۱۰۸
شاه عباس ۲۳، ۲۷، ۲۸
شاه عبدالعظیم ۱۲۴
شاهنامه ۲۲، ۱۵۲
شبستری «تبریزی» ـ سیدمحمد ۱۵۴، ۱۶۴، ۲۴۰

شرافت ـ روزنامه ۹۷، ۱۱۵
شرف ـ روزنامه ۹۷
شرق ـ روزنامه ۱۶۴، ۱۷۳، ۱۷۹، ۱۹۶، ۲۰۵، ۲۱۴، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۷۱
شریف زاده ـ سیدحسن ۲۴۰
شعوبیه ۲۲۰
شفق ۱۷۸، ۱۸۸، ۲۲۹
شفق سرخ ۱۹۹، ۲۱۵
شکوفه ۲۰۷، ۲۰۹
شمس‌الاخبار ـ روزنامه ۴۳
شمیم ـ علی‌اصغر ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۵۹
شورا ـ روزنامه ۱۷۸، ۱۸۷
شوروی ۱۸۱، ۱۸۶، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۵۳، ۲۶۰، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۷
شوستر ـ مورگان ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۵، ۲۰۶
شی‌آن ـ ونسنت ۱۹۳
شیخ‌الاسلام ۶۸
شیخ‌الاسلام ـ میرزامصطفی ۱۱۴
شیخ چغندر ـ روزنامه ۱۵۵، ۱۵۶
شیدا ۱۵۵، ۱۸۸
شیراز ۳۴، ۸۹، ۹۰، ۱۳۱، ۱۵۴، ۱۶۱، ۱۷۱، ۲۷۲، ۱۹۵، ۲۱۴، ۲۵۷، ۲۶۰
شیرازی ـ آیةالله‌حاج‌میرزا حسن ۱۰۵
شیرازی ـ سیدآقا ۱۱۴
شیرازی ـ شیخ هاشم ۸۸
شیرازی ـ میرزا جهانگیرخان ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱
شیرازی ـ میرزاسیدعلی ۶۵
شیرازی ـ میرزاصالح ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۷۰، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹
شیرازی ـ میرزاعلی‌آقا «لبیب‌الملک» ۱۱۸، ۲۴۵
شیرازی ـ یعقوب ۱۷۹
شیروخورشیدایران ـ علامت ۷۴
شیندلر ۲۳۴

ص

صابر ۲۵۳
صاحب البرید ۲۲
صادق ـ میرزا ۲۴۶
صادق‌الملک ۲۲، ۱۶۷
صبا ـ میرزاحسین‌خان ۱۹۵
صبح‌صادق ـ روزنامه ۱۳۹، ۱۴۱
صدای رشت ـ روزنامه ۱۸۸
صدرهاشمی ـ محمد ۱۴، ۱۷، ۴۶، ۶۹
صدقیانی ـ حاجی‌رسول ۲۴۰
صفاریان ۲۲۱
صفروف ـ «میرزا»علیقلیخان ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۵، ۲۴۰، ۲۴۱
صفوی ۲۲۳
صفوی ـ نوابه ۲۰۹
صفویه ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۲۲۵
صمصام‌السلطنه ۲۶۵

صنیع‌الدوله ـ محمدحسنخان ۸۵،۸۶
۸۷،۸۸،۲۳۴،۲۳۶
صنیع‌الملك ۷۸،۷۹،۸۰
صوبه‌دار ـ میرزارضا ۳۲
صوراسرافیل ـ جهانگیرخان ۱۴۲
صوراسرافیل ـ روزنامه ۱۳۹،۱۴۰
۱۴۱،۱۴۲،۱۴۳،۱۴۸،۱۵۸
۱۶۲،۱۷۳
صوفی شیرازی ۳۵

ض

ضرابی ـ مرضیه خانم ۲۰۹
ضرغام‌السلطنه ۲۶۰
ضیاءالدین ـ سید ۱۹۶
ضیاءالدین ـ محمد ۱۸۸
ضیاءالعلمای تبریزی ـ میرزاابوالقاسم
۱۳۰
ضیاءالواعظین ۲۷۳

ط

طالب اف ۱۰۸
طباطبایی ـ آیةالله (سیدمحمد) ۱۲۶
۱۷۸،۲۵۶
طباطبایی ـ سید ضیاءالدین ۱۵۴
۱۶۴،۱۷۹،۱۹۲،۱۹۵،۲۵۷
۲۵۸،۲۶۰،۲۶۴،۲۶۶
طباطبایی ـ سیدمحمدصادق ۱۳۶
۱۴۱،۱۸۷،۲۴۸
طبیب‌زاده ـ میرزاحسین ۱۳۰
طلوع ـ روزنامه ۱۳۰،۱۵۲،۱۵۳
۱۵۵
طوسی ـ خواجه نصیرالدین ۲۲۰
طهوری ـ انتشارات ۲۲۴

ظ

ظل‌السلطان ـ مسعودمیرزا ۸۹

ع

عاصمی ـ محمد ۲۱۶
عالم‌نسوان ـ مجله ۲۰۹
عباس ـ شاه ۲۲۳،۲۲۵
عباسخان ـ میرزا ۲۳۵
عباس‌میرزا ـ شاهزاده ۳۰،۳۱،۳۲
۳۳،۳۸،۴۴،۴۵،۴۹،۵۱،۵۲
۷۵،۲۲۸
عباسی ـ خاندان ۲۱
عباسی ـ محمد ۲۴۲،۲۵۴
عبدالحسین ابن‌عبدالوهاب ـ میرزا
۲۶۱
عبدالرحمن ـ میرزا ۱۰۸
عبدالعظیم ـ شاه ۱۰۱،۱۲۴،۲۴۷
۲۴۸
عبدالله ـ میرزا ۷۵،۷۶
عبدالمجید ـ میرزا ۱۱۸
عبدالمحمد ـ حاج ۷۵،۷۶
عبده ـ شیخ محمد ۱۰۰
عثمانی ۵۶،۸۳،۹۷،۹۸،۱۰۰،۱۰۷

۱۱۳، ۱۲۷، ۱۶۰، ۲۲۴، ۲۲۸
۲۵۲
عدالت ـ حزب ۱۸۴، ۱۸۹، ۲۶۴
۲۶۵
عدالت ـ روزنامه ۱۲۲
عدالت ـ سید حسینخان ۱۲۲
عراق ۶۰، ۱۹۹
عراقی ـ شیخ‌علی ۱۵۵
عربستان ۵۳
عروة‌الوثقی ـ روزنامه ۱۰۰، ۱۰۸
۱۱۰، ۲۴۲
عشق‌آباد ۱۱۹، ۱۳۳، ۱۷۴، ۲۴۶
عشقی ـ میرزاده ۲۰۰، ۲۶۶، ۲۶۷
۲۶۸، ۲۷۰
عصر ـ روزنامه ۱۸۷
عصر پهلوی ـ مجله ۲۰۵
عصر‌جدید ـ روزنامه ۱۹۲، ۲۵۸
عضدالسلطنه ـ شاهزاده ۲۶۰، ۱۹۰
عضدالملك ۱۶۳
علاءالدوله ۲۲۶
علمی ـ روزنامه ۹۷
علمیه ـ روزنامه ۸۰، ۹۰
علوم ارتباطات اجتماعی ـ دانشکده
۴۸، ۷۰
علی‌اکبرخان ـ میرزا ۱۳۰، ۱۳۶
علی قلیخان ۱۰۵، ۲۴۲
علیگره ۱۰۷، ۱۳۳، ۱۷۴
علی محمدخان ـ میرزا ۱۰۸، ۱۰۹
علی موسیو ـ کربلایی ۲۴۰
عمر ۲۲۰
عمواوغلی ـ حیدرخان ۱۸۴
عمید ـ مریم ۲۰۷
عوف ۲۲۰
عین‌الدوله ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۵، ۲۴۴
۲۴۵، ۲۴۶

## غ

غازانخان ۲۳
غازانی ـ تاریخ مبارك ۲۲۱، ۲۲۲
غزنویان ۲۲۱
غفاری ـ ابوالحسن‌خان نقاشباشی ۷۸
غنی‌زاده ـ میرزامحمود ۱۵۴، ۲۴۰
غیبی ـ شبنامه ۱۲۴
غیرت ـ شبنامه ۱۲۳

## ف

فارس ۳۲، ۶۰، ۶۱، ۸۱، ۸۹، ۱۹۱
۱۹۶
فارس ـ روزنامه ۸۹، ۹۰
فاضل‌الممالك ۱۵۵
فتحعلیشاه ۱۳، ۲۵، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳
۴۴، ۴۵، ۴۷، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۴
۱۱۸، ۲۶۵
فتنه ۲۰۰
فتنهٔ باب ۲۳۰
فخرایی ـ ابراهیم ۲۶۲
فدایان ملی ـ گارد ۱۵۸
فدراسیون انقلابی ارامنه ۱۸۶
فرانسه ۹، ۳۵، ۳۸، ۴۴، ۵۷، ۵۸، ۸۰

۸۵، ۹۱، ۹۳، ۹۵، ۱۰۹، ۱۶۴
۱۹۹، ۲۰۵، ۲۶۶
فراهانی ـ ادیب‌الممالك ۲۵۷، ۲۶۱
۲۶۲
فرخی‌یزدی ۱۹۵، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۶۹
۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۳
فرش فروش ـ حاج‌میرزاآقا ۲۴۰
فرمانفرما ۲۵۶
فرنگیس ۲۰۶
فروغی ـ انتشارات ۲۳۰
فروردین ـ روزنامه ۱۸۸
فرهنگ ـ روزنامه ۸۹
فرهنگ ـ میرزامرتضی ۱۵۶، ۲۵۳
۲۵۴
فریاد ـ روزنامه ۱۵۴
فصیح‌المتکلمین ۱۵۴، ۱۸۸
فکری ـ عبدالله‌پاشا ۱۰۰
فلسطین ۱۹۸
فلورانس ۷۸
فومن ۲۶۳
فین ۷۸
فیوضات ۱۸۳

ق

قائم‌مقام ـ میرزاابوالقاسم ۳۳
قابوسنامه ۲۲
قاجار ۷۸، ۸۶، ۹۴، ۱۴۴، ۱۴۵
۱۶۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۸، ۱۹۹
۲۰۰، ۲۲۸، ۲۳۲
قاجاریه ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۳۵، ۴۴، ۵۳
۲۱۲، ۲۱۶، ۲۲۶
قاجار ـ آقامحمدخان ۲۷۵
قاجار ـ فتحعلیشاه ۲۶۵
قاجار ـ محمدشاه ۵۷، ۷۱
قاجار ـ ناصرالدین شاه ۷۱
قاسم‌میرزا ۳۸
قانون ـ روزنامه ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳
۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹
قاهره ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۳۳، ۱۷۴، ۲۰۵
قران ۳۲
قرن‌بیستم ـ روزنامه ۲۰۰
قزوین ۳۴، ۸۲، ۱۵۴، ۱۶۳، ۱۶۶
۱۷۱، ۱۷۲، ۱۸۸، ۱۹۷
قزوینی ـ عارف ۲۵۳، ۲۷۰
قزوینی ـ میرزا علی‌اکبرخان ۱۳۹
قسطنطنیه ۹۸، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۵۵، ۱۶۱
۱۶۷، ۱۸۸، ۲۶۴
قشقایی ۱۹۱
قشقایی ضیغم‌الدوله ۲۶۹
قفقاز ۳۱، ۱۲۰، ۱۶۱، ۱۸۲، ۲۴۵
۲۶۵
قفقازیه ۲۲۸
قلعه ده مروه ۶۲
قلعه سرآسیا ۶۲
قلعه سفید ۶۲
قلعهٔ شیراز ۶۱
قلعه کل ۶۲
قلعه کلاب ۶۲
قلی‌زاده ـ میرزاجلیل ۱۵۵

قسم ۸۲،۹۲،۲۵۴،۲۶۲
قمشه ۸۲
قندهار ۵۳
قوام‌الدوله ۲۴۷
قوام‌السلطنه ۱۹۸،۱۹۹،۲۱۱،۲۶۷
۲۷۳
قولونل‌خان ۴۹
قیام ـ روزنامه ۲۱۲،۲۷۳
قیام جنگل ۱۸۱،۱۸۲

ك

کابل ۵۳،۱۷۴
کاپیتولاسیون ۱۹۴،۲۶۵
کارگر ـ روزنامه ۱۸۴
کارلاسرنا ۲۳۵
کارون ۹۶
کازرونی ـ حاج‌باقر ۴۸
کاشان ۳۴،۷۷،۷۸،۸۲،۱۷۱،۱۷۲
۲۶۰
کاشانی ـ فخرالواعظین ۱۸۸
کاشانی ـ سیدجلال الدین ۱۰۸،۱۰۹
کاشانی ـ سیدفرج‌الله ۱۰۸،۱۰۹
کاشانی ـ شیخ یحیی ۱۲۳،۱۳۷
۱۳۹،۱۴۱،۲۴۷،۲۵۱
کاشانی ـ میرزاتقی‌خان ۱۰۸
کاشانی ـ میرزاسیدحسن ۱۱۴،۱۴۱
۱۶۱،۲۵۰
کاغذ اخبار ـ روزنامه ۴۵،۴۷،۵۹
۹۰،۲۲۷،۲۲۸
کاظم‌زاده ۲۰۴،۲۰۵،۲۵۴
کاوه ـ مجله ۱۴،۱۷،۷۰،۲۰۳،۲۰۴
۲۲۸
کاوه جدید ـ مجله ۲۰۳،۲۰۴،۲۱۶
کتان ۲۱
کحال ـ خانم ۲۰۹
کحال ـ دکترحسنخان ۱۶۴،۱۷۹
۱۸۸،۲۰۷،۲۵۵،۲۵۷،۲۷۳
کحال‌زاده ـ ابوالقاسم ۱۸۰
کراچی ۸۴،۱۰۷،۱۱۴،۱۳۳،۱۷۴
کربلا ۱۹۹
کردستان ۸۲،۲۶۷
کرمان ۳۴،۸۲،۱۲۲،۱۷۱،۱۷۲
۲۴۶،۲۴۷
کرمانی ـ مجدالاسلام ۱۱۸،۱۳۰
۱۳۹،۱۴۱،۲۴۵،۲۴۶،۲۴۸
کرمانی ـ میرزاآقاخان ۱۹۸،۱۲۲
۲۳۶،۲۴۷
کرمانی ـ میرزارضا ۱۰۱
کرمانی ـ ناظم‌الاسلام ۱۳۰
کرمانشاه ۳۴،۸۱،۸۴،۱۱۷،۱۵۴
۱۷۱،۱۷۲،۱۸۸،۱۹۱،۲۴۵
کرمانشاه ـ روزنامه ۱۵۴،۱۸۸
کریم خان ـ میرزا ۲۶۲
کریمه ۲۲۹
کرونیکل ـ دیلی ۱۶۰
کسروی ـ احمد ۴۷،۶۹،۱۳۴
۲۲۵،۲۳۹،۲۴۰،۲۴۳،۲۵۱
۲۵۲،۲۵۵
کسمایی ـ حسین ۱۸۷،۲۶۴،۲۶۶
کسمایی ـ غلامحسین نویدی ۲۶۴

کشف‌الابیات ۲۲۶
کشکول ۱۱۸،۱۳۹،۱۵۵،۱۵۶
کشمیر ۲۰
کلکته ۴۱،۴۳،۱۰۷،۱۰۸،۱۰۹
۱۱۴،۱۱۷،۱۳۳،۱۷۴،۲۴۲
۲۵۰،۲۵۱
کلمب ــ کریستف ۸۷
کمال ۱۳۰
کمالی ــ حیدرعلی ۱۸۷
کمبریج ــ دانشگاه ۵۰
کمره‌یی ــ سیدمحمد ۲۶۲
کمونیست ــ روزنامه ۱۸۲،۲۶۴
کمیل ــ سرجان ۶۵
کوچك خان ــ میرزا ۱۸۱،۱۸۲
۱۸۸،۱۹۳،۲۲۲،۲۶۳،۲۶۴
کوفی ــ خط ۲۱
کوکب ناصری ــ روزنامه ۱۱۴
کوه نور ۲۸
کیهان ــ روزنامه ۴۸
کیهان انگلیسی ــ روزنامه ۴۸

## گ

گرجستان ۳۱
گروسی ــ امیرنظام ۲۳۹
گری ــ سرادوارد ۲۵۱
گلپایگان ۸۲
گلستان ــ قرارداد ۴۴،۲۶۵
گلستان سعدی ۳۳
گنبدقابوس ۸۲
گنج‌آور ۸۱
گنجینهٔ فنون ــ مجله ۱۲۰،۲۴۶
گوتنبرگ ۲۷
گودزنبورکخانه ۷۶
گیج ۵۳،۲۲۹
گیلان ۶۱،۸۱،۱۶۷،۱۸۱،۱۸۲
۱۸۴،۱۹۳،۲۳۲
گیلانی ــ سید اشرف ۱۵۴،۱۵۶
۲۵۳،۲۵۴
گیلانی ــ ناصرالاسلام ۱۸۷،۲۶۰

## ل

لاپاتری ــ روزنامه ۹۲،۲۳۴،۲۳۵
لاکهارت ۲۲۴
لاهوتی (ماژور) ۱۸۳،۲۶۴،۲۶۵
لاهیجان ۱۷۱،۱۷۲
لبیب‌الملك ۱۱۸،۲۴۵
لسان‌الغیب ــ شبنامه ۱۲۳
لطفعلی ــ میرزا ۳۶
لغت‌نامه دهخدا ۱۴۳،۲۵۲
لقمانیه ــ مدرسه ۱۳۰
لماری ــ نیکولاس ۳۸
لندن ۱۲،۱۳،۱۵،۲۴،۳۲،۴۷،۴۹
۵۰ ، ۵۲، ۵۸،۶۴،۸۴،۱۰۰
۱۰۱،۱۰۲،۱۰۳،۱۰۷،۱۰۸
۱۰۹،۱۱۴،۱۳۳،۱۶۰،۱۶۱
۱۶۲،۱۷۰،۱۷۴،۱۷۵،۱۹۳
۲۲۴،۲۳۸،۲۵۱
لنین ۱۸۱،۱۹۳
لوبون ــ گوستاو ۲۱۹

لیاخف ۱۵۸،۱۵۹،۲۵۲
لینچافسکی ـ ژرژ ۲۷۰

م

مآثرسلطانیه ۳۳
مآثروالآثار ۲۳۰
ماچین ۵۳
مارتین ـ هنری ۳۵،۶۵
مارسی ۸۳
مازندران ۸۱،۸۵،۱۶۷،۱۸۲،۱۹۳
مازندرانی ـ میرزازکی ۳۸
ماساچوست ۳۵
ماوراءالنهر ۲۰،۲۱،۲۲۱
مایل ـ میرزایدالله‌خان ۱۹۹
متجددین ۱۷۹
متفقین ۱۹۰،۱۹۲،۱۹۸
متین‌السلطنه ـ عبدالحمیدخان ۱۳۰
۱۵۲،۱۵۵،۱۹۲،۲۶۰
مثمرالملك ۲۴۷
مجاهد ۱۵۴،۱۶۴،۱۷۷
مجدالاسلام ۱۵۵،۲۴۳،۲۴۵،۲۴۶
۲۴۸
مجلس ـ روزنامه ۱۳۶،۱۳۹،۱۴۱
۱۷۳،۱۸۷،۲۴۹
مجلس شورای ملی ۱۲۶،۱۴۶،۱۴۹
۱۵۱،۱۹۲،۱۹۴،۱۹۸
مجموعهٔ ماوراء خزر ـ روزنامه
۱۳۹،۲۴۱
محاکمات ـ روزنامه ۳۹
محسن ـ آقا میرزا ۱۳۶،۱۴۱
۲۴۹
محلات ۸۲
محمدپاشا ۱۰۰
محمد جعفر ـ میرزا ۱۱۴
محمدرضا (پسراسماعیل‌رشتی) ۱۱
محمدرضا ـ سید ۲۵۲
محمدشاه ۱۳،۱۵،۴۵،۴۶،۵۲،۵۴
۵۵،۲۲۶،۲۶۷،۲۲۸
محمدصادق ۱۱۴
محمدضیاءالدین ۱۵۵
محمدطاهر ۹۸
محمد علیخان ـ میرزا ۱۲۱،۱۲۴
۱۵۸،۲۴۷
محمد علیشاه ۱۳۸،۱۴۰،۱۴۲،۱۴۳
۱۴۵،۱۴۶،۱۴۷،۱۴۸،۱۴۹
۱۵۰،۱۵۸،۱۵۹،۱۶۰،۱۶۱
۱۶۲،۱۶۳،۱۶۸،۱۶۹،۱۸۴
۱۹۷،۲۰۵،۲۰۶
محمدعلی میرزا ۱۶۲،۲۴۰،۲۵۲
محمدمیرزا ۳۷
محمود ـ سلطان ۶۷،۲۲۱
محمودمیرزا ۲۳۹
محیط طباطبائی ـ سید محمد ۲۲۹
۲۳۰،۲۳۱،۲۳۲،۲۳۳،۲۳۴
۲۳۵،۲۳۸،۲۵۲،۲۵۴،۲۵۹
۲۶۲،۲۷۲
محیی ـ سردار ۲۵۶،۲۶۲،۲۶۳
مدبرالممالك هرندی ۱۴۱
مدرس ۴۱
مدرس ـ سیدحسن ۲۶۲

مدرس چهاردهی ــ مرتضی ۲۳۰، ۲۳۱
مدرس فارسی ــ روزنامه ۱۱۴
مدنیت ۹۷
مذهب ــ غلامحسین ۸۸
مرآت‌الاخبار ــ روزنامه ۴۳
مرآت‌البلدان ۹۳
مرآت‌السفر و مشکوة‌الحضر ۸۵
مراکش ۲۰، ۱۸۵
مرد امروز ــ روزنامه ۲۶۸
مرو ۲۳۷
مریخ ۹۷
مزین‌السلطنه ۲۰۷–۲۰۸
مزین‌السلطنه ــ مریم ۲۰۹
مساوات ــ حزب ۲۵۹، ۲۶۵
مساوات ــ روزنامه ۱۲۵، ۱۴۱
۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۷۳
مساوات ــ محمدرضا ۱۲۵، ۱۴۱
۱۴۶، ۱۵۹، ۱۷۸، ۲۶۲، ۲۶۳
مستشارالدوله ــ میرزا یوسفخان ۳۸
مستوفی ــ عبدالله ۲۴۴
مستوفی‌الممالک ۸۱، ۲۱۱
مسجد شاه ۱۲۶
مسعود ــ سلطان ۲۲۱
مسعود ــ میرزا ۶۲
مسعودی ــ عباس ۴۷
مسکو ۱۸۵
مشعل اصفهان ــ روزنامه ۲۳۳
مشکان‌طبسی ۲۷۲
مشهد ۳۴، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۵۴، ۱۶۱
۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۹
۱۸۸، ۱۹۳، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۵۹
مشیرالدوله ــ میرزا حسینخان ۲۳، ۲۴۹
مشیرالدوله ــ میرزا جعفر مهندس
۳۲، ۲۴۹
مشیرالملک ۲۴۹
مشیرسلیمی ــ علی‌اکبر ۲۶۶
مشیری ــ علی ۱۶
مصاحب ــ دکتر غلامحسین ۲۷۵
مصر ۲۰، ۲۱، ۵۷، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰
۱۰۷، ۱۱۷، ۲۰۵، ۲۵۲
مطبوعات مسلکی ۱۵۱
مظفرالدین‌شاه ۳۹، ۸۹، ۱۱۳، ۱۱۵
۱۱۶، ۱۱۷، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۴۸
۱۵۹، ۲۴۴
مظفرالدین میرزا ۲۳۹
مظفری ــ چاپخانه ۱۵۲
مظفری ــ روزنامه ۱۱۸، ۲۴۵
معاضدالسلطنه نائینی ۲۵۴
معاویه ۲۲۰
معتضدالاطبا ۱۵۵، ۱۸۷
معتمدالدوله ــ نشاط ۳۳، ۶۱
معرفت ۱۵۴
معقول ومنقول ۹۳
مغولستان ۵۳
مفتاح‌الظفر ۱۱۴
مقدم ــ حسن ۲۶۴
مقدم مراغه‌یی ــ حاج علیخان ۲۴۴
مکافات ۱۵۴
مکتب ۱۳۰

مکران ۲۲۹،۵۳
مکه ۱۷۴
مکی ـ حسین ۲۶۹
ملانصرالدین ـ روزنامه ۱۵۶،۱۵۵
۲۵۳،۲۵۲،۲۴۰
ملایر ۸۲
ملتی ـ روزنامه ۹۳،۹۰،۸۱
ملك‌المتکلمین ۱۲۴،۱۲۲،۱۲۱
۱۵۹،۱۵۸،۱۲۵
ملك‌زاده ـ محمد ۲۵۴
ملك‌زاده ـ مهدی ۱۳۴
ملکم‌خان ـ میرزا ۱۰۲،۱۰۱،۹۹
۲۳۷،۲۳۶،۲۲۵،۱۰۸،۱۰۳
۲۳۸
ملی ۱۷۷،۱۳۶
ملیون ۱۶۶،۱۶۵،۱۶۴،۱۴۶،۱۴۵
۱۹۴
ممالك شرقیه ۴۶
ممالك غربیه ۴۶
منتخب‌اللباب ۲۴
منتظم ناصری ۹۳
منچستر گاردین ۱۶۰ـ۱۹۳
منچوری ۱۸۵
موبد ـ شیخ عبدالعلی ۱۴۴
مؤتمن‌الاسلام خوانساری ۱۸۸
مؤتمن لشکر ۲۴۷
مؤتمن لشکر نوری ـ میرزا سیدمحمد
۲۴۷
مور ۱۶۱،۱۶۰
مورس ـ ساموئل ۸۳
مورل ـ دکتر ۹۳
موسولینی ۹
موسوی‌زاده ۳۷۳،۲۱۲
موقرالسلطنه ۲۴۷
مولیر ۷۳
مونیخ ۲۱۶
مؤیدالاسلام ۲۵۰،۲۴۲،۱۰۹
مؤیدالممالك ـ مرتضی‌قلیخان ۱۳۹
۱۸۷،۱۴۱
مهدی ـ میرزا ۲۲۵،۱۰۸،۹۸،۲۹
مهرمنیر ۴۳
مهندس‌همایون ـ محمدخان ۲۵۷،۲۵۵
میزان ۱۸۸
میلز ـ هنری ۴۱

## ن

نائینی ـ میرزا علیخان ۸۸
ناپل ۶۳
**ناپلئون** ۳۱
ناصرالدین‌شاه ۵۴،۴۶،۱۵،۱۴،۱۳
۸۵،۸۱،۸۰،۷۹،۷۸،۷۷،۷۵
۹۲ ،۹۱ ،۹۰ ،۸۸ ،۸۷ ،۸۶
۱۰۳،۱۰۱،۹۷ ،۹۶،۹۵،۹۳
۲۳۰،۱۴۸،۱۱۳،۱۱۰،۱۰۴
۲۴۱،۲۳۶،۲۳۵،۲۳۳،۲۳۲
۲۴۷
ناصرالدین ـ شاهزاده ۷۲
ناصرالملك ۲۶۲،۲۵۶،۱۴۵
ناصرخاقان ۲۴۷
ناصرخسرو ـ دیوان ۳۸

ناصری ۹۸،۹۷
ناقور ــ روزنامه ۱۵۴
نامه بانوان ۲۰۹
نجات ۱۸۸
نجف ۲۴۲،۱۷۴
نجم‌الدوله ــ حاجی ۳۸
نخجوانی ــ میرزا جلیل‌محمدقلی‌زاده ۱۵۶،۱۵۵
ندامانی ــ سید یحیی ۲۶۳،۲۶۲
ندای اسلام ــ روزنامه ۱۹۵،۱۵۴
۲۶۶،۲۵۷،۱۹۶
ندای وطن ۱۴۱،۱۳۹
نرمان ــ بارون ۲۳۴
نسوان شرق ۲۰۹
نسوان وطنخواه ۲۰۹
نسیم شمال ــ روزنامه ۱۵۶،۱۵۴
نشاط اصفهانی ۳۳
نصرت‌السلطنه ۱۲۱
نطنز ۸۲
نظامی ــ روزنامه ۲۳۶،۲۳۵،۷۹
نفیسی ــ سعید ۲۷۲،۲۷۱،۲۰۵
نوایی ــ عبدالحسین ۲۳۰
نوبهار ــ روزنامه ۱۷۳،۱۵۶،۱۵۴
۲۱۰،۱۹۲،۱۸۸،۱۷۹،۱۷۸
۲۶۰،۲۱۲
نورایی ــ فرشته ۲۳۸
نوروز ــ روزنامه ۲۴۹،۱۳۰
نوری ــ شیخ فضل‌الله ۲۵۰،۱۴۸
نوز ــ مسیو ۲۴۵،۲۴۴
نوورمیا ــ روزنامه ۱۵۶،۱۵۵
نهاوند ۸۲
نهضت جنگل ۱۸۹
نیویورک ۶۴

و

واتیکان ــ موزه ۷۸
واسموس ۱۹۱
واشنگتن ۱۷۴
وثوق‌الدوله ۲۰۸،۱۹۹،۱۹۵،۱۸۳
۲۶۵،۲۶۱،۲۶۰
وحید دستگردی ۲۶۲
وزارت خوی ۵۹
وزیرهمایون ــ میرزا مهدیخان ۲۴۷
وطن ــ روزنامه ۲۳۵
وقایع‌اتفاقیه ــ روزنامه ۴۷،۴۶،۱۵
۹۰،۷۹،۷۶،۷۵،۷۴،۷۳،۷۱
۲۳۱
وقت ــ روزنامه ۱۸۷
ولتر ۷۳
ولیخان ممسنی ۶۲
ووسینیچ ــ وین ۲۲۹
وهاب ــ مصطفی پاشا ۱۰۰
ویلبر ــ دانلد ۴۶
ویلسون ــ پرزیدنت ۲۱۴
ویلك ــ هنری ۵۲

ه

هارانس‌وارك ۲۸
هارون‌الرشید ۲۱۹

ها نچاك ــ روزنامه ۱۸۹
ها نوی ــ جوناس ۲۹، ۲۲۴
هخامنشی ۱۹
هدایت طبرستانی ـ رضا قلیخان ۳۸
هرات ۵۶
هرتفورد ۲۲۲
هرندی ــ میرزا آقاخان ۱۵۴
هروی ــ محمدعلی‌خراسانی ۲۵۹
همدان ۳۴، ۸۲، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۵۴، ۱۷۱، ۱۷۲، ۲۲۴، ۲۶۶، ۲۶۷
همدانی ــ میرزا محمد ۱۵۴
هند ۲۴، ۴۱، ۴۲، ۶۵، ۸۳، ۱۱۵، ۱۷۴، ۲۱۴
هند شرقی ــ کمپانی ۴۱
هندوستان ۲۹، ۴۲، ۴۳، ۵۳، ۶۵، ۸۳، ۸۴، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۲۷، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۵۲
هنگری ۱۹۲
هوردات هوری ۴۳
هیتلر ۹

ی

یادگار ــ مجله ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۴، ۲۳۵
یادگارانقلاب ــ روزنامه ۱۵۴
یاسمی ــ رشید ۲۲۶، ۲۷۲
یان ــ کارل ۲۲۳
یحیی میرزا ۱۵۸
یروپ ۵۳
یزد ۳۴، ۸۲، ۱۷۱، ۱۷۲، ۲۶۹
یزدی طباطبائی ــ سیدعلی ۱۹۵
یعقوب‌خان ۱۰۲



اخبار شهر جمادی الاولی [illegible] — که در دار الخلافه طهران انطباع یافته

## اخبار ممالک شرقیه

دار الخلافه طهران چون به نحوی که در اخبار سابق قید مقدمات امر موکب همایون سلطانی در بیست و یکم شهر ربیع الثانی از خارج دار الخلافه طهران [illegible]

از آن پس اعیان حضرت و ارکان دولت [illegible] سرکردگان [illegible] و پادشاه ایران [illegible] و احسان [illegible]

[illegible]

[illegible] خراسان [illegible]

[illegible] افغانستان [illegible]

[illegible] پیشاور [illegible]

[illegible] هندوستان [illegible]

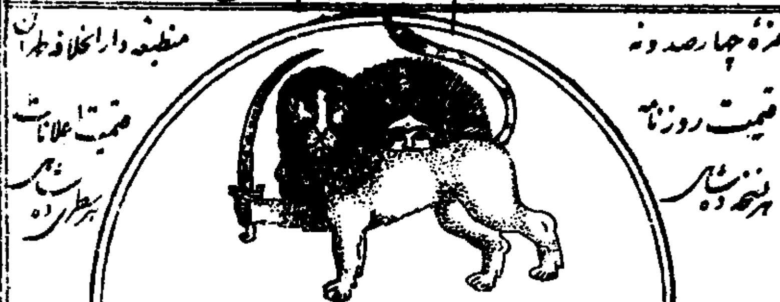
[illegible]

# اخبار ممالک غریبه

**انگلند** در اخبار سابق نوشته آمد که در لندن از برای سیر و گشت و تماشا کشتیها ساخته‌اند و در آنها صعود و عروج بر هوا کنند و در این اوقات هم اختراع و تصرف تازه بر آن افزوده‌اند و آن چنان است که چادری به طور چون سپر [illegible] و وضع چتر مرتب ساخته‌اند به بزرگی پوشش خیمه جهت دیرک که چون بسته شد چون چتر بسته باشد و چون گشاده چون چتر گشاده و در وسط آن [illegible] چترات ریسمان کشند و در زیر بعضی از آن کشتیها معلق آویزند پس در آن کشتی هوا چندانکه خواهند و هر آنگاه که یکی از ایشان را میل به نشیب باشد که یکی کشتی خواهد به زمین آید از آن کشتی خود را جدا کرده به ریسمان چتر آویزد و بجای خالی نشیند آن [illegible] بکسلد تا از آن کشتی جدا گشته میل به نشیب کند پس در این حالت از آنجا که سطح مقعر آن چادر چتر مانند رو به زمین است از هوا ممتلی گردد و آن است که حفظ حالت چنان نماید که به نرمی و آرام و آهستگی بی اذیت و آسیب بر هوای خود بر زمین آید و دیگری برخلاف آن اختراع کرده چادر را معکوس بسته چون [illegible] بر هوا [illegible] هوای زورش بر سر افتاده از کشتی خود را به ریسمان چتر معکوس در آویخت و آن [illegible] گسستن جان بود و افتادن و جان دادن [illegible] چادر برخلاف اول رو به نشیب بود و هوایی نداشت و در روزنامه‌جات نوشته آمده است که در لندن از طپانچه بزرگتری چون [illegible] آب بزرگ [illegible] ساخته‌اند که چون پر و خالی شود هر دفعه گلوله از آن بدر رود و در یک دقیقه ده مرتبه پر و خالی گشته دویست گلوله از آن اندازند پس هرگاه در لشکری صد عدد با صد قبضه چنین باشد در یک دقیقه جنگ [illegible] یکصد و بیست هزار گلوله به دشمن اندازند **ممالک روسیه** [illegible] که میان سپاه روس با اهالی گرجستان [illegible] برقرار است چه دولت روسیه ایشان را رعیت خود دانند و ایشان خود را آزاد خواهند و رعیت نخواهند و چون طایفه گرجستان [illegible] مصاحب جبال و کوهسارات و مالکان [illegible] پس از [illegible] بر ایشان دشوار گشته سالهاست با هم در جنگ و در قتال و خونریزی [illegible] هیچ جانب [illegible] **فرانسه** رودخانهٔ عظیمی در آن ملک واقع است که عرضش [illegible] ذرع باشد و از زنجیرهای قوی محکم متصلاً بر پهلوی هم پل بر آن اختراع کرده‌اند که عرض آن که از اتصال زنجیرات کشیده بر روی رودخانه و معبر عابرین کرده به هشت ذرع و طولش [illegible] دویست ذرع است [illegible] ارتفاع که جهازات از تحت آن پل گذرند بسهولت [illegible] خلایق [illegible] باشد و هم [illegible] **آمرک انجل** [illegible] ممالک روسیه واقع‌اند [illegible] شمال و هوایش از برودت بسر حد کمال است چونکه در این زمان که فصل شتا می‌باشد [illegible] جهازات بسیار در هم شکسته و اموال بسیار از تجار آن دیار غرق گشته است **ناپلس** جزیره‌ایست [illegible] جزیره سیسیلی در این اوقات آن جزیره [illegible] فرو گرفته [illegible] که اهالیش نزدیک بدان گشته که یکباره هلاک [illegible] وجودشان از آن خاک پاک **اسپانیا** در اخبار سابق آمده است که فیما بین [illegible] پادشاه اسپانیا که [illegible] سال است که بر سر سلطنت [illegible] جدال و قتال است و زیاده از چهارصد جنگ در میانشان واقع گشته و غالب و مغلوب [illegible] گشته هنوز به خونریزی هم مشغول‌اند [illegible] به اخبار آمده که باز کماکان هم در قتال‌اند و غالب و مغلوبشان هم کماکان بر آن حال

روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم پنجشنبه بیست و پنجم شهر ربیع الثانی مطابق یونت ئیل

نمره چهارصد و نه
مطبعه دارالخلافه طهران
قیمت روزنامه هر نسخه ده شاهی
قیمت اعلانات هر سطری ده شاهی



## اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی



### دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه هیجدهم سرکار اقدس همایون شاهنشاهی ایدالله جیشه بمیدان افواج قاهره که در میدان خارج دروازه دولت مشق میکردند تشریف فرما شده تماشای مشق و حرکات افواج را فرمودند و فوج لاریجانی الواجمعی مقرب الخاقان عباسقلی خان که احضار رکاب همایون شده بودند در همان میدان صف نظامی کشیده بنظر مهر اثر ملوکانه رسیدند چون در کمال آراستگی و جوانان نمایان بودند مورد تحسین و نوازشات خسروانی گردیدند (صاحب منصبان فرانسه را که جناب فرخ خان امین الملک همراه آورده و چند منزل عقب بودند باتفاق مقرب الخاقان نریمان خان سرتیپ وارد شدند و برحسب امر قدر قدر همایون در روزی که امیرالامرا العظام سپهسالار در سر افواج قاهره بود آنها نیز آمده ملاحظه مشق و حرکات توپچیان و افواج را نمودند و بسیار تحسین کردند و پاره ملاحظات نظامی و تفاوت عمل حرکات که آنها میدانستند حکم شد همه را بنویسند تا بعرض حضور مبارک برسد هر نوع مقرر فرمایند معمول شود) (توپچیان و زنبورکچیان و سواره نظام و افواج قاهره ملتزم رکاب همایون همه روزه طلوع آفتاب حاضر گشته مشغول مشق هستند و عموم صاحب منصبان کمال مراقبت را در تعلیم قواعد نظامیه دارند و امیرالامرا العظام سپهسالار هفته دو روز در مشق آنها سرکشی میکنند و درباب جیره و مواجب نظام امیرالامرا العظام معزی الیه قرار داده اند که جیره را اکزنویسان با یک نفر نایب اجودان باشی باستحضار صاحب منصب هر فوجی بافواج برسانند و مواجب هم بحضور سپهسالار داده شود

چهارشنبه یازدهم ماه ذی الحجة الحرام سنه ۱۳۱۷ — ۹۷۴ — یازدهم آوریل ماه فرانسه سنه ۱۹۰۰

(مجری)
سپهسالار نیل ترجمه
اداء قیمت در دو قسط
سالیانه
در طهران ... قران و در شهرها ...
در خارج
سه تومان و پنج هزار و در ممالک خارجه

(منشی)
ادارهٔ وزارت انطباعات
دربار همایون
محل فروش
در دار الطباعهٔ دولتی
قیمت اعلانات
سطری یکهزار دینار است


# ایران

## اخبار رسمی
## دربار همایون

روز چهارشنبه نوزدهم شهر ذی القعدة الحرام که بمحاسبه زیج الغ بیک گورکانی یک ساعت و چهل و شش دقیقه از روز گذشته آفتاب جهانتاب بنقطهٔ اعتدال ربیعی رسیده از برج حوت ببرج حمل تحویل میشود برسم مقرر و میمون سنین ماضیه سلام تحویل در تالار رفیع البنای موزهٔ مبارکه شرف انعقاد یافته تمام شاهنشاهزادگان عظام و جناب مستطاب اشرف امجد اکرم صدر اعظم و آقایان و علما و اعلام دار الخلافه باهره و خواقین طبقات چاکران دربار دولت از شاهزادگان و امیرزادگان کرام و وزراء فخام و سرداران و امراء و نظام و وجوه ارباب سیف و قلم و سایر اعضاء معزز وزارتخانها و ادارات دولتی با البسه رسمیه بشرف حضور باهر النور زیارت جمال خورشید مثال همایون نایل و مشرف گشتند از دست بحر نوال المبارک اخذ عیدی و عطیات نمودند و این عطیهٔ کبری و سعادت عظمی را ذخیرهٔ فرحی و فیروزی سال و وسیلهٔ نیکبختی و میمنت و اقبال خود ساختند صمیماً بدعای سلامت و بقای ولینعمت و مالک الرقاب معظم خویش پرداختند مراسم میمونه سلام تحویل انقراض و عرض خطبهٔ تهنیت و غیره بعمل آمد

در این روز سعید محضوراً با اعزاز و تکریم جناب نواب مستطاب والا شاهنشاهزاده شعاع السلطنه که قامت وجود شان سراپا آراسته بزیور لیاقت و قابلیت فهم مطرز بطراز عقل و دانش و هنر است ابتداءً یکقطعه نشان عظیم الشأن اقدس مکلل بالماس که از نخستین درجهٔ نشانها و امتیازات فاخرهٔ دولت روز افزون است مفتخر و سرافراز فرمودند

شب پنجشنبه بیستم که دوئمین شب عید سعید نوروز سلطانی بود برسم معمول سایر اعیاد عظیمه درخیابانهای همایون و بناهای سر در الماسیه اسباب جشن و سرور در غایت جلوه و شکوه مهیا داشته چراغان و آتشبازی مفصل مشغول نمودند

روز پنجشنبه نیز اساس جشن و تهنیت عید نوروز فیروزمند در دربار دولت روز افزون برپا گردیده قبل از ظهر هیئت کرنیلو ماباشک برای عرض تهنیت عید سلامی خاص که

## بقیهٔ تاریخ دولت روس

قلعهٔ آنجا که بواسطه قشون سالخلوی زیادی نگهداری شده بود پس از چند روز جنگ تسلیم شد هم اطراف و هم از طرف آسیا ابتدای جنگ با روسها مساعد و اسباب فتوحات آنها اگر دیده بود و در قوا لیحو دانوب متجاوز از دو ماه قشون آنها در کمال وسعت زندگی نمود و عراده های بزرگ که با آنها گاو بسته بودند با قشون همراهی نموده آذوقه حمل میکردند از طرف دیگر از کسته ماکولات لازمه و مایحتاج خود را جلب مینمودند از ابتدای جنگ عقاید آنها فقط بعد اقصر بود آخر در قلعه های خود شان متحصن شدند ولی فقط قلعه بلوف جداً مقاومت نمود اگرچه خواستند که عبور قشون روس را از دانوب مانع شوند اما نتوانستند و چنین بنظر می آمد که دولت عثمانیه هیچ حیره و وسایلی برای امتداد جنگ نخواهد داشت اما اقدام بجنگ از طرف آنها بطئی بود و تا رها بمسلمانها اخبار داد که مهیا باشند و با کفار محاربه کنند

(بقیه دارد)

نمره بیست و سیم | سال اول | صفحه اول

اداره روزنامه
تبریز در اداره مدرسه کمال
صاحب امتیاز میرزا حسین طبیب
زاده مدیر مدرسه
ماهی سه مرتبه طبع و منتشر میشود
حقوق ثبت جا بعهده اداره است
قیمت اعلان سطری یا پنصد دینار است

# کمال

مداخل روزنامه صرف مدرسه کمال خواهد شد

KAMAL

وجه اشتراک
قیمت سالیانه در تبریز هشت قران
سایر ولایات محروسه ده قران
ممالک روسیه سه منات
ممالک فرنگستان هشت فرانک
هندوستان شش روپیه
قیمت نمره پنجشاهی

روز دوشنبه بیست و یکم شهر جمادی الاول ۱۳۱۸ مطابق ۱۷ سپتامبر ۱۹۰۰

جریده علمی و ادبی که هرگونه مقالات در ترقی ملت و انتشار معارف در آن درج خواهد شد

## فهرست مندرجات

اخبار تلگرافی — مسافرت اعلیحضرت شاهنشاه به پطربورغ
اعلان شرکت اسلامیه اخبار پورتش
اعلان

## اخبار تلگرافی

از لندن — ۱۷ او — افواج خارجه ۱۵ همین ماه به پکن رسیده سفرا را نجات دادند

از لندن — ۱۲ — از رسانه ایس کو

# چهره‌نما

۱۳۲۲-۱۹۰۴

جریدة مصور

غره رجب ۱۳۳۲ هجری مطابق ۲۶ مایو ۱۹۱٤ میلادی

قیمت آبونه سالیانه
قطر مصر ۸۰ غروش
ممالك دولت علیه ایران
سه تومان ۳
بلاد محروسه عثمانی
چهار مجیدی ٤
افغان وهند ۱۰ ربیه
قفقازیه ترکستان
هشت منات ۸
اوروپا ۲۰ فرنك

مراسلات
ره مصر
( اداره )
چهره‌نما ✱

JOURNA
TCHEHREH'N
CAIRE Eg

اعلانات
باید راساً
رجوع شود


# فهرست مندرجات


ن مخصوص از اداره ـ احزاب سیاسی ایران یاسعادت حال
قبال ایران ـ براین وسرگذشت شاه مخلوع ـ دستور
ِافی بحکام ولایات براي انتخابات وکلا ـ دستور کتبی
ابات بحکام ولایات ـ معذوری ما و تظلمات مدیر مظفری ـ
کشتی مسلمانان ـ عایدی سالیانه پادشاهان روی زمین ـ
زنان مغرب زمین یاخوده گی زنان مشرق زمین ـ عکس علیا
رت ملکه بهوپال ـ عکس رئیس زنان حقوق طلب
گلستان ـ عکس دختران تلیفونچی عثمانی ـ عکس دختران
م یافته انگلستان ـ اخبارات ایران وایرانیان ـ طهران ـ
مانشاه ـ تفلیس ـ تقاریظ کتب وجراید ـ افتتاح
الشوراي عثمانی ـ مصر وخبرهاي اینجا ـ پیامهاي
وناکون ـ متفرقه جات مختصره ایران ـ خلاصه
گرافات مهمه


## ✱ اعلان مخصوص از اداره ✱

شمارەهاي ( ۲ ) و ( ٤ ) سال نهم وشمارەهاي ( ۱ )
۱۲ ) سال دهم را اداره خواهانست هرکس دارد بقیمت
ادله بفرستد .

## ✱ احزاب سیاسی ایران ✱

( یا )

## ✱ سعادت حال واستقبال ایران ✱

درشمارەهاي گذشته چهره‌نما بقلم یگانه عالم سیاسی افضل آقاي مستنصر السلطنه شرحی جامع از پیدایش ملل ودول واحزاب متشکله سیاسیه انها نگاشته آمده بود . ووعده شده بود که درآینده هم شرحی سودمندانه درباب تشکل حزاب سیاسی براي سعادت حال واستقبال وطن عزیز ماایران مرقوم دارند . اینک حسب الوعده شرح وافیه ذیلرا باداره مافرستادەاند که مفتخرانه باندارجش میپردازیم .

. . چنانکه درمقالهٔ سابق توضیح شده است درممالك راقیه اختلاف عقاید سیاسیون وتحزب افراد ازدوفکر مهم اساسی تولید میشود یعنی این اختلاف وتحزب یادرسر تعیین شکل حکومت است یاراجع بوسائلی است که براي ادارهٔ حکومت مقتضی میشمارند .

درممالك محروسهٔ ایران قاطبهٔ طبقات ملت ـــ




# SOCIAL COMMUNICATIONS IN IRAN

HAMID MOWLANA

PROFESSOR & DIRECTOR OF INTERNATIONAL COMMUNICATION STUDIES

THE AMERICAN UNIVERSITY

WASHINGTON, D. C.

COLLEGE OF MASS COMMUNICATIONS PUBLICATIONS

TEHRAN-IRAN

1979